"Pārsiyān Ahli Ketāband"

Being the Irani version of

Prof. S. M. Taher Rezvi's

"The Parsis: A People of the Book"

Translated by—**Prof. M. A. Mazandy**

Published by THE IRAN LEAGUE,

Bombay, India.

A. D. 1936.



THIS PERSIAN TRANSLATION OF

"THE PARSIS: A PEOPLE OF THE BOOK"

IS REVERENTLY

DEDICATED

TO

THE HOLY FAROHARS OF THE UNIVERSE

"We praise the benevolent, bold, propitiating Fravashis of the Holy Souls."

پارسیان اهل کتابند

تحقیق مختصری در آئین زرتشت نظر به اصول و
عقاید توراة و انجیل و قرآن مجید

تالیف

س. م. طاهر رضوی ام. ا کلکته - هند

ترجمهٔ

پرفسر م. ع. مازندی

بمبئی (هند)

۱۹۳۶ مسیحی

از طرف انجمن ایران لیگ در بمبئی
طبع و نشر گردید

مؤلف کتاب در زبان انگلیسی

پرفسر اس. ام. طاهر رضوی ام. ا.

مدرس زبان ایرانی در دارالفنون کلکته هندوستان



The Author of "The Parsis: A People of the Book"

Prof. S. M. Taher Rezvi,

Lecturer in Persian, Calcutta University.



این ترجمهٔ پارسی

کتاب

«پارسیان اهل کتابند»

با نهایت احترام هدیهٔ

فروهرهای پاک جهان گردید

اشائونام ونگئوهیش سورائو سپنتائو فراوشیو یزمیده

(روانهای پاک و نیک خواه جهان را ستایش مینمائیم)

INTRODUCTION ON BEHALF OF THE "IRAN LEAGUE."

When "The Parsis—A People of the Book" was published in 1928 in English, by the well-known Moslem scholar Prof. **S. M. Taher Rezvi** of the Presidency College, Calcutta, it was warmly received by all lovers of Iran and by the Parsis, who are desirous of closer confraternity between their Community and the Iranians residing in their ancient Fatherland. And the reviews of that work which appeared in the press also were very encouraging. So, that great Iranist and propagandist, the late lamented **Mr. Ardeshirji E. Reporter,** wrote from Teheran, emphasising the necessity of having this excellent work translated into Persian, for the benefit of those Iranians who were anxious to acquire a precise knowledge of the religion and history of their pre-Islamic forefathers. The "**Iran League**" was willing to undertake the work at once, but as the necessary funds could not be secured early, some delay occurred This difficulty however, was averted at last by a much welcome and generous donation of Rs. 1000/- from one of the well-wishers of the League, a silent sympathiser of the cause of Iran residing at Ahmedabad (India), who wishes to be anonymous, and whose generous purse is always available whenever it is appealed to by the League for pushing forward its activities. This Persian version is dedicated, according to the

مترجم این کتاب از زبان انگلیس بزبان ایرانی

دانشمند ادیب پرفسر مازندی



Prof. A. Mazendy,

The translator of the Iranian version.

greatness and truth of the Holy Faith of their common ancestors, which was taught to mankind by the geatest Iranian Soul, the Righteous **Zārā-thushtrā**, must be brotherly, lasting and fruitful of mutual benefit.

KAIKHOSROW A. FITTER,
Secretary,
THE IRAN LEAGUE.

THE IRAN LEAGUE,
Navsari Bldg., Hornby Rd.,
Bombay, 1st November 1935.

wishes of the anonymous donor: "To the Holy Farohars of the Universe."

The League is very grateful to the learned author Prof. Rezvi for readily granting permission for the publication of a Persian version of the work. The League is also gratified to learn that Prof. Rezvi's name was recommended to the Iranian Government on account of this work of his, for the honour of being invited as a delegate to the "Firdausi Millenary Conference" at Teheran, where renowned scholars from all the world over had been invited in October 1934. The League is also glad to learn that an Urdu version of this work is also being prepared for publication.

The League is thankful to Prof. M. A. Mazandy of Mazendran, who has very carefully and intelligently prepared the Persian rendering, which is given in this book. He has taken very great pains to render the book interesting to the reader. It is confidently hoped, therefore, that this fine rendering will go a long way in effecting a complete rapprochement between the Iranians and the Parsis, living over the globe, while that is already in the process of being accomplished for several years past, especially under the just, benign and powerful sovereignty of **His Imperial Majesty Reza Shah Pahlavi,** whose long and prosperous rule, the Iranian people and the Parsis of the world fervently pray for. A fellowship established on a correct knowledge of the

دیباچه

از طرف انجمن ایران لیگ

هنگامیکه کتاب "پارسیان اهل کتابند" (تألیف
فاضل معروف مسلمان س. م. رضوی طاهرزاده پرفسر
پرزیدنسی کالج کلکته) در سال ۱۹۲۸ بزبان انگلیسی
انتشار یافته عموم دوستداران ایران و خصوص پارسیان
که مایل به ارتباط و مناسبت نزدیکتری میان جامعهٔ
خود و ایرانیان ساکن وطن نیاکان قدیمشان میباشند
انرا بحسن استقبال تلقی نمودند از طرف دیگر نظریات
منتقدین کتاب مربور که در جراید و مطبوعات انتشار یافته
نیز بدرجهٔ مشوق و امید بخش بوده که هوا خواه و
مروج بزرگ ایران مستر اردشیر ای. ریپرتر فقید
در مراسلهٔ خود از تهران لزوم ترجمهٔ این کتاب نفیس
را بفارسی تأکید اکید نموده تا اینکه ایرانیانیکه شوق
مفرط به تحصیل اطلاعات دقیقه در خصوص آئین
و نیاکان پیش از اسلام خود دارند از این کتاب
بهره مند شوند اگرچه انجمن ایران لیگ میل مفرطی
در اقدام فوری باین کار داشته ولی چون مصارف لازمه

بیانات و دقایق علمی و اصطلاحات فنّی جلب توجه خوانندگانرا کاملاً خواهد نمود وثوق کامل انکه این ترجمه نفیس در تجدید ارتباط نامه میان ایرانیان و پارسیان تمام عالم نتیجهٔ صحیحی خواهد بخشید اگرچه در ظرف این چند سال اخیر مخصوصاً در تحت توجهات کامله و قدرت مطلقه و عدالت تامهٔ اعلیحضرت رضا شاه پهلوی (که دوام دولت و بقاء سعادت اورا عموم ایرانیان و خصوص پارسیان عالم از دل و جان خواهانند) این علاقه و ارتباط ذات البین روز افزون و مرحلهٔ تکمیل را می پیماید ولیکن این ترجمه بی شبهه مؤیّد و مؤکّد ان خواهد گردید البته انس و الفت و خلطه و معاشرتیکه اساس ان معرفت بزرگی و عظمت و صدق و حقانیت ائین پاك نیاکان مشترکشان است که بزرگترین روح ایرانی زردشت درست کردار بنوع بشر آموخت باید برادرانه و پایدار و مثمر ثمر از برای طرفین باشد

کیخسرو ـ ا. فیتر
دبیر انجمن ایران لیگ

ایران لیگ
نوساری بلدینگ هاربی رود
بمبئی اول نومبر ۱۹۳۵

زود بدست نیامده بود انجام این کار چندی بعهده تعویق افتاد اما بالاخره این اشکال بسبب مبلغ هزار روپیه بخشش بجا و کریمانهٔ یکی از خیرخواهان بی ریای ایران مقیم احمد اباد که طالب نام و نشان نیست و کیسهٔ فتوّتش همیشه از برای ایران لیگ در ابراز فعالیت خود در صورت تقاضا باز است بر طرف شده و این ترجمهٔ فارسی موافق دلخواه این راد مرد هدیهٔ پیشگاه فرو هر عالم گردید انجمن ایران لیگ از مؤلف دانشمند پرفسر رضوی ممنون است که بدون مضایقه اجازهٔ ترجمهٔ این کتاب را بزبان فارسی و نشر انرا مرحمت نمود

ایران لیگ نیز خشنود است که نام پرفسر رضوی بسبب تالیف این کتاب بدولت ایران معرفی شده در دعوت به کنفرانس جشن هزار سالهٔ فردوسی در تهران با فضلای نامور تمام دنیا بعنوان نمایندگی در اکتوبر ۱۹۳٤ شرکت داشته باین بافتخار سرافراز گردید

ایران لیگ از پرفسر م. ع. مازندی (بابلی) مازندرانی متشکر است که در ترجمهٔ این کتاب بذل توجه و صرف فکر نموده بسبب سلاست عبارات و متانت

و معارف اسلامی که همیشه محسّنات واقعی ادبیات و تعالیم سایر ملل را که اسلام با انها تماس داشته قدردانی مینمایند موافق است — آشنائی من با آقا رضوی در شش سال پیش از این در اول ورود ایشان بمدرسهٔ پرزیدنسی کالج شروع شده و پس از چندی فریفتهٔ شدّت ذکاوت و میل مفرط ایشان به تتبع و استقصاء کردیدم از این کتاب حاضر که بر هنر و فضل او گواه بلیغ و شـاهد فصیحی است چیزهائیکه از او انتظار و توقع داشته بودم بصدق پیوست

امیدوارم که عموم مسلمانان بنظر دقت در این اوراقیکه انباشته از اطلاعات و پر از اشارات است نگریسته قدر و قیمت دین زرتشت پیغمبر را که تا این اندازه در تصورات فکریه و نظریه و مخصوصاً در بسط و توسعهٔ تصوف باسلام کمك و مساعدت نموده است کما ینبغی بدانند

بعقیده من لازمهٔ ایتلاف اقوام و امم و رفع تعصبات دینی و مذهبی در هندوستان این است که پیروان ادیان مختلفه و فرق متفاوتهٔ این مملکت قدر و

تقریظ

(شمس العلماء م. هدایت حسین)

من بنده این اوراق را که از اثر خامه مؤلف نوجوان ما آقا سید محمد طاهر رضوی ام. ا. میباشد خوانده نهایت محظوظ شده ام آقای رضوی خلف بلاواسطهٔ میر غلامحسین طباطبائی است که کتاب سیرالمتأخرین تالیف ایشان (مورخه ۱۷۸۰ عیسوی) بهترین کتابی است که در عصر جاری در تفصیل طلوع سلطنت انگلیس در بنگال نوشته شده است شبههٔ نیست که آقای رضوی بهرهٔ واقی از قریحهٔ تاریخی جدّ نامدار خود میراث برده و کتابی مشحون و مملو از معلومات تألیف نموده است اهتمام وسعی ایشان در تألیف این کتاب نهایت شایان تقدیر و سزاوار تحسین است زیرا که انچه از خامهٔ ایشان تراوش نموده درباره ملّتی است که متأسفانه همکیشان او اطلاع چندانی از آن ندارند از این جهت تألیف ایشان کاملاً با روحیّات بهترین علوم

به

ایران لیگ

در قدردانی از خدماتیکه از
برای استحکام روابط دوستی درمیان
پیروان ادیان مختلفهٔ مقیم ایران و
هندوستان مخصوصاً ما بین مسلمانان و
زرتشتیان بعرصهٔ ظهور رسانیده این
تألیف محقر ابراز گردید

از طرف مؤلف

منزلت علوم و ادبیات و حرمت و رعایت اصول ادیان،
یکدیگر را منظور نمایند لازم باظهار نیست که آقای رضوی
در کتاب خود موسوم به "پارسیان اهل کتابند" مجمع
مشترکی را که در ان پیروان پیغمبر ایران و پیغمبر اسلام
بتوانند یکدیگر را تلاقی نموده تبادل افکار در خصوص
عقاید دینی و امور اجتماعی خود بنمایند فراهم نموده است

م. هدایت حسین
پرزیدنسی کالج
کلکته
دویم دسمبر ۱۹۲۷

دیباچه

قریب به دو سال پیش بخاطرم خطور نموده که کتابی در بارهٔ آئین پارسیان نظر بمقایسهٔ ان با سایر ادیان تالیف نمایم هرچند غور و تعمّق در دینیکه مربوط بمن نبوده بسیاری از دوستان مؤمن و متشرع مرا دربارهٔ من بدبین نموده لیکن من انرا منبع لذّات معنوی و روحانی یافته همیشه از ان محظوظ میشدم احادیث و روایات بسیار و موثقی که از یك ملت بزرگی ـ پیروان شخص لبیب ایران باستان ـ تاکنون باقی مانده جلب توجه من نموده و مرا بر ان داشته است که کتابی به ترتیب کنونی تألیف نمایم

با چنان گرفتاری و زحمتهائیکه هرکس دچار انها بوده و با ان صدماتیکه مرا احاطه نموده اندیشه این طرح ادبی نیز مرا گاهی آسوده نگذاشته تا اینکه یك روز جدّاً خامه برداشته و به نوشتن این نامه پرداختم پس از روی دقت در صدد تفحّص و تحقیق مواد

م. م. حق ام. ا. پرفسر پرزیدنسی کالج کلکته را که مرا
در تمام مدت با پند و تشویق خود مساعدت نموده است
شکرگذار هستم

من خود را ممنون مرحمت پرفسر داکتر ایرج ج. اس.
تراپوروالابی. ا. که مرا به اعضای انجمن ایران لیگ بمبئی
معرّفي و در انتشار این رساله تشویق زیاد نموده است میدانم

فریضهٔ ذمه خود میدانم که تشکرات خود را
تقدیم سرهرمزجی کاوسجی دینشاه عدنی که مرا در مدت
طبع و نشر تشویق به ارسال و مرسول مینمود داشته
و از برای کمکی که به من وعده داده اظهار
امتنان نمایم

گاهی مهربانی مرحوم مغفور مستر نوروزجی ج.
اوجانی اهل نوساری و اهلبیت او را که بی تعارف مرا از
عادات اجتماعی پارسیان امروزه مطلع نموده اند فراموش
نخواهم نمود

نهایت خشنودم که کتابخانه امپیریل کلکته و کتابخانهٔ
کلکته مدراس و کتابخانه پرزیدنسی کالج و کتابخانه

اصلیه این آئین برآمده در ادبیات اخیر هم که در این موضوع از روی دقت نوشته شده است تتبع مینمودم

هیچکس مرا در کشیدن این نقشه بیش از پدرم که ـ خود بمطالعهٔ دقیق و عمیق ادبیات اسلامی علاقه مند بود ـ با کبرسن همدردی و دلسوزی مفرط و شوق و حرارت زیادرا ار دست نداده بود تشویق و ترغیب ننموده از این جهت مرا مرهون منت خود فرمود زبان من ار اظهار امتنان از دوستم مستر حمیل مطهری الکاظمی که درتمام مدت اقدام من در تألیف این کتاب مرا تشویق مینمود و ار خیرخواهان حودم ا. اس. قریشی و اس اس. حسین قاصر است

افتخار دارم که نام پرفسر عالم شمس العلماء خان بهادر مستر هدایت حسین فیلسوف اف. ا. اس. بی. را که اقدامات اولیهٔ خود را در موضوع تفحص و تتبع از او آموخته ام بر زبان بیاورم تشکر صمیمانه خود را تقدیم مولانا سید محمد حیدر صاحب عالم نامور بی. ریا و آقا محمد کاظم شیرازی پرفسر دارالفنون کلکته که از روی مرحمت مطالب مهمه راجع به تمدن قدیم و جدید ایران را ار برای من شرح داده اند مینمایم معلم عالم من پرفسر

٥

اگرچه مقصود از تألیف این کتاب جز مقایسه چهار دین بزرگ عالم (دینهائیکه معتقد به یگانگی خدایند و جزا و چیزیرا نمی پرستند هرچند بمرور زمان بعضی خرابیها در انها راه یافته است) نبوده لیکن چنانچه معلوم خواهد شد انحصار به تحقیقات دینی نداشته بلکه راجع به ترقی و تربیت ملتهائیکه تاریخ عالم حقیقتاً معلول وجود ایشان است بسیاری از اطلاعات مفیده را هم دارا است

ط. رضوی

حسین اباد
(پالامو)
نومبر ۱۹۲۷

مشهور خدا بخش در پتنا (بانکیپور) چنانکه از رجوع من بانها در این کتاب معلوم میشود در اختیار من گذاشته شده و هر اندازه که خواسته بودم از انها بهره مند شدم

چونکه زبان انگلیسی زبان مادری من نبوده گاهی از اوقات در بعضی از فقرات و عبارات بفهم خود اعتماد نداشتم از این جهت از پرفسر ج. کار ام. ا. سیتی کالج در کلکته نهایت ممنونم که در تصحیح کتاب من لطفاً مرا کمك نموده است

تشکرات صمیمی خود را از آقایان اس.آر. بلخی بی. ا. و م. هدایت الله ام. ا. بی. ال. و ا. نجیب اشرف ام. ا. و ا. ام سلیم الله بی. ا. که در این مبحث مخصوص از رساله من بعضی از منابع مهمه را بمن تذکر داده اند واجب التّقدیم میدانم از مستر فریدون بی. انتیا بچلر آو کامرس بمبئی که لطفاً دیباچهٔ این کتابرا تهیه کرده است ممنونم

افسوس که دوست من مرحوم نورالهدیٰ بی. ا. که پیوسته مرا در ابتدا کمك مینمود امروز زنده نیست که این کتابرا بصورت تمام و کمال ملاحظه نماید

مندرجات

قول داکتر مکلاخ ـ نظریات داکتر سر اقبال راجع به دو گوهر توأم مذکور در کلمات زردشت موضوع بحث گردید ـ نقل قول داکتر ویلیم کینگ و شمس العلماء شبلي ـ نقل قول پرفسر فارنل ـ زردشتیها معتقد به دو خالق از برای عالم نیستند ـ گوهر شر همان شیطان قرآن مجید و کتب مقدسه است ـ اهمیت وجود شر ـ طبیعت پر از اضداد است ـ خدا علت گناهان بندگان نیست ـ انسان باید بحکم عقل رفتار نماید ـ خدا آفریننده خوبی است ـ شر منشأ مستقل دارد ـ انسان بسبب کارهاي بدش تولید شر میکند ـ خدا هر کس را آگاه نموده که از راههای بد اجتناب نماید ـ زردشت دو وجهٔ طبیعت را بیان نموده است ـ این عقیده باقتضای زمان و مناسب حال مملکت بیان گردید ـ ثنویهٔ زردشت جز بیان کارهای خدا و شیطان چیزی دیگر نیست ـ شرح نور و ظلمت ـ نقل قول شهرستانی ـ رسالت پیغبر مبعوث از جانب خدای تعالي موضوع بحث واقع گردید ـ مثال از برای دو گوهر توأم زردشت ـ تطبیق این دو گوهر با روشنی و تاریکی و راستی و دروغ و زندگی و مرگ ـ بحث در این موضوع از نقطه نظر

نمودن عادات هندوها در پارسیان هند ـ در توضیح
وصلت با اقربا ـ نظریات داکتر مولتن ـ فقط وصلت
با عمو و دائی زاده ها و عمه و خاله زاده ها ـ نقل
از دایرة المعارف دین و اخلاق ـ بیانات هرودوتس
راجع بسئوال کمبیسوس از بابت عملیکه به پارسیان
نسبت داده اند ـ نقل قول را ولینسن ـ این ائتلاف
ناشایستهٔ که به پارسیان نسبت داده اند درمیان
مصریان و یونانیان و اهالی رم و سایرین معمول
بود ـ نقل اقوال اروپائیان که سندیت دارد ـ همیشه
سلاطین و روسای روحانی این دین مانع وقوع بی نظمی
درمیان مردم ایران بوده اند ـ زیست پارسیان هند
در تحت هدایت کامل روحانیین خود ـ زردشتیان
ایران در تحت نظم و نسق روحانیین بومی بودند ـ
گاهی اثری از این عملی که بانها بسته اند دیده
نشده است ـ به کتاب "ایران گذشته و کنون" تالیف
جکسن رجوع شد ـ نقل قول زافین راجع به تمدن
ایران قدیم ـ توضیح کلمهٔ خائتوادات ـ
فقط از دواج درمیان خویشان ـ رجوع به
کتاب مشهور داکتر پشوتن سنجانا در این موضوع ـ

کتب مقدسه و قرآن مجید ـ شر در تحت قدرت الهی
است ـ کشمکش شیطان بپایان خواهد رسید ـ وجود
شیطان از برای آزمایش اعمال انسان ضرور است ـ
زردشتیها هرگز به دو خدا معتقد نیستند ـ هیچگاه
اهریمن را تعظیم و احترام ننموده اند ـ باب سی و یکم
یسنا ـ ائین زردشت روحاً خود مبلغ خود میباشد ـ این
عقیده در ممالك بعیده موعظه و تبلیغ گردید ـ معرفت
خدای تعالي و تصور عالم بعد در آئین زردشت ـ تطبیق
با عقاید مربوط به مکاشفهٔ مذکور در کتب مقدسه ـ
مؤثر واقع شدن این تعالیم در دین یهود ـ نقل اقوال
سر کلنت مارخام و ریت اربل امیرعلی ـ یسنا باب چهل
و پنجم موضوع بحث واقع گردید ـ کارهای خوب ممدوح
است ـ پرستش آفرینندهٔ پاك بزرگترین مقصود این آئین
است ـ تعالیم زردشت مطابق است با تعالیم ادیان سماوی
عالم ـ از یشتها و مضامین انها بحث شده است ـ در
سنوات بعد خیالات تازهٔ در این آئین داخل گردید ـ
پارسیان فرشتگان و ملائکه مقرّبین را نمی پرستند
بلکه فقط احترام بانها مینمایند ـ آداب مقرّره در
یشت ـ نقل قول مؤلفین فارسی و اروپائی ـ اثر

شده است ــ نقل آیات قرآن مجید ــ پیغمبران
در هر مملکت و هر عصر و بزبان هر قوم فرستاده شده اند ــ
گفتار نیك و کردار نیك و پندار نیك را تمام مصلحین
و پیغمبران خدا آموخته اند ــ تعالیم پیغمبر ایران
نظیر تعالیم سایر پیغمبران است ــ زردشتیان هنوز
متمسك بهمان اصول و قواعد ند ــ نقل قول رورند میجل ــ
راجع بمعرفت خدا اوستا با قرآن مجید مطابق است ــ
نقل قول یکنفر رئیس روحانی پارسی راجع باعتقاد
پارسیان بخدا ــ نظیر این عقاید را جانشین های پیغمبر علی
و امام جعفر صادق بیان نموده اند ــ صفات خدا که در
کتب مقدسه پارسیان شمرده شده است ــ موافقت آنها
با انچه که در کتب مقدسه و قرآن مجید ذکر شد ــ نقل
قول داکتر دالا ــ بت پرستی بعقیدهٔ پارسیان بزرگترین
گناهان است ــ بت پرستی هیچگاه در ایران نبود ــ نقل
قول هیرودوتس ــ تفوق زردشتیان بر مسیحیان در این
تعلیمات ــ نقل قول پرفسر فارمل ــ آیات قرآن مجید
راجع به نبوت نقل شد ــ نقل قول خواجه کمال الدین
راجع به نبوت زردشت ــ قرآن مجید و رفتار مسلمانان
و ملت یهود و نصارا و زردشتیان ــ خداوند در روز

نقل از دائره المعارف دین و اخلاق ـ آداب میّت درمیان زردشتیان ـ رسم و عادت پیش از زردشت ـ قبر سیروس و داریوش ـ قاعده و قانون مغها ـ نقل اقوال فضلاء اروپائی و پارسی ـ اهمیت نداشتن سوزاندن مردگان درمیان مسیحیان ـ نقل قول مونیرویلیمز ـ عدم صحت یشتها و ترجمه انکلیسی آنها ـ

ملت پارسی ملت خدا پرست است ـ قدس و تقوی اصول عمدهٔ آئیین زردشت است ـ زند اوستا تاکید از بابت کردارهای نیك انسان مینماید ـ راستی اساس تمام فضایل قرار داده شده است ـ درستکاری بهترین رویه انسان است ـ خیرخواهی درباره عموم بنی نوع ـ نقل قول خواجه کمال الدین راجع به کارهای شرافتمندانه پارسیان ـ استشهاد از آیات قرانی از بابت نتایج مفیده اعمال خوب ـ عقیدهٔ پارسیان به یك خدا و به معاد ـ زردشت یکی از پیغمبران مبعوث از جانب خداست ـ ذکر آیات قرانی راجع باعتقاد عموم ناس ـ پرداختن بکارهای خوب و اجتناب از کارهای بد حکم

عمدهٔ خلقت است ـ عدالت خدا ـ ملائکه و فرشتگان بزرگ دین زردشت مانند فرشتگان تمام ادیان الهی است ـ نقل قول شمس العلماء مدی ـ دفاع داکتر مولتن اغراق پارسیان را در موضوع فرشتگان ـ وجود چنین امر موهون در میان مسیحیان ـ دفاع بیشتر از طرف مؤلف ـ در تطبیق گاتا ها و یشتها ـ تغییر و تبدیل یافتن قواعد عمدهٔ این دین تغییر و تبدیل یافته است ـ اهمیت زهد و تقوی درمیان زردشتیان ـ خصایل حمیدهٔ زنان پارسی ـ نقل قول لارد امپیتل ـ رجوع به دایرة المعارف دین و اخلاق ـ درستکاری درمعاملات و انفاق صدقات و خیرات پارسیان ـ نقل قول خواجه کمال الدین ـ داریوش بزرگ پادشاه ایران همان ذوالقرنین است که در قرآن مجید مذکور است ـ مذاکرهٔ مفصل راجع بکتب مقدسه و قرآن مجید و سایر مأخذ هائیکه ممکن است بدست آورد ـ به کلمات خلیفه علی که یکی از اخباریین بزرگ شیعه نقل میکنند رجوع شده است ـ داریوش پادشاه ایران همان ذوالقرنین مذکور در قرآن مجید است ـ داریوش زردشتی صمیمی است ـ موافقت کامل تعالیم زردشت با تعالیم قرآن مجید ـ موعظه در توحید ـ اعتقاد به

قیامت درمیان آنها حکم خواهد فرمود ـ اصول اسلام ـ
پیروان تمام ادیان الهی مسلم هستند ـ استشهاد از آیات
قرآن مجید در این باب ـ نقل اقوال شمس
العلما سید نجم الحسن یکی از فقهاء بزرگ شیعه و سرسید
احمد ـ معتقدین بخدا و روز جزا و نیکوکاران مأجور
و مصاب خواهند بود ـ تعریف مسلم و محمّدی و نسبت
اعم و اخص مطلق میان این دو ـ زردشتیان یك ملت
خدا پرست حقیقی هستند ـ هرگز آتش پرست نیستند ـ
نقل قول داکتر مولتن ـ آتش حقیقتاً دارای قوه فوق
قوا درمیان عناصر طبیعت است ـ تصور زردشت از
بابت آن ـ در کتب مقدسه و قرآن هم موجود است ـ
نور و آتش از آیات الهی هستند ـ اشاره به اغراق و مبالغهٔ
زردشتیان در این باب ـ نقل قول مستر نریمان ـ
وجود چنین وهن در میان مسلمین ـ نقل قول مولانا
شبلی ـ ثنویّت زردشت ـ رجوع به کتب مقدسه
و قرآن مجید ـ یکسان بودن عقیده راجع بخدا
و شیطان در تمام ادیان ـ تثلیث مسیحیان موضوع
بحث قرار داده شده است ـ قرآن مجید انها را
در زمرهٔ اهل کتاب شمرده است ـ خوبی و بدی مسئله

حشر و نشر ـ عقیده به رستاخیز از دین زردشت گرفته شد ـ نقل قول امیرعلی ـ عقاید راجع بملائکه و کرو بین منشاء‌ش دین زردشت است ـ نقل قول داکتر مدی ـ سشیوس و مهدی موعود ـ بسخن امیرعلي رجوع شد ـ کرام الکاتبین مسلمین و ملائکه نظیر انها در دین زردشت ـ پل چینواد و پل صراط ـ بهشت و دوزخ ـ اعتقاد به اعراف ـ قصه خلقت و اصل و نسب انسان وغیره در داستان زردشتیان نظیر همان قصص و حکایاتي است که در قرآن مجید و کتب مقدسه مذکور است ـ نقل قول البیرونی ـ زردشتیان کیومرث را آدم اول میدانند ـ قصه وسوسه شیطان آدم را در این دین هم یافت میشود نوح همان جمشید است ـ کیقباد پادشاه و سلیمان پیغمبر ـ نقل قول طبری ـ سلیمان چندین بار پادشاهان کیان را در جنگ تورانیان کمك کرد ـ زردشت را همان ابراهیم پیغمبر میدانند ـ نقل قول میرخوند و شهرستانی ـ زردشت دین قدیم اریائیها را اصلاح کرد ـ نقل قول امیرعلی ـ اصلاحات زردشت سبب شد که ایرانیها از اریائیها جدا شدند ـ رجوع بقول ماکس مولر ـ نقل قول داکتر محمد اقبال ـ معیّن نبودن تاریخ حیات این پیغمبر

و دبیل - نقل قول ملا محمد باقر مجلسی فقیه و اخباری بزرگ شیعه - علی مغها را اهل کتاب میدانست - پیغمبری بر انها مبعوث و کتابی از برای انها آورده شد - رجوع به قول یکنفر دیگر از فضلاء شیعه - نقل قول مؤلف نزهة القلوب - نظر مرحمت پیغمبر دربارهٔ مردمان ایران - پیغمبر اسلام افتخار نمود که در زمان سلطنت پادشاه عادل انوشیروان متولد شد - نقل قول مؤلف مجالس المؤمنین - سلمان فارسی در نظر پیغمبر نهایت محترم بود - و در عداد اهلبیت پیغمبر داخل بود - نصیحت سلمان به پیغمبر در جنگ خندق - نزول آیه بر پیغمبر در وقتیکه مغها را از اهل کتاب میشمرد - محمد همیشه دربارهٔ کسانیکه مسلمان نبودند بردباری مینمود - تبلیغات او مقرون بصلح و سازش بود - نقل قول یکنفر اخباری بزرگ سنّی شاه عبدالحق - خشمناك شدن پیغمبر از رفتار ستمکارانه خالد بن ولید دربارهٔ یك طایفه نا مسلمان در مدت ادای ماموریت خود - یهود و نصاری و زردشتی در مدت خلافت خلفای دورهٔ اول در ادای مراسم دینی خود آزاد بودند - بکتاب الخراج قاضی ابو یوسف مراجعه شد - قول شبلی نقل شد - بردباری

وعظ و تبلیغ ننمود - نقل قول پرفسر نیکالسن و پرفسر ارنالد از بابت اینکه با زردشتیان در اوایل اسلام بعنوان اهل کتاب رفتار مینمودند ـ نقل قول مسعودی ـ مسلمانان متعرض آتشکده ها در ایران نشدند ـ دبستان المذاهب و تفاصیل مذکوره دران راجع به متصوفین و اولیای دین زرتشت ـ روضة الاحباب الفخری و کتاب « روح اسلام » - فتح ایران فقط بسبب امر سیاسی بود - تا چه درجه این فتح مقرون بصواب بود مسئله دیگری است ـ مسلمین موافق ترتیب ساسانیان حکومت ایرانرا اداره میکردند - بردباری خلیفه عمر - نقل قول مستر بریهان - حزم و تدبیر خلفاء - نقل قول سر ویلیم مویر - با زردشتیان بعنوان اهل کتاب سلوک مینمودند - نقل قول بخاری - پیغمبر بسبب اینکه مغها اهل کتاب بودند جزیه از انها قبول نمود - نظریات امام شافعی و ابو حنیفه ـ نظریات خلیفه علی در مساعدت با مغها ـ جزیه فقط از انهائی قبول میشد که پیرو پیغمبری و دارای یك کتاب آسمانی بودند - نقل قول بلادری - فرمایش پیغمبر در حسن سلوک با مغها - دستورالعمل او بحکام مسلمان عمان و بحرین و یمن

پیغمبر - رجوع به نهج البلاغه کلمات مبارکه علي - ظلمهای
رؤسای اخیر مسلمین - نظریات مولانا سلیمان ندوی -
حرص مسلمانان - نقل قول العباسی - قواعد جهاد اسلام
در غیر مورد استعمال شده است - نقل آیه قرآن مجید -
رجوع بکلمات شبلی و طبری - مقایسهٔ میان خلفاء
مسلمین صدر اسلام و آخرین رؤسای ترك و افغان
و مغول - حالت ایران درمدت خلافت عباسیان - ادبیات
دین زردشت جمع و ترجمه شده است - نقل از ابن ندیم
و مسعودی - التفات مخصوص مأمون به مغها - نقل قول
شبلي - مأمون بعلماء زردشتی احترام مینمود - بدرفتاری
نسبت به اهل ذمه درزمان خلافت آخرین خلفاء عباسي -
نقل از شبلي و امیرعلي - هجرت پارسیان از ایران
بهندوستان - مذاکرهٔ مفصل در این باب - افراط مسلمین
و خواهشهای خود پارسیان - نقل از داکتر مدی و مستر
نریمان - زردشتیان پس از غلبه اعراب در ایران
ماندند تا مدتی از طرف مسلمین ستمی بر آنها وارد
نیامده است - قول مسعودی و دیگران نقل شده است -
بسخنان مونیر ار نالد و سیکس و برون رجوع شد -
جلوس بنی امیه بر مسند خلافت - تعدی برنا مسلمانها -

خلیفه عمر ـ تأئید نظریات ابوحنیفه بردباری و مدارای با کفار ذمي را ـ مدارای علي ـ مسلم و نا مسلم در نظر اسلام یکسانند ـ خوش رفتاری عمر بامحبوسین ایرانی بعد از جنگ نهروان ـ شاهزاده شهر بانو دختر آخرین پادشاه سلسله ساسانیان ـ مزاوجت با امام حسین دخترزاده پیغمبر محمدؐ ـ نظریات پرفسر برون ـ رجوع به تاریخ الیعقوبی مورخ عرب در اوایل اسلام ـ نقل قول امیرعلي ـ نقل قول مستر نریمان ـ رجوع به قول ابن خلکان و زمخشری و ملا جامی ـ امام ابو حنیفه از نژاد ایرانی است ـ نقل قول شبلي ـ احترام امام به زبان فارسی و ایرانیان ـ یکسان بودن اهل ذمه و مسلم در نظر امام ـ بردباری علی مخصوصاً نسبت به مغها ـ نقل قول یکی از فضلاء نحریر شیعه مؤلف الکرار ـ احترام علي زردشتیانرا ـ بردباری پیغمبر ـ نفرین کردن پیغمبر کسانیرا که با اهل ذمه بد رفتاری نمودند ـ نقل قول سید امیرعلي و مولانا شبلي ـ بردباری علی نسبت به نصاری ـ علي و بسیاری از قرار داد های او با اهل کتاب ـ انتشار عهد نامه از طرف ایران لیگ بمبئی ـ نقل قول بلاذری ـ قرارادهای میان مسلمین و اهل ذمه در زمان حیات

زبان فارسی که زبان محکمه ها بوده تبدیل بزبان عربیه گردید ـ نقل از ابن خلدون ـ تعدیات عبدالملك و حجاج بن یوسف ـ آتشکده ها را خراب نمودند ـ عبدالعزیز یکی از خلفاء بني امیه حکم بعدالت دربارهٔ زردشتیان ایران نمود ـ فرقه های اسلام در اوایل ـ معتزلیّین و اشعریین نقل قول شبلي ـ حکومت استبدادی بنی امیه ـ خلفا اوایل عباسی و رفاهیت در زمان سلطنت آنان ـ ایران بواسطه حکومت داخلیه اداره میشد ـ سلسله طاهریه و صفاریه و سامانیه ـ سلطنت غزنویه ـ محمود غزنوی ـ فردوسی و شاهنامه اش ـ جلوس اتراك سلجوقیه بر تخت سلطنت ـ یورش مغولها ـ بلیه عظماء ـ تیمور و صدماتیکه بر ایرانیان وارد شد ـ سلسله صفویه ـ ترقی اوضاع ایران ـ مماشات شاه عباس با زردشتی و مسیحی و یهود ـ زوال سلطنت سلاطین صفویه ـ پیدایش نادر ـ ستمهای او ـ تأسیس کریم خان سلطنت سلسله زندیه را ـ رسیدن نسبش به سلسلهٔ از علماء قدیم زرتشتی ـ خاندان سلطنتی ملّی ـ سلاطین متنوّرالفکر ـ صدمه کشیدن از ایل قاجاریه ـ سلطنت قاجاریه ـ دست درازی آنها ـ تعقیب انها بابیها و بهائیها و سایر طوایف مسلمین را ـ بقتل رسیدن

"من آمن بالله و باليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم
اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولاهم يحزنون"

قرآن مجید سوره دویم و آیهٔ
شصت و دویم

پارسیان اهل کتابند

و بعضی آیات قرآن مجید در نمازهای یومیه در عوض زبان عربی بزبان فارسی تجویز شده است - احترامات ملّی به فردوسی و محبوبیتش در نظر عموم - نفرت او از اعراب - یك نفر ملت دوست غیرتمند - جنبش جدید زردشتیان در این سالهای آخر - جدیت فارسیان هند - عشق ایشان با یران - عواطف ملوکانه اعلیحضرت پهلوی - از حضیض ذلت به اوج عزّت رسانیدن ملّت امروزهٔ ایرانرا - سلسلهٔ جدید پهلوی - حکمفرمای تازهٔ ایران یعنی جای نشین حقیقی سیروس و داریوش

مقدمه

(از آقای جی. ك. نریمان)

و ترجمهٔ مبسوط پرفسر مازندی

چندیست که در کالبد بیجان ایران روان تازه دمیده و به پیکر ناتوان ایرانیان توان بی اندازه رسیده فرزندان پراکنده و پریشان میهن باردیگر در دامن مادر مهربان باهم آرمیده و برادران از هم گریزان با چهرهٔ خندان یکدیگر را در آغوش جان کشیده مهرخهر که از آشیانهٔ دل ها پریده بود دگر بار به لانه خویش جای گزیده و کاشانهٔ سینه از برای گنجاندن جامان بساط بیگانگان در نوردیده حس ملّی و قومی پردهٔ پندار و گمان (وهم و خرافت) را از هم دریده و اندیشهٔ بسنگي و خویشی ریشهٔ تعصّب و لجاج را از بیخ و بنیان بریده تاکنون چاوشان چندی از کاروان تمدّن ایران به هرسو دویده و مژدهٔ ناگهان خود را بگوش بیگمان جهانیان رسانیده اند هنگامیکه پیش آمدهای زمان و تقاضای دوران مارا از برای فراگرفتن تمدّن جدید

پوشیده و پنهان بود آشکار و نمایان گردید هنگامیکه
جمشید مارکر وهمراهانش از برای زیارت خاك نیاگان خود
در تهران بودند شنیدیم که ایرانیان جنبش تازهٔ نموده
میخواهند که از فرهنگ زبان پارسي و اژه هائیکه از ریشهٔ
زبان تازی است بیرون کشیده و واژه های سرهٔ پارسی
بجای آنها گنجانیده بلکه الفبای کهن و دشوار
اوستا را بجای الفبای تازی بکار برند در اثر این
روح تازه است که یکنفر شاعر مسلمان آقای پورداود
با مساعدت مالی پارسیان هند به ترجمه گاتاهای مقدس
بزبان فارسی و به تالیف کتب بیش آهنگ راجع به
جنبه های مختلف آئین زردشت پرداخته و شاعری مانند
عشقی در رستاخیز خود سابقاً مدلل داشته که مذاق
و مشرب ایرانیان تبدیل یافته است

انقلاب فکری وتغییرمسلك درامور عادی زندگانی
هم در ایرانیان دیده و شنیده میشود دبستان
زردشتیان شاگردان مسلمانرا با دل و جان پذیرفته
و پدران این کودکان هم بنوبت خود مایل و خواهانند
که فرزندانشان با جوانان زردشتی باهم تعلیم و تربیت یابند

باختریان بسوی جلو میکشاند جوانان ایرانی با دلهای
بینا و دیدگان درخشان بعقب برگشته روزگاران پیش
از پیدایش اسلام را مینگرند پدر و مادر فرزندان
کودکان نوزاد خود را بنام نامداران و دلاوران عصر
تاریخی و نیم تاریخی ایران باستان نام نهاده و دانایان
سخندان باستانی زردشت و جانشینانش را بچشم احترام
نگریسته توجه خود را بدانها معطوف داشته بلکه با
حرارت و حمیّت وطن پرستانه خود زردشت را پیغمبر
ایران خوانده و نامهٔ او را نامهٔ آسمانی میدانند
از مناقشات میان اولیاء امور قسطنطنیه و تهران راجع
به ولایتی که از تبلیغات روحانی زردشت متبرك گردیده
کاملاً آگاهیم ترکها پیغمبر ایران را که بومی سر
زمینی است (آذربایجان) که بجهات تاریخی زبان ترکی
درانجا معمول و رواج است پیغمبر خود دانسته و ایرانیان
خواه زردشتی و خواه مسلمان این رأی را سخیف شمرده
تورانی خواندن لبیب ایران را دور از عقل می پندارند
مهر نهفتهٔ ایران باستان که بار دیگر چون آتش فروزان
از کانون سینهٔ نوجوانان زبانه کشیده خرمن کالای
بیگانگانرا سوزانیده و کینهٔ دیرینهٔ تازیان که در سینه ها

ترغیب و تشویق نمینماید در اثر تأسی از عواطف و احساسات سرشار این پادشاه نسبت به ایران باستان است که محبت نهفته و پنهان روزگاران گذشته به شکلهای گوناگون آشکار و نمایان گردیده و جوانان ایرانی درپی تحصیل اطلاعات دینی و تاریخی قرون پیش ازظهور اسلام افتاده اند

جای بسی تبریك و تهنیت است که در اثر حسن جریانات مملکتی چند تن از مسلمانان هند در پی تحقیقات علمی حالات پیش از اسلام این مملکت بر آمده و درمیان آنان چون آقا سید محمّد طاهر رضوی در این میدان گوی سبقت از همکنان ربوده از این جهت زحمات ایشان را شایان تقدیر دانسته به سر هرمزجی کاوسجی دینشاه سرپرست انجمن ایران لیگ از برای کمك و تایید سفارش و توصیه نموده ام این رئیس کار آگاه هم درقسمت خود در بذل مساعدت دریغ ننموده و در نتیجه ان تألیف این کتاب با سرع وقت بانجام رسید

شاید پارسیان در خصوص روابط میان ایرانیان و إعراب و سلوك آنان نسبت به یکدیگر اطلاعات مفیدهٔ

محروم ساختن زردشتیان را از بهره و حظّ اجتماعي که
در برخی از جاهای ایران مخصوصاً در یزد وجود
داشته بود امروزه بکلی موقوف و ملغی گردید

روح عموم ملّت اهتمام وجدّیت شاهانهٔ اعلیحضرت
رضا شاه پهلوی را در تشریك مساعی با اهالي مملکت
درك نموده و در اثر کوشش و همّت این شهریار
عالیمقدار رعایای خارج از اسلام خصوصاً زردشتیان
با مسلمانان در تمام حقوق مدني در رتبهٔ مساوي قرار
گرفته اند قرآنیکه اعضای مجلس پارلمان از برای وفاداری
با پادشاه به آن سوگند یاد نموده بودند به ارباب
کیخسرو شاهرخ پارسي عضو کنکاشستان تهران سپرده
شده است قوانین جدید دولت حقوق عادلانهٔ به زردشتیان
ایران داده و مقام آبرومندی مانند آنکه پارسیان
هند درمیان سایررعایای هندوستان انگلیس از هندو
و مسلمان دارا هستند به ایشان بخشیده است تطمیع
مسلمان از برای آوردن غیر مسلمانی را به آئین اسلام
لغو و باطل گردیده و قانون میراث دیگر برادریرا از برای
غصب حق مشروع برادران خود به ترك آئین پدر و مادر

آقای رضوی چراغ تازهٔ فرا راه ما داشته و بسبب تدقیقات بکر خود که مبتني بر مطالعهٔ قرآن و احادیث و فرمایشات امام جعفر صادق و کلمات سر سید احمد و اقوال امام شافعی و آراء جمعی از فقها و مورخین میباشد ما را در پیشرفت در رشته بحث و فحص مساعدت نموده است آقای رضوی منشأ و مأخذ تحقیقات خویش را به مستندات عربی و فارسی منحصر ننموده بلکه این جوان محقق بأدبیات غرب هم که در زبان انگلیسی نوشته شده مراجعه نموده و شاید بسیاری از پارسیان بار اول است که بتوسط او کلمات فارنل را میخوانند درمیان تحقیقات ایشان به دو چیز مهم - یکی مجسّم ساختن مقصد شریفی است که مطمح نظر زنان پارسی است و دیگر عقیدهٔ به اینکه تعالیم زردشت مطابق مضامین قرآن مجید است - باید توجه خاص نمود رضوی با گلدزیهر و بلاچت در عقیدهٔ باینکه بسیاری از تعالیم مسلمانان مانند اعتقاد بروز رستاخیز وغیره از آئین زردشتی گرفته شده است موافق است شاید درچاپ دویم این کتاب مارا از عقیدهٔ خود راجع به آراء دکتر هرتل و مخالفینش در خصوص اینکه داریوش همان گشتاسپ و یا شخص دیگر است بهره مند نماید

که من در نوشتجات متفرّقه خود بانها اشاره نموده ام
از خواندن این کتاب بدست بیاورند بعلاوه دامنهٔ
مراجعه این کتاب وسیع و متضمن اطلاعات راجع به
ادبیات هر دو کشور همسایه میباشد گذشته از اینها
آقای رضوی اساس تازهٔ که از برای ان شایان تشکر
و امتنان کسانیست که در تاریخ گنج کاوی و تحرّی
مینمایند وضع نموده است امیدوارم که پارسیانیکه
اوقات خود را صرف مطالعه این کتاب مینمایند
به نظریات پیشوایان مهذب و قائدین منورالفکر مانند
خواجه کمال الدین و سید امیرعلی مشاور خاص سلطنتی
و شمس العلماء شبلی که از متجددین علماء اسلام بشمار
میآیند و همچنین بکلمات شمس العلماء دستور دکتر داراب
سنجانا و دستور دکتر دالا راجع به آئین زردشت آشنائی
کافی داشته و بعد بحال مؤلفین دیگر مانند طبری و بلادری
و مسعودي و بیرونی و فخری و حمزهٔ اصفهانی و بخاری
و ابوحنیفه و شهرستانی و ابن خلدون و قاضی
ابویوسف و یعقوبی و دیناوری و مسافرین بزرگ قرن
وسطی طبع گنج در خصوص این آئین معرفت حاصل
نموده اند

وقتی ویندادهرمزد را بامر خلیفه هرون الرشید بحضور آوردند خلیفه پس از ورود او تقاضای خریداری چند قطعه زمین ملکی او را از او نموده اما این ایرانی مغرور از فروختن املاك خود به خلیفه امتناع ورزید لیکن درباریان خلیفه در رفع سوء ظنّ و توضیح سبب چنین اظهار داشتند که شرافت نفس هرمز او را مانع گردیده که املاك خود را بعنوان فروش بخلیفه انتقال داده بلکه مایل است که انها را بر سبیل هدیه تقدیم خلیفه نماید از این رو خلیفه فرزند کهتر خود را نزد او فرستاده و ونداد هرمز پس از نشاندادن ان طفل را در دامن خود همهٔ آن زمینهائیکه از فروختن انها در وهلهٔ اول مضایقه نموده بود بان طفل بخشیده و هارون جوانمرد هم بنوبت خود بشاهزاده ایرانی یك ملیون درهم و یك کلاه زربفت گرانبها و یك انگشتری که مخصوصاً سبب خوشنودی خاطر او گردیده به او هدیه نمود

شرح خوش بینی و طرفداری مورخین مانند یعقوبی و دیناوری از کارهای ایرانی در کتاب پرفسر برون مذکور است تاریخ و داستان (رمان) جرجی زیدان منظرهٔ

در بسیاری از جاهای این کتاب آقای رضوی رعایت و ملاحظهٔ را که حضرت علي درباره زردشتیان فرموده مهم دانسته و ستم و خونریزی رؤسای اخیر مسلمانان و تعدی حجاج بن یوسف را یاد آوری کرده و ازشرح اذیتهائیکه سلاطین قاجاریه به زردشتیان نمودند فرو گذار ننموده است درمیان مباحثی که زمینه مشترك از برای همدستی و مشارکت پارسی و مسلمان با یکدیگر است شهادت رضوی است بر اینکه فقهای مشهور اسلام علاقه مفرطی بزبان پارسی پیدا نموده اند صحنه دیگری که دران مسلمانان ایران با زردشتیان دوش بدوش همدیگر ایستاده صحنه سیاسی است که همه ایرانی نژادان و یا کسانیکه عاطفه و احساسات ایرانیت دارند ظهور عصر جدید خاندان آزاد و متجدد پهلویرا دران خوش آمد و تهنیت میگویند آقا رضوی مؤسس این خاندان را جا نشین واقعی سیروس و داریوش میداند

روابط میان خلفا و شاهزادگان ایرانی را که بیشتر از ایشان غالباً در سیاست آزاد و گاهگاهی در دین بی طرف بودند از واقعهٔ ذیل میتوان قضاوت نمود:—

در خصوص این مقام ذکر نمائیم در داستان عنتر که در هشت مجلد (مخالف اصول علمی) طبع شده و مولوی صورتی کتاب فروش معروف بمبئی انرا لطفاً بمن عاریه داده فصل مشبعی راجع به دربار ایران و مخصوصاً آتشکده نگارش یافته که تفصیلات دقیقه انها بما نشان میدهد که اعراب تا چه درجه تمدن و تربیت ایرانیان را پسندیده و فرق و تفاوت چندانی مابین مراسم و آداب دینی زردشتیان انزمان با اعمال امروزهٔ ایشان قائل نشده اند

اقای رضوی بسیاری از منابع موثقهٔ که اشاره به پایگاه بلندیست که اسلام دربارهٔ آئین زردشت قایل گردیده ذکر نموده است در هیچ کتابی جز در ملل و نحل این همزه ـ در جائیکه مفصلاً مینویسد که زردشت بعقیدهٔ بیشتر از مسلمانان پیغمبر بوده ـ مقام پارسیان واضحتر بیان نشده است (صفحه ۱۱۳)

عادت ما پارسیان بر این قرار گرفته که فردوسی را بسبب حس و حرارت و غیرت و حمیت ملی او آفرین و تحسین نموده ولی به مسلمانانیکه در نامه های

درخشانی از ترقی و تربیت ایرانیان نشان میدهد مولانا شبلی فقید تمایلات شعرای ایرانی را مانند نظامی و سنائی به طرفداری از زردشت واضحتر بیان نموده است پرفسر جمشید جی کاپادیا به مرثیه خاقانی درباره مداین پیش از درج شرح جانگداز ان در مجلهٔ ماهیانه « ایرانشهر برلین» با گوشه و کنایه اشاره نمود

حتی نظر سطحی بادبیات فارسی و عربی ما را ملزم و قانع میسازد که ایرانیان مسلمان در تألیفات خود راجع به آئین زردشت ایماء و اشاراتیکه متضمن توصیف و مدح باشد بیش از رمز و کنایات قدح و تخفیف آمیز ذکر نموده اند برخی از روی نادانی و کینه توزی گمان مینمایند که مسلمانان ایران و اعراب همیشه کیش پارسیان و فضایل و کمالات ایشانرا بچشم خواری مینگریستند با اینکه برعکس تازیان بهترین مدیحه ها از برای پادشاهان ایران سرائیده و بیادگار گذاشته اند (طبری جلد اول صفحه ۹۲۶ تا ۹۲۷) خالی از مناسبت نیست که قصیدهٔ از کتاب عنتر (دیوان ۲۲٤) که با حرارت مفرط در مدح عدالت خسروانوشیروان ساخته شده است

جلب توجه شایان نموده و اکنون پرفسر هوئرت آنرا
ترجمه و طبع نموده و نسخهٔ ازان را ما دام هوئرت بمن
داده است اما سام نامه و جهانگیرنامه و بانو گشتاسب
نامه و بهمن نامه و کتاب کلفت برزور نامه نایاب
و بدست آوردن ترجمهٔ گجراتی ان هم کار مشکلی است
مستر بی. دی. پتل سی. آی. ای. ساکن کوئته که
حافظهٔ تمدن او گنجینه روایات ایرانی است و شاید نامش
را اهالی بمبئی تاکنون نشنیده اند توجه مرا بوقایع راجع
بزردشت که شایسته رسیدگی و تحقیق بیغرضانه میباشد
کاملاً جلب نموده است پنجاه سال پیش بیش از امروز از
این نامه قدردانی مینمودند ار این نامه کسانیکه طالب
حقیقتند اطلاع اجمالی او عادات و رسوم مردمان عصر پهلوانی
تحصیل خواهند نمود مثلاً بهمن نامه تفصیلی درخصوص
اینکه چگونه قبرهای شاهزادگان سیستان را که فرزندان
و نوادگان رستم بودند دشمنان سنگدل ایشان باز نموده
آنان را دشنخوش اهانت ساختند و اینکه این دشمنان
ایرانیان پیرو همان کیشی بودند که پیش از اسلام رواج
و شیوع داشت ذکر مینماید قوانین اسلام راجع به ملل

گوناگون خود اینگونه مضامین وطن خواهانه را مانند فردوسی به لهجه و عبارات مشعشع و تابناك نوشته اند بندرت توجه و اعتقاد نمائیم هیچ پارسی تاکنون رشتهٔ جستجو و تحقیقی را که مهل (نویسنده توده بزرگی از احادیث نیم تاریخی آئین زردشت مجموعهٔ ترسوسی عرب) رها نموده بدست نگرفته است (لیور دُرُوا ۸۸) پارسیان خود را کاملاً رهین منّت فردوسی دانسته لیکن از بسیاری از شعراء دیگری که هرکدام مؤلف نامهٔ بوده و به افتخار ایران زردشتی آئین سخن سرائیده غفلت ورزیده اند نامه های این شعرا هرچند دارای مطالب بسیار گرانبها بوده ولی با مطالبی که فردوسی در کاخ بلند خود پی افکنده است اختلاف کلی دارند احادیث و اخبار بسیاری که البته شایع و رایج بوده در داراب نامه و فرامرزنامه و کرشاسپ نامه و برجور نامه تصدیق به وجود انها گردیده و مؤلفین همه این نامه ها پیروان دین اسلام بوده و فقط در این اواخر زردشتیان این نامه های خطی را استنساخ نموده اند گرشاپ نامه (که املاء صحیح نام این نامه است) فقط نامه ایست که در اروپا

باید از برای فراهم آوردن اتحاد میان این دو
کشور دیرینهٔ که دارای تمدّن اریائی میباشند سخت تر
کوشش نمائیم زیرا که تجدید روابط علمی و فکری
در طبقهٔ از محیط آسوده و آرام را محققاً ما فوق ابرهای
بی ثبات سیاست تصور مینمائیم   یکی از علایم مساعدت ایام
این است که دایرهٔ فعالیّت و جنبش انجمن ایران لیگ
چنانکه آشکار و هویدا است تا اندازهٔ موافق با جدّیت
و کوشش جوانان متجدد علیگر (مانند پرفسر هادی
حسن که شرح مفصلی در بارهٔ فن کشتی رانی در ایران
نوشته و پرفسر محمدحبیب .بی. اِ. اِل. اِم. سی بت شکنی
منقول از محمود غزنوی را در هم شکسته و پرده از روی
مقاصد رذیله این پادشاه برداشته کتابچهٔ نفیسی با نظریهٔ
منصفانه و عقیده بیغرضانه درخصوص اخلاق هنود و تمدن
هندیهای معاصر نگاشته است) میباشد اگر ایرانیان
برجسته مانند حضرت اشرف آقا خان و وطن پرستان
بی ریا مانند آقا محمد جعفر شوشتری وغیره با سرهرمزجی
سی. دینشاه و مستر پشوتن جی مارکر در ترقی
و پیشرفت توافق نظر میان ایران و هندوستان همدستی

مختلفه که گاهی از روی خطا و اشتباه ستمکش نامیده شده
ولی درحقیقت تحت‌الحمایه بودند تولید برادری و اخوتی
نموده که بواسطه آن فنّ مقایسهٔ ادیان که مسیحیان قرون
متوسطه ازان بی اطلاع بودند شایع گردید   چنانکه کتاب
غزالي و علی طبری و کتابهای جامعتر تألیف این همزه
و شهرستانی شاهد بر این مدّعا میباشد   مؤلف اخیر
در کتاب خود کاملاً اقرار و اعتراف بمقام و مرتبه
زردشتیان مینماید

افسوس که بار دیگر آسمان ایران از ابر سیاست
بیگانگان تیره و تار گردیده آتش همچشمی و رقابت
همسایگان (روس و انگلیس) در کانون سینهایشان زبانه
کشیده کناره گیری ناگهان و بیموقع دکتر میلسپومستشار
مالیه دولت ایران که حادثه غیر مترقبه دیگریست بوقوع
پیوسته آلمانیها و سویدیهاجای نشین امریکائیان گردیده
و بد بختانه در نطع نرد سیاست وقایع مذکورهٔ متوالي
و پی هم تا درجهٔ ناگهانی و غیر مترقبه بود   با این
پیش امدهای پی در پی و اوضاع حاضره و محیط
کنونی و مقتضیات عصر ما اعضاء انجمن ایران لیگ

پارسیان اهل کتابند

تألیف انگلیسي پرفسر طاهر رضوي ام ا. و ترجمه فارسی
پرفسر م.ع. مازندی به سرپرستی ایران لیگ

PARSIS: A PEOPLE OF THE BOOK.

از سال هزار پیش از مسیح کرهٔ زمین موضوع
تغییرات و تبدیلات بسیار گردیده و سلسلهٔ طولانی
تحویلات و انقلابات روزگار را دیده است لیکن
تاریخ ملت پارسی گذشته از اینکه صفحهٔ عالم را
بنور اطلاعات از مبدأ و منشأ و اصول و قواعد
خود منور ننموده بالعکس یکسره در زاویهٔ خمول
و ذهول خزیده است هیچ دینی در عالم نیست که
مانند دین پارسیان اصول و احکامش باین درجه
مورد سوء تفاهم شده و این اندازه بدبین پیدا
نموده باشد امّا علت این سوء تفاهم عمومی را میتوان
بسهولت دریافت نموده و جهت این بدبینی را بآسانی
به منصّه ظهور رسانید از شآمت اقبال این

نمایند البته باچنین تحقیقات منصفانه و تدقیقات عالمانه که
مخصوصاً منبعث از روح شرافت و ناشی از علو همتی است
که در عقب انها است سد سدیدی را که مدت مدیدی
حایل ما بین اقربا و خویشان بوده و آنانرا از یکدیگر
بیگانه ساخته بود خواهند برداشت پارسیان از دیرگاهی
است که دست دوستی را در عالم نوع پرستی حقیقی بطرف
سایر ملل مختلفه هند دراز کرده و چون کمترین عاطفه
و محبت هندوان و مسلمانان را دربارهٔ خود احساس مینمایند
به حسن نیت دائمی طرفین نسبت بیکدیگر امیدوار کلی
میباشند اکنون امیدوارند که درمیان ایران و هندوستان
روابط صمیمی تر و نزدیکتری که مبنی بر اساس انسانیت
کامله بوده ایجاد و برقرار گردد جد و جهد آقای رضوی
از روی علم و طیب خاطر مقرون بکمك سر هرمزجی
شاهد میل به مؤانست اخوّت و نزدیکتری میباشد

مزگان ــ بمبئی ــ نومبر ۱۹۲۷

از بابت هیچ دینی جز دین خود بطور شایسته سخن نمیرانند در بیان حقیقت این دین کوتاهی کرده اند عجب این است که در این مدت مدید این دین فقط با یك مشت پیروانیکه در روی زمین داشته بخوبی ادامهٔ حیات خود داده اخبار و آثار خود را حفظ نموده بلکه متجاوز از ده قرن هم که از اقامت در وطن دیرینه خود ممنوع بوده تعالیم اخلاقی خود را توسعه و ترقی داده است عبارات ذیل که از اثر خامهٔ د. منان (۱) است مناسب این مقام و شاهد این مدعا است . این دین در دعوی اینکه در شمار دینهای بزرگ عالم است صادق است زیرا که هر یك از عقاید و قواعد و اصول و احکام و ادعیه و مناجات و سرودها و عبادات آن بدون تغییر و تبدیل بحالت اوّلیه باقی مانده و با اینکه دچار این همه مصادفات و مصادمات شده منقسم بمذاهب متعدده و متفرق بفرق مختلفه نگردیده حفظ صورت اصلیه خود را کاملاً نموده است

---

(۱) رجوع به دایرةالمعارف دین و اخلاق جلد نهم صفحهٔ ۶۴۵ نمائید

دین و نحوست طالع گرویدگان باین آئین تمام اسناد
و اعتبارات راجعهٔ بآن که مأخذ اطلاعات و منبع
تحقیقات بوده در تاخت و تاز پرس پلیس مقر سلطنت
ایرانیان آن زمان دستخوش یغما و تاراج شده و
این حادثهٔ غیر مترقبه سبب عمدهٔ قلّت علوم وندرت
ادبیات دینی گردیده است علاوه خود داری
از تبلیغات و مسامحهٔ در انتشارات که جزء طبعیت
و عادت پیروان زردشت پیغمبر ایران است سبب
شدکه این دین عمومیت پیدا نکرده و عقاید آن
مفصلاً بیان نشده است در این صورت مستند
عمدهٔ ما در قسمت مهم تاریخ قدیم ایران کتاب
معروف شاهنامهٔ فردوسی است که مدرك آن
اخبار و روایات قدیمه است و تا درجهٔ که
وقایع صحیحه تاریخیه را مورد استفاده خود قرار
داده ایم سند ما هم کتب و تصانیف مؤلفین تراز
اول و بعضی مورخین اعراب خواهد بود هرچند
که مؤلفین غرب راجع بایران و تمدن قدیم
آن چندان بی انصافی در موضوع دین اهالی
ننموده اند ولی در عین حال نویسندگان شرق که

از صفحهٔ خاطر عامّهٔ ناس محو نشده است این
عقیده در قلوب مسلمین چنان نفوذ و رسوخ نموده
که حتی تعلیم و تربیت یافتگان باستثناء عدّهٔ از
معاریف و مشاهیر بر آنند که پارسیان طائفهٔ
خدا پرست نبوده بلکه آتش مقدس خدای واقعی
و معبود حقیقي ایشان است لهذا این رساله
را بر اساس تاریخی و علمی مبتني ساخته و حتّی الامکان
عقاید مسلمین که آراء ایشان مقبولیّت کلمات
ایشان سندیّت و اقوالشان حجیّت داشته دران
درج نموده ایم تا عموم مسلین برخطایای خود واقف
شده این قبیل مسموعات و منقولات را افترا و
بهتان صرف شمرده بحقیقت رسالت پیغمبر ایران
معرفت حاصل نموده اورا پیغمبری دانند که از
جانب خدای تعالی مبعوث شده بندگانش را به تکمیل
مکارم اخلاق و تتمیم محاسن صفات از ظلمت شر رهانیده
و مصلحی شناسند که در سایهٔ جدّیت خود پیروان خود
را در دنیا به شاهراه هدایت دلالت کرده و در آخرت به
سر منزل نجات و سعادت (که مقصود عمدهٔ پیغمبر هر
اُمّت خواه هندو خواه بودائی خواه یهود خواه

حقیقةً تصور نمیتوان نمود که ملتی که باین اندازه جمیعتش مبدل به پراگندگی و شتات شده وتقریباً میان طوایف و ملل اجنبی مفقود و مستهلك گردیده و بسبب نداشتن محافل مؤانست و مجالس مشاورت فقط در پیرامون شعایر باقیهٔ دینیهٔ نهفتهٔ در زوایای معابد محقر گرد آمده پیشوایان بکلمات و عبارات نامفهوم سرود سرائیده و پیروان مستغرق مراسم دینیه میشدند چگونه دین خود را بدرجهٔ حفظ نموده که هیچ تغییری در اصول و ارکان و تبدیلی در فروع و اغصان او راه نیافته است عموم متدیّنین بادیان شرق و خصوص مسلمین را عقیده برآنست که پارسیان یا پیروان زردشت ملت آتش پرست و آتش مقدس خدای بزرگ ایشان و موجود ما فوق تمام موجودات است اگر چه بسیاری از دانشمندان اروپا تاکنون برای رفع غایلهٔ این اشتباه و دفع حیص و بیص اتهام از اسم و عمر وتعالیم زردشت پیغمبر قدیم ایران متحمل زحمات فراوان شده اند لیکن باهمهٔ جِدّ وجهد این مؤلفین هنوز این خیالات باطله و این توهمات بی اساس

ظمئآن ان سامان را به ترک لذاید جسمانی و قطع علایق نفسانی که ماء حیات و یکتا وسیلهٔ نجات است دعوت نموده است چون دین زردشت را دین آتش پرستی فهمیده اند لهذا آنرا در عداد ادیان بت پرستی عالم شمرده ادیان خدا پرستی را فقط منحصر باین سه دین دین یهود و دین نصارا و دین اسلام دانسته اند (۳) باید دانست که تا کنون بسیاری از مؤلفین قدیم و جدید درجهٔ صدق این عقیده را براین دین مورد بحث و تنقید ساخته تحقیقات رشیقه و تدقیقات عمیقه در این باب نموده اند و ما در این رساله کوشش نموده ایم که قواعد اساسیهٔ دین قدیم ایران و عقاید متدا وله میان پیروان آنرا بنظر قارئین رسانیده تا مطالعه کنندگان بدانند که فارسیان نه فقط قوم خدا پرست بوده بلکه دین ایشان بدون تفاوت مانند دین عبریان ومسیحیان و مسلمین است توحید یعنی اعتقاد به خدای یگانه و یکتای مجرّد از ماده و صورت

---

(۳) رجوع کنید به مقاله هاگ و به اشعار قدیم ایران تالیف مولتن و به میدیای راگزین

نصاریٰ وخواه مسلم است) رسانیده است زردشت شخص لبیب ایران قدیم پا بعرصهٔ شهود گذاشته تا آثار وجود خود را در صفحهٔ عالم نقش نماید زردشت کسی است که بنابر قول پرفسرویلیمز جکسن (۲) قبل از اسارت و بردن یهود ببابل و آموختن قانون تغییر ناپذیر و یا قبل از آمدن دانیال و تفسیر کتیبه های میشوم روي دیوار (که کاهنین از تفسیران عاجر بودند) تعلیماتش در خاک ایران ریشه دوانیده بود

زردشت معاصر طالس وسلن و یا آن هفت نفر عاقل درجهٔ اول زمان قدیم است زردشت پیش آهنگ کنهوسبوس است که برای تفسیر اصول و قواعد اهالي چین برانگیخته شده است زردشت است که برای رساندن روان به کالبد هاي بیجان ایرانیان صلای عام داده و برای کشاندن سرگشتگان بکوی جانان صور دمیده و نواي او پس از چندی با ترانهٔ دیگری از دهان بودای حلیم النفس و سلیم الطبع در فضاي هند پیچیده ارواح عطشان و نفوس

(۲) رجوع کنید به کتاب . زردشت پیغمبر قدیم ایران صفحهٔ ۱۶۰

مدت تاریخش گاهی هیچگونه صورت وتمثال محکوکه و منقوشه را پرستش ننموده است این دین تمام موجودات عالم را مخلوق خدا خوانده و فقط خدایتعالي را مالک حیات هرذي روح میداند کلمات ذیل از دایرة المعارف دین واخلاق (٧) در موضوع اعتقاد فارسي بخدا نقل شده است : پارسیان خود را موحدّ میخوانند لیکن باید دانست که آیا توحید ایشان موافق متون و نصوص کتب قدیمهٔ ایشان است و یا عقیده ایست که در عهد ساسانیان پس از برهم خوردن تعالیم اولیّه این پیغمبر بواسطهٔ فرق عدیده و تغییر و تبدیل رواج داشته است

اگرچه نمیدانیم که فارسیهای مهاجر ایران چه عقایدی با خود به هند آورده اند لیکن فارسیان جدید از هرفرقهٔ که باشند خود را مرد یسنو یعنی خدا پرست خوانده بخدای واحد خدائیکه قادرمطلق و عالم به ما کان وما یکون است خدائیکه رب الارباب

---

(٧) جلد نهم صفحه ٦٤٦ تا صفحه ٦٤٧ و به جلد سویم : پنج سلطنت بزرگ صفحه ٩٧ تا ٩٨ تألیف راولینسن و به تفاصیل تاریخ و مشروح ایران صفحه ١٤٢ تألیف جیمز فریزر رجوع نمائید

ومنزّه از ترکیب و جسمیّت که در هیچ موقع وهیچ حالت محل مشاهده و رؤیت احدی واقع نشده اساس دین و مبنع آئین زردشتیان است (٤) بلکه در این اعتقاد مخصوص دین پارسی را بر دین مسیحی هم که بالاخره براساس تثلیث قرار گرفته رجحان و مزّیت است پرفسر ریچارد فارل میگوید(٥): اما با این وضع ما باید شرکت خود را با توراتیة منحل کرده و دعوی توحید خالص را برای دین خود بیجا تصور نموده فقط نصرانیّت حزب منکر تثلیث را مصداق این مفهوم شمرده بلکه دین رایج و شایع اروپا را بشرک معقول و با معنویتی که فرقهٔ اناتیسین جرح و تعدیل کرده اند بدانیم در صورتیکه مطابق قول مارخام (٦) چندان شک نیست که ایرانیان فکور پرستش خدا تعالیٰ را نموده و قرنها باین حالت باقی مانده اند حقیقةً خیلی عجیب است که از تمام ملل عالم ملت ایران تنها ملّتی است که در تمام

(٤) رجوع کنید به : حکمت الهی دین زردشت تألیف داکتر دالا و به . تاریخ پارسان تالیف کاراکا
(٥) رجوع کنید به کتاب : نعوت الهی صفحه ۱۰۱
(٦) رجوع کنید به . تاریخ ایران صفحه ٤

ست (۱۱) موجودات سماوی حامل عرش یهوّه مانند اخگرهای آتش‌سوزانند (۱۲) آتش را مهم ترین وسیله قربانی برای یهوّه میدانستند و از این جهت در قانون موسی تاکید اکید شده که همیشه آتش را درقربانگاه نگاه دارند (۱۳) در قرآن مجید است که خدا نور آسمان وزمین است (۱٤)

جستجوی آتش سبب شد که موسی بدرجهٔ نبوّت رسید (۱۵) در وادی طویٰ وقتیکه موسیٰ نزدیک آتش آمدندائی ازآن رسید: من خدا هستم پس نعلین خود را بکن زیرا که تو در وادی مقدس طوی

---

(۱۱) سفر تثنیه باب چهارم آیه بیست چهارم : زیرا که یهوّه خدایت آتش سوزنده وخدای غیور است

(۱۲) کتاب حزقیال نبی باب اول آیه سیزدهم : صورت آنها مانند شعله های اخگر آتش افروخته شده مثل ورت مشعلها بود وآن آتش درمیان آن حیوانات گردش میکرد و درخشان میبود و از میان آتش برق میجهید

(۱۳) سفرلاویان باب ششم آیهٔ دوازدهم : و آتشی که برمذبح است افروخته باشد و خاموش نشود و سیزدهم: و آتش برمذبح پیوسته افروخته باشد و خاموش نشود

(۱٤) سورهٔ ۲٤ آیهٔ ۳۵ : الله نورالسموات والارض

(۱۵) سورهٔ ۲۰ آیهٔ ۱۲ : اذرای ناراً فقال لاهله امکثوا انی آنست ناراً لعلی آتیکم منها بقبس او اجد علی النار هدیً

و مزدا یعني حکیم علي الاطلاق است خدائیکه ذاتش نور مطلق و مکانش عرش برین است معتقد اند پارسیان در اعتقاد بروز رستاخیز یعنی حیات بعد از ممات و روز قیامت و پاداش اعمال خیر و شر (۸) با دین داران غیرمشرک روی زمین یکسانند هرچند بي شبهه پارسیان نسبت بآتش و نور کمال احترام را منظور دارند اما آیا کسی از یهود و نصاری و مسلم منکراست که خداوند خالق آسمان و زمین مجرد از مادّه و صورت و شکل و هیئت و "مبنع نور"است در انجیل مذکوراست که اول مخلوق خدای تعالي نور (۹) و خدا خود عین نور است(۱۰) ودرجای دیگرخدا آتش سوزنده

---

(۸) رجوع به کتاب: دین قدیم زردشتی تألیف مولتن و تاریخ ایران تألیف کاراکا و به کتاب حکمت الهی دین زردشت تالیف داکتر دالا

(۹) سفر پیدایش باب اول آیهٔ سویم: و خدا گفت روشنائي بشود و روشنائي شد

(۱۰) کتاب اشعیا باب دهم آیه ۱۷: و نور اسرائیل نار و قدوس وي شعله خواهد شد و در کتاب میکاه باب هفتم آیهٔ هشتم: خداوند نور من خواهد بود

از بابت آتش مقدس پارسیان هم بعد این ذکرخواهیم
نمود برای اینکه یکی از عقاید عمدهٔ فارسیان را
غلط فهمیده اند ایشان را به تهمت ثنویة ملامت
نموده و گمان کرده اند که آنان به وجود دو خدا
که یکی یزدان یعني هادی خیر و دیگري اهریمن
یعنی مصدر شر و هریک فاعل مختار در اعمال خود
و قادر مطلق در محیط خود و همتا و کفو دیگري
است معتقد و یا بعبارت واضحتر به وجود دو
سلطان مقتدر و عدیل و نظیر یکدیگر و در یک
ملک هر کدام مستقل در حکومت خود و مختار
مطلق در ارادهٔ و مشیّت خود است قایلند در
این مورد نا چاریم که عین عبارت دکتر جیمز مولتن
(۱٦ج) مشهور را که در خصوص این عقیده
مخصوص زردشت داد سخن داده است ذکر نمائیم مؤلف
میگوید: زردشت هم مانند ما خیر و شر را در عرض
یک دیگر و دو قوهٔ ازلی نمیداند عقیدهٔ زردشت در

(۱٦ج) رجوع کنید به کتاب ادیان و اشعار ایران
باب پنجم و همچنین به کتاب تاریخ ایران صفحه ۵۹ تألیف
ملکم و مقاله دکتر ا ج. کارنای در دائرة المعارف دین و
اخلاق جلد ۱۲ صفحه ۸٦٤

هستی (۱٦) در این صورت چون آتش یا نور نمونهٔ
بهترین مخلوق خدا بلکه عین صورت خدا است
لهذا از هرجهت شایسته اعزاز و احترام است و
فارسیان اگر نه فقط مانند دیگران اعتقاد به این نور
حقیقي الهی داشته بلکه از روی بصیرت این مظهر
متشعشع الهی را پرستش نمایند مرتکب خطای
بزرگي نشده اند ما نباید در اینجا درجهٔ تعظیم
و تکریم را که در هر دین و ملت نسبت به چیزهای
مخصوص رعایت میشود ملاحظه نموده بلکه ازان غمض
عین کرده آن را یکی ازخلل هائیکه در دین راه
یافته است بدانیم (۱٦ب) باید دانست که
مسلمین و مسیحیان هم قایل به پارهٔ عقاید وگرفتار
بعضی از این قبیل اعمال هستند و ما در این موضوع
در باب دیگر گفتگو خواهیم کرد و شرح مفصّلي

---

(۱٦) فلما اتیها نودي یا موسی انی انا ربك فاخلع نعلیك
انك بالوادي المقدس طوی و انا اخترتك فاستمع لما یوحی

(۱٦ب) درجهٔ فوق العادهٔ احترام بآتش که در تحت
نفوذ رؤسای روحاني مغها در دین ریشه دوانیده بود : رجوع
کنید به کتاب ۰ پنج سلطنت بزرگ جلد سویم صفحه ۱۲۳ و
بعد ازان

(مانند عدم مضاف) دارای وجود اضافی و در وجود بحت بسیط که مبرّا از نسب و اضافات و معرّای از حدود و اعتبارات و خیر محض است وجود نداشته بلکه نمود بود هم نخواهد بود

اهورامزدا خالق تمام موجودات است اما وقتیکه چیزی را مانند خیر از عدم بوجود میآورد نقیض سالبهٔ آن که جوهر شر است بخودی خود و بدون جعل جاعل متلازم او است (١٧ب) . این تحقیق موافق قاعدهٔ کلیهٔ معروف در عربی است: تعرف الاشیاء باضدادها (١٧ح) خداوند منان در قرآن هم دو طریق به بندگان خود ارائه فرمود: انسان را آفریده ایم و راه خوبی وبدی را باو نمانده

(١٧ب) این را با قرآن مقایسه کنید: سورهٔ نوزدهم آیه ٨٣ : تا ٨٧ الم ترّ انا ارسلنا الشیطین علی الکافرین تؤزّهم از آ. فلا تعجل علیهم انما نعدّلهم عدّاً . یوم نحشر المتقین الی الرّحمن وفداً و نسوق المجرمین الی جهنم ورداً .

(١٧ج) علاّمهٔ مرحوم سید غلام حسین کنتوری در این وجهه طبیعت یعنی اعمال شیطان ولزوم وجود او در مخلوقات خدا در نهایت بلاغت بحث نموده است جزء دویم کتاب معروف به انتصار الاسلام جلد سویم صفحه ٢٤٤ تا ٢٦٦ .

عظمت و کبریائی خدا در سر تا سر عالم وجود و غلبه و فیروزی آن در پایان جهان همان است که در انجیل بیان شده است بلکه زردشت به اسلوب و طریق مخصوص خود حقیقت آنها را ظاهرتر ساخته به پیروان خود فهمانیده که دو جوهر اصلی در ابتدا یکی اختیار خیر و دیگری انتخاب شر نموده از در مخالفت و ضدیت با یکدیگر در آمده و این ضدیت تا هنگامی امتداد یافته که اتباع و جنود خیر غلبه تامه پیدا نموده انصار و اعوان شر را بکلی نیست و نابود نمایند در این مجاهده است که انسان باید بادل قوی و روح متین داخل شده با حیات پر از خلوص و زهد و جدّیت دائماً به مملکت شر حمله آورده بنیادان را منهدم نماید (١٧) این دو جوهر طرف نسبت یکدیگر و نسبتشان باهم نسبت وجود و عدم بوده و شر در مقابل خیر

---

(١٧) این کلمات را باکلمات قرآن مطابق نمائید . سورة ١٣ آیة ٢٢ و سورة ٢٣ آیه ٩٦ و یدرئون بالحسنة السیئة اِدْفع بالّتی هی احسن السیئةَ و سورة ٤١ آیه ٣٤ لایستوی الحسنة ولاالسیئة اِدْفع بالّتی هی احسن فاذ الذی بینک و بینه عداوة کانّه ولی حمیم

به کنه آن پی برده حاقّ حقیقت آن‌را درک نمایند
در حقیقه دین باستان ایران صورت اصلاح
عقیدهٔ قدیم و تبرّی ازعبادات ناهنجار دین اریان
است (۲۲) در این دین قدیم معقولات و
مجردات گوناگون به هیاکل محسوسه تجسم و به صور
متفا و ته تشکّل یافته و کلمهٔ دیوا را که از لغة
اریائي دیو بمعنی درخشیدن مشتق شده و در کتاب
وداها نام خدایان مختلفه است بر آنها اطلاق
مینمودند (۲۳) در این عصر تعقّل حقایق
بسیطه و درک مفاهیم مجرّده بدرجهٔ تنزل و انحطاط
یافته که در زمان ولادت این مصلح بزرگ ایران
محسوسات جای معقولات را تصرف نموده و پرستش
عناصر مخلوقه در عوض عبادت خالق در قلوب
مردم ریشه دوانیده بود لهذا بملاحظهٔ اینکه
توحید حقیقی بیشتر ازان درجه تنزّل ننماید زردشت

---

(۲۲) دایرة‌المعارف دین و اخلاق جلد هفتم صفحه ۸۶۲ تا ۸۶۳ و کتاب دین ایرانیان تالیف داکتر تیل و ترجمهٔ ج. ك نریمان ساکن بمبئی باب هفتم

(۲۳) رجوع کنید بکتاب تعلیمات دین زردشت صفحه ۲٤ وکتاب الهي زردشت تالیف داکتر دالا صفحه ۷

ایم (١٨) خوبی و بدی یکسان نیست (١٩) شیطان شما را دشمن آشکارا است. شیطان شما را گمراه نکند (٢٠) در این صورت فرق چندانی میان عقیدهٔ زردشت و عقیده سایر پیغمبران نخواهد بود دکتر وست حقّ کلام را در این مقام ادا نموده میگوید (٢١): اگر چه متشرعین از نویسندگان مزدا پرستی را به ثنویة نزدیکتر از دین مسیح تصور نموده و منکرین دین زردشت کلمات او را کنایه از تجسم مبدأ قدیم دهر و صدور جوهر خیر و شر از این مصدر نامحدود توهم کرده اند لیکن برای آن تصور سندی و برای این توهم مأخذی نتوان بدست آورد ما در باب دیگر در ذکر سایر دقایق و نکات راجع بعقیدهٔ خیر و شر شرح مفصل تری بیان خواهیم نمود تا خوانندگان به سهولت

---

(١٨) سورهٔ نور آیه دهم و هدیناه النجدین

(١٩) سوره ٤١ آیه ٣٤ ولا تستوی الحسنة ولا السیئة ادفع بالتی هی احسن فاذا الّذی بینك و بینه عداوة كانه ولی حمیم

(٢٠) سوره ٧ آیه ٢١ و ٢٦ ان الشیطن لكم عدوٌ مبین لا یفتننكم الشیطن ... انّه یراكم هو و قبیله من حیث لا ترونهم

(٢١) دیباچهٔ كتاب مقدس شرق جلد هیجدهم

و کارها از بد روی به بدتري گذاشته و مردم کور
کورانه علاقه بخدایان باطل پیدا نموده یکه تاز
میدان حقیقت پیغمبر ایران قدشهامت علم کرده
تمام این اعمال شنیعه و افعال قبیحه را پلید و
مخالف رضای خدا خوانده فقط راسني و درستی را
موجب سعادت بشر در دنیا و نجات در آخرت
دانسته است در حقیقت صدق و راستی محوریست
که دین زرتشت دور آن دوران نموده و اساسي
است که این دین متین بر آن بنیان نهاده
شده است (۲۵) لیکن عجب این است که
با چنین تعالیم عالیه دین پیغمبر بزرگ قدیم ایران
را دین حقه الهیّه و الهامات غیبیّه ندانسته و امت
اورا کافر شمرده اند

مرحوم شمس العلما سید محمد آزاد شرح مفصلی
از بابت زبان وادبیات ایران قدیم در کتاب
معروف خود مسمّی به سخندان فارس (۲۵ب) ذکر

---

(۲۵) رجوع کنید به کتاب حکمت الهی دین زردشت
تالیف داکتر م ن دالا صفحه ۳۱ و همچنین کتاب شرح تاریخی
و مفصل ایران تالیف جیمز فریزر صفحه ۱۶۹

(۲۵ب) جزو اول صفحه ۲۴ تا ۲۵ (لاهور سنه ۱۹۲۷)

چیزهائیکه بنام دیوا خوانده میشدند شرور نامیده است و از این قرار در تمام اوستا و سایر کتب مقدسهٔ پارسیان دیواها باین نام باقی مانده اند دین ودیك دوا پرستی را از دست بداده درصورتیکه دین زردشت که آنرا مذموم دانسته اهورا پرستی را ادامه داده است اهورا یا اشورا در وداها هم استعمال شده ومعنی خوب از او مستفاد میشود بسیاری از خدایان مذکوره در وداها در اوستا هم یافت شده بعضی در عداد وداهای و باقی بعنوان ملائکه ذکر شده اند ایندرای مذکور در وداها در عداد شیطانهای وندیداد قرار گرفته بااینکه میترا خدای آفتاب وداها در اوستا ملك شمرده شده است خدای دیگری که در دین ودا ایرمن نامیده شده است در دین زردشتی اهرمن وجن شریر خوانده شده است (۲٤) در این مورد که اصلاحات روحانی نهایت لزوم را داشته

---

(۲٤) تاریخ ایران تالیف مارخام صفحه ۵۳ تا ۵٤ و کتاب دین ایرانیان تالیف داکتر تیل باب هفتم و کتاب پنج سلطنت بزرگ تالیف جارج راولیسن جلد سویم صفحه ۹٤ تا ۹٦

از نقطهٔ نظر تبلیغ و دعوت به دین بوده و خالی از
ادلّه و براهین و عاری از صحّت و حقیقیت است
زیرا که الهیّات زردشتیان و روایات مسلمین و
تاریخ و تربیت و تمدّن بلکه تمام دلایل و شواهدیکه
در تعیین کمیّت و کیفیّت و صورت اصلیّه و حالت
اوّلیّهٔ دین پارسیان دخالت داشته است در این
رسالهٔ محقّر درج گردیده تا مطالعه کنندگان حقیقت
و ماهیّت این دین را فهمیده صدق این دعاوی را
اذعان و تصدیق نمایند

نموده و در آن ثابت نموده است که مضامین
کتب مقدسهٔ زردشتیان شباهت تامه به آیات
قرآن مجید دارد برای مزید بر اطلاع در این
باب میتوانیم بکتاب مسلم دیگر که در عصر جاری
تألیف شده رجوع نموده آیات قرآن و اوستا که
موافق یکدیگرند با تبصره های ذیل که شخصاً
نوشته است مطالعه نمائیم (۲۵ج): مضامین
اوستا در مواضع بسیا و شبیه بآیات
انجیل و قرآن است و باین دلیل مسلّم است که
در عداد کتب مقدسهٔ آسمانی محسوب است ما این
قضیه را مفصلاً در ابواب بعد مورد بحث قرار داده
ذکر خواهیم نمود که دین زردشت حقیقةً یکی از
ادیان ملهمهٔ عالم بوده و پیروان این دین بصریح
احکام خاتم النّبیین و خلفاء بلا فصل او اهل کتاب
(که مقصود عمدهٔ ما در این رساله اثبات آنست)
معامله شدند

خوانندگان توّهم ننمایند که این بیانات و تحقیقات

(۲۵ج) رجوع ه: نگار جریدهٔ ماهیانهٔ اردو مقالهٔ
ابوالمحاسن محمود علی خان نمائید مارچ سنه ۱۹۲۷ع

آن در هیچ نقطهٔ از برّ و بحر جهان دیده نشده بود در حقیقت مدّتهائي پیش از شروع عصر تاریخي شرق و یا غرب بود که زردشت خانهٔ معروف اسپیتما در طلب حصر معرفت برای رساندن به منزل حقیقت حیران بوده اند درچنین وقتی درگوشهٔ از گوشه های ایران نوري لامع شده که تا آن زمان مانند واقع درکنار رود خانهٔ دارجي از کوه جبر در شهر ری از مملکت میدیا را بنور وجود خود منوّر ساخته و رشتهٔ محبّت و رابطهٔ الفت را در بدو طفولیت مابین افراد ملّت محکم کرده و عموم را به احترام و رعایت حال یکدیگر بر انگیخته بلکه از زمان ولادتش تمام افراد قبیله شروع به انقیاد و اطاعت پیغمبر آیندهٔ ایران نموده اند (۲۷) تاریخ تولد زردشت متنازع فیه میان علماء شرق وغرب و بلکه میان فارسیان است و تا کنون اتفاق آراء

(۲۷) رجوع کنید به دایره المعارف بریتانیا جلد بیست و چهارم صفحهٔ ۸۲۰ تا ۲۱ چاپ نهم و به میدیای راگزین فصل دوم و به کتاب ملل و نحل شهرستاني صفحهٔ ۱۸۵ تا ۱۹۲ در محمّل البلدان جلد اول صفحهٔ ۲۰۲ یاقوت میگوید که شهر ارومیه جای تولّد زردشت است

باب دویم

پیغمبر ایران

در اعصار سابقه و ازمنهٔ قدیمه وقتیکه اهالي شرق ظهورات طبیعت را پرستش مینمودند (۲۶) وقتیکه خدایان هند قدیم درهاي الهامات را برروی روحانیین طبقهٔ اعلا (ریشی ها) بسته بودند وقتیکه حرارت اصلي دین یهود محمود و نابود شده بود وقتیکه بهشت (نیروانا) معنوي بودا هنوز ورد زبان و مرکوز اذهان پیروان نشده بود وقتیکه چشم روزگار هنوز ولادت مسیح را از مریم عذرا مشاهده ننموده بود وقتیکه هنوز برّعرب بستان داری معدن حیات و منبع نجات نبود وقتیکه درحقیقت عالم پر از خلل و فساد و شقاق و عناد بوده راه انحراف و ضلالت می پیمود وقتیکه گمگشتگان وادی جهالت

(۲۶) به ناسخ التواریخ جزو اول از جلد اول و به کتاب حکمت الهی دین زردشت تألیف داکتر م. ب. دالا فصل اول و به فصل پنجم کتاب میدیا تألیف راگزین و به کتاب زردشت پیغمبر ایران قدیم تألیف جکسن رجوع نمائید

ناموّجه بیشترین مورّخین یونان و رم که به ترتیب
مابین شش هزارسال و پنج هزارسال پیش از مسیح
برای ولادت این پیغمبر ذکر کرده اند (۳۰) به آخرین
تاریخ اعتماد نمائیم هرچند نو یسندگان رم و یونا
براي صدمه زدن با افتخار حیات و
لطمه زدن به اعتبار تعالیم مؤسس این دین
قدیم قلم فرسائی زیاد نموده اند نظریاّت پرفسّر
ویلیم جکسن که ظهور زردشت اقلاً در قرن
ششم پیش از مسیح یعني کمی پیش از تولد گتاما
بود امصلح دین ملّی اریان هند بوده مسلّم
عندالکلّ است باید دانست که طایفهٔ اریانی و
ایراني هر دو علاقهٔ مفرطی به اشیاء طبیعي پیدا
کرده پرستش طبیعت را شعار خود قرار داده بوده اند
اگر بودا بنام مصلح اریانیها ظاهر شده زردشت
رئیس روحانی ملت ایران بوده است اگر تعالیم
بودا تجرّد و عزلت و تسلیم و رضا بوده دین

---

(۳۰) رجوع به فصل دویم میدیا تألیف راگزین
و به دایرة المعارف بریتانیا جلد بیست و چهارم صفحهٔ ۸۲۰
و جلد اول صفحهٔ بیست و هشت از تاریخ ادبیات ایران تألیف
ای جی برون

در این باب حاصل نشده است مع ذٰلك تمام نویسندگان درجهٔ اوّل او را شخص تاریخی دانسته (۲۸-۲۹) و تقریباً تمام مورّخین متّفقند که تولد او قریب یک هزار سال پیش از مسیح واقع شده است دکتر هاگ میگوید: بهیچوجه نباید تاریخ ولادت زردشت را کمتر از هزار سال بیش از مسیح دانست بلکه به دلایل بسیار میتوان خیلی بیشتر از ان تصوّر نمود مؤلف معروف زردشت نامه از روی استناد به اقوال نویسندگان یونانی و یهود و استشهاد از کتیبه های خطوط میخی ثابت نموده که این پیغمبر اقلاً یکهزار و سیصد سال پیش از مسیح در حیات بوده است به نظر گلدنر احتمال کلّی این است که ولادت این پیغمبرچهارده قرن بیش مسیح بوده است لیکن اگرنظریاّت مؤلفین فوق را هم قبول ننمائیم بیشک میتوانیم ازمیان سی تاریخ

(۲۸—۲۹) رجوع کنید به صفحهٔ ۱۱۰ مروج الذهب تالیف مسعودي و به کتاب الفصل في الملل والنحل تأليف امام ابي محمدّ بن احمد بن حزم جلد اول صفحهٔ ۱۱۲ و تاریخ الکامل تألیف ابن الاثیر جلد اول صفحهٔ ۱۱۰ و به ناسخ التواريخ جزو اوّل از جلد اول صفحهٔ ۵۱۲ تا ۵۱۹

بزرگترین پیغمبر پیش قدمی بود که به انسان آزادی معنوی آزادی از اطاعت کور کورانهٔ اوامر بیهوده آزادی از علاقهٔ بقبور و مراقد و ضریح و مشاهد که منافی خلوص نیّت و قصد قربت درعبادت است نشان داده است کلمهٔ زردشت موضوع بحث بسیاری از علما واقع شده است (۳٤) زردشت از خانوادهٔ نبیل و شجرهٔ وجودش از اصل اصیل بوده و نسبتش به خانوادهٔ جلیل سلطنتی یکی از پادشاهان داستانی ایران فریدون از سلسلهٔ پیشدادیان منتهی میشود شجره نامهٔ این پیغمبر مطابق صورت ذیل است (۳۵) . (۱) منوشهر

(۳٤) رجوع کنید به تاریخ ایران جلد دویم صفحهٔ ۱٤۹ — ۱۵۰ تألیف دوساهای فرامجی کاراکا و به کتاب « زردشت » صفحهٔ ۱۲ — ۱۳ تألیف جکسن وهمچنین به کتاب عصر اوستا و زردشت تألیف داراب دستور پشوتن سنجانا (از جرمنی تالیف گیگر واسپیگل نوشته‌شده) صفحه ۸۰ — ۸۲ و به کتاب دین ایرانیان فصل نهم (ترجمه آقاج ك نریمان)

(۳۵) به کتاب زردشت صفحهٔ ۱۸ — ۱۹ تألیف جکسن و بکتاب عصر اوستا صفحهٔ ۱۰ تألیف سنجانا و به کتاب مروج الذهب صفحهٔ ۱۱۰ تألیف مسعودی و بناسخ التواریخ جزو اول از جلد اول صفحهٔ ٥۰٤ ـ منوچهر نوه و جانشین شاه فریدون (از سلسلهٔ پیشدادیان ایران) بود رجوع نمائید

زردشت سعي و عمل و ترقيّ واصلاح بوده است (۳۱_۳۲) درمیان پیغمبران فقط زردشت اول پیغمبری بود که در نخستین بار واسطهٔ میان خالق ومخلوق را بیان نموده و اول کسی بود که حقیقت ذات خالق را برای هندی اریانی شرح داده است دراین مقام نقل قول شاعر بزرگ رابیندرانات تاگور راجع باین امرخالی از مناسبت نیست (۳۳) درمیان تمام حقایق عمدهٔ تاریخ ایران مهمترین امر اصلاحات دینی است که زردشت نموده است مطابق اطلاعات ما شک نیست که زردشت اول کسی است که به دین صورت اخلاقی و جنبهٔ روحانی داده و در همان حال باصول توحید که نیکی را که فردانیّت کمال است براساس حقیقی جاوید نهاده دعوت نموده است تمام ادیان اوّلیّه انسان را موظّف به آداب و رسوم صوری و مأمور به تکالیف وتعبّدات ظاهری مینمودند ولی زردشت

(۳۱ — ۳۲) رجوع به کتاب زردشت پیغمبر ایران تألیف پرفسر ویلیم جکسن صفحهٔ دویم

(۳۳) رجوع کنید به مجلهٔ ویسوابها راتي تاریخ اکتوبر ۱۹۲۳ که هر سه ماه یکبار طبع میشود

طریق رحمانی و سردار فوج یزدانی برای مواجهۀ
با جنود شیطانی و مسیح روح بخش ربّانی برای
ندای بملکوت آسمانی نهایت ضرور بود اکلیل کشور
قدس ناگهان بر فرق بزرگواریکه چشم بینندۀ
مانند او ندیده و گوش شنوندۀ مانند او نشنیده
بود نهاده شده تا بافیروزی و ظفر بادشمنان نوع
بشر جنگیده ملکوت الهی را برروی زمین مستقرّ
نماید شیطان دیگر بار بدرک اسفل نار انداخته
شده (۳۸) وبندگان خدا یک بار دیگر فارغ البال و
مرفهٔ الحال به نعمت صلاح و تقویٰ متنعّم و بتوفیق
خدای تعالی موفق شده اند چون پرستش برورات
گونا گون طبیعت بعنوان خدایان عالم بنظر ـ ق بین
زردشت خالی از معنویّت و عاری از روحانیّت آمده
بود از این جهت ادراکات واحساسات کاملۀ خود را
راجع به دین بفوریت درمیان ناس نشر و اشاعت
داده است نور حقیقت و پرتو معرفت خالق
موجودات و مبدع کاینات و مکوّن مادّیات و
مجرّدات بر قلب منیرش در هنگام الهام تابیده

---

(۳۸) رجوع شود به یسنای اوستا فصل نهم و یشت فصل ۱۳

(۲) دورشرین (۳) ارح (٤) هایزم
(٥) واندست (٦) اسپیتمان (۷) هردار
(۸) ارهدس (۹) بایتر (۱۰) هخیش (۱۱) هجدسف
(۱۲) اریکدسف (۱۳) فدرسف (۱٤)
پورشسف (۱٥) رزادشت زردشت خجسته
فرزند پدر و مادر نیک بخت پورشاسپا و دوغدو
(۳٦-۳۷) همینکه وحی الهی را او بابت هدایت
رمهٔ گمشده اش بگوش دلش شنیده در نجات آنان
کوشید چون شیطان رجیم دام اغوا و اضلال را
پهن گسترانیده تا آنکه نادانان را بدام آورده
تمام آنان را به جحیم فنا و اضمحلال سوق نماید
لهذا عنایات و فیوضات کامله و اراده و مشیت تامهٔ
الهی چنین اقتضا نموده که سرگشتگان بادیهٔ جهل
و ضلالت را به طریق خیر و صلاح هدایت
و بسبیل نجاح و فلاح دلالت نماید درچنین
وقت که وجود راهنمای روحانی برای ارائه

(۳٦-۳۷) رجوع کنید به تاریخ پارسیان جلد دویم
صفحه ۱٥۰ تألیف فرامجی کاراکا و به جلد دوازدهم
صفحهٔ ۸٦۲ از دایرة المعارف دین و اخلاق و به صفحه ۱۸٥
از کتاب ملل و نحل تألیف شهرستانی

این پیغمبر پس از تبلیغ رسالت و تحصیل عدّهٔ
ارگروندگان در حوالي مسکن خود به بلخ که
طرف مشرق و پای تخت حکمران آن زمان گشتاسب
پادشاه ایران بود روی نهاده در قصر پادشاه
نزول نموده و در مجمع درباریان سلطنتی حقیقت
رسالت خود و عقاید و قواعد دین جدید را اظهار
داشته پادشاه که بحجج قاطعه و براهین ساطعه
ملزم شده فوراً انرا پذیرفت (٤١) پس ازانکه
زردشت با دلایل مسلّمه وآیات باهره و معجزات
قاهره نبوّت خود را ثابت نموده ملازمان بارگاه
گشتاسپ هم پس از تشویق و ترغیب دین قدیم خود
را بدین جدید تبدیل نموده اند از حسن
تصادف واتفّاقات بلکه از خوارق عادات و نوادر
واقعات انکه گشتاسب این دین جدید را قبول

---

(٤١) برای تفصیلات به تاریخ الکمال ابن الاثیر
به مروج الذهب مسعودی به تاریخ طبری به ملل و نحل
شهرستاني به دایرة المعارف بریتانیا به دایرة المعارف دین و
اخلاق به تاریخ ایران تألیف ملکم به ناسخ التواریخ به کتاب
دین ایرانیان تألیف تیل به کتاب حکمت الهی زردشت
تألیف مانکجی دالا و به تاریخ پارسیان تالیف کاراکا رجوع نماید

بدین سبب بهدایت و نجات نوع بشر قیام نموده است
(۳۹) اطّلاعات ما از بابت اوایل حیات این پیغمبر
محدود است از اوستا مستفاد میشود که درهنگام
جوانیش معمولاً بکوههای بلند که در نزدیکی
ولادتگاهش بوده صعود مینمود و در آنجا بیشتر
اوقاتش را در افکار عمیقه میگذرانید تا هنگامیکه
قلب منیرش مهبط روح الامین و محلّ نزول وحی
ربّ العالمین گردیده سبیل قویم و صراط مستقیم
و طریق وصول به مبدأ قدیم بر او کشف شده است
(۴۰) زردشت پس از انکه ایّام شبابش را در
مشاهدهٔ آثار قدرت و معاینهٔ غرایب خلقت و
تعقّل معقولات و تصّورمحسوسات صرف نموده درسی
سالگی نخستین بار به الهام ربانّی ملهم شده است

---

(۳۹) رجوع کنند به ناسخ التواریخ جزو اول از جلد
اول صفحهٔ ۸۰۸ و صفحه ۹۰ تا ۹۳ از کتاب تنبیه والاشراف
تألیف مسعودی

(۴۰) این سخن تقریباً در بارهٔ تمام پیغمبران صحیح
است زیرا که معروف است که قبل از رسیدن به درجهٔ
نبوت موسی بکوه مشهور سینا و پیغمبر اسلام بکوه حرا غالباً
صعود مینمودند

است (٤٤) قاتل او بسزای خود رسیده ارسبحهٔ که این پیغمبر در حالت احتضار بر او انداخته در همان دم کشته شده است چنانکه از مواضع مختلفهٔ ادبیّات اوستا و پهلوی معلوم میشود زردشت سه زن در حبالهٔ نکاح وچندین پسر و دختر داشته که ذکر حالات ایشان در احادیث مأثوره وارد شده است (٤٥) عمدهٔ مضامین یکی از گاثاها (یسنا ٥٢) راجع به مزاوجت یکی از دخترانش پوروچیشتا باجاماسب هست که سابقاً بعنوان یکی از حواریّین عمدهٔ این پیغمبر ذکر شده است (٤٦) این

(٤٤) رجوع کنید به تاریخ پارسیان جلد دویم وهمچنین کتاب زردشت تألیف جکسن و به عصر اوستا تألیف سنجانا

(٤٥) رجوع کنید به تاریخ پارسیان و به اشعار دین قدیم ایران و ناسخ التواریخ

(٤٦) رجوع به تالیفات مولتن و مقاله گلدنر در دایرة المعارف بریتانیا و بتاریخ پارسیان و به دین ایرانیان تألیف داکتر تیل و به ناسخ التواریخ محمد تقی خان کاشاني حزو اول از جلد اول نمائید همین سرود را که دختر این پیغمبر در جشن عروسی خود سرائید در عروسی هر زردشتی برای نزول برکات الهی امروزه تلاوت میشود و هر کس از لهجه و عباراتیکه زن تازه عروس برای پیروی به پوروچیستای مؤمنه خدا را برای توفیق وفاداری و اطاعت شوهر آینده اش میخواهد زیاد متاثر میشود

نموده دین مملکتی خود قرار داده وتمام اقتدار خود را در اشاعه و انتشار ان درمیان سلاطین و عقلاء عالم بکار برده است فراسشترا و جاماسب که از اوّلین حواریّن این پیغمبر بوده اند به نقاط مختلفهٔ ایران بعنوان تبلیغ دین او مسافرت نموده و در هدایت تمام مردم ایران بدین جدید کامیاب شدند (۴۲) این تبلیغات دینی در ممالک اجنبی هم بعمل آمده وعدّهٔ زیادی بدین زردشت گرویده اند (۴۳) مطالب مسطوره طرّاً از اوستا اخذ شده ولي در اوستا شرح حالات اواخر حیات این پیغمبر مذکور نیست از بعضي منابع زبان پهلوي مستفاد میشود که زردشت درسنّ هفتاد و هفت سالگی در هنگام صبح حین اشتغال به نماز از ضربتیکه از یکی ازسپهسالارهای شاه ارجاسب دشمن این دین جدید توحید دا و رسیده بود شهید شده

---

(۴۲) رجوع کنید به تاریخ فارسیان تالیف کاراکا و مقاله مولتن اشعار دینی قدیم ایران و به کتاب سنجانا عصر اوستا و زردشت و به کتاب نور ایران قدیم تألیف پیتاوالا

(۴۳) رجوع کنید به حکمت الهی دین زردشت تالیف دالا و ناسخ التواریخ محمد تقی خان کاشانی

شده ذکرش در ضمن چند سطر خالی از فایده نیست (۴۹) ارجاسب پادشاه توران پیشوای منکرین اهورا مزدا بجنگ کاوی گشتاسب پادشاه ایران که بندهٔ خاص خالص مزدا و پیرو وفادار زردشت بوده و دینش را دین مملکتی خود قرار داده قیام نمود ارجاسب دوبار بایران یورش آورد دفعهٔ اوّل ششصد و یک سال پیش از مسیح و دفعهٔ اخیر پانصد و هشتاد و سه سال پیش از مسیح بوده است (۵۰) قشون گشتاسب در اعلای لوای این دین در تحت فرمان قابلترین سه سالار فرزند نامدارش اسفندیار کوشیده تا فتح و فیروزی نصیب آنان شده و مردمان ایران قدیم بدون عایق و مانعی از برکات این دین مبین متمتّع شدند امّا فاجعهٔ قتل این پیغمبر از اثر ضربت براتر کرش تورانی مقارن فتح ایرانیان روزگار زردشتیان را تیره و تا

---

(۴۹) برای سایر تفاصیل بکتاب معروف پرفسر جکسن و بکتاب علم الاساطیر ایرانیان تالیف کرای و به تاریخ ایران تالیف ملکم و بکتاب عصر اوستا تالیف پشوتن سنجانا رجوع کنید

(۵۰) بکتاب زردشت صفحهٔ ۱۲۳ تالیف جکسن رجوع کنید

پیغمبر خودش هوری دختر فراشسترا را که برای انتشار دین جدید در نقاط مختلفهٔ ایران بعنوان یکی از حواریّین زردشت مشهور است مزاوجت نموده است (٤۷) این فراشسترا هوگوا مطابق یشتها یکی از درباریان گشتاسب بوده است در گاتاها او یکی از معاونین و مبلّغین معروف این دین ذکر شده است دین زردشت هم مانند سایر ادیان در اوایل انتشار دوچار اشکالات بزرگ شده و عمدهٔ مخالفین از دیوا پرستان عصر بوده اند

این پیروان ظلمت نهایت کوشش در ضدّیت و تکذیب مواعظ الهیّهٔ زردشت داشتند لیکن فراشسترا و جاماسپا دو سپهسالار لایق از تابعین این پیغمبر صمیمانه مقاومت نموده عملیّات آنهارا لغو ساخته اند (٤۸) جهادهائیکه در راه دین زردشت واقع

(٤۷) رجوع به دایرة المعارف بریتانیا و به کتاب اشعار دینی قدیم ایران تألیف مولتن و به کتاب زردشت تالیف جکسن و به ناسخ التواریخ جلد اول جزو اول صفحهٔ ۵۰۲ — ۵۰۳ نمائید

(٤۸) به تاریخ پارسیان تالیف کاراکا و به مید یا تألیف راگزین و به کتاب دور ایران قدیم تالیف پیته والا رجوع نمائید

باب سویم

در خصوص کتابهای مقدس زردشتیان

پیش از آغاز بشرح تعلیمات عمدهٔ دین فارسیان مناسب است که با نهایت اختصار قسمتها و مطالب کتابهای دینی موجود زردشتیان را در اینجا ذکر نمایم

پس از غلبه یونانیان بر ایرانیان و آتش زدن پرس پلیس (تخت جمشید) تقریباً سیصد و سی سال پیش از مسیح همهٔ دفاتر و کتابها و نوشتجات وغیره که مربوط به تفاصیل راجع به تمدّن ایران قدیم و ترقیات فلسفی و علمی و دینی ایرانیان بود مفقود و نابود گردید [۵۲] چنان

---

۵۲ رجوع کنید به کتابهای تمام علماء شرق و غرب که تاریخ ایران قدیم را نوشته اند مخصوصاً تاریخ ایران تالیف مار خام و کتاب زردشت تالیف جکسن و کتاب طبری و کتاب شهرستانی و کتاب دین مردم ایران تالیف داکتر تیل و همچنین کتاب تاریخ ایران تالیف ملکم و تاریخ ادبیات ایران تالیف برده

نموده است با این حالت از وفاتش فتوری در
دینش راه نیافته بلکه در ایران و سایر ممالک
عالم انتشار یافته است نام پادشاه قدیم اردشیر
دراز دست بسبب تبلیغات دینیش در ممالک اجنبی
مشهور است هخامنشیان دین زردشت را
دین ملّی ایران قرار دادند سیروس معروف و
داریوش بزرگ بر رونق و شکوه آن افزودند
ساسانیان مخازن تهی ادبیّات دینی خود را که در
فتح یونانیها خسارت فوق العاده کشیده بود دوباره
پر نموده و دین زردشت در عهد سلطنت ایشان
آخرین بار به قرن طلائی خود رسید (۵۱) پیش
از ختم این باب لازم است اشاره نمائیم که مورّخین
بزرگ اسلام مانند ابوریحان بیرونی و مسعودی و ابو
جعفر طبری و دیگران همه متّفقند که این پیغمبر
نزدیک به دو قرن و نیم پیش از غلبهٔ یونیان بر
ایرانیان حیات داشته بود

(۵۱) برای تفاصیل بمورخین اسلام ابن اثیر و میر خوند و
مسعودی و دیگران رجوع نمائید

گذشته از آسیبی که به کتابهای مقدسهٔ زردشتیان از اسکندر کبیر رسیده بقیهٔ نسک (کتاب)های دینی پارسیان هم پس از انقراض دولت ساسانیان دچار همان قسم زیان و فقدان گردید ۵۴ ب در اوایل خلافت عباسیان چنانکه بعد هم ذکر خواهد شد بی شبهه این خسارت و نقصان کاملاً تلافی و جبران شده کتابهای متفرق و پریشان را جمع نموده از زبان پارسی بزبان عربی بمصارف دولت ترجمه کرده اند ۵۵ مطابق قول طبری مورّخ بزرگ اسلام (۸۳۷-۹۲۹ مسیحی) نوشتجات اصلی دین زردشت در روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود ۵۶ و از موجودی کتاب اوستا که حال در دست است

۵۴ب رجوع به رسایل شمس‌العلما شبلی نعمانی صفحه سی شش و به مجمع‌الفصاحهٔ رضاقلی خان صدر اعظم ناصرالدین شاه قاجار نمائید

۵۵ به رسایل مولانا شبلی صفحه یکصد و هفتاد و دو رجوع نمائید

۵۶ به تاریخ ایران تالیف ملکم جلد اول صفحه بیست یك رجوع نمائید

خسارتی به کتابهاي دینی رسیده که امروزه صورت کاملی از ان نمیتوان بدست آورد متن اوستا که حال در دست است فقط تکّه پاره و درهم و برهم باب‌های اوستای اصلیست که چند قرن پس از آن فاجعه در اوایل سلطنت سلسلهٔ ساسانیان در یک مجلس شورای دینی که در ان زمان منعقد شده بود روٴسای دینی زردشت انچه را از مطالب دینی[۵۳] که ظاهراً پس از تغییرات و تبدیلات عدیده تا ان زمان در خاطر داشته بودند برشتهٔ تحریر در آوردند در خصوص اینکه کتابهاي دینی پارسیان حقیقتاً وجود داشته کتاب هرمیپو مؤلف بزرک یونانی که مطابق تواریخ دارای فهرست تمام کتابهای زردشتیان و مضامین هریک ازانها است چنانکه راکزین میگوید[۵٤] شاهد این مدعا است

۵۳ رجوع کنید به دایرة‌المعارف بریتانیا ومیدیاي راکزین و به تاریخ پارسیان تالیف کاراکا و بمقاله های هوگ و بحکمت الهي زردشت تالیف داکتر دالا

٥٤ به میدیا صفحه هفتم و به دایره‌المعارف بریتانیا و بتاریخ ایران تالیف مارخام و مقاله های هوگ و کتاب دین مردم ایران تالیف داکتر تیل و تاریخ طبري و مسعودی و شهرستاني رجوع نمائید

وداها قدیمترین کتابهای موجود یست که ما ازانها
اطلاع داریم گاتاهای ایرانیان در کهنگی .بی شبهه
در درجهٔ دویم واقعند درانهاست که در نخستین بار
سرچشمهٔ پاك یزدان پرستي را .بی آلودگی به
پلیدی آخشیک پرستی دیده و بامداد بندگي
آفریننده را بي غبار ستایش آفریدگان یافته و
نیایش یزدان پاك را از زبان و خشور ایران
بی آلایش به پندار و گمان دیگران خوانده و از این
جهت برای این گونه شناسائي آفریدگار توانا و
اندیشهٔ روز واپسین و زندگی جاویدان که در
سرودهای ودا از آنها جز آثار ضعیفی نیست به
گاتاها باید رجوع نمائیم بعضی از قسمتهای این
کتابهای مقدس فقط شرح اوستای اصلي و زند
نامیده شده و از این جهت بکلیّهٔ این کتابها
مقدس نام زند اوستا داده شده است و شرحهائیکه
پس از آن بر کتابهای زند کرده شده است پازند
نامیده اند بعلاوه اینها کتابهائیکه در عهد
ساسانیان در موضوع دین نوشته شده بزبان
پهلوي است که زبان مملکتی آن ایام بوده است

موافق قول پرفسر جکسن [٥٧] یک سوم نسک (کتاب) هاي اصلی است که در اوایل سلطنت ساسانیان مرتب شده و باقی پس از تخت نشینی آخرین پادشاه زردشتی واقعاً مفقود گردیده است

باید اول بدانیم که زبان اصلي که کتابهاي مقدس زردشتیان یعنی اوستا بان زبان نازل و نوشته شده است چه زبانی است این زبان مخصوص متعلق است بشعبهٔ از شعبهاي زبان ایرانی که اصلش اریائی بوده و آن شعبه هم بشعبهٔ ایرانی شرقی و ایراني غربی منشعب شده است و زبان اوستا از مشتقات قسمت ایرانی شرقی است که در بلخ و سایر ممالک محاوره بان تکلّم مینمودند یک جزء از این نسکها یعني گاتاها را که کلمات خود پیغمبر میدانند در زبان گاتا که زبان محلّی اوستا هست نوشته شده با این که باقی آن بزبان اوستای معمولی است مارخام میگوید [٥٨] اگر

٥٧ رجوع کنید به کتاب زردشت

٥٨ رجوع به تاریخ ایران صفحه چهل سه

پس از آن در سال ۱۸۲۸ مسیحي یکنفر
عالم دانمارکي مسمی به اراسمس رسك رسالهٔ از
بابت زبان و کتابهای زند انتشار داده است
نزدیک بهمین تاریخ اجن برنوف پرفسر
سانسکریت هم در پاریس مانند او کتابی در این
باب تالیف نموده است بعد ازان در سنهٔ
۱۸۲۹ السهوسن هامبرگی و فرانسس باپ هم
چنین کوششی نموده اند پس از انها فردریك
اسپیگل بفرمان حکومت باوریا به ترجمهٔ نسخه‌های
خطی کتابخانهاي مختلف اروپا اقدام نمود بااسم
اسپیگل اسم داکتر گیگر مورخیکه خدمت بزرگی
بعالم ادبیات دین زردشتیان نموده است توأم است

پس ازین مؤلفین وسترکارد عالم معروف
دانمارکي اول کسی بود که تالیفي از زند اوستا با
کتاب لغت و صرف و نحوي از سال ۱۸۵۲ تا
۱۸۵٤ مسیحی انتشار داده است داکتر مارتین
هوک که بعد ازین علما آمده ولی کمتر از ایشان
نبوده براي طبع و انتشار کاتاها از سال ۱۸۵۸ تا

باید در این خصوص کوششهای علمای غرب را تا درجهٔ که راجع به پیداکردن کتابهای مقدس پارسیان است در اینجا مورد بحث ساخت خوبست که در شمار نامهای نویسندگان شرق که شرح مفصّلی ار بابت این دین نوشته اند نام مشهور طبری و مسعودی و شهرستانی و ابوالفدا و یاقوتی و البیرونی را مخصوصاً ذکر نمائیم مؤلف معروف دبستان المذاهب ملاّ محسن فاني کشمیری از بابت نسکها و روحانیین زردشتی مخصوصاً کسانیرا که در هند ملاقات کرده بود تفصیلی نوشته است باری درمیان اروپائیان اول کسیکه باب تفحّص در این دین مخصوص و نسکها را کشوده یکی از علماء اکسفورد مسترهید بود که کتاب ضخیمی در این باب درسنهٔ ۱۷۰۰ نوشته است بعد از هید عالم و سیاح مشهور انکتیل دوپرن پس از تحمل زحمت و مشقت زیاد و مراجعت از سفر هند ترجمه فرانسوي زند اوستای خود را درفرانسه در سال ۱۷۷۱ پیش از تألیفات مستشرق مشهور سر ویلیم جنز انتشار داده است

(نامهاي اوستا)		(الفاظ پهلوی)
١	یتا	سودگر
٢	اهو	ورشتمنسار
٣	ویریو	بکو
٤	اثا	دامداد
٥	رتش	نادر
٦	اشاد	پاجك
٧	چید	رتشتیتي
٨	هچا	بارش
٩	ونگهي اش	کشکیسرب
١٠	دزدا	وستاسپساستو
١١	مننگهو	دادك
١٢	شکیوتنه نام	چیدرستو
١٣	انگهی اش	اسپیت
١٤	مردای	باکان یشت
١٥	خشترمچا	نیکادم
١٦	اهوراری	دباسرج
١٧	آ	هوسپارام

۱۸٦۰ و مقاله های بسیار معروف خود در موضوع زبان و نوشتجات و دین مقدس پارسیان در سال ۱۸٦۲ معروف است تام وست وگلدزیهر و دار مستاتر و میلس و بارتلمی و تیل هم که از مستشرقین قابل هستند برای خدمات گرانبها در ترجمه و شرح کتابهای قدیم ایران هیچ فراموش شدنی نیست

حال بمطلب خود برگردیم کتاب زند اوستا که حال مفقود است سابقاً بیست و یک جلد بود

در اردای ویرافنامه که کتاب پهلوی است تفصیل تلف شدن کتابهاي مقدس در تاخت و تاز و غارت پرس پلیس سر کردگی اسکندر نوشته شده است صورت ذیل نامهای بیست و یك نسك زند اوستا با الفاظ پهلوي مطابق آنهاست [۵۹]

---

۵۹ رجوع کنید بتاریخ ایران تالیف کاراکا و به کتاب دین زردشت تالیف مساني و به کتاب دین ایرانیان قدیم تالیف تیل و بدایرة المعارف بریتانیا و به کتاب کتبهای مقدسهٔ شرق مولف کتاب تاریخ ساسانیان که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار ترقی کرده راجع باین شرحی نوشته است

کتـاب ششم دارای بیست و دو بـاب و در آن پارهٔ از اعمال و عادات و رسوم دینی نوشته شده بود

کتـاب هفتم دارای پنجاه بـاب و عمدهٔ مطالبش احکام پادشاهان و علما و رؤسا و سایر اشخاص بزرك وغیره بوده است

کتـاب هشتم بـا شصت بـاب مفصلاً از بابت قواعد فرمانروائی مملکت گفتگو مینمود

کتـاب نهم که دارای شصت بـاب بوده در موضوع تدبیر و عقل و تقوا و فضـایل و بیدینی و رزایل سخن میراند

کتـاب دهم کتـاب تاریخی و دارای شصت باب و در شرح پادشاهی گشتاسب و دعوت بدین زردشت در دورهٔ اوایل بوده است

کتـاب یازدهم بـا بیست و دو باب گفتگو ازنعوت خدا و روز رستـاخیز و آفرینش و وظـایف اجتماعی و دینی بوده است

کتـاب دوازدهم هم دارای بیست و دوباب و عمدهٔ مطالبش طبّی (قابلگی) بوده است

(نامهای اوستا)	(الفاظ پهلوی)
۱۸ ییم	سکادم
۱۹ دره گوبیو	وندودام
۲۰ ددت	هادخت
۲۱ واستارم	ستودیشت

کتاب اول دارای بیست دو باب و فواید نماز کردن و تقویٰ پیشه نمودن را ذکر میکرد

کتاب دویم هم دارای بیست و دو باب و گفتگو یش از تقدّس و اعتقاد بدین زردشت بود

کتاب سویم دارای بیست یا بیست و یک باب بوده طرق اجتناب از راه خطا برای رسیدن به نجات ابدي را شرح میداد

کتاب چهارم داراي سی و دو باب بوده و از مسائل الٰهیات و مطالب علمی و تفاصیل رستاخیز و نشئه بعد و سزا و جزا در آخرین روز داوری در مقابل کارهای خوب و بداین عالم بحث مینمود

کتاب پنجم دارای سی و پنج باب و در گفتکوی مطالب عام هیئت و نجوم بود

کتـاب بیست و یکم دارای سی و سه باب در ستـایش اهورا مزدا و ملائکه مقربینش بوده است

در خصوص این کتابها چند سطر ذیل را از دایرةالمعارف (جلد ششم وصفحه ۸۲۵ از چاپ نهم) نقل مینمائیم

تصرف سـابل در دفعهٔ دویم پیش ار نقش کتیبه های کوه بیستون واقع شده که در تاریخ ۵۱۵ قبل از مسیح داریوش در آن میگوید من کتـاب قدیم و متن احکام الٰهی (اوستا) و شرحی از احکام الٰهی و نمـاز (زند) را ترجمه نموده ام

مطابق گفته داکتر هوگ قدیمترین قطعات کتابهای مقدس موجود پارسیانرا نمیتوان کمتر از هزار و پانصد سـال پیش از مسیح قرار داد در صورتیکه زند اوستـا تماماً قریب پانصد سال قبل از مسیح پیدا شده‌است از طرف دیگر داکتر تیل معتقد است که جدید ترین حصهٔ اوستا هشتصد سال پیش از مسیح و گاتاها دو قرن قدیمتر از این حصهٔ جدید (یعني هزار سال پیش

کتاب سیزدهم دارای شصت باب در شرح اوایل عمر این پیغمبر بود

کتاب چهاردهم دارای هفده باب در تفصیلی راجع بخدا و ملائکه مقربین او بوده است

کتاب پانزدهم دارای پنجاه و چهار باب و در آن احکام و قوانین حفظ ثروت و مال و همچنین عفت و عصمت در ایام زندگانی نوشته‌شده بود

کتاب شانزدهم دارای شصت و پنج باب ودر بیان ازدواج با اقربا بوده است

کتاب هفدهم دارای شصت یا شصت و چهار و یا شصت پنج باب از بابت عقوبت گناه‌کاران وحلال و حرام دینی بوده است

کتاب هجدهم دارای پنجاه و دو باب و طریق اجراء احکام وغیره را نشان میداد

کتاب نوزدهم وندیداد معروف بعد از این شرح مفصّلی از بابت آن ذکر خواهد شد

کتاب بیستم با سی باب در بحث از اعمال شایسته و نمازها و نتایج مآلی کارهای خوب و بد بود

اشکال رفع شده و باني این دین را از کسانیکه به این اسم خوانده شدند به کلمهٔ اسپیتاما تشخیص خواهم داد راآنزین هم این نظریهٔ را تقویت نموده کلمهٔ زردشت را لقب طبقهٔ روحانیین و علماء دین ایام قدیم میداند [٦٤]

هرچند این بیست و یک جلد که مورد بحث ما هستند حال مفقود و از منابع مختلفه مانند دینکارد پهلوی و روایات فارسی و تفصیلي که هر میپاس مؤلف یونانی نوشته و از چندجای دیگر [٦٥] از مضامین آنها مطلع میشویم لیکن تکه پاره‌های برخی از نسکهاي اصلي و فقط یک نسخهٔ تمام از نسک نوزدهم وندیداد هم موجود است که ازاینها یاد و نسک دیگر که یسنا و ویسپاراداست وندیداد ساده ساخته شده است علاوه بر همه این مجلدات‌کتاب خورده اوستائیست که عمدهٔ آن در نمازها است

٦٤ به میدیا صفحه ۲۷۲ رجوع شود

٦٥ به کتبهای مقدسه شرق و به مقالهای هوگ و بکتاب مردمان ایران تالیف تیل رجوع شود

از مسیح) هستند [٦٠] ولیکن تا هنگامیکه تاریخ حقیقی حیات خود این پیغمبر ثابت و مقبول عموم علما عصر جدید نشده تاریخ این کتابهای مقدس را نتوان معلوم نمود اما از بابت صاحب زند اوستا یونانیها [٦١] و فارسیها [٦٢] معتقدند که خود زردشت صاحب همهٔ این کتابها بود لیکن مارخام [٦٣] این عقیده را رد نموده میگوید: بطلان این عقیده که زردشت صاحب همه این کتابها بود آشکار و هویداست و صحت آن در صورتیستکه کلمهٔ زردشت را اسم خاص و علم ندانسته بلکه اسم عام که در اشخاص عدیده اطلاق شده و مفهوم ان مطلق رئیس روحانی زردشتیان باشد فرض نمائیم در این صورت

---

٦٠ بکتاب دین مردمان ایران ترجمه مستر نریمان صفحه ٤٠ رجوع نمائید

٦١ به مقاله های هوگ و به کتبهای مقدسه شرق رجوع شود

٦٢ به دین زردشت تالیف مسانی بلکه به حکمت الهی زردشت تالیف دالا رجوع نمائید

٦٣ بتاریخ ایران صفحه ٥٢ رجوع کنید

این عصر را ذکر نموده است مطابق اطلاعاتیکه از کتابهای نویسندگان معتبر در دست داریم اسکندر در نشاط مستی ارک و کاخ پادشاهان هخامنشي پرس پلیس را که در آن دو نسخهٔ کامل از کتابهای دیني زردشتیان گذاشته شده بود آتش زده و باین سبب یک نسخه سوخته و نسخهٔ دیگر را چنانکه نوشته اند یونانیها بغارت بردند

نسخه های دیگر که کم و بیشی ناتمام بودند البتّه در ظرف پانصد و پنجاه سال که به دین زردشت چندان کمکی از طرف یونانیان یا پهلویان نرسیده یقیناً مورد تلفات زیاد شدند هر چند در کتاب چهارم دینکار مذکور است که والکاش (ولکسس) هخامنشی حکم نموده که تمام کتابهای باقی مانده را جمع کرده آنها را محافظت نمایند[٦٨] پادشاهان اوایل سلسلهٔ ساسانیان کتابهاي پراگنده

---

٦٨ به کتاب دین مردمان ایران تالیف داکتر تیل و ترجمه مستر بریمان صفحه ۲۹ و به کتاب گنجینهٔ مغها هم رجوع نمائید

و محتمل است که این سه کتاب آخرین فوق قسمتی از بیست و یک کتاب سابق الذکر را ساخته باشند اما در خصوص تاریخ نسکهای مقدس هوگ میگوید [۶۶] از کتیبه‌های میخی فارسی معلوم میشود که پادشاهان هخامنشی به اهورا مزدا اعتقاد داشته و زبان ایشان بزبان اوستا بسیار نزدیك و عهد سلطنت ایشان درحقیقت عصر آکستین (عصر ترقی) ادبیات دین زردشت بوده در آن عصر این ادبیات بسرحدّ کمال رسیده و بیست و یك کتاب که هر یك را نسک خوانده و هر کدامرا به نام یکی از بیست و یک کلمهٔ که مجموع آنها عبارت مقدس یتا اهو ویریو[۶۷] را ترکیب مینماید مرتب شده اند اردای ویرافنامه در جائیکه میگوید که این دین تا سیصد سال بچیزی آمیخته نشده و شکی در عقاید پیروان راه نیافته تقریباً

---

۶۶ .مقاله های هاوگ صفحه ۵٤ و همچنین بتاریخ ایران تالیف ملکم صفحه ٤۹ رجوع شود

۶۷ تاریخ ایران تالیف کاراکا وکتاب دین زردشت تالیف مسانی رجوع نمائید

این خرابی را از اثر تگرگ و باریدن و آب شدن برف و سرمای سخت مهلک در این کتاب ذکر مینماید امّا در انجیل و قرآن همین واقعه بسبب طوفان بزرگی که در زمان نوح اتفاق افتاده است مذکور است باستثنای این فقره سایر وقایع مذکوره درآنها بکلّی همان چیزها نیست که در وندیداد مسطور است برای مزید اطّلاع بمقالهٔ ادبی داکتر ای. جی. اس. تراپوروالا (دارالفنون کلکته) در تحت سر مقالهٔ «روایت ییما» که در مجلّه کلکته ماه دسمبر ۱۹۲۱ شرح مفصّلی در این موضوع بیان نموده است رجوع نمائید لیکن مورّخین عرب جمشید را همان سلیمان دانسته و تفصیل آن در جلد سویم کتاب معروف حبیب‌السیر تألیف میرخوند و در مسالک المحسنین عبدالرحیم تبریزی ۱۲۵۹ هجری داده شده است پرفسر براون هم در تاریخ ادبیّات ایران در جلد اول صفحهٔ ۱۱۲ تا صفحهٔ ۱۱۴ شرحی در این باب نگاشته است

را جمع و مرتب نموده و صلح جو ترین پادشاهان اخیر مشوّق ترقیّ ادّبیات دینی بودند

حال به تفصیل کتابهای عمدهٔ ادبیات مقدّسهٔ که موجودند به پردازیم کتاب وندیداد که دارای بیست و دو باب است در ذکر تفصیل مملکتهائیست که این دین در مرحلهٔ اول در آنها انتشار یافته وقوانین و رسوم دین زردشت و مطالب متفرّقهٔ دیگر مشروحاً در آن ذکر شده است در این کتاب هم مطالب عربی که یکی از مطالب مهمّه کتابهای مقدّس تمام دینهای عالم است نوشته شده است و آن عبارت است از خراب شدن دنیا بفرمان باری تعالیٰ به کیفر گناهان کبیره که روزمرّه از مردم صادر شده است در این کتاب اهورامزدا حبیب خود جمشید پادشاه عصر را از این واقعه آگاه و او را به ساختن محوّطهٔ امنی برای نگاه داری نسل انسان و حیوانات و پرندگان و تخمهای نباتات و درختان در آن و محفوظ ماندن از غضب خدا و ضمیمه شدن به بهترین مخلوقات آینده امر میفرماید

فارسیان بر آنند که ترجمهٔ دارمستتر بر زند اوستا پر از غلط و در جاهای بسیار تفسیر عبارات و معني کلمات مخالف مقصود کتاب اصلي است

مستر جی. ک. تریمان در دیباچهٔ ترجمه خود بر کتاب دین مردم ایران تألیف داکتر تیل عبارات ذیل را که این داکتر عالم در تأیید این عقیده نسبت به ترجمهٔ کتب مقدّسهٔ شرق نوشته است نقل مینماید:

اگر کتب مقدّسهٔ شرق را که ترجمهٔ دارمستتر است ملاحظه نمائید و فقراتیکه او نقل کرده است تماماً بخوانید شاید بعضي با پیشتر اصلاحاتیکه من نموده ام و تغییراتیکه در ان داده ام بجا دانسته اعتراضي از این بابت برمن ننمائید زیرا که هرچند تا کنون عالمیکه بخوبی او اوستا را دانسته باشد دیده نشده است ولی با این حال من ترجمهٔ او را محلّ اعتبار ندانسته مسلکي را که او در ترجمهٔ خود اخذ نموده است باعث خرابي ترجمهٔ او میدانم لیکن برای مقصود حالیّهٔ خود جز قبول همین ترجمهٔ مغلوط چارهٔ دیگر نداریم زیرا که از پیش

باری وندیداد مردم را بزراعت که پیشهٔ مباح و با برکت است ترغیب نموده و عموم قواعدیکه انسانرا بصورت صواب و صلاح میکشاند و از راه باطل و شر منصرف مینماید بیان نموده است و همچنین عادات و رسوم مخصوصی را ذکر مینماید که واضحاً گذارشات کارهای اواخر عهد اوستا است که بسیاری از سخنان اصلی پیغمبر در ان اوقات فراموش شده بود لیکن با اینهمه چنانکه راگزین میگوید[٦٩] روح ان تعالیم در ان کتاب در رئوس مطالب باقی مانده و ان احکام با آمیختگی بقواعد بیهودهٔ و مزخرفات رؤسای دین پر از حکمت و مطالب عالیه است

این کتاب سابقاً در شمار سلسلهٔ کتابهای مقدّس شرق از زبان اصلی بزبان انگلیسی ترجمه شده است اعتبار و صحت ترجمهٔ این رشتهٔ مخصوص مورد مناقشهٔ علمای پارسیان شده و بعقیدهٔ ایشان فقط به ترجمهٔ مترجمین آلمانی میتوان اعتماد نمود

---

٦٩ رجوع به میدیا صفحه ١١٣ تا ١١٤ نمائید

قسمت عمده اش عباراتیست که در این دین
براي عبادات مقرر شده است گاتاها حقیقتاً جوهر
مواعظ و نصایح دین زردشت و انها را عین کلمات
زردشت میدانند و از این جهت اهمیّت زیادی
باین قسمت از کتاب داده شده است ما در جای
دیگر قدری از ترجمهٔ گاتا را ذکر کرده و در ان
حقیقیت عقاید دین زردشت را بیان نموده ایم

پس از پرداختن از گفتگوي دریسنا اندکي
جلو رفته تا از مضامین کتاب سویم مطّلع شویم

این کتاب دارای بیست و دو حرو و مشتمل
بر سرودها و نیایشهائیست که مقرّبین درگاه الهی
و نفوس مقدّسه را با انها خوانده و علماء دین
انها را در موقع اداء رسومات دینیهٔ از اهورا مزدا
و سایر پاکان برای طلب توفیق تلاوت مینمایند

این کتاب ضمیمه‌های قسمت‌های مختلفه یسنا را
هم دارا است و چندین باب ان کلیتاً مطابق
قسمتهاي یسنا است که در وندیداد ساده هست [۷۰]

---

۷۰ رجوع به کتابهاي مقدس شرق جلد سی و یکم
صفحه ۳۳۵ بائید

آمدهای ناگواری که برای دین زردشتیان روی داده توجهٔ چندانی باختلافات و تفاسیر ادّبیات مقدسهٔ ایشان نشده است ما از این علماء اروپا که بقدر وسع و امکان در ارائه این کتابها بصورت اصلیه متحمل زحمات سودمند شده اند نهایت متشکریم واضح است که ادبیاتیکه ان قدر قدیمست که زبان ان از چندین قرن بکلی متروک شده ترجمهٔ ان صحیحاً کار آسانی نیست زیرا که برای ترجمهٔ صحیح متن اوستا تسلط کامل بر زبان سانسکریت ودا (کتاب مقدّس برهمنان) و شرحهای زند و پهلوی و همچنین علم مقایسهٔ لغات تا درجهٔ که راجع به اوستای اصلی است لازم است

باری رشتهٔ سخن را از دست نداده حال از کتاب یسنا که نسبتاً بعد واقع است گفتگو نمائیم

یسنا دارای هفتاد و دو فصل و بزبان محلّی اوستا و گاتا هر دو نوشته شده و کتاب نماز است

بابهای گاتا شامل سرودهائیست که عموماً افکار فیلسوفانهٔ راجع بمطالب دینیه را ذکر مینماید

افتاده انها را عملاحتي پس از مردن هم عبادت مینمایند

در ملاحظهٔ حادثه‌های گوناگون ناگواریکه برای تاریخ دیني پارسیان اتفاق افتاده می بینیم که یکی از آنها این است که ترجمهٔ انگلیسی ادبیات دین زردشت تقریباً در هرجائیکه کلمهٔ پرستش ذکر شده است خواه جاهائیکه فرشتگان و اولیا و یا نفوس مقدّسه خوانده شدند و خواه جاهائیکه راجع به پرستش واجب الوجود تعالیٰ و تقدس است اغلب قابل اعتماد نیست زیرا این کلمهٔ پرستش لفظ عالم و در ادبیات دینی در چندین مورد استعمال شده و باختلاف مورد مراد اختلاف داشته ولی در ترجمهٔ انگلیسی بي رعایت تفاوت این کلمه را بمعنی خاص ترجمه نموده فرق میان خدا و ملایکه و یا اولیاء در مفهوم این لفظ ننموده اند نباید تصور نمود که پیروان زردشت میان خدا و موجوداتیکه ما دون او و پایهٔ أنها فرودتر از پایهٔ اوست فرقي قایل نیستند بلکه

چهارمین این سلسله خورده اوستا یا اوستای کوچک است که حصهٔ از زند اوستا است این کتاب مخصوص اوستا داراي کتب مقدسهٔ ذیل است

(۱) یشتها (۲) نیایشها (۳) آفرینگانها (٤) گاهها با بعضی متفرّقات دیگر است

عمدهٔ مطالب یشتها ترتیبات اعمال روزانهٔ فارسیان و عبادات خدا و دعاي هر روزه است

در این کتاب عبادات موجودات دیگر غیر از اهورامزدا تعالی و تقدس ذکر شده است امّا اینها چنانکه در باب بعد گفته خواهد شد کارهای طبقات اواخر بوده است

لیکن وقتیکه ادیانرا با یکدیگر مقایسه نمائیم و اوضاع دین مسیح و اسلام را در اواخر ایام بسط و توسعهٔ انها مطالعه کنیم از این گونه معایب هم میتوانیم چشم پوشي نمائیم زیرا که مسیحیان را می بینیم که بخدای مسیح قایل شده و مسلمین با اینکه فقط سیزده قرن از ظهور دین اسلام گذشته در حضور عرفا و اولیا به سجده

است نمازیکه محمّد مقرر نموده در ابتدا برای دو حصّه روز معین شده بود پس ازان نماز سویمّی (هم در قرآن) برای قسمت سویم روز که انرا خود محمّد میانه (الوسطی[1]) نامیده افزوده شده است ۷۳

مستر سیّد خدابخش یکنفر از علماء قایل عصر جاری چند روز پیش اشاره بهمین مطلب نموده است ۷۴ مشار الیه میگوید که پنج گاه ایرانیان یعني پنج وقت نماز ایشان از این قرار سرمشق واقع شده و اسلام که از تفوّق داشتن ایرانیان پران اباء و امتناع داشته نماز روزانه خود را از عدد سه به پنج رسانیده است

این امر صدق رسالت زردشت را اثبات مینماید زیرا که هیچ پیغمبری دین جدیدی وضع

---

۷۳ رجوع کنید بکتاب مشکوة المصابیح (جلد اول باب چهارم فصل نماز) که در اں سه وقت نماز یومیه که در اوائل ایام اسلام مقارن اوایل نزول قرآن مقرر شده بود ذکر شده است

۷۴ روزنامهٔ استیتسمن تاریخ ۱۶ می ۱۹۲۶ (کلکته) را نگاه کنید

باید دانست ایشان هم مانند ما میان خدا و سایر
موجودات اختلاف مرتبه قایلند این قضیهٔ را
سابقاً پرفسر مولتن در یکی از تالیفات مشهور خود
بدقت مورد بحث قرار داده است [۷۱]

حال باید بذکر گاهها یعنی پنج نماز روزانه
که در دین زردشت برهر پارسي در پنج وقت
مخصوص شبانه روز واجب شده است به پردازیم

این عدد پنج چنانکه پرفسر دارمستتر و
گلدزیر مینویسد [۷۲] در اوقات نماز مسلمین بدرجهٔ
زیاد مؤثر واقع شده است گلدزیر میگوید
که عدّهٔ تکرار عبادت روزانهٔ اسلام که در اثر سرایت
دین یهود نصاریٰ است یقیناً منشأش از دین ایرانیان

---

۷۱ رجوع به گنجینهٔ مغها بنمائید

۷۲ رجوع کنید به تاثیر دین زردشت بر اسلام تالیف
پرفسر گلدزیر که مستر جي کی. نریمان در کتاب ایران
و پارسیان خودش نقل و ترجمه نموده است و همچنین بکتاب
مواعظ اسلام صفحهٔ ۲۰۸ تالیف پرفسر ارنالد رجوع کنید
در این کتاب اخیر این مطلب مخصوص با قسمتهای مهم دیگر
تعالیم اسلامی که با عقاید دین زردشت مطابق است خوب
و واضح بحث شده است

نموده ایم [۷۶ب] حال قدری گفتگوي کتابهاي پهلوی زردشتیان نمائیم این کتابهای اخیره تا درجهٔ که راجع با حادیث و عادات و رسوم دینی است بسیار دارای اهمیت است دایرهٔ ادبیات پهلوی بسبب اینکه بر عدّهٔ تألیفات متدرجاً افزوده میشد توسعه یافته است فهرست تمام دفاتر پهلوی مطابق صورتیکه در کتاب تاریخ پارسیان تألیف کاراکا ضبط شده است بالغ به پنجاه و دو نسخه است ما در این مقام به مطالب عمدهٔ بعضی از مهم ترین کتب پرداخته و از باقی صرف نظر مینمائیم

۱ بزرگترین و مهمترین کتابهای پهلوي کتاب دینکار داست که بحث از مسایل مشکله تاریخي ونجومی و دیني مینماید و شرح مبسوطی هم از بیست و دو نسك اوستا بیان مینماید

۲ نیرنگستان: این کتاب بحث از تکالیف و رسوم دیني که در دین زردشت اهمیّت زیادی رادارا هست مینماید

۷۶ب براي سایر تفاصیل تاریخ ادبیات ایران تالیف پرفسر برون جلد اول صفحه ۹۵ تا ۱۰۱ را بخوانید

ننموده بلکه هر یک از پیغبران چنانکه از قرآن مستفاد میشود ٧٤ب تبعیّت پیغمبران دیگر نموده است

نیایشها نمازهای نافله و مستحب هستند نه واجب و شمارهٔ انها هم پنج است بتوسط این نمازها پارسیان شکر خدای تعالیٰ برای آفریدن بهترین مخلوقات پنجگانه که آفتاب و ماه و آب و آتش و نور است بجا میآورند ٧٥

آفرینگان نمازهاي مرسومهٔ هستند که رؤسای دین در مواقع مخصوصه برای یاد آوری ارواح مردگان عزیز و یا بقصد استعانت ار فرشتگان موکل تلاوت مینمایند ٧٦

از بابت کتب مقدسهٔ اوستائی و انهائیکه در اواخر عهد اوستا نوشته شده باین قدر اقتصار

٧٤ب رجوع کنید به باب ٥٧ و صفحه ٢٧ از مشکوةالمصابیح

٧٥ تاریخ پارسیان تالیف کاراکا و تاریخ ایران تالیف مارخامه و الهیات دین زردشت تالیف داکتر دالا را مطالعه نمائید

٧٦ بتاریخ ایران جلد دویم رجوع کنید

٧ مینوخرد است که شرح روایات و اخلاقیّات دین زردشت است

٨ مادیگان گشتفریان است که بحث از معمّاها معضل عرفانی است

٩ مادیگان ویراف یا ارداویرافنامه است در این کتاب مخصوص الهاماتیکه به اردای و یراف از بابت بهشت و دوزخ شده است شرح میدهد اردای ویراف از اولیای بزرگ ملّت زردشت است که از صفای باطن درعالم خواب مقرّ مخصوص هریك از ثواب کاران و گناهکاران را مشاهده نموده است سرّ این الهام این بود که فساد و اختلالی که در خیال مردم این عصر راه یافته بود بوسیله شرح حقیقت حال بهشت و دوزخ رفع نماید

١٠ مادینگان لکیم بیان فضیلت مخصوص هر یک از سي روز ماه و اعمل مخصوص هر روز است

٣ شایست و ناشا یست است که از اعمال حلال وحرام این دین بحث مینماید

٤ دادستان دینی کتابیست که مسایل دیني را که از بزرکترین علمای زردشتي استفتاء و استفسار شده و جوابهای متین انها را متضمّن است و کلّیّتاً بحث از مقولهٔ الهیات و مراسم دینیه مینماید این کتاب مبحث نکاح و میراث را هم مشتمل است

٥ شکن گماني ویچار است که در آن احتجاجات بوجود خدا با ادّله و براهین اثبات ان در مقابل منکرین او است

٦ بوندهشنه است این کتاب در اهمیت تالی دینکار داست و موضوع بحث ان یکی از تعالیم عمده دین پارسیان (ثنویتی که به او بسته اند) است که در ان فصل مشبعی در تأثیر خوبی و بدی در تمام موجودات ذکر شده است

اطلاعات از بابت ادبیّات خودتا حدّ امکان خدمت شایاني بروز داده اند مسلمین همیشه علاقهٔ مفرطی به تواریخ ملل مختلفه داشته و به این شعبهٔ ادبیات فارسی بسی افزوده اند تقریباً تمام کتب موجودهٔ در این موضوع از زبان اصلي (پهلوی) زبان عربی ترجمه شده است برای اطلاع در تفصیل باید بکتاب گرانبهای ابن الندّیم و همزهٔ اصفهاني و البیروني و مسعودي و طبری و سایر کتب رجوع نمود این مؤلّفین راجع به اوستا وزند اوستا و شرحهای پازند پس از جمع کردن تمام کتب از هرگونه و کنار مملکت در تألیفات خود تفاصیل صحیح ذکر نموده اند[77] اوستا بزبان عربي ترجمه شده و همزهٔ اصفهانی در چندین جا عین عبارات عربی آن ترجمه را در کتاب خود نقل نموده است بعلاوه اینها تمام کتب پهلوی هم بزبان عربی ترجمه

---

٧٧ بکتاب الفهرست تالیف الندیم صفحهٔ ٢٤٤ تا ٢٤٥ و به تنبیه و الاشراف صفحهٔ ٩٠ تا ٩٢ و به ملل و نحل صفحه ١٨٥ تا ١٩٢ و کتاب ابن الاثیر جلد اول صفحهٔ ١١٠ بهدنیاوري صفحهٔ ٢٦ وغیره رجوع کنید

باقی کتابهای پهلوی یا ترجمه و یا شرح
کتابهای مقدّس اوستائی و یا ذکر بعضی مباحثی
است که از حدود دین خارج نیست [٧٦ت]

این روایات جوابهای سؤالاتیست که
زردشتیان هندوستان از همدینهای خود در ایران
برای راهنمای ایشان بمطالب دینیه در خارج وطن
قدیمشان نموده اند فقط چند سطر راجع
بمساعدت و کمکی که مسلمین در جمع آوری و
ترجمهٔ کتب زردشتیان نمودند در اینجا مینویسیم

برای عربهائیکه با ایران و اهالی آن مجاورت
و مراوده داشتند تحصیل اطلاعات کامل از باب
کتب معقول ایرانیان بسیار سهل و آسان بود
و بی شبههٔ در استقراء و تتبّع برای بدست آوردن این
گونه اطلاعات دقیقهٔ فرو گذار ننمودهاند خلفاء دورهٔ
اوایل اسلام خود حامی و طرفدار این امر خطیر
بوده و ندماء زردشتی انها در رساندن بهترین

٧٦ت برای سایر تفاصیل تاریخ ادبیات ایران بتالیف
برون جلد اول صفحهٔ ١٠٣ تا ١٠٩ رجوع نمائید

باب چهارم

زرتشت و تعالیم او

حال باید مضامین برخی از کتابهای مقدّس پارسیان را ذکر نموده تا بنظر دقت اصول تعالیم این دین مبین را بنگریم از بابهای گاتای کتاب یسنا چنانکه سابقاً بتفصیل گفته شد چنین مستفاد میشود که این کتاب تماماً از ایام حیات این پیغمبر تا کنون برای ما محفوظ مانده و بیشك کلمات خود زردشت که با آنها تبلیغ رسالت مینمود در او مندرج است

در کتاب یسنا در باب سی ام اساس تعالیم این پیغمبر که عین بیانات او است نوشته شده است

در آغاز سخن به حاضرین خطاب نموده میفرماید که برای تمیز حق از باطل و تشخیص خوبي از بدی بر هر کس لازم است که عقل خود را میزان

شده و باین لحاظ بتألیفات مؤلفین سابق الذکر دورهٔ
اول اسلام میتوان رجوع نمود[۷۸]

---

۷۸ به کتاب شعرالعجم شبلی جلد اول صفحه ۱۱۸ تا ۱۱۹
و تاریخ ادبیات ایران تالیف برون جلد اول صفحهٔ ۱۱۰ برای
سایر تفاصیل رجوع کنید و همچنین به کتاب تاثیر ادبیات ایران
در ادبیات مسلمین تالیف نریمان و بکتاب سخندان فارس تالیف
محمد حسین آزاد رجوع نمائید

آن شرح واضح و آسانی در موضوع ثنویّت که به زردشت اسناد داده اند بیان مینمائیم (۷۹)

۱ "اکنون به کسانیکه میخواهند سخنان مرا بشنوند فاش میگویم که خرد مند باید سرود (در ستایش) اهوراو نیایش منش نیك (وهومن) و کامیابی کسی که بانها گوش فرا داده با راستی بسرای درخشان (جاویدان) نگران است در یاد داشته باشد"

۲ "به بهترین سخنان گوش فرا دهید با اندیشهٔ روشن بانها بنگرید میان این دو آئین (راستی و دروغ) خود داوری کنید هرکس پیش از روز بار پسین کیش خود برگزیند شود که در انجام کامروا گردیم"

۳ "آن دو گوهر دیرینه (قدیم) که در پندار (تصور) جفابه (توأم) آشکار شده اند (ظهور کرده اند) خوبی و بدی در اندیشه و گفتار و

---

(۷۹) به کتاب «اشعار دینی قدیم ایران» از صفحهٔ ۹۳ تا ۹۶ رجوع نمایند

قرار داده صحّت و سقم هر چیزیرا باین میزان که بهترین مقیاس است بسنجد هر کس را زمان قطعی و معینی در پیش است که برای آن باید دین صحیح را اختیار نموده اصغاء احکام و اطاعت او امر الهی نماید پس از آن به گروه حضّار در نخستین بار اظهار مینماید که طبیعت این عالم کون و فساد ذوجنبتین و نهاد این جهان سست بنیاد از خوبی و بدي سرشته شده است و این مطلب را به تمثیل و تشبیه بانها میفهماند زردشت میگوید که در این عالم فقط دو راه برای هر کسی باز شده یکی راه خوبی است که برستگاری جاودان و سعادت اخروی میرساند و دیگری راه بدی است که یکسره بجهنّم و بدین طریق بخواری و شکنجه میکشاند خداوند به هر کس نعمت عقل کرامت فرموده تا مطابق حکم آن رفتار نموده از مهالك و مخاطرات محفوظ بماند

حال بذکر عین متن گاتا (خلاصه) که ترجمهٔ مرحوم داکتر جیمز مولتن است پرداخته پس از

این جهان و پاداش جاودانی دروغ پرستان و کامیابی راستی خواهان را بنگرید پس در روزگار آینده همیشه شادمان خواهید بود"

چنانکه از سیاق کلام معلوم میشود این سخنان در حضور جمعیّتی از تمام طبقات مردم که از راه دور و نزدیك آمده بودند گفته شده و همه مخاطب باین خطاب بوده اند راگزین در خصوص این باب چنین میگوید:ـ این کلام در دین زردشت در مرحلهٔ اول و ساده اش مانند موعظهٔ روی کوه است که ما (مسیحیان) در دین خود داریم (۸۰) باری باز به "ثنویّته" که بزردشت نسبت میدهند برگردیم این مسئلهٔ خیر و شرّ کاملاً مطابق است با انچه که در انجیل و قرآن مذکور است جای انکار نیست که این کتابهای مقدس هم مردم را متنبه ساخته تا راه راست خدا را که طریق سعادت است اختیار و از راه شیطان که

(۸۰) بکتاب میدیا صفحه ۱۰۲ رجوع نمایند

کردار است و از میان این دو دانا نیك را برگزینند و نادان زشت را»

٤ «در آغاز هنگامیکه این دو گوهر به بیکدیگر پیوستند زندگی و مرگ را پدید آورده اند از این روی در پایان جهان دروغ پرستان گرفتار بدترین زندگی و پیروان راستی از نیکوترین جا برخوردار خواهند گردید»

٥ «از میان این دو گوهر جنابه دروغ پرست زشت ترین کردار را پسندید و پیرو راستی خرد پاك را که بزیور ایزدی آراسته است برگزید»

۱۰ «پس بیگمان خوشی دروغ نیست ونابود خواهد شد و کسانیکه نام نیك برای خود گذاشته اند در سرای فرخندهٔ مزدا و منش نیك (وهومن) و راستی (اشا) از پاداش نوید داده شده (موعود) بهره مند خواهند بود»

۱۱ «ای مردم اگر فرمانهائیرا که مزدا سرنوشت شما ساخته است نگاه دارید و خوشی و رنج

گفت که در ارادهٔ الهی هم راه یافته است چنین کس با اینکه به کتب مقدسه معتقد وآنها را میخواند نباید چنین سخن را گفته وبلکه چیزیرا هم که موهم این باشد نباید بگوید" درهر صورت ما ناچاریم که بوجود مستقلّ شر اعتراف نموده و آنرا در تحت ارادهٔ مطلق و مشیت کامل خدا دانسته انچه نتایج آخرین و نامعلوم این عقیده باشد بر خود هموار نمائیم

داکتر محمد اقبال یکی از علماء بزرگ اسلام در تنقید نظریات داکتر گگر (۸۳ ب) راجع به مسئلهٔ وجود شر که در تعلیم زردشت مشروحاً بیان شده است میگوید (۸۴) :—

" اعتقاد باینکه دو گوهر توأمی هستند که آفریننده حقیقت و عدم حقیقتند و با این حال این دوگوهر در وجود مطلق متحد وباهم مغایرتی ندارند - چنین اعتقاد را با اعتقاد باینکه مبدأ شرحرثی از ذات

(۸۳ ب) رجوع کنید به کتاب « ترقی ایرانیان در ایام قدیم »
(۸۳ پ) به کتاب « مقاله ها از بابت پارسیان » رجوع نمائید
(۸۴) به کتاب « ترقی حکمت الهی در ایران » از صفحهٔ ۳ تا ٤ رجوع نمائید

راه ضلالت است اجتناب نمایند (٨١) خدای مهربان بارها به بندگان خود فرموده که به عقل و ادراك خود صواب را از خطا و روشنی را از تاریکی و خدا را از شیطان تشخیص و تمیز دهند شبهٔ نیست که در این عالم بیش از دو راه (٨٢) از برای ما نیست یکی راه حق که مستقیماً ما را بخدا و دارالقرار و راحت ابدی رسانیده و دیگری راه باطل و راه شیطانی که یکسره ما را بدوزخ و دارالبوار و نکبت دائمی میکشاند

یقین است که وجود بدی را در آفرینش خدای تعالی نتوان انکار کرد داکتر مکولاچ مینویسد (٨٣) "کسیکه میگوید که در مقابل قدرت الهی نتوان قایل بوجود شر شد بلکه نتوان

(٨١) قرآن مجید سورهٔ پانزدهم و آیهٔ چهل و دویم
قال رب بما اغویتنی لازینن لهم في الارض و لاغوینهم اجمعین الا عبادك منهم المخلصین

(٨٢) قرآن مجید سوره نودم از آیهٔ هشتم تا دهم :—
الم نجعل له عینین و لسانا و شفتین و هدیناه النجدین

(٨٣) رجوع کنید بکتاب « نعوت الهي » جلد سویم صفحهٔ پانزدهم لندن ـ ١٨٤٣

این مقدمات فقط این نتیجه بدست میآید که چون خوبي و بدي از نتایج خلقت و آثار قدرت ذات مقدس احدیت اند پس بعد ازانحلال ترکیب و هیئت و انعدام شکل و صورت و زوال عوارض ماهیّت و رفع مناقشات طبیعت و طیّ مرحلهٔ عمل اعیان موجودات یکسره خلع کسوت اختلاف و دوئیت نموده به مبدأ کائنات که وجود بحت بسیط است عود و رجعت کرده در حالت فناء کثرت در وحدت بدی خالی از شایبهٔ وجود و نابود محض خواهد بود (۸۵ب) آیا قرآن مجید شیطان را مخلّ راحت و مخرّب سعادت نوع بشر میخواند آیا خداوند حکیم علم بخباثت نفس و شرارت شیطان رجیم که فقط یکی از مخلوقات او بود نداشت یقین است که در وجود مطلق ضعف و علّت و در علم الهی عیب و منقصتی نیست لیکن باین حالت چنانکه در آیته نزدیک خواهیم گفت

(۸۵ب) همین عقیده باعث شد که اشعري های اوائل اسلام بر این بودند که خیر و شر هر دو از جانب خدا ست — به « الکلام » جلد اول صفحه ۱۲ رجوع نمائید

خدا را ساخته و تعارض میان خوبی و بدی عین معارضه و کشمکش خدا است باذات خود تفاوتی نیست"

حال برای دفاع از این احتجاج فقط قول مصنف بزرگ دیگر شمس‌العلما شبلی نعمانی که همین مطلب را از نقطهٔ نظر دین ما بحث میکند نقل مینمائیم (۸٤ ب)

این مصنف عالم مطلب فوق را چنین تقریر مینماید:—"اعتقاد باینکه کفر و فسق و فجور و سایر گناهان کبیره و تمام بدیها و شرور ناشی از رضای خدا و ارادهٔ خود او هستند هرچند عین حقیقت است لیکن اقرار به آن برای بسیار . . . مضر خواهد بود زیرا که این اعتقاد منجرّ باین میشود که خدا علّت عصیان و سبب ارتکاب اعمال قبیحه و گناهان بندگان است" (۸۵) حال از

(۸٤ ب) رجوع کنید بکتاب «علم الکلام» جلد دویم صفحه یکصد و هشتادم

(۸۵) برای سایر تفضیلات در این باب رجوع کنید به کتاب نفیس آرچبیشاپ بزرگ داکتر ویلیم کینگ «مقاله ها در موضوع منشاء بدی» فصل دویم و سویم (ترجمهٔ از لاتین بوسط داکتر ادمندلا — کیمبریج ۱۷۵۸)

کسی بخوبی کاری پی نمي برد مگر اینکه
و خامت عاقبت ضدّان بر او معلوم شود نتایج
مفید تقویٰ و پارسائی و قدس و پاکدامنی
و صلاح و درستکاری را که موافق احکام الهي است
برای کسی نتوان شرح داد مگر آنکه اعدام
و اخلال و افساد و اضلال که کار شیطان است
با و بفهمانیم کامیابي و فلاح و بهره مندی و نجاح
را جز بتوسط یأس و حرمان و قصور و فقدان نتوان
دریافت نمود لیکن خدای رحیم و رحمن هیچگونه
مسئول کارهای بندگان که سبب زیان و خسران و
جهت دخول دوزخ و نیران است نخواهد بود (۸٦ب)
خداوند منّان هر کس را بفراخور استعداد وقابلیت
عقل و ادراك و هوش و ذکاوت عطا فرموده تا در
آزمایش و امتحان حجت بر بندگان تمام شده عذر
و بهانهٔ در ارتکاب معصیت برای ایشان باقی نماند

(۸٦ب) مولانا سید محمد صاحب مرحوم لکنهوري تحقیق
دقیقي در این باب در مقالهٔ مختصرش مسمي به شریعت الاسلام
نموده است به ترجمه انگلیسي مستر ا . إف بادشاه حسین
مدرسهٔ الواعظین لکنهو ـ صفحه ۲۳ تا ۲٦ رجوع نمائید

این امور را باید از رموز خلقت و اسرار قدرت دانست

طبیعت مرکب از اضداد و مخالفات و مملوّ از معارضات و منافیات و مجمع مغایرات و مبـاینات و منشاء منافرات و مصادماتی است که هر یک در قسمت و نوبت خود کار مهمی را انجام و صورت داده و در تکوین و بقا و تنظیم و تمـشیت عالم مدخلیت تمام دارد ما نور را از ظلمت و حرارت را از برودت و عشق و محبت را از بغض و عداوت و نعمت سلامت و صحت را از ابتلای بنا خوشی و کسالت و دانائي را از جهالت و بالاخره هر چیزیرا از ضدّ و نقیض آن احساس و ادراك مینمائیم (۸۵ت) خدای تعالی هر چیزیرا جفت آفریده است (۸۶)

(۸۵ت) در این باب بمباحثات دلچسپ مذکور در کتاب علم الکلام تالیف شمس العلما شبلی نعماني جلد دویم صفحه ۱۷ تا ۱۸ رجوع نمائید

(۸۶) قرآن مجید سوره ۲۳ آیة ۳۶ تا ۴۰ سبحان الذي خلق الازواج کلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما لایعلمون و آیة لهم الیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون والشمس تجري لمستقرّ لها ذالك تقدیر العزیز العلیم والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم

خوبی که در صنع متقن او پیدا است ظاهر و هویدا
است که در آفرینش بشر جز خیر و سعادت
و خوشی و راحت ایشان مقصدی نداشته و از این
جهت این لطف و عنایت را در حق بندگان مبذول
داشته و خواهد داشت» از این روی می بینم که
انسان برحسب فطرت و در ایّام طفولیت بی گناه و
پاك و مبرّای از معصیت است لیکن در طی مراحل
زندگانی گرفتار شهوات نفسانی و مبتلا بلذاید
حیوانی و دچار علائق جسمانی شده راه پریشانی
و ذلت و فنا و هلاکت را می پیماید حال مسئول
تمام این گرفتاریها و مصیبت و سزاوار نکوهش
و مذمت کیست؟ یقیناً خدای تعالی را نباید علّت
گناه گنهکاران دانست بلکه کسانیکه مرتکب گناهان
شده اند فاعل مختار و خود سزاوار سرزنش و ملامتند
پندار ناشایسته و کردار ناپسندیده ما سبب آسیب
و آفت و رنج و مشقّت و پریشانی و ذلت و فنا
و هلاکت ما است و از این قرار بدی دارای مبدأ
مستقل و بخود وجود یافته و ما موجودات طرف

از این رو کسیکه با دل و جان حکم یزدان را که بتوسط پیمبران فرستاده شده است بشنود و در پیروی فرمان خدا و گفتهٔ وخشوران بکوشد در زندگانی جاویدان رستگار و شادمان است و کسیکه از آئین خدا روی گردان و از پند و اندرز فرستادگان او گریزان باشد محکوم بفنا و زوال و محو و اضمحلال خواهد بود

هر چیزی را که در این جهان آفریده شده است اگر در محلّ خود و به اندازه و بقسمیکه سزاوار و شایسته و رو او پسندیده است استعمال نمائیم برای ما مفید و سود مند خواهد بود (۸۶ت) یکی از حکماء الهی (۸۷) میگوید:ـ" از ذات کامل الهی که خیّر محض و از ازل منبع فیض بوده است و ازآثار

(۸۶ت) قرآن مجید سوره چهارم از آیهٔ یکم تا نهم ـــ «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً و نساء و اتّقوا الله الذی تسائلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیباً ـــ انّ الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً

(۸۷) به مقاله ها در موضوع «منشأ شر» صفحهٔ ۲۸ رجوع نمائید

بشکنجه و عقوبت خواهیم بود (۸۹) از این جهت
انچه که از ما مکرّراً خواسته شده است این است
که بمقتضای حکم عقل رفتار نموده تا از خطر
و تهلکه نجات یابیم طبیعت و جبلت در اصل خلقت
با بدی و شقاوت و پلیدی و خباثت سرشته شده است
بلکه کردار ما تولید بدی نموده و سبب نشو و نمای
آن گردیده است

حال رشته سخن را که راجع باصل مطلب است
امتداد دهیم حقیقت تبلیغ و رسالت و طریقه
رهنمائی و دلالت زردشت این بود که این دو شکل و
صورت طبیعت را باهالی شرق که مبتلای جهالت و
گرفتار قید اسارت نفس بوده اند بکنایه و تلویح و
توضیح و تصریح بیان نماید چنانکه سابقاً گفته شد
این خیال تازهٔ بود که در اول دفعه در دماغ هندی

---

(۸۹) قرآن مجید سوره ۹م از آیهٔ نکم تا دوازدهم :—
برائة من الله ورسوله الی الذین عاهدتم من المشرکین ـ فان
تابوا واقاموا الصلواة و آتوا الزکواة فاخوانکم فی الدین ونفصل
الایات لقوم یعلمون

نسبت شده در مخلوقات خوب خدای توانا راه یافته
و در خیال انسان سرایت نموده است فقط انسان
است که سبب زایش و باعث پیدایش این دیو پلید
شده و از مخالفت رضای پروردگار رهسپار دیار
هلاکت و بوار است خداوند به نفس انسانی حسن
و قبح اشیا و خیر و شر را الهام فرموده و قوّت
انحراف از راه راست وقدرت حفظ وحراست خودرا
از بدی بان عطا نموده است کامگار و رستگار کسی
است که نفس خود را از آلایش بغض وشهوت
و صفات ذمیمه پاك نموده وزیان کار و تبه روزگار
کسی است که آنرا بحالت سبعیّت و حیوانیّت باقی
گذاشته باشد (۸۸) و لیکن خداوند با این وضع و
حالت ما را مطلع فرموده که از راه خطا و ضلالت
اجتناب نموده و کارها را بقسمیکه شایسته
و سزاوار است انجام دهیم وگر نه دردم آخرین
و روز واپسین دچار افسوس و ندامت و مبتلای

---

(۸۸) قرآن مجید سوره ۹۱ آیهٔ ششم تا دهم :—
و نفس و ما سواها فالهمها فجورها وتقواها قد افلح من
زکیها و قد خاب من دسّیها

دلالت خود ناچار است که یکی از این دو را اختیار نماید کسیکه خودیرا برگزیده نامش در فهرست اسامی جنود یزدان ثبت شده دلیرانه در مقابل دشمن نوع انسان جنگیده و از این رو در عاقبت به آزادی کامل و راحت و رحمت و مغفرت خواهد رسید و بالعکس کسیکه اردوی اهریمن را پرجحان داده قدم در راه بدی نهاده در آخرت در دروازه دوزخ به آتش سوزان خوانده شده مبتلای بعذاب و عقوبت خواهد شد

چند سطر ذیل را از کتاب معروف شهرستانی (۹۰ب) که مؤلفش عین کلمات زردشت را راجع به عقیدهٔ خوبی و بدی و روشني و تاریکی مورد تحقیق قرار داده است بمناسبت مقام ذکر مینمائیم " اما خوبی و بدی و نظم و اختلال و پاك و ناپاك از طبیعت نور و ظلمت پیدا شده و باآنها سنخیّت و مشابهت تامّه دارند و اگر نور و ظلمت از کتم

(۹۰ب) به کتاب «ملل و نحل» رجوع نمائید

ایرانیها داخل گردیده و باید بطوریکه با اوضاع عصر
موافقت و با وضعیات مملکت مناسبت و با طبیعت
اهالی ملائمت داشته باشد برای انها تقریر نماید
لهذا زردشت چنین اظهار داشته است که در اصل
وجود و صقع ماهیّت دو گوهر که یکی خوبی و دیگری
بدی است موجود بوده و این دو گوهر در عرض
و ردیف یکدیگر مشغول کار شده مانند شب و
روز با یکدیگر معیّت داشته از یکدیگر مفارقت
نمیکردند کسیکه پیروی و تبعیّت خوبي را مینماید
باید از بدی که همیشه در کمین نشسته و برای اغوا
و ضلالت منتظر وقت و فرصت است خائف
و گریزان باشد (۹۰) این دو گوهر توأم همیشه
معارضه و مخالفت داشته و نزاع و جدال ایشان
تا روز قیامت بیش از آنکه لطف و عنایت الهی
شامل حال خوبي شده کمک و حمایت خوبی نماید
خاتمه نخواهد پذیرفت هر کسی برای رهبری و

---

(۹۰) همچین قرآن مجید سورة هفتم آیة صد وهفتاد وهفتم:—
من يهدى الله فهو المهتدي ومن يضلل واولئك هم الخاسرون

و شکایت برای ما نخواهد بود لیکن همینکه مرحلهٔ
عمل و مقام فعلیّت رسیده خوبی و بدی در پهلو و
عرض یکدیگر مشغول به کار شده معارضه و مخالفت
میان آنها شروع خواهد شد از بابت منشاء اصلی و
زمان اوّلی پیدایش خوبی و بدی کمیت معرفت
انسان لنگ و تصور و ادراك بشر نارسا و قاصر است

در تحقیق حال خوبی مکانش را در آستان عظمت
و ساحت قدس کبریائی آفرینندهٔ موجودات و مکوّن
کاینات و مبدأ حسنات و منشاء خیرات خواهیم
یافت اما بدی که سبب سقوط آدم از مقام ملکوتی
و هبوط بجهان ناسوتی است یقیناً ناشی از وسوسهٔ
شیطانی و هواجس نفسانی است و راجع به پاك
یزدان و مربوط بذات سبحان نبوده (۹۱) بلکه

---

(۹۱) قرآن سوره دویم آیهٔ سی و ششم :—
فازلهما الشیطان عنها فاخرجهما مما کانا فیه و قلنا اهبطوا بعضکم
لبعض عدو ولکم فی الارض مستقر ومتاع الی حین و سورهٔ هفتم
آیهٔ بیستم :— فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ماوری عنهما
من سوآتهما وقال ما نهکما ربکما عن هذه الشجرة الا ان تکونا
ملکین اوتکونا من الخالدین و سوره بیستم آیهٔ یکصد هجدهم :—
فوسوس الیه الشیطان قال یا آدم هل ادلك علی شجرة الخلد و ملك لا یبلی

عدم بعرصهٔ وجود نیامده بودند ایجاد موجودات
خارج از حیّز امکان بود تاریکی از روشنی
وجود یافته است . . . روشنی در آفرینش منشاء
اصلی و موجود حقیقی است و تاریکی وجود ظلّی
تبعی او است و مانند سایهٔ ما هست که چیز موجودی
بنظر ما، میآید لیکن در واقع و نفس الامر و خارج
وجودی ندارد از این قرار روشنی همینکه
پا بدایرهٔ وجود گذاشته تاریکی به تمعیّت او پیدا
شده است زیرا ضدّیت و نقاضت لازمهٔ تکوین و
خلقت و بی شبهه وجود ظلمت در عالم آفرینش
محل حاجت و موردلزوم و ضرورت است"

شرح دوگوهر خوبی و بدی چنانکه گفته ایم
که در آغاز وجود داشته اند برای صاحبان ادراك
و فهم عادي جز بکلمات و بیانات مخصوص این
پیغمبر صورت امکان نداشته است چون بنظر
دقّت به سلسلهٔ موجودات بنگریم هر چیزیرا
بحسب تفاوت مراتب دارای استعداد و قابلیّت و از
حیث ذات خالی از عیب و منقصت دیده راه عیبجوئی

(۳) "آموختن اخلاق حمیده و صفات پسندیده و امر بمعروف و منع از اعمال قبیحه و افعال شنیعه و نهي از منکر است"

(٤) "آموختن پاداش و مکافات روحانی و عقاب و مجازات نفسانی در نشأه جاودانی در ازاء محامد صفات و فضایل و حسنات و دمایم ملکات و رذایل و سیّئات است"

خواجه کمال‌الدین میگوید که "عوامل سرّیه و محرّکات باطنیّه و اسباب خفیّه گاهی غفلتاً مبادرت به خوبی و ارتکاب بدیرا در نفس ما الهام و در خیال ما القاء مینماید این اسباب و محرکات به عبارت قرآنی ملك و شیطان نامیده شده اند "(۹۲) و بسبب ملازمه و معیّت و ربط و نسبت میان

---

(۹۲) به کتاب « اسلام و دین زردشت » صفحهٔ ۸۸ رجوع نمایید

وجود تبعی خوبی و ناشی از او است چونکه شرح و بیان خوبی و آزمایش و امتحان آن در انسان بی نشان دادن راه بدی بیرون از حدّ امکان است

مؤلف کتاب شریعة الاسلام (ترجمهٔ مستر بادشاه حسن چاپ ناول کشور سنهٔ ۱۹۲٤ع خلاصهٔ اعمال و وظایف پیغمبر را که مربی روحانی و معلّم احکام آسمانی است بطریق ذیل ذکر نموده است

(۱) "آموختن خوبی و بدی چیزهائیکه عقل و ادراك انسانی معمولاً در فهم یا تمیز آنها قاصر است"

(۲) "آموختن قواعد صحیحه و وضع قوانین مفیده از برای معاملات و مبادلات و تدبیر المنزل و آداب معاشرت و حکومت و سیاست قراء و مُدن است"

از گناه و بدی شده است (۹۳ ب) لیکن باید ملتفت شد که مقصود از این تعبیر این نیست که روشنی روز نشانهٔ خوبی و تاریکی شب نشانهٔ بدی است بلکه این تشبیه ربطی باین مطلب ندارد

تشبیه فوق فقط از برای این بود که بعبارت ساده و آسان تعالیم الهی را برای مردمان بیفهم و نادان آن عصر بیان نماید اما از بابت زندگی و مرگ که به خوبی و بدی تشبیه شده اند مقصود از حیات و ممات در این مقام حیات و ممات صوری نیست بلکه از حیات حیات معنوی که کنایه از قدس و تقوی و اعمال حسنه و از ممات ممات معنوی که خاموشی نور ایمان و انفصال روح نیکوکاری

(۹۳ب) رجوع کنید بکتاب ایوب باب نوزدهم و آیهٔ هشتم :- طریق مرا حصار نموده است که از آن نمیتوانم گذشت و بر راههای من تاریکی را گذارده است و کتاب اشعیا باب چهل و هفتم و آیهٔ پنجم :- ای دختر کلدانیان خاموش بنشین و بظلمت داخل شو زیرا که دیگر ترا ملکهٔ ممالك نخواهند خواند و بقرآن سورهٔ بیست و چهارم و آیهٔ چهلم :- او کظلمات فی بحر لجی یغشه موج من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نوراً فماله من نور

خوبی و بدی زردشت آنها را در کلمات خود از روی تمثیل و تشبیه به دو گوهر توأم تعبیر نموده و در مقایسهٔ آنها به روشنی و تاریکی و به راستی و دروغ و به زندگی و مرگ برای مبالغه گوهر خوبی و بدی نامیده شده‌اند باید دانست که این تشبیه با مضامین کتاب مقدس و قران مجید هم موافقت داشته و بهیچوجه خالی از صحّت و عاری ازمتانت نیست در این کتابهای مقدس هم روشنی به خوبی و تاریکی به بدی تشبیه (۹۳) و تاریکی کنایه

---

(۹۳) کتاب اشعیا باب پنجم و آیهٔ بیستم:— وای بر آنانیکه بدیرا نیکوئی و نیکوئی را بدی مینامند که ظلمت را بجای نور و نور را بجای ظلمت میگذارند و قرآن مجید سورهٔ شصت و هشتم و آیهٔ هشتم:- یاایها الذین آمنوا توبوا توبةً نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار یوم لایخزی الله النبی والذین آمنوا معه نورهم یسعی بین ایدیهم و بایمانهم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انك علی کل شیئ قدیر

مفارقت صوری روح انسانی از بدن جسمانی است بلکه باید دانست که زردشتیان مرگ را ستوده و آنرا که عبارت است از قطع علاقهٔ روح از عالم جسمانی که عالم مشقت و زحمت است و خلود در سرای جاودانی که دار لذّت و راحت ست نعمت یزدان و برکت خدای مهربان میدانند (۹۵) « مرگ اتمام و تکمیل حیات است » (دینکارد جلد پنجم و صفحهٔ ۳۳۰ ترجمهٔ پشوتن سنجانا) «زندگی در این جهان کوتاه و درسرای دیگر دراز است» (اندرز خسروی کاواتان پنجم) « برای هر چیز چاره هست جز مرگ » (دینکارد جلد دوازدهم باب هفتم صفحهٔ سی و هفتم) و از این قرار می بینم که در تشبیه بدی مرگ جز شرح و توضیح مطلب مقصود دیگری نیست

---

(۹۵) رجوع کنید به کتاب سکن گمانی و یچار

این مطلب شبیه است به حدیث نبوی مشهور که در کتاب کیمیای سعادت تصنیف امام غزالی درصفحه چهلم مذکور است وهمچنین مولوی میر محمد عباس در مثنوی خود منّ و سلوی این مطلب را خوب تحقیق نموده است

و ترك پرهيزگاري و پيروی شيطان است اراده شده است (٩٤) نبايد چنين تصوركرد كه مطابق الهيات زردشتيان مرگ نشانهٔ بدی و كار شيطانی و مقصود ازان در اين مقام

(٩٤) نظير همين نظريات در كتاب مقدس است كه نور مرادف (هم معنی) حيات است رجوع شود بانجيل يوحنا باب سويم و آيهٔ بيستم :- زيرا كه هر كس عمل بد كند روشني را دشمن دارد و پيش روشنی نمیآيد مبادا اعمال او توبيخ شود و ليكن كسيكه براستی عمل ميكند پيش روشنی ميآيد تا آنكه اعمال او هويدا گردد و ظلمت كنايهٔ از مرگ شده است رجوع كنيد بكتاب جامعه باب يازدهم و آيهٔ هشتم :- هرچند انسان سالهاي بسيار زيست نمايد و در همهٔ آنها شادمان باشد ليكن بايد روزهاي تاريكی را بياد آورد چونكه بسيار خواهد بود و كتاب ايوب باب دهم و آيهٔ بيست ويكم و بيست و دوم :- قبل ازآنكه بروم جائيكه از آن برنخواهم گشت بزمين ظلمت و سايهٔ موت برمين تاريكی غليظ مثل ظلمات زمين سايهٔ موت و بي ترتيب كه روشنائي آن مثل ظلمات است و باب بازدهم و آيهٔ بيست و سويم :- براي نان ميگردد و ميگويد كجا است و ميداند كه روز تاريكی نزد او حاضر است و باب هفدهم و آيهٔ دوازدهم وسيزدهم :- شب را بروز تبديل ميكنند و باوجود تاريكی ميگويند روشنائی نزديك است وقتی كه اميد دارند هاويه خانهٔ من ميباشد و بستر خود را در تاريكی ميگسترانم و به قرآن سورهٔ چهلم و آيهٔ يازدهم :- قالو ربنا امتنا اثنتين و احييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الي خروج من سبيل

به نقمت و خواری دائمی مبتلا خواهند بود (۹۶)
توضیح این مطلب بعبارت دیگر این است که
خداوند پیغمبران مختلف را برای ملّت های مختلف
بسبب تبلیغ رسالات و بیان احکامات از جهت
راهنمائی مردمانیکه دارای عقل و ادراك عادی
بوده اند فرستاده است (۹۷٬۹۸) اگرچه
میتوانست بتوسط یك پیغمبر تمام ملل مختلفهٔ
عالم را هدایت نموده بلکه میتوانست
که وجود پیغمبر را در هدایت خلق دخالت
و محلّ حاجت قرار نداده چشمهٔ فیض ربّانی در سرّ و

---

(۹۶) قرآن مجید سورهٔ چهارم و آیهٔ سیزدهم و چهاردهم -
تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله يدخله جنات تجرى من
تحتها الانهار خالدين فيها و ذالك الفوز العظيم و من يعص الله
ورسوله و يتعد حدوده يدخله ناراً فيها وله عذاب مهين و به پشت
نوزدهم و بندهش دوازدهم

(۹۷و۹۸) قرآن سورهٔ هفدهم و آیهٔ سی و ششم لقد بعثنا
فى كل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت فمنهم
من هدى الله و منهم من حقت عليه الضلاله فسيروا فى الارض
فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين

در اینجا باید در موضوع شر قدری مطلب را
مبسوط تر بیان نمود چون در حقیقت شر دارای
مبدأ مستقلّ است و خدای مهربانرا خالق چیزیکه
مخلّ نظام ملك او و سبب گرفتاری مخلوقات محبوب
او است نتوان دانست شاید گمان کنیم که خدای تعالی
در حدود شر ناچار و مسلوب الاختیار است زیرا که
در این صورت از حیطهٔ اقتدار او خارج است که آنرا
از مداخلهٔ در استقرار نظم عالم ممانعت نماید لیکن
باید دانست که وجود شر بدون کمترین رضای خداوند
توانا از خود و مستقلاً قدرتی نداشته از بزرگی
آفریدگار و قدرت مطلقه و علم محیط او نتوان کاسته
و کوشش شیطان بعد از همهٔ وقایع و اتفاقات
بجائی نرسیده تمام کارها موافق رضای الهی انجام
گرفته هرکس و هر چیز قهاریّت آفرینندهٔ پاك را
دانسته مؤمنین به مزد و ثواب اعمال حسنهٔ خود
رسیده در نعمت ابدی متنعّم و پیروان شیطان
پاداش و عقاب افعال سیّئهٔ خود را دیدم

موضوع احترام و اطاعت پارسیان شده بلکه مورد کراهت و محلّ نفرت ایشان است (۹۹)

حال باید قدری بیشتر رفته باب سی و یکم یسنا (مختصر) ترجمهٔ میلز (۱۰۰) و چیزهائیرا که راجع به ترقیات و کوششهای این امر است ذکرنمائیم فرق میان این باب یسنا با باب سی ام این است که در این باب از عام منصرف و بخاص متوجه شده و از عالمی گذشته بعملی پرداخته است

(۱) "از این روی بشما سخنانی میگویم که شنیدن آنها برای کسانیکه از گوش دادن بدروغ

---

(۹۹) رجوع کنید به تألیف دکتر وارنل مسمی به «نبوت الهی» صفحهٔ یك صد و سی و شش و همچنین به کتاب «تاریخ پارسیان» تألیف دساهای فرامجی کاراکا جلد دویم و صفحهٔ دویست و شش و دویست و بیست و سه که مئولف عالم در این دو صفحهٔ کلمات نویسنده معروف فرانسوی انکتیل دوپرن و مورخ مشهور سرجان ملکم را راجع باینکه زردشتیان فقط معتقد به دو اصل خوبی و بدی هستند نه به دو خدا نقل مینماید

(۱۰۰) رجوع کنید به کتب مقدسهٔ شرق جلد سی ویکم و صفحهٔ سی وششم تا صفحهٔ پنجاه و سویم

نهانی در عریزهٔ و طبیعت انسانی جریان نمود
و بی وسایط خارجی نفس ملهم به الهامات غیبیّه
شده منافع و مضارّ و محاسن و قبایح اشیاء را ادراك
نماید لیکن به شهادت حسّ اراده و مشیّت الهی
برخلاف این تعلق گرفته وظایف و تکالیف نوع بشر
بارسال رسل و انزال کتب محوّل شده است این
مطالب اسرار قدرت و رموز خلقت و فهم آنها
از برای نوع بشر در نهایت صعوبت است خداوند
در هرزمان و هر مکان قهر و غلبه مطلق بر خیر
و شر داشته لیکن چون این دو عنصر واسطهٔ
در امتحان عقل و اعمال انسانند از این جهت تا
هنگامیکه مرحلهٔ عمل باقیست آنها را باقی گذاشته
تا در ردیف هم بعملیات به پردازند این است تعالیم
دین زردشتیان زردشتیان هرگز معتقد به دو خدا
و دو آفریننده نیستند بلکه عقیده ایشان این است
که این دو عنصر مخالف محك امتحان اعمال و معیار
فضیلت و رجحان افعالند اهریمن هیچگاه

(۵) ای راستی (اشا) مرا از بهترین بهره‌ام آگاه کن تا آنکه توانم آنرا دریافت و ای پاك منشی (وهومناه) آنرا بمن بنمای تا آنکه آنرا که راستیهای من از او است توانم شناخت ای اهورا مزدا مرا از انچه هستي پذیر و از انچه هستی نا پذیر است آگاه نما

(۶) اهورا مزدا از بهترین بهرهٔ کشور خود از همان کشور مینوئیکه از پرتو پاك منشي برپا است و از سرود فرخندهٔ رسائی و جاوداني مرا آگاه خواهد ساخت

(۷) آنکسیکه در روز نخست بدرخشیدن و نوراني گشتن این بارگاه نغز اندیشید کسی است که از نیروی خرد خویش راستی بیافرید ای اهورا مزدا ای کسیکه هماره یکسانی آن بارگاه جای نیك منشانی است که تو آنان را برتری دهی

(۸) ای اهورا مزدا آنگاه که ترا با چشمهای روشنم (دیدهٔ دل) نگریستم دریافتم که توئی آغاز که توئی سزاوار پرستش آفریدگان که توئي پدر

راستی را تباه کنند ناگوار لیکن از برای کسانیکه از ته دل به مزدا گرویده اند بهترین سخنان است"

(۲) "چنانچه بهترین راهیکه باید برگزید نیافتید پس خود برای چنان داوری که اهورامزدا گواه راستی اوست بسوی شما هر دو دستهٔ که در کشمکشید میشتابم تا آنکه همهٔ مادر فرمان برداری او زندگانیرا از روی راستی بپایان رسانیم"

(۳) "از پاداش و سزائیکه به نیروی خرد پاک (سپنتا مینو) وآزر برای این دو گروه آماده نمودهٔ و از سر انجام کسیکه در راه آئین کوشیده است مرا ای مزدا با زبان و سخن خود آگاه فرما تا آنها را بجهانیان برسانم"

(٤) "و هنگامیکه از راستی و از مزدا و مهین فرشتگانش و از اشا (پاکی) و آرمتی (فرشتهٔ مهر) کمک خواسته به یاری من آمده اند پس ای و هو مناه (پاك منشی) برای کشور جاودانی درخواست نموده تا از نیروی آن بدروغ چیره توانم شد

توای اهورا که از برای داوری ستیزه جویان
بر افروخته شود نواند ایستاد

(۲۱) اهورا مزدا همهٔ بهره مندی را با
جاودانی (امرتات) و راستی (اشا) و شهریاری
(خشترا) و پارسائی (هروتات) و بردباری (آرمتی)
و پاك منشی (وهومناه) بکسی خواهد بخشید که در
پندار و کردار دوست او باشد

قسمت اول این باب را ربط تامّی با باب
سابق است و در آن تعالیم خود را برای عموم مردمیکه
در حضور او حاضر بوده اند بیان مینماید انگاه این
پیغمبر میفرماید که دینیرا که من از برای شما
آورده ام دین عمومي و پیروی بان برتمام نوع بشر
لازم است از اینجا معلوم میشود که یزدان پرستی
زردشتیان روحاً و معناً آیت حقانیت و برهان
صحت دین ایشان بوده اثبات صدق آن بي نیاز
از تمسک بدلیل و حجت و تشبّث به تبلیغ و

منش پاك که توئی آفریننده راستی که توئی داور کارهای جهانی

(۱٤) ای اهورا از تو میپرسم که چه پیش آمدها در پیش است و چیست پاداش کسانیکه از روی کردار دوستان راستی بشمار میآیند و چیست سزای آنانیکه یاران دروغ و بدکارند و هنگامیکه روز باز پسین فرا رسد چه گونه خواهند بود

(۱٥) از تو میپرسم ای اهورا مزدا سزای آن کسی که بدکنشی و بدکنش را کمك میکند آنکسیکه جز آزار ستوران کشتکار کار دیگری از او ساخته نمیشود هرچند ازان کشتکار آزاری باو نمیرسد

(۱۹) گوش بسخنان کسی باید داد که از راستی دوجهان آگاه است بسخنان آن دانائیکه راهنمای ما در زندگانی است بآن کسکه از برای رساندن سخنان خود در برابر آتش درخشندهٔ

نشر و اشاعهٔ تعالیم مقدسهٔ مزدا کوشیده (٤) بلکه دیو پرستان آن عصر را ترغیب و تحریص میکردند (٥) در یشتها نامهای بسیاری از تورانیان را که به آئین زردشت در آمده و عنوان اولیا داشته اند میشمارد (٦) عبارت ذیل از دینکارد پهلوی جلد دهم و کتاب پنجم برای قبول این دین وار دین جدید را شاهد قوی است:— "اهورا مزدا آفرینندهٔ جهان این آئین را نه فقط برای اظهار در مملکت ایران بلکه برای انتشار در میان طوایف و امم مختلفهٔ عالم فرستاده تا نوع بشر بواسطه فلسفه و حکمت عالیه و پندار های نیک و گفتارهای راستش ترقی مادّی و از کردارهای درست که در آن امر شده است ترقي معنوی نمایند"

سپس زردشت به خداوند بزرگ دانا آفرینندهٔ خرد پاك و راستی خطاب نموده نعوت و صفات عمدهٔ او را که مفاهیم و معقولاً تند بیان

---

(٤) رجوع کنید به یسنا باب چهل و دویم وفقره ششم
(٥) رجوع کنید به یسنا باب نهم و فقره بست چهارم
(٦) باب سیزدهم و فقره ۹۷ و ۱۱۳ و ۱۲۰ و ۱۲۳

دعوت است (۱–۲) و برای این مقصود این پیغمبر
از اهورامزدا استغاثه مینمود که اورا در کشمکش
و منازعهٔ با دیو پرستان کمك و اعانت فرماید
و از سایر نفوس سماویه و فرشتگان که مظاهر
اسماً و صفات و نعوت و کمالات یزدانند در مقابل
دشمنان خود پیروان اهریمن و شیطان استعانت
میجست

دین زردشت بی شك در اوایل امر تمام
ملل و اقوام مختلفه را می پذیرفت و مقصد اصلی
در مرحله اول تشرف باین دین بود (۳) حواریین
زردشت به اطراف و اکناف عالم پراکنده شده در

(۱–۲) به کتب مقدسه شرق جلد سی و یکم و صفحه
سی هفتم و همچنین به تالیف مولتن وجکسن رجوع نمائید

(۳) رجوع کنید به یسنا باب هفتم و فقره هفتم و باب شصت
و یکم و فقره یکم و همچنین بکتاب "نور ایران قدیم"
صفحه یك صد و هشتاد و چهارم تألیف مستر مانك پینا والا
و بکتاب جامع التواریخ فقیر محمد بن محمد رضا صفحه یك صد
و هفده (کلکته ۱۸۳٦)

تمام مصلحین و انبیاء مشرق زمین داشته از برای
مردم بیان مینمود این بود نفس نفیس و شخص
شخیص که درحقیقت معتقد بخدا بوده و امید کلّی
و اطمینان تمام و اعتماد کامل بغلبه و فیروزي خوبي
در پایان جهان داشته و از این جهت به پیروان
خود تعلیم داده که پارسا و پرهیزگار بوده و در
کارها صلاح و درستکاریرا پیشه نمایند معاد در
دین زردشت جسماني نیست و میتوان آنرا با عقاید
الهامي انجیل مقایسه نمود بعقیدهٔ زردشت
بهشت جای راحت و سعادت ابدی است که دران
انسان بوصال جانان و محبوب عالمیان و آفرینندهٔ
جسم و جان رسیده درجوار قرب یزدان ودر ساحت
قدس لامکان مکان جسته گرد فقر و امکان از خود
برفشانده از آلام و اسقام و حدود و قیود طبیعت
رسته ملتذّ بلذاید روحانی و متنعم به نعمتهای باقی
و جاودانی خواهد بود

کرده و با اسمهای معنی آنها را مانند اشخاص و
ذوات ذکر مینماید از مردا راجع به عاقبت و اعتقاد
حقیقی عباد مؤمنین او که سبب سعادت ونجات
آخرت ایشان است و از بابت نصیب و قسمت پیروان
دروغ هم استفسار مینماید در آخر باز بطرف جمعیّت
حضار روی نموده ایشانرا از شنیدن سخنان دیو
پرستان ممانعت میفرماید

راجع به خدای تعالی تصوّرات عالی و عمیق
و خیالات رفیع و دقیق در کلمات مقدسه و رشیقه
این پیغمبر دیده میشود

زردشت پس از آنکه از روی تفکر و تعقل
از معبودهای باطلهٔ طبیعت که مخالف ذوق و وجدان
و جزم و ایقان و عقده و ایمان و تصدیق و اذعان
و دلیل و برهان او بود بری و روی گردان
شده در معرفت خدا باین حقیقت و اصل
گردیده است ادراك و معرفت خود را راجع بذات
وصفات الهي که از هرحیثیت وجهت شباهت با تعالیم

بوده و یهودیان تا زمان اسیری رفتن به بابل عقیدهٔ
به قیامت نداشته بودند بیشاپ وربرتن سعی نمود
که پیغمبری و رسالت موسیٰ را از نبودن این عقیده
(پیش از او) ثابت نماید و داکتر وانی خط مشی
او را گرفته همین راه استدلال را اختیار نموده است

ازاین جهت صدق این مطلب از روی اسناد معتبره
که قول اشخاص موثق است مسلم است پس از برگشتن
یهودیان بمملکت خود چون مدت نیم قرن در میان
زردشتیان اقامت گزیده بودند اقلاً یك فرقه از این
یهودیان که فریسیان باشند رفته رفته به تعالیم زردشت
راجع بحشر اموات و مجازات و مکافات در بعد
معتقد شده اند کلمهٔ فارسی فردوس بمعنی بهشت را
یهودیان بهمین معنی در زبان خود استعمال نموده و این
لغت در کتاب انجیل هم ذکر شده است[8]»

---

۸ انجیل لوقا باب بیست و سویم و آیه چهل سویم عیسی
بوی گفت هر آینه بتو میگویم امروز با من در فردوس خواهی بود
و همچنین در رسالهٔ دویم پولس رسول به قرنتیان باب ۱۲
و آیه ٤ — که بفردوس ربوده شد و سخنان ناگفتنی شنید که
انسانرا جایز نیست که بانها تکلم کنند

چونکه توراة و اوستا در این نظریاًت موافق و در این اعتقادات مطابقند میتوان گفت که دین یهود و دین زردشت مدّت مدیدی در عرض هم زیسته و باهم در عالم رواج داشته اند بعضی از علماء مانند جانسن و مولتن بر این عقیده اند که ادبیّات عبري رشتهٔ مکاشفه (راجع به معاد) اش را از تعالیم زردشت گرفته است و از جهت ادلّهٔ موجوداست که از روی انها میتوان باور نمود که زردشت درمیان پیغمبران مشرق زمین نخستین پیغمبری بود که اعتقاد بحشر و نشر و قیامت و حیات بعد از ممات و مجازات و مکافات در نشأه دیگر را بیان نموده است [۶ب]

در اینجا بمناسبت مقام چند سطر از تاریخ ایران تألیف مارخام [۷] را راجع باین موضوع ذکر مینمائیم:—

«زردشتیان به یك خدای بزرگ. اهورا مزدا. و بمجازات و مکافات عالم و به روز رستاخیز معتقد

---

۶ ب بکتاب امیرعلی «روح اسلام» صفحه ۲۲۶ رجوع نمائید.

۷ و همچنین به پاورقی صفحه ۶۶ و ۶۷ همین کتاب رجوع شود

(۲) میخواهم ازان دو گوهر جنابه که در آغاز جهان بوده اند سخن بگویم:— یکی ازان دو گوهر که پاکست بدیگری که پلید است گفت اُندیشهٔ ما و آموزش ما و آرزوی ما و آئین ما و گفتار ما و کردار ما و خود ما و روان ما بایکدیگر سازگار نخواهند بود

(۳) من میخواهم از انچه که اهورا مزدای دانا مرا در آغاز این جهان ازان آگاه نموده است سخن بگویم کسانیکه درمیان شما باین سخنیکه من میگویم چنانکه من میأندیشم رفتار ننمایند در پایان این جهان افسوس و پشیمانی خواهند خورد

(٤) میخواهم از بهترین چیزهای این جهان که از اشا آموخته ام سخن بگویم دانائیکه آن (جهان) را آفرید و پدر برزیگران نیك منش و زمین دختر نیك کنش

اکنون بذکر باب چهل پنجم یسنا مطابق ترجمهٔ همان داکتر مولتن میپردازیم متن این باب موافق ترجمهٔ ذیل است:—

(۱) "ای کسانیکه از راه نزدیك و دور از برای آموختن آمده اید میخواهم سخنان خود را بگویم اکنون گوش فرا دهید و بشنوید اینك همهٔ شما او (اهورا مزدا) را بدیدهٔ دل بنگرید زیرا که او آشکارا و هویدا است مبادا که آموزگار دغاباز و پیرو دروغ که با زبان خود مردم را بآئین بد گمراه نموده زندگی جاویدان را تباه کند

و در مکاشفهٔ یوحنا رسول باب دویم و آیهٔ هفتم:— هرکه غالب آید باو اینرا خواهم بخشید که از درخت حیاتیکه در وسط فردوس خدا است بخورد و همچنین به مزمور سلیمان باب چهارم و آیهٔ سیردهم رجوع کنید

کتاب جامعه باب دویم و آیه پنجم:— باغها و فردوسها بجهت خود ساختم و درانها هرقسم درخت میوه غرس نمودم و بکتاب عزرا باب دویم و آیهٔ هشتم رجوع نمائید

راستی پرستان در سرای جاویدان شادمان
و آزار و شکنجه در روزگار بی پایان از برای
دروغ پرستان خواهد بود همهٔ اینها را
اهورا مزدا از نیروی خود معیّن فرمود

(۸) تو باید کوشش کنی که با سرودهای پرستش
او را بما مهربان کنی زیرا اکنون که
از راستی اهورا مزدا را شناختم بادیدگان خود
کشوریرا که جای اندیشه نیك و گفتار
وکردار نیك است مینگرم از این رو سپاس
و ستایش خود را در گرزمان (عرش)
برین پیشکش او مینمایم

(۹) تو باید خوشنودی او و وهومن
(منش پاك) را از برای ما فراهم کنی
زیرا که خوشی ما بخواست او است
بشود که اهورا مزدا از نیروی خویش ما را
در کشتکاری یاری کند تا انکه ستوران
و برزیگران خود را بهبودی (ترقی) دهیم
زیرا که برای اشا از منش پاك برخورداریم

او است اینرا میداند که اهورا مزدای از
هر چیز آگاه را نتوان فریب داد

(۵) میخواهم سخن بگویم از چیزیکه پاکتر از
همه بمن گفت که شنیدن ان از برای مردم
بهترین چیزها است:— اهورا مزدا گفت
کسانیکه بفرمان من پیروی او (زردشت) را
نمایند آنان از کنش و منش پاك به رسائی
و جاودانی خواهند رسید

(٦) میخواهم سخن بگویم از انکه بهتر از
همه است ای اشا اهورا مزدا که نیکخواه
همهٔ آفریدگان است از خرد پاك خود
ستایش کسانیکه او را میستایند میشنود
من از و هومن ستایش او را آموخته ام
او از دانش خویش به من بهترین چیز
میآموزد

(۷) سود و زیان کسانیکه هستند و بودند
و خواهند بود بسته بخواست او است روان

به تعالیم او دارند باید با صدق نیّت او امر و نواهی
او را که در حقیقت احکام الهی است اطاعت نمایند
سپس رشتهٔ سخن را کشانیده تفصیلی از بابت پدری
(موجد و مربّي و مهربان بودن) خدا ذکر نموده
و فرموده که مزدا خود بهترین موجودات این عالم است
او است پدر منش نیکي که در باطن بندگانش
منشأ رفتار و کردار خوب ایشان است از اینرو تقويٰ
و دیانت و عصمت و عفت ما بندگان چون از مقام
قوه و امکان به مرحلهٔ عمل و فعلیّت رسیده باشد
دختر (محبوب) او نامیده خواهد شد زیرا که قصد
و نیّت ریائی و خالي از معنویّت و اندیشه و احساس
بیهوده و عاری از حقیقت را ربط و نسبتی بساحت قدس
احدیّت و بارگاه عظمت او نیست رأی ثابت و عزم راسخ
بندگانش مقبول درگاه او است و بس و حیله و دغا
و نمایش و ریا را در بارگاه کبریائی او راهی نیست[۱۰]

پس از ان بیانات این پیغمبر اظهار داشت که کسانیکه
گوش بسخنان من داده و مطابق انها رفتار مینمایند

۱۰ به «کتب مقدسه شرق» جلد سي و یکم رجوع شود

(١٠) تو باید با نیاز فروتنی (آرمتی) خود
انکسیرا که جاویدان اهورا مزدا نام دارد
ستایش کنی چونکه از وهو من و اشای
خویش ما را نوید داده است که ما را
در کشور خود از رسائی و جاودانی
و در سرای خویش از نیرو و پایندگی
بهره مند سازد"

چنانکه از این عبارات مستفاد میشود این باب
گاتا را ربط تامی با باب سی ام یسنا است و این پیغمبر
عقیده را که ثنویة خوانده شده است بار دیگر از برای
مردمانیکه از دور و نزدیك از برای شنیدن کلمات او
آمده بودند مشروحاً ذکر فرموده است از بیانات
زردشت معلوم میشود که فرق وبینونت کلی میان خوبی
و بدی و یزدان و اهریمن است[9] وکسانیکه اعتقاد

---

٩ رجوع "به کتب مقدسهٔ شرق" جلد سی و یکم
صفحه ١٢٣ نمائید و همچنین به کتاب "تاریخ وفتوحات
سارا سنس" تالیف دکتر ادورد فریمن چاپ لندن تاریخ ١٨٧٦
صفحه ١٣ رجوع نموده عقیدهٔ مؤلف را در این باب اطلاع
حاصل نمائید

بلکه رسالت و نبوّت و هدایت و دلالت او مبتنی
برهمان قواعد اخلاقی است که تعالیم موسی و عیسی
و محمد برروی انها نهاده شده است چون اقوال و افعال
هر مدّعي دلیل بر صدق مدّعا و شاهد حقانیّت او است
بی شبهه صدق دعوی و صحت نبوّت زردشت را بواسطهٔ
کلمات و بیاناتش در گاتاها که تا امروز از برای بحث
و تدقیق و فحص و تحقیق ما بصورت اصلیه و حالت
اولیّهٔ خود باقي مانده است میتوان ثابت نمود

پس ازانکه تا اندازهٔ ازگفتگوی برخی از مضامین
گاتاها که عین کلمات و عبارات و مبیّن رسالات
و تعالیم زردشت پیغمبر مشهور ایران باستان است
فراغت یافته ایم تحقیقات خود را راجع به این کتاب
مخصوص یسنا خاتمه داده و از برای اینکه نظری
بمضامین یشتها که در دین فارسیان اهمیتش کمتر ازگاتاها
نیست انداخته باشیم قدری پیشتر خواهیم رفت
در این مورد توجه خوانندگان خود را باین کتابهای
مخصوص (گاتاها و یشتها) جلب نموده از ایشان
خواهشمندیم که بنظر دقیق تمام آنها را مطالعه نمایند

در پاداش کردار خود از جانب خدای تعالی به نعمت خوشی و سعادت متنعّم و به زندگی جاودانی و راحت متلذّذ خواهند بود و پس از آن فرمود که فریضه بندگان است که در ستایش و نیایش و بندگی و پرستش خدا کوشیده تا او توفیقات و برکات خود را در بارهٔ آنانیکه مؤمن و موقن باو یند مبذول فرماید و در پایان سخن میگوید که فرمان برداری و اطاعت و شناسائی و معرفت و ستایش و محمدت او بزرگترین مقصود و مهمترین مطلوب این دین مبین و این آئین متین است

چون کتب دینیه و آثار باقیه و تصانیف علماء غرب و فضلاء شرق با کمال صراحت دلالت بر این دارند که ما بین عقاید زردشت و سایر ادیان شرق که الهام ربّانی و وحی آسمانیند چندان فرق و تفاوت و اختلاف و مغایرت نیست از این جهت در اثبات حقّانیّت این دین مستغنی از تطویل و بی نیاز از تفصیل خواهیم بود پیغمبر ایران چیزیکه پلید و ناپاك و یا غیر از اسرار غیبیّه و الهامات قلبیّه و منزلات سماویّه باشد تعلیم نداده است

مانده لیکن حقیقت و مفهوم انها چنانکه مراد از کلمات
و مستفاد از بیانات خود این پیغمبر در زمان حیاتش بود
رفته رفته بعد از وفاتش تغییر کلی یافته است
عنوان " پرستش " یك و یا چندین فرشته را با خدا
پایهٔ خدا را بجائي گذاشته که برتری او از انها محض اسم
و صرف ادّعا خواهد بود سرود مهمی که از برای میترا
(فرشته آفتاب) میخوانند و وضع پرستش انرا با سایر
فرشتگان که از مراسم دینی زردشتیان است
شاهد این مدّعا است[۱۲] و بدون دخول در تفصیل
در بدو نظر می بینیم که حاقّ حقیقت رسالت زردشت
از راه راست خود بکلّی انحراف ورزیده و راه انتقادی
که بصرفهٔ مخالفینش ما نند رورند داکترجان ویلسن مبلّغ
مشهور بمبئی[۱۲-ب] و دیگران تمام شده باز نموده است
این نکته را هم باید در اینجا ملتفت شد که این معایب
فقط نتایج اغراقاتیست که در تعالیم اوستا از بابت

---

۱۲ کتاب " نور قدیم ایران " صفحه ۱۰۷ تالیف پیتا والا را مطالعه نمائید -

۱۲-ب بکتاب " دین پارسی طبع بمبئي تاریخ ۱۸٤۳ رجوع کنید -

زیرا چون در کتابهای سابق (گاتاها) شرحی از نشو و نما و پیشرفت و ترقی این دین ذکر شده و در این کتابها (یشتها) تفصیل بسط و توسعه و تغییر و تبدیل و توجیه و تأویل که در هنگام هرج و مرج و فرسودگی دین از طرف فقها و متکلمین در این دین مانند سایر ادیان عالم راه یافته بود نوشته شده است از این جهت این کتابها مشتمل بر تمام وقایع و داستان این آئین باستان بوده مطالعه کنندگان از مجموع انها اطلاع کامل تحصیل خواهند نمود

تقریباً سه چهارم خورده اوستا از گاتا ها که با یشتها در زبان و مضامین اختلاف دارند بحث مینماید[۱۱] ظاهراً این کتاب را طبقه های بعد پس از داخل شدن حشو و زواید و تغییر و تحریف در دین زردشت نوشته اند اهورا مزدا بعنوان رب الارباب و زردشت بعنوان پیغمبرش بدون تغییر باقی

---

۱۱ بکتاب «اشعار دینی قدیم ایران» و کتاب «میدیا» تألیف راگزین و کتاب تاریخ پارسیان» تالیف کا راکا و «کتاب آلهیات زردشت» تالیف داکتر دالا رجوع شود.

مطابق است یکی از محرّرین اهل اسلام [۱۵] مینویسد
"عقیده مسلمین راجع به ملائکه همان است که زردشتیان
دارند" لیکن عقیده که در اوستای اخیر از این بابت
ذکر شده است اختلاف جزئي با اوستای سابق دارد
در گاتاها که عین کلمات و جوهر تعلیمات این پیغمبر است
از این معبودها که میترا بر ترین مقامرا در میان
انها دار است ذکري نشده است [۱۶] لیکن باید دانست
که با وجود چنین معایب هیچ تغییری در اصل اعتقاد
به یگانگی خدای تعالي در این دین راه نیافته است
داکتر کرنای میگوید [۱۷] "کافي است بدانیم که طبقات
مختلفهٔ ایرانیان ار پادشاهان بلند پایه و موبدان
گرانمایه که گرویدگان و پیروان آئین زردشت
(زردشت اوستا) پیغمبر بزرگ ایران بودند اهورا مزدا

---

۱۵ بکتاب "صوفی" ماه اپریل ۱۹۲٦ مراجعه کنید -

۱٦ بکتاب «دین مردم ایران» صفحه ۷۵ تألیف دکتر پتیل
و ترجمهٔ مستر جی. ك نریمان و کتاب "الهیات دین زردشت"
صفحه ۷۷ تالیف دکتر دالا رجوع نمائید -

۱۷ رجوع کنید به دیباچهٔ کتاب "علم الاساطیر ایرانیان"
(سلسله علم الاساطیر تمام نژادها)

خلقت عالم ذکر شده است داکتر اس ای کاپادیا میگوید [۱۳] مطابق عقیدهٔ زردشتیان تمام مخلوقات در تحت محافظت خدا که در رأس قرار گرفته و شش امشاسپندان که ملائکه مقربین اویند گذاشته شده است امشاسپندان نفوس مجرّدهٔ هستند که شب و روز از برای ترّقي و سعادت و خیریت و برکت و توجه و حراست آن مخلوقاتیرا که خداوند قادر متعال انها را در تحت نگهباني و مراقبت ایشان گذارده است پیوسته درکارند [۱٤] و این فرشتگان مقرب را فرشتگان دیگري که در رتبهٔ مادون انهایند درکارهای ایشان کمك کرده و از این قرار این نفوس سماویه موجوداتیرا که بانها سپرده شده اند مواظبت نموده انها را از ضرر واذیت اجنّه و شیاطین حفظ و صیانت مینمایند" باید دانست که این مطالب با آیات و مضامین سایر کتابهای آسمانی موافق و با اخبار و روایات باقي ادیان

---

۱۳ بکتاب "تعالیم زردشت" صفحه ۱٤ رجوع نمائید-

۱٤ همچنین کتاب "تاریخ ایران صفحه ٦۰ تالیف مار خام را بخوانید-

بوده و طایفهٔ از خود در میدیا تشکیل داده[۱۹] پس از قبول آئین تازه بسبب تقوی و ریاضت و زهد و عبادت، و علم و فضیلت بر مسند ریاست و قضاوت نشسته پیشوای عوام و مقتدای انام و مفتی حلال و حرام شدند

چونکه رفته رفته مرکز ثقل ملت (دین و دولت) ایران از خاور به باختر انقل و حرکت نموده و طایفهٔ مغ میدیائی رشتهٔ ریاست روحانی را بدست آورده بودند نام این طایفه که بسبب اهمیت دودمانشان بلند بوده درهمان زمان لقب پیشوائی و ریاستی که از خود تشکیل داده بودند گردید[۲۰] پس از فراهم آوردن زمینه بدین طریق و پیشرفت نمودن درکار این رؤسا و مروّجین شریعت و مفسرین کتاب و مبیّنین سنّت متدرّجاً رسوم و عادات قدیمی را که موافق مذاق

---

۱۹ رجوع کنید به کتاب «میدیا» تالیف راگزین صفحه ۶۸ -

۲۰ رجوع کنید به «عصر اوستا و زردشت» صفحه ۶۳ تألیف دستور داراب پشوتن سنجانا که از کتاب آلمانی تصنیف گیگر و اسپیگل ترجمه شده است-

خدای یکتای بیهمتای بیمانند و انباز دانا و بینا آفریننده جهان و جهانیان پدید آور نیکان و پاکان را پرستش و امشاسپندان یا عقول مجرّدهٔ لایزال و ایزدان یا نفوس قدسیّه بیزوال را که ارباب انواع و مربّی عالم کون و فساد و پرورش دهندهٔ مواد و عناصر و موالید و زیر فرمان اویند ستایش مینمایند» متأخرین از مؤلفین طایفهٔ فارسی هم پرستش فرشتگان را که فارسیان بان متهم شده اند انکار نموده و آنرا فقط اعزاز و اکرام و تعظیم و احترام میشمارند[۱۸] در پشتها هم تکالیف و اعمال و اعیاد بسیاری به زردشتیان مؤمن امر شده است شبهه و تردیدی در این نیست که این احکام اقوال و آراء و مظنّه و اجتهاد مغها رؤسای روحانی عصر اخیر اوستا بوده و مربوط باصل دین زردشت نیست این مغها چنانکه بسیاری از مؤلفین اروپا و فضلای پارسی ثابت نموده اند سابقاً پیروان عقاید ایرانیان قدیم پیش از زردشت

---

۱۸ بکتاب «تعلیم زردشت» صفحه ۱۹ رجوع نمائید.

زردشت آورده بود موبدان در زمان پادشاهان ساسانی بدرجهٔ تغییر داده که از شباهت باصل بکلی خارج شده است این موبدان این دین سادهٔ حنیف را موافق مقتضیات عامه پر از اعمال سخیفه نموده باین عاقبت و خیمه و حالت عنیفه کشانیده اند»

و از این جهت نتوان انکار کرد که روزانه مقدار زیادی از اوقات فارسیان مصروف سنن و فرایضی است که فقهای ایشان از آیات و روایات استنباط نموده از همان او ایل برانها تحمیل نموده اند

داکتر ادورد فریمن میگوید[۲۳] «آئینی مانند آئین زردشت که حکمت و فلسفهٔ محض است در روزهای اوایل دارای اعمال و تکالیفی بود که مانند خود این ائین ساده و بی آلایش و عالی و متین بود لیکن در او اخر شریعت مغها بکلی از سادگی اصلی که در تعالیم زردشت بود افتاد آیت محسوس اورمزد خورشید ربّ النوع مادی نور و آیت محسوس ان آتش مقدس

---

۲۳ بکتاب « تاریخ و فتوحات سارا سنس » چاپ لندن تاریخ ۱۸۷٦ صفحه ۱٤ رجوع نمائید-

و مشرب تورانیان بود در ظلّ احکام زردشت داخل نموده اند داکتر مولتن میگوید[۲۱] «چنین بنظر میآید که مغها مسئول این همه تکالیف و بدعتها که در دین گذاشته شده است باشند همان قسم که برهمنان هند اعمال و وظایف سادهٔ اریائیها را با اوهام و خرافات آمیخته و باین درجهٔ اشکال و اختلال کشانیده اند مغها هم در ایران بر آئین پاك ایرانیان زواید و اضافات افزوده حالش را بدین منوال رسانیده اند»

غلوّ در اعزاز و تکریم و مبالغهٔ در احترام و تعظیم آتش مقدّس و آداب دخمه که مردگانرا در برابر آفتاب نهاده نالاشخورها گوشت انها را خورده و استخوان تنها را باقی گذاشته نمونهٔ حقیقی عادات و رسوم تورانیها قدیم است که درمیان وظایف عمدهٔ دینی زردشتیان جاي گرفته است مستر جی. ک. نریمان میگوید[۲۲] «تعالیم عالیهٔ را که پیغمبر بزرگ

۲۱ به کتاب «گنجینه مغها» صفحه ٦٤ رجوع شود.
۲۲ به دیباچه کتاب «ایران و پارسیان» جزو اول رجوع نمائید.

اوقات حیات تمام فرقه های مسیحی را احاطه نموده اسراریستکه بر ما پوشیده نیست مسلمانان هم ازانها عقب نیفتاده در این امور بانها پیروی و اقتفاء مینمایند آداب و تکالیفی را که در مواقع مخصوصه بحکم علماء و فتاوی مجتهدین از انها مشاهده میشود فرض و واجب دینی میدانند شبههٔ نیست که زردشتیان در هنگام نماز و دعا روی خودرا بطرف آفتاب یا آتش بر میگردانند اما ایا چنین نیست که یهودیان هم در هنگام عبادت چشمهای خود را به محراب دوخته و مسیحیان مقدس در برابر خاج زانو بر زمین زده و مسلمانان روی بکعبهٔ مقدسه مینمایند

راجع به سایر آداب و رسوم معمول در میان پارسیان کافی است که دراینجا عین سخنان فارسی عالمی را ذکر نمائیم:— [۲۵]

اول پارسیانیکه از ایران به هندوستان مهاجرت نموده و خیال اقامت دراجا را داشته اند

---

۲۵ «تاریخ ایران» جلد دویم و صفحه ۲۲۸-۲۲۹ تالیف دوسابهاي فرامجي کاراکا را بخوانید-

بوده است که در آتشکده ها قبله واقع شده و تا کنون
ممانعتی ازان نشده است اگرچه ایرانیان شاید هیچگاه
بت پرست حقیقی نشده اند لیکن عقیدهٔ تصوف
و عرفان در دین ایشان سرایت نموده و ازانجا در این
او اخر در دین اسلام راه یافته اثر بزرگی در آن
نموده است[۲٤]»

با اینحال نتوان تنها پارسیان را مورد طعن و
ملامت و قدح و مذمت از براي چنین اعمال و رسوم
قرار داد چنین وقایع و حالات درمیان سایر ملل
که اهل کتاب شمرده میشوند عمومیّت داشته هر ملتی
مبتلای باین گونه رسوم و عادات و مقیّد باین قسم
قیودات که خارج ازحدود دین است هستند قربانیهای
متعدد که درمیان یهودیان معمول است و تکلّفات و
آداب ظاهری که در تحت قوانین سخت کلیسیا

---

۲٤ به جلد اول کتاب « تاریخ ادبیات ایران» تالیف پرفسر
برون صفحهٔ ٤١٩ راجع به منشأ عقیدهٔ تصوف در میان مسلمین
و همچنین بکتاب « ادبیات عربی» کامنت هورت صفحه ۲٦۹
ماه ۲۸ رجوع نمائید-

کتاب دینی پارسیان وغیره اثری از این کار شنیع دیده نشده و پارسیان از روی صدق و حقیقت انرا ردّ و انکار مینمایند داکتر مولتن میگوید[۲۶] «لازم نیست که صفت ‹فاحش› مغها را از برای عملی که منفور طبع فارسیان و مسیحیان هردو است استعمال نمائیم» این داکتر فاصل این قصّه را مفصّلاً درکتاب مشهور دیگرش «دین قدیم زردشتی» صفحه ۲۵۴-۲۵۸ ذکر کرده است مزاوجت میان پسر عمو و دختر عمو در دین زردشت جایز است لیکن کسانیکه از این دین بیگانه و مربوط بان نبوده اند این مزاوجت را از دواج برادر و خواهر ترجمه نموده اند عبارت ذیل که از دایرة المعارف دین و اخلاق است از برای مناسبت مقام ذکر میشود.—۲۶ ب

«پارسیان عصر جاری را عقیده بر این است که مقصود از این مزاوجت مزاوجت پسرعمو و دختر

---

۲۶ به «گنجینهٔ معها» صفحه ۱۱۳ رجوع نمائید -

۲۶-ب جلد سویم صفحه ۴۵۴-۴۵۷ همین کتابرا مطالعه نمائید

از برای استمداد از پادشاهان هندو و جلب توجه
و التفات ایشان ناچار بودند که با هندوهائیکه انها را
پناه داده بودند در پارهٔ از اعمال و عادات ایشان
موافقت نمایند چندی بدین منوال گذشت لیکن
طبقات بعد اشتباها چنین تصور کرده که این اعمالیرا که
از دیگران عاریه گرفته اند دین ایشان از برای ایشان
تجویز کرده بوده است . . . . . نتیجه چنین شد که
بسیاري از عادات ورسوم و تعصّباتیکه درمیان هندوها
معمول بود پذیرفته و مطابق انها رفتار نموده و مینمایند

ممکن است که مطلب عمدهٔ دیگری را هم در اینجا
موضوع گفتگو قرار دهیم اسناد دیگری که به فارسیان
داده اند این است که از دواج محارم درمیان ایرانیان
قدیم موافق فتوای علماء مغ از روی قوانین شرع
جایز بوده است لیکن پوشیده مباد که مأخذ این
اسناد سخنان تعصّب آمیز نویسندگان یوناني است که
بسبب سوءِ تفاهم بعضی عادات رایج درمیان طبقهٔ
مخصوصی را باصل دین بسته اند و از این جهت انرا
محلّ اعتبار و مورد اعتناء نتوان دانست درهیچ یك از

از بودن قانونی در دین زردشت که نکاح با خواهر را تجویز کرده باشد استفسار نموده است از جواب ایشان چنانکه هرودوتس مینویسد برنمیآید که گاهی چنین قانونی در ایران وجود داشته است

قول عالم مشهور جارج رالینسن را[۲۸] راجع به تهمتیکه به فقهای زردشتیان در این موضوع بسته اند در ذیل مینویسیم:— این مصنّف عالم چنین مینویسد:—

سازندهٔ این تهمت در بارهٔ مغها و همدینهای ایشان بنظر میآید که تیسیس است که سخنش بسبب ضعف سندّیت چنین تهمتی را که اساساً احتمال صحت را ندارد ثابت نتوان نمود

زنیداِ را گزین در ذکر یك باب مخصوص یسنا[۲۹] در این موضوع چنین میگوید:—

---

۲۸ به کتاب «پنج دین بزرگ» جلد سویم صفحهٔ ۱۳۳ رجوع نمائید

۲۹ بکتاب «میدیا» صفحهٔ ۱۱۱-۱۲، در حائیکه ذکر میکند که بر هر زردشتی جدید اقرار زبانی دین لازم است رجوع نمائید

عمو است که دراین ایام هم معمول است نویسندگان
یونانی و لاتینی برعکس کلمهٔ خائتواداتها را مزاوجت
میان پدر و مادر با فرزند و برادر و خواهر صلبی
و رحمی تصوّر نموده و بسیاری از علماء غیر فارسی عصر
حاضر آنها را در این عقیده تبعیّت نموده اند»

شاید در ایام قدیم در پیروی مصریهای همجوار
و یا دیگران بعضی از اعضاء خاندان سلطنتی چنین عمل
جاهلانه را مانند آنها مرتکب شده و ازحد تجاوز کرده
و از این جهت موبدها را تحریک و تحریض نموده
که فتوئی به مشروعیّت آن صادر نمایند در صورت
صدق این مطلب هرگز نتوان گفت که نفس دین چنین
قانونی را دارا بوده و حکم به حلیّت این ازدواجی
را که بآنها اسناد داده اند نموده است هرودوتس
در تاریخ خود میگوید[۲۷] که یکی از پادشاهان سلسلهٔ
هخامنشی کمبیسس وقتی از فقهاء بزرگ دربار خود

---

۲۷ صفحه ۲۰۷ «کتاب دین قدیم زردشت» تألیف مولتن
و صفحه ٦٦ کتاب «عصر اوستا و زردشت» تألیف پشوتن
سنجانا را بخوانید

مصریهای قدیم و درمیان یونانیها و اهالی رم شایع بوده است [۳۱ب] زن یونانی که از شوهر خود حامله نمیشد از برای تولید فرزند مجاز بوده که با اجنبی مقاربت نماید و کراراً چند برادر در یک زن شرکت نموده اند [۳۱ت] بسیاری از مجسمه های عظیم الجثهٔ لخت خدایان نر و مادهٔ یونیها و اهالي رم را که علامت خوبی تمدّن انها نیست مي بینیم راولینسن [۳۲] شرحی از بابت مشروعیّت نکاح برادر و خواهر و مادر و پسر مطابق قانون مزاوجت مصریها ذکر مینماید [۳۲ب] و شکّی نیست که ایرانیها ارتباط تامّی باین ملّت داشته اند

۳۱-ب رجوع کنید بکتاب «آثار عتیقه یونانیها» - جلد دویم از صفحهٔ ۱۳۴-۱۳۹ (چاپ سویم

۳۱-ت به صفحهٔ ۱۳۱ همین کتاب رجوع بمائید

۳۲ رجوع کنید بکتاب «مصر قدیم» صفحهٔ ۴۲ و ۶۴ و ۱۷۳

۳۲-ب مؤلف تاریخ از دواج انساني (فصل پنجم و ششم از جلد اول) کتاب سنت آگستین و جستین و هیرودوتس و پلاتس و غیره را مأخذ و مستند قرار داده مینویسد که فینیقیان و قبرسیان ولیدیائیها و ارمینیان قدیم دختران خود را پیش از شوهر کردن اجازه فاحشگي میدادند

«...... احتمال دارد که این از دواج عادت ایرانیهای بسیار قدیم بوده و این دین جدید انرا در مرحلهٔ عمل تصویب نموده است

لیکن چنانکه بعد گفته میشود این عادت قبیح پیشینیان از هیچ جهت در دین زردشت تجویز نشده و از ادبیات اوایل و اواخر دینی [۳۰] خوب واضح میشود که چنین از دواج ناشایستهٔ با بعضی عادات قبیحهٔ دیگر چنانکه راگزین مینویسد [۳۱] در میان

---

۳۰ در ترجمهٔ این باب از سنا از کتاب «انتخاب از اوستا و پارسی قدیم» تألیف داکتر ح اس تراپور والا این مطلب واضحاً شرح داده شده و این اشتباه واغلوطه ناشی از این شده است که کلمهٔ «خویش» را غلط فهمیده عوض اینکه انرا خویشان نزدیك معنی نمایند تا اندازهٔ دور رفته که انرا وصلت میان مادر و پسر و برادر و خواهر و مانند ان ترجمه نموده اند اگر چنین عملی موافق یکي از قواعد مقرره بود بایست حکم صریح واضحي هم در این موضوع یافت شده باشد خوانندگان بکتاب «دین زردشت» (ادیار - مدراس) تألیف داکتر ای ح. اس تراپور والا و کتاب «تربیت ایرانیان قدیم و ایرانها» ترجمهٔ انگلیسی کلمنت هوئرت که بتازگي انتشار یافته و قابل استفاده است رجوع نمایند

۳۱ رجوع کنید بکتاب «میدیا» صفحهٔ ۱۱۲ (حکایت سلسهٔ ملل)

گذاشته همهٔ اینها را یکسره موقوف نموده و قوانین
سختی از برای ترتیب عقد نکاح وضع کرده
و تا مدتیکه دین زردشت دین مملکتی بوده و پادشاهان
و روحانیّین قوت و قدرت داشته که از مردم نادان
و بی تربیت جلوگیری و ممانعت نمایند کلیهٔ کارها
در مجرای صحیح جریان و برمحور مستقیم دوران
داشت لیکن پس از زوال سلطنت ملی ایران
و پریشانی ایرانیان هرج و مرج عمومی و اغتشاش
در طبقهٔ عوام النّاس راه یافته است از این جهت
انهائیکه جلای وطن نموده و بهندوستان آمده
و درانجا اقامت گزیده اند

از برای باز داشتن شخص نادانی از این رفتار
ناشایسته قانونی بکمک دولت انکلیس پس از تصرف
هندوستان به اسم قانون نکاح و طلاق پارسی
سال ۱۸۶۵ با سایر قواعد وضع نموده که بسبب
ان ازدواج خود را موافق مذاق دینی و سلیقهٔ اجتماعی
منظّم و مطابق با قواعد جاری ما بین مسلمانان

مامیدانیم که سیروس و کمبیسیوس و سایر پادشاهان ایران با این ممالك جنگ مینمودند و همچنین مي بینیم که بیگانگان در ایران آمد و رفت داشته و درانجا اقامت میگزیدند و از این جهت چنانکه قدیم ترین مورّخ یونانی هیرودوتوس پدر تاریخ موافق انچه که در سابق گفته ایم نوشته است مي بینیم که کمبیسیوس از رؤسای دین از بابت وجود قانونیکه وصلت برادر و خواهر را تجویز نموده باشد استفسار نموده و فقها کلّ وجود چنین قانون را انکار نموده اند

موافق تاریخ در این اواخر در زمان ساسانیان هنگامیکه سرکردهٔ اهل بدعت مزدك خروج کرده و دعوی نبوّت کاذبه نموده و عقاید مختلفه تازه و منفوری آورده [۳۳] همین واقعه تا درجهٔ اعاده یافته است لیکن همینکه انوشیروان عاقل و عادل پا به تخت سلطنت

---

۳۳ کتاب «دبستان المذاهب» تألیف محسن فاني صفحهٔ ۱٤۰ و کتاب «تاریخ ملل قدیمه» صفحهٔ ۱۹۲ تألیف البیروني و کتاب المعارف ابن کتیبه و مروج الذّهب مسعودي و کتب فضلاء عرب را مطالعه نمائید

فارسیان گاهی مخفی نمیماند در هیچ جای از کتاب خود ذکر ننموده است

گذشته از حکایت هرودوتس مقالهٔ معتبر و مستند دیگری از زنفن [۳۷] که در "مراجعت ده هزار" فعّالیت بخرج داده است [۳۸] در دست داریم این مولف هم ذکری از چنین عملی از مردمان ایران خواه در طبقه عالی و خواه در طبقه دانی نمینماید موافق سخن او ایران نه فقط برخلاف سایر ممالك قانونی برضدّ این جنایت شایعه وضع نموده بلکه درهمان اوایل قوانین سختی از برای رعایت پاکدامنی و پرهیزگاری اجراء نموده اخلاق اهالی را تصیفه و تصحیح و تعدیل و تنقیح نموده است [۳۹]

البته در کتاب پارسیان کلمهٔ خائتوادائها ذکر شده که معنیش وصلت با اقرباءَ است و با این حال از برای

---

۳۷ به کتاب «تربیت سیروس» ترجمهٔ انکلیسی "سیر پیدیا" رجوع کنید

۳۸ سنهٔ ٤۰۱ پیش از مسیح

۳۹ رجوع کنید به کتاب «زنفون» تألیف سرالکسندر گرانت صفحه ۱۳۸

و مسیحیان و یهودیان نموده اند [۳۴ - ۳۵] اما از انهائیکه از وطن قدیمشان ایران بیرون نرفته اند چیزی از بی نظمی و یا آزادی در ازدواج شنیده نشده است زندگانی پر از تعدّی و احجافیرا که یك ملّت شکست خوردهٔ مانند زردشتیان ایران در تحت تسلّط رؤسای از دین بیگانه بسر میبردند سبب شد که آنان در ظل هدایت پیشوایان دومی که در پارسائی و پرهیزگاری پیروان خود جدّیت تمام داشته متّفقاً گذران نمایند صحیحترین تفصیل حالات زردشتیان ایران از عالم امریکائی معروف عصر حاضر ویلیم جکسن پرفسر دارالفنون کلمبیا که مدّت مدیدی ناظر و شاهد رفتار و کردار انها در ایران بود میتوان فهمید [۳٦] این مؤلف اثری از آثار این "از دواج با محارم" را که در صورت معمول بودن درمیان

---

۳۴ - ۳۵ از برای تفصیل تصویب شدن این قانون به "تاریخ ایران" جلد دویم ضمیمهٔ ب تألیف کاراکا رجوع نمائید

۳٦ به کتاب "ایران گذشته و حال" تالیف همین مؤلف رجوع نمائید.

.و بر روی همان اساس اجتماع و مشارکت و اتحاد
و معاونت و مساعدت و تقویت است که درمیان پیروان
سایر ادیان الهی دیده میشود

از برای تفصیل خوانندگان به "روزنامهٔ شعبهٔ
بمبئی انجمن شاهانه بمبئی (نمرهٔ ٤٦) رجوع نموده
در انجا تحقیقات مشعشع محقق بزرگ فارسی داراب
دستور پشوتن‌سنجانا را درروزنامهٔ خود راجع بوصلت
با ارحام که بایران قدیم بسته اند اطلاع خواهند یافت

در خاتمه مجبوریم که چند کلمه هم از دایره المعارف
دین و اخلاق[٤١-ب] از سخنان نویسنده عالم لوپراج .
گری راجع به تهمت فوق ذکر نمائیم این شخص عالم
میگوید «این اسناد یکی از طعنه های بیجائی بود
که نادانان یا بدخواهان بیگانه بدین دیگران میزدند
و هیچ فارسی را از برای متأثر و متألم شدن از شنیدن
این افترا نتوان ملامت نمود و بر فرض صدق هم این
عمل فقط یکی از زواید و فضولات موقتی و خارج

---

٤١ ب جلد هشتم صفحه ٤٥٨ـ٤٥٩

دانستن معنی حقیقی این عبارت قول مصنف عالم پارسي فرامجی کاراکارا [۴۰] در اینجا ذکر مینمائیم این شخص عالم میگوید که "این کلمه را میتوان طور دیگر توجیه نمود معنی حقیقي این کلمه 'تسلیم خود به' هست و به این معني مقصود تسلیم خود به امر دین یا تفویض کارهای خود به خدا است در کتاب اوستا این کلمه در این معنی استعمال شده است" و بی شبهه این کلمهٔ مخصوص به معنی مذکور همیشه در ادبیات سابق و لاحق پارسیان آمده است [۴۱] باید دانستکه دلیلي بر صدق تهمت مذکور در فوق دربارهٔ ملّتی که کاملاً متمدّن و بجهت رعایت اصول متقن اخلاقی خود در تمام زندگانی مشهور بوده اند نتوان بدست آورد از دواج با بستگان درمیان این ملت بهمان طریق

---

۴۰ «تاریخ پارسیان» جلد دویم صفحه ۱۶۳ را بخوانید و همچنین کتاب «مقام زنان زردشتی در ایام بسیار قدیم» تألیف پشوتن سنجانا صفحهٔ ۴۸-۴۹ رامطالعه بائید

۴۱ گیگر و وست و سایر محققین هم این کلمه را غیر از این معنی نموده که مؤید این عقیده است که درمیان ایرانیان قدیم مزاوجت با محارم جائز بوده است

مطابق انچه که هیرودوتس مینویسد[٤۲ب] ایرانیان هنوز پرهیز دارند از اینکه مردگان خود را آشکارا به لاشخوران بخورانند بلکه تاکنون انها را بخاك میسپارند این رسم (دادن مردگانرا به لاشخور) فقط درمیان طبقهٔ روحانی موافق اجتهاد ایشان رایج بوده است اما ایرانیها عموماً تنهای مردگان خود را به موم پوشانیده تا اینکه موافق قوانین شریعت مقدسه رایج در مملکت زمین آلوده به پلیدی و کثافت نشده باشد این مغها یا روحانیین تا عهد سلطنت ساسانیان چنین اقتدار پیدا ننموده که عموم مرد مرا به متابعت رویّهٔ خود در دادن مردگانرا بلاشخوران مجبور نمایند گور سیروس[٤۳] و داریوش و بسیاری از اعضای سلطنتی که هنوز باقی مانده شاهد صدق این مدّعا است واقعهٔ معروف گاماتای مغ (که در مدت غیبت کمبیسس از

٤۲ب به کتاب دائره المعارف بریتانیا جلد ۲٤ و صفحه ۸۲۳ و به کتاب «سینکرتیسم این رلیجن» صفحه ۲۲ تالیف مولتن رجوع کنید

٤۳ زنفن در کتاب سیرو پدیای خود مینویسد که سیروس وصیت کرد که او را پس از مردن بخاك بسپارند

از اصل دین بوده و بی شبهه بهمان شدّتی که زردشت انرا
رد و استنکاف کرده پیروان جدیدش هم ازان اباء
و امتناع نموده اند»

حال مطلب دیگریرا که اهمیتش کمتر از این نیست
موضوع بحث قرار میدهیم یکی از رسوم مخصوص
زردشتیان در آداب میّت این است که تن مرده را
خوراك لاشخورها میسازند باید دانست که این رسم
از رسومات عهد قدیم پیش از ظهور زردشت بوده
و چنانکه گفته اند مغهای زردشتی در اثر عادات قدیمهٔ
خودانرا داخل در دین نموده اند ٤۱ت یکی از نویسندگان
عصر حاضر مستر ای. اس. مسانی که از صلحاء پارسی است
نیز صدق وجود چنین عملی را پیش از اصلاحات
زردشت اقرار مینماید ٤۲

---

٤۱ ت رجوع کنید به «حکمت الهی» داکتر دالا و به کتاب
«دین قدیم زردشت» تألیف مولف و به «کتاب گنجینهٔ مغها»
و تفصیل را بدانید

٤۲ کتاب «دین زردشت» صفحهٔ ۲۸٤ تالیف این
مولف را بخوانید

نموده که این عادت مخصوصهٔ آنها را (خوراندن مرده را به لاشخورها) بارسوم و عادات دیگر جدّاً تعقیب نمایند محققین غرب را عقیده براین است که این عمل فقط میان اهالی میدیا که پیش از ظهور زردشت میزیستند شایع و رایج بوده است داکتر دالا میگوید[٤٦] «مغها عناصر طبیعت را مقدّس میشمردند و زمین را از پلیدیها پاک نگاه میداشتند» و از این جهت این عمل مخصوص را در دین زردشت داخل نموده اند

موافق قول مارخام[٤٧] یزدگرد آخرین پادشاهان ساسانیان چون اجل میشومش فرارسید پس ازمردش تنش را به استخر برده در ضریح سلاطین اجدادش بخاک سپردند[٤٨] و چنانکه داکتر دالا مینویسد[٤٩] پیش از این واقعه همینکه اسکندر جسد داریوش را

---

٤٦ به حکمت الهی زردشت صفحه ٦٩ رجوع شود

٤٧ به تاریخ ایران صفحه ۹٤ رجوع شود

٤٨ سنه ٦٥١ مسیحی

٤۹ رجوع به حکمت الهی زردشت صفحه ٦۹ رجوع نمائید

ایران مقارن ۵۲۱ پش از مسیح اقتدار سلطنتی
پیدا کرده و کوشش کامیاب‌انه داریوش در موقوف
ساختن طغیان طبقهٔ موبدها) را میتوان در اینجا سبب
عمدهٔ که این طایفه در روزگار پادشاهي هخامنشیان
مقبولیت عامه و محبوبیت تامه پیدا نکرده اند دانست
داریوش پادشاه این قضیهٔ مخصوص را در یکی
از کتیبه های معروف خود مفصّلاً ذکر نموده و ظفر
و غلبهٔ بر این مغها را از مدد و عنایت الهی که شامل
حال او شده میداند [٤٤]

درآغاز پادشاهی ساسانیان که روح تازهٔ به کالبد
آئین زردشتیان که پس از انقراض سلسلهٔ هخامنشیان
بیجان مانده بود دمیده روزگار پریشانی موبدان
هم در اثر ان به پایان رسیده ایشان نیز نیرومند و توانا
شدند[٤٥] این موبدان حال بعموم پیروان خود امر

---

٤٤ رجوع کنید به دایرة المعارف بریتانیا جلد ششم
و صفحهٔ ۸۲ و به کتاب «میدیای» راگزین صفحه ۳٦٦ و به
«تاریخ ایران» تالیف مارخام صفحه ٤۱

٤٥ به دایره المعارف بریتانیا جلد بیست و چهارم و صفحه
۸۲۳ و به کتاب «گنجینه مغها» تالیف مولتن صفحه ٦۳
رجوع نمائید

باری در خاتمه کلمات داکتر مونیر ویلیم فاضل (هندوستان جدید ـ لندن ۱۸۷۸ صحفهٔ ۳٦) را در ذیل نقل مینمائیم

"هرچند تصور چنین وضع و رفتار لابد و ناچار حال ما اروپائیانرا دیگرگون خواهد ساخت لیکن اگر ترتیب دفن ما از نقطهٔ نظر پارسی ملاحظه شود شاید بی اختیار باعث انقلاب حال پارسی شده احساسات اورا همچنان متألم نماید مورد حملات کرمهای بیشمار ساختن بدن مرده را که روی به تحلیل و فساد است چون باز ماندگان ما حمله کنندگان را بچشم خود نمی بینند شاید سبب خوف و وحشت ما نشود لیکن این نکته را هم نباید فراموش نمود که باز ماندگان مردهٔ پارسیان هم در دیدن پرش پرندگان هوائی بر بدن مرده و ربودن گوشت آن مجاز نخواهند بود پس در این صورت ما نباید تعجب کنیم از اینکه پارسیان سریعترین عمل را بربطی ترین عمل ترجیح داده و زود تر رفع

پس از کشته شدنش در جنگ یونانیان از برای ایرانیان فرستاده انرا همین طور در مرقد شاهانهٔ در پهلوی مردگان خانوادهٔ سلطنتی دفن نمودند

باری برما یقین است که این عمل موافق مضامین ادبیات اوستای اخیر نتیجهٔ عقیدهٔ راسخهٔ باین است که زمین از دفن مرده نجس شده و از این جهت خوراندن مردگانرا به لاشخورها معمول گردید

در این عصر حاضر بسیاری از خود پارسیان از این کار نفرت داشته انرا کار ناشایسته می پندارند البتّه تا اندازهٔ که دین حقیقی و فقرات مهمهٔ ان محل توجه و محط نظر است معلوم است که این گونه عمل منشاء اثر فوق العاده نشده و از برای اصل دین هم ضرری نداشته و از این جهت چندان متعرض ان نتوان شد

بسیاری از مسیحیان این ایام دفن اموات خود را مذمت نموده سوزاندن مردگان درمیان ایشان شیوع یافته و روز بروز روي به تزاید است عادات و رسوم خارج از دین و قواعد اصلیه ان بهیچوجه قابل ملاحظه و اعتناء ولایق منازعه و مشاجره نیست

زردشت پیغمبر بزرگ آورده هنوز در انها بصورت
اصلی باقیست بعلاوه ادله کافي در دست نیست که
از روی انها بتوانیم محررین این کتب مقدسهٔ اخیر را
از برای چیزهائیکه بدعتهای ایشان در دین
خوانده میشود ملامت نمائیم زیرا که تفحص و تجسس
کافي در این موضوع نشده و حقیقت امر بدست
نیامده است ترجمه های این کتب که بزبانهای عمدهٔ
اروپائی شده مورد ایراد و انتقاد است و از این روی
از بسیاری از کلمات و عبارات و جمل و فقرات
انها معنی اصلی مستفاد نشده بلکه خلاف مراد را
میفهمانند[۵۰] باری ان مضامین و فقرات پشتها که
محل اعتراض است مورد توجه فارسیان عاقلی هم
نخواهد شد که فقط عقاید و فرایض دینی را که موافق
طبع و ذوق سلیم و رأی و عقل مستقیم است قبول
مینمایند

---

۵۰ به تاریخ ادبیات پرفسر برون جلد اول صفحه ۱۰۲
با سندهائیکه حال ذکر شد رجوع نمائید

کثافات کرده بلکه موافق حفظ‌الصحه از امراض مسریه جلوگیری مینمایند"

از برای تتمیم کلام و تفهیم مرام بهتر این است که در این مقام چند کلمهٔ دیگر هم اضافه نمائیم شاید مغها در اثر پارهٔ ملاحظات و جهات دیگر هم تن مردگانرا در معرض حملات پرندگان جیفه خور میگذاردند چون مغها دیدند که مصریان مردگان خودرا در اهرامها مستحکمی که تا کنون اجساد را محفوظ نگاه داشته دفن نموده اند و هندیان را دیده که مردگان خود را میسوزانند و این دو ملت قدیم چون کاملاً مشرك بوده و مغها مایل نبودند که مطابق رسوم و عادات انها رفتار نمایند از این جهت ایشان عادات ملّی قدیم خود را از دست نداده اند (از برای شرح مفصلتر در مجلهٔ "تیا سوفیست" ماه آگست و ماه سپتمبر ١٩١٢ مقالهٔ شمس العلماء ح. ج مدی را مطالعه نمائید)

هر چند یشتها روحاً با کتب مقدسه موجوده اختلاف زیاد دارند لیکن تقریباً همهٔ تعالیم عمدهٔ که

از بابت راستی و پرهیزگاری که اصول متقن تمام ادیان الهی و تنزیلات آسمانیست زند اوستا حکم شدید نموده و نفس تقوی را خوشی و سعادت این جهان و طریق آسایش و امان و راحت و اطمینان خوانده است تقوی را جامهٔ سرفرازی و عزت و فسق و شرارت را لباس رسوائی و فضیحت تعبیر نموده است[۶] پسندیده ترین قربانیهای راه خدا کردارهای نیك است و پندار و رفتار هنگامی پذیرفتهٔ بارگاه او است که نیك و شایسته باشد بهترین محکمهٔ عدالت وجدان پاك است راستی اساس و بنیاد تمام فضایل و کمالات است تا راستی چون بدترین گناهان سزاوار سزا وعقوبت است کوشش وزحمت چون همیشه بارور و مثمر و نگهبان پاکی وعصمت و سدّ راه اغواء و وسوسه است نهایت سفارش و توصیه از ان شده و تنبلی و بطالت منشأ بینوائی و حاجت و شرمساری وخجلت خوانده شده است از بابت دستگیری و

---

۶ دایرة المعارف دین و اخلاق را ملاحظه کنید صفحه ۸۶۰ از جلد دوازدهم

باب پنجم

زردشت پیغمبر خدا

تا کنون بسیاری از فضلاء راجع به موحد بودن ملّت پارسی و آئین خالص خدا پرستی ایشان و اعتقاد شان بخدای یگانهٔ توانائیکه برترین همهٔ موجودات ومنزّه از شکل وصورت[1] و آفریننده تمام موجودات[2] و حاکم و داور حسنات و سیّئات[3] و منبع رحم[4] و سزاوار پرستش و شایسته اطاعت است[5] قلم فرسائی نموده اند

---

۱ به کتاب «قوانین حلم در دین زردشت» تالیف کوپر و به «حکمت الهی» زردشت تالیف داکتر دالا رجوع نمائید

۲ به «تاریخ ایران» تالیف کاراکا و به «نور ایران قدیم» پیتا والا رجوع نمائید

۳ به تاریخ ایران و به قوانین حلم در دین زردشت رجوع نمائید

٤ به دو کتاب فوق رجوع شود

۵ به کتاب اول فوق صفحه ٤۵ رجوع شود

و کتاب و آیات و حجج و بیّناتیکه سایر پیمبران خدا از برای نوع بشر آورده اند ظاهر شده است[8]

شك و شبهۀ نیست که خدای بزرگ دانا و داور دادگر و مهربان کردار نیکو و پرهیزگارانۀ کسیرا بی پاداش نخواهد گذاشت بلکه " کسانیکه بخدا و روز باز پسین گرویده و کارهای شایسته نموده آنان از خدا پاداش گرفته و ترسی نداشته و اندوهناك نخواهند بود "[9]

اعتقادیکه پارسیان بخدای واحد و پاداش و سزای او خوب و بدرا در روز جزا[9ب] دارند و پرهیزگاری

---

۸ کتاب « اسلام و دین زردشت» صفحه ۲۱ را بخوانید

۹ قرآن مجید آیۀ ۶۲ از سورۀ دویم را تلاوت نمائید:— ان الذین آمنوا والذین هادوا والنصارٰی والصابئین من آمن بالله والیوم الاخر و عمل عملاً صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولاهم یحزنون و سوره پنجم و ایه ۶۹ نزدیك باین مضمون

۹ب به دایره المعارف امریکانا جلد شانزدهم - (زردشت) رجوع نمائید

اعانت و نوع پرستی و محبت و خیرخواهی و رعایت تأکید اکید گردید [7]

با چنین مقاصد که اصول و قواعد این دین است چگونه میتوان پیروان زردشت را « منکر » خدا و یا کافر و مشرک شمرد خوبست که بمناسبت مقام مخصوصاً کلمات خواجه کمال الدین که یکی از حکماء مسلمان عصر حاضر است ذکر نمائیم

« احسان و مردم دوستی و خوشرفتاری کسانیرا که آتش پرست مینامند از آخشیج پرستی تولید نخواهد شد نیکی وشرافت انسانی از کمون فطرت و صقع جبلت کسی بروز نمیکند مگرانکه از فیض ربانی قلب نورانیش عرش خاص رحمانی شده و عنایات بی نهایات خداوندیکه مبدأفیوضات و منشاء نعماء و برکاتیست که آتش مقدس یکی از آنها است شامل حال او شده باشد زردشت چنین کسی بوده است او با همان دین و احکام

---

۷ « تاریخ ایران » صفحه ۱۰۴ ـ ۱۰۵ تالیف دوسا بهای فرامجی کاراگارا بخوانید

و سختی و هنگام کارزا راست کسانیکه چنین کارها را میکنند راستگویان و پرهیزگارانند"۱۰

هیچ شبهه نیست که موعظه و پند زردشت از برای اجتناب از بدي و کردن کارهای خوب و پرهیزگاریست در حقیقت در این عالم هر دینی که آورده شده است همین مطالب را به پیروان خود آموخته هر چند بمرور زمان تغییر ئی در آن راه یافته است اصل تمام رسالتها مختلفه دینی که گاه گاهی بواسطهٔ پیغمبری از پیغمبران خدا در مملکتی از مملکتها و از برای ملّتي از ملّتهای عالم از برای رهنمائی و هدایت مردمان نادان آورده شده است یکی است خداوند در قرآن مجید میفر

---

۱۰ قرآن مجید آیهٔ ۱۷۷ از سورهٔ دویم :— لیس البرّ ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب بل البر من آمن بالله والیوم الاخر والملئکة والکتاب والنبیین وآتي المال علی حبه ذوی القربي والیتمی والمسکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب واقام الصلواة وآتي الزکواة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی البأساء والضراء وحین البأس اولئك الذین صدقوا و اولئك هم المتقون

و پاکدامنی که مطابق گفتهٔ این مصلح ایران
درکارهای روزانهٔ ایشان مسطور است و ملکات حمیده
و صفات پسندیدهٔ ایشان که بر روی اصول و قواعد
اخلاقی پیغمبر ایشان است ماماً ما را مجبور میسازد که
بی تردید و شبهه آنها را یك ملّت خدا پرست
حقیقی و زردشت را پیغمبر مبعوث از جانب خدا
داسته که مانند پیغمبران دیگر ملکوت خدا را
در زمین او مستقر نموده است[۹ت] «نیکوکاری این نیست
که روی خود را سوی خاور یا باختر بگردانید بلکه
نیکوکاری باور داشتن خدا و روز بازپسین و فرشتگان
و کتابها و پیغمبران و دادن مال در راه او بخویشان
و یتیمان و فقیران و در ماندگان در سفر و سؤال
کنندگان و آزاد کردن بردها و بجا اوردن نماز
و دادن زکواة و وفای پیمان و شکیبائی در تنگدستی

۹ت از برای اطلاع مفصل به شهادت دینی زردشتیان که
حقیقت خود دین را درست میفهماند به باب دوازدهم سیاترجمه
متین داکتر ایرج تراپور والا درکتاب خودش «منتخبات
از اوستا و فارسی قدیم» رجوع نمائید

ملتی بی چنین راهنمائی که بشیر و مژده دهنده به ثواب از برای کارهای نیك و ندیر و ترسانندهٔ از عقاب او برای گناهان است نبوده است هر پیغمبر آنچه در قوه استطاعت و گنجایش و ظرفیّت او بود پرستش خدا و خوف از اورا بمردم تعلیم داده است اما هزاران از چنین پیغمبران آمده اند که اسم آنها را ما نمیدانیم

اندیشه نیك و گفتار نیك و کردار و رفتار نیك تعالیم عمدهٔ هر مصلحی بوده که از برای تکمیل اخلاق نوع بشر آمده است و تعالیم زردشت هیچوجه ضدّ و مناقض ومخالف و معارض اصول و قواعد کلیه سایر ادیان غیر مشرك شرق نبوده است پیروانش هم از شاه گرفته تا گدا تعالیم راهنمای روحانی خود را چنان از روي شوق و غیرت متابعت نموده که کسی آنرا انکار ننموده بلکه عمل ایشان محل شگفت و حیرت است کلمات مقدسهٔ که از دل ساده و صادق و از ضمیر پاك و منیر پیغمبر شان تراوش و نشر نموده بدرجهٔ در

مـایند [11] و هر آینـهٔ در هر گروهی پیغمبری فرستادیم که بمردم گفت که خدا را پرستش کنید و از اهریمن به پرهیزید» و در جـای دیگر میفرماید [12-13] «نفرستادیم هیچ پیغمبر را مگر بزبان قوم خود تا انکه مطالب را واضحاً بانها بفهماند» مناسب است که چند سطر ذیل را که از کتاب «اسلام به شعر» که از اثر خامهٔ مولوی سید محمد حیدر صاحب (نطق کنندهٔ دارالفنون کلکته) است در اینجا نقل نمائیم: —

«...... کسان هستند که دارای قلبی وسیعتر و نظری دقیقترند که از خدای تعالی پیغام بانها رسیده و آنها احکام او را بمردم میرسانند بدانید که ما چنین کسانرا پیغمبر مینامیم ایشان از وقایع آینده میتوانند پیشگوئی نمایند هیچ

---

۱۱ آیه ۳٦ از سوره ١٦ :— ولقد بعثنا فی کل امة رسولاً ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت منهم من هدی الله منهم من حقت علیه الضلالة

۱۲-۱۳ قرآن مجید آیه چهارم از سورهٔ چهاردهم:— ما ارسلنا رسولاً الا بلسان قومه لیبین لهم

(۶) زنهای متعدد گرفتن در این دین ممنوع و مقام محترمی از برای زنان احراز شده است

(۷) اهمیت زیادی به پندار و گفتار و کردار نیک داده شده است

(۸) اوستا گاهی از آینده نومید نمیکند اندیشهٔ نیک درپایان پیروزی خواهد یافت

از مطالعهٔ عمیق زند اوستا ادبیّات مقدّس پارسیان بر ما واضح شد که رسالتی را که مصلح بزرگ ایران قدیم زردشت بآن مبعوث گردید از برای ازالهٔ ظنون فاسده و رفع اوهام باطلهٔ بود که در زمان باستان در مملکت ایران درمیان مردمان نادانیکه با دل و جان پرستش مکوّنات بیهودهٔ طبیعت را مینمودند رواج و شیوع داشت [۱۴ - ۱۵] پیغمبران و مصلحین بسیاری از برای نوع بشر فرستاده شا لیکن چون عموم مردم ادراك مقام ربوبیّت ر

۱۴ - ۱۵ بکتاب مولتن در آئین پارسیان و بکتاب «میدیا» تالیف را گزین رجوع کنید

آنها اثر کرده که از رسوم و عادات و وضع زندگانی و معیشت و خصلت و آداب معاشرت ایشان اصول و ظایف اخلاقي و فرایض دینی ایشان ظاهر و هویدا است

رورند ج. هیچلس (رجوع به کتاب " ادیان بزرگ هند" صفحهٔ ١٦٢-١٦٣) خصایص دین زردشت را مطابق صورت ذیل خلاصه نموده است :-

(١) این دین هیچ صفت نقصی بمعبود حقیقی نسبت نداده است

(٢) این دین هیچ عملیکه مخالف اخلاق باشد جزء عبادت قرار نداده است

(٣) بی رحمی در هیچ شکلی از اشکال عبادتیکه در این دین امر شده یافت نمیشود

(٤) در کار زار میان خوبی و بدی زردشتیها مامورند که بالشکر بدی جنگیده و به سپاه خوبی جدّاً کمك نمایند

(٥) پرستش صورت و شکل در این دین نیست

مجید که در ذیل مذکور است مستفاد میشود با بیانات زردشت در این باب موافقت تمام دارد [۱۸] این است خدا پروردگار شما نیست هیچ معبودی مگر او و او است آفرینندهٔ هرچیز پس پرستش کنید اورا و او کارساز هر چیز است نمی یابد اورا چشمها و او می یابد چشمها را و او چیزهای دقیق را دریافت میکند و آگاه است

همین مضامین عین بیانات این پیغمبر است:—
ای مزدا هنگامیکه در یافتم که توئی آغاز که توئی انجام که توئی شایان پرستش که توئی پدر منش پاك که توئی آفرینندهٔ راستی و درستی که توئی داور دادگر کارهای روزهای زندگانیٔ ما پس دیدهٔ (دل) خود را جای تو ساخته ام [۱۹]

از برای مزید بر اطلاع کلمات مرقوم ذیل را که در کتاب "قوانین حلم زردشتی" تالیف نسروانجي

---

۱۸ سورهٔ ششم و آیهٔ ۱۶۲:— قل ان صلواتی و نسکي و محیاي ومماتي لله رب العالمین

۱۹ یسنا باب ۳۱ و آیه هشتم

فراموش و از فهم رتبهٔ الوهیّت غفلت نموده شرك در
ته دلها ریشه دوانیده و اثر آن بهمه جا رسیده بود
در چنین حال زردشت پیغمبر مصلح ظهور و شروع
به تبلیغ نموده دیوها یا خدایان گوناگون طبعیت را
که مردم آن زمان پرستش مینمودند خدایان باطل
خواند [۱۶] این گونه سخنان بیانات تازهٔ بود که در
اولین دفعه در کشور ایران اظهار گردید به هر حال
مردم را از پرستش خدایان متعدد منع و به نیایش
و اطاعت خدای بزرگ دانا اهورامزدا یکتا آفرینندهٔ
همهٔ آفریدگان امر فرمود [۱۷] و بطور واضح و
صریح بآنها فهمانید که خدا محسوس حواس
ظاهره و مدرك حواس باطنهٔ ما نبوده چشم سر و
حسّ بصر از دیدن او عاجز و عقل و وهم و خیال
از ادراك کنه ذات وحقیقت صفات او قاصر و ذاتش
محدود بحدود و جهات و محاط مادّه و مادّیات نخواهد
بود معرفت حقیقی خدا که از مضمون آیات قرآن

---

۱۶ بکتاب هاگ و مولتن ورا گزین رجوع کنید

۱۷ بمقاله های هاگ و به کتاب دین « قدیم زردشت »
تالیف مولتن و به میدیای راگزین رجوع کنید

برخی از نعوت خدا چنانکه در کتابهای دینی زردشتیان دیده میشود در ذیل ذکر شده است:ـ ۱۹ت

۱۹ت نظیر این مطالب در قرآن مجید مذکور است رجوع نمائید به سورهٔ دویم و آیهٔ ۱٤۹ :ــ ان الله علی کل شي قدیر و در آیه ۲٥٦ :ــ والله سمیع علیم، و در سوره پنجم و آیه ۷۷ :ــ والله بصیر بما یعملون و در سورهٔ دهم و آیه ۱۰٥ :ــ و هو الغفور الرحیم و آیه ۱۰۷ :ــ وهو خیر الحاکمین و سورهٔ نوزدهم و آیه ۹۱ تا ۹٤ :ــ و ما ینبغي للرحمن ان یتخذ ولداً ان کل من فی السموات والارض الا آتی الرحمن عبداً لقد احصیهم وعدّهم عداً و کلهم آتیه یوم القیمة فرداً و سورهٔ بیست هشت و آیهٔ ۸۸ :ــ لا تدع مع الله الهاً آخر لا اله الا هو کل شيءٌ هالك الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون و سورهٔ سي یك وآیهٔ ۱۲ :ــ ان الله غني حمید و سورهٔ سی و هشت آیهٔ ٦٥ :ــ و ما من اله الا الله الواحد القهار و سوره چهل وآیه ٦٤ و آیه ٦٥, ٦٦ رب العالمین و سوره هفتاد و دو و آیه ۳ :ــ ما اتخذ صاحباً ولا ولداً وغیره و همچنین در توراة در سفر تثنیه باب ششم و آیه چهارم :ــ ای اسرائیل بشنو یهوّه خدای ما یهوّهٔ واحد است و در کتاب اول پادشاهان باب هشتم و آیهٔ ۲۳ :ــ وگفت ای یهوّه خداي اسرائیل خدائی مثل تو نه بالا در آسمان و نه پائین بر زمین هست در کتاب اول تواریخ ایام در باب هفدهم و آیهٔ بیستم:ــ اي یهوّه مثل تو کسي نیست و غیر از تو خدائی ني و در کتاب مزا میر در باب هشتاد و ششم و آیه دهم :ــ تو تنها خدا هستی و در کتاب اشعیای نبیّ باب چهل و ششم و آیهٔ نهم:ــ زیرا من قادر مطلق هستم و دیگري نیست خدا

مانکجي کوپر از قول یکنفر دستور بزرگ پارسیان بمبئی در بیان کیفیت عقیده فارسیان به الوهیت نقل شده ملاحظه نمائید ١٩ب

به خداوند یکتای پاك و بزرگوار و آفرینندهٔ دو گیتی اقرار مینمایم او مرکب نیست و همتا ندارد و پیش از او چیزي نبوده ازلی و ابدی است شکل ندارد نور وجودش که منزه از آلایش به ظلمت عدم و نقص است بر ماهیّات ممکنات ساطع و درخشان و بر هیاکل کائنات لامع و تابان و محیط بر تمام موجودات است زبان از ستایش ذات و بیان نعوت و صفات و ادای شکر آلاء و نعمای او قاصر است درمیان نادیدگان نادیده و اورا طرف نسبت و مقایسهٔ به کرّوبیّن و ملائکه مقربین و عقول مجرّده، و نفوس سماویّه نتوان دانست او در هرجا حاضر و ناظر هویدا و ظاهر است او بر هرچیز توانا است او دادگر و دانا است او شایسته و مستحق عبادت است اوامر و نواهی او مفروض الطاعت است

١٩ب راجع به توحید کلمات امیر المؤمنین علی و امام جعفر صادق را درکتاب اول و سویم و چهارم اصول کافی بخوانید

او است فارق میان حق و باطل (یسنا باب ٤٤ و
آیهٔ ۱٥)

او است قبلهٔ نیاز و حاجت (یسنا باب ٤٦ و آیهٔ ۹)

او است آفرینندهٔ جان و وجدان و قلب و
ضمیر انسان (یسنا باب ۳۱ و آیه ۱۱)

او است اکرم الاکرمین و اورق الرّازقین (یسنا
۲۸ و آیه ٥ و یسنا باب ۳۳ و آیه ۱۱
و یسنا باب ٤۸ و آیه ۳)

او است آفرینندهٔ آب و درختان و هر چیزی
(یسنا باب ٤٤ و آیهٔ ٥ــ ۸ و باب ٥۱
و آیهٔ ۷)

او بخواست خود فرمانروائی میکند (یسنا باب
٥۳ و آیه یکم)

او است خدای هستی (یسنا باب ۲۸ و آیهٔ ۷)

او است دانا (یسنا باب ۲۹ و آیهٔ ٦ و باب
٤٥ و آیه ۳ و باب ٤۸ و آیه ۲۰۳)

او است از هر چیز آگاه (یسنا باب ٤۷
و آیه ۱۹)

او بینا و بصیر است (یسنا باب ۳۳ و آیه ۱۳)

او برترین تمام موجودات است (یسنا باب ٤٤
و آیهٔ ٧)
او بهترین موجودات است (یسنا باب ٢٨ و آیهٔ ٨)
او قادر و قاهر است (یسنا باب ٤٣ و آیهٔ ٤)
ذاتش محلّ حدوث حوادث نیست (یسنا باب ٣١
و آیه ٧ و باب ٤٥ و آیه ١٠)
او آفرینندهٔ همهٔ موجودات است (یسنا باب
٤٥ و آیهٔ ٦)
او اول بلا اول است (یسنا باب ٢٨ و آیهٔ ٣)

هسم و نظیر من لی وهم چنین در کتاب ارمیاء نبي باب دهم و آیه ششم :— اي یهوه مثل تو کسی نیست تو عظیم هستی و اسم تو در قوّه عظیم است و همچنین در انجیل متیٰ باب چهارم و آیهٔ دهم:— انگاه عیسیٰ ویرا گفت دور شو اي شیطان زیرا مکتوب است خداوند خداي خود را و اورا فقط عبادت نما و بیست و سویم و آیه نهم:— هیچ کس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا که پدر شما یکی است که در آسمان است و در انجیل مرقس باب دوازدهم و آیه بیست و نهم عیسیٰ اورا جواب داد که اول همهٔ احکام این است که بشنو اي اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است و در انجیل لوقا باب چهارم و آیهٔ هشتم عیسیٰ در جواب او گفت اي شیطان مکتوب است خداوند خداي خود را پرستش کن وغیر اورا عبادت وغیره

دانائی او این جهان مادّی را هستی بخشید
و بخواست او باز بپایان خواهد رسید
(یشت ١ و ٢٦)

گذشته از اینها در کتاب دعای پارسیان معروف به خورده اوستا صفات دیگری از برای خدای تعالی ذکر شده است که با صفاتیکه در بسیاری از جاهای قرآن شریف مذکور است موافقت تامه دارد خلاصه اعتقاد پارسیان این است که خدا فوق همه موجودات است کاینات از نور وجود او است وجودش قایم بالذات است از چیزی تولید نشده است از مجانست با مخلوقات خود مقدس ست و از مشابهت به موجودات منزه است [٢٠] اموت و صفات بسیاری دارد که عین ذات او است نه خارج از ذات [٢١]

پیغمبر ایران از پرستش مکونات که معروض ترکیب و تحلیل و تغییر و تبدیلند و از عبادت هیا

---

٢٠ رجوع کنید بصفحهٔ ١٩ حکمت الهی دین زردشت تألیف داکتر ام. ان. دالا

٢١ بصفحهٔ بستم همین کتاب رجوع نمائید

کسی نمیتواند اورا فریب بدهد (یسنا ۴۳ و آیه ٦ و باب ٤٥ و آیه ٤)

او است عالم السرّ والخفیّات (یسنا باب ۳۱ و آیه ۱۳)

او بدکاریهای بندگانرا میداند و در یاد دارد (یسنا باب ۲۹ وآیه ٤ و باب ۳۲ وآیه ٦ و ۷)

او هر چیز را میداند (یسنا باب ۳۱ وآیه ٥)

او است قدوس و سر چشمه پاکی (یسنا باب ٤۳ وآیهٔ ۳، ٤، ٥، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱٥ و باب ٤۸ وآیه ۳)

فضل وعنایت ساحت ربوبیتش بی پایان است (یسنا باب ٥۱ وآیه ٤)

او است دانش پاك (یسنا باب ۲۸ و آیه یکم و باب ۳۳ و آیه ۱۲و باب ٤۳ و آیه ۲ و ٦، ۱٦، و باب ٤٤ و آیه ۷ و باب ٤٥ و آیه ٥، ٦،و باب ٤۷ و آیه ۱، ۲، ٤، ٥، ٦ و باب ٥۱ وآیه ۷)

و است دانا و توانا و عادل و رحیم (یشت ۱، ۷، ۸، ۱۲، ۱٤ و ۱٥)

راه یافته است حتّی بسیاری از ملّت های خدا پرست با بعبارت صریح کسانیکه مغرورند باینکه صاحب کتابهای دینی که وحی آسمانیست هستند بت پرست بوده اند بسیاری از مومنین به موسی حتي در هنگام حیاتش گوساله حقیقی یا ساختگی را پرستش مینمودند [۲۵] بسیاری از مسیحیان حتي در این روزها مجسّمه مسیح و مریم و بسیاري از اولیای دیگر را در کلیسیا گذاشته و از روي شوق و شعف آنرا پرستش مینمایند دا کتر فارنل در کتاب خود که تازگی انتشار داده است [۲۶] میگوید:ــ داستان مسیحیّت در این باب شگفت آمیز و غم انگیز است مسیحیان در اوایل تا مدتی حامي افکار یهودیان بوده اما قوهٔ بت پرستان هلن و مدتیرانه زود برقوهٔ موسی فایق آمده و دین عمومی مسیحی مگر در حدود ضیق مذهب اصلاح طلب پروتستانها

---

۲۵ سورهٔ دویم و آیه ۵۱ :ــ و اذ واعدنا موسی اربعین لیله ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظالمون و آیه پنجاه چهار :ــ و اذ قال موسی لقومه یا قوم انکم ظلمتم انفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا الی بارئکم واقتلوا انفسکم ذالکم خیر لکم عند بارئکم فتاب علیکم انه هوالتواب الرحیم

۲۶ رجوع کنید «بکتاب نعوت الهی» صفحه ۳۶

کل و تماثیل و اشکال و صور که مصنوعاتند ممانعت نمود زردشتیان چون از روی حقیقت اطاعت احکام هادی روحانی خود را نموده همیشه از بت پرستی احتراز و اجتناب داشته و آنرا گناه چنان بزرگی دانسته که شاید هرگز بهیچ شکلی در معبد مقدس ایشان راه نیافته است [٢٢] هرودوتس بزرگترین مورخ (٤٥٠ پیش از مسیح) مینویسد که ایرانیها که پیروان مغها هستند بت پرست نیستند [٢٣] قشونهای فاتح ایران همیشه بتهای ممالك فتح شده را نابود نموده و بتخانهای آن را باخاك یکسان مینمودند [٢٤]

قطع نظر از بت پرستی فرقه های مختلفه هندو که در دین ایشان از زمان پیدایش تا کنون که چندین هزار سال است تغییرات و انقلابات گوناگون

٢٢ صفحهٔ چهارم « تاریخ ایران » تألیف مارخام را بخوانید
٢٣ رجوع به جلد چهارم و صفحه بیست و پنجم « تاریخ کمبریج » قدیم نمائید و همچنین از برای فهمیدن تفصیل به « مقاله های هاگ » رجوع کنید
٢٤ صفحهٔ هشتاد و یکم «حکمت الهی دین زردشت» تالیف دالا را بخوانید

حرکت و اکل و شرب و غضب و شهوت و حیات و ممات و توالد و تناسل و شباب و کهولت بود لیکن باراده و مشیت و رضا و مصلحت خدای تعالي از براي هدایت سایرین اقدام و مبادرت به تبلیغ احکام نمود خداوند میفرماید هر آینه فرستادیم پیغمبرانرا پیش از تو و دادیم ایشان زنان و فرزندان و نشاید هیچ پیغمبریرا که بیاورد نشانهٔ مگر بحکم خدا هر قضای موقت را نامه ایست [28]

در اینصورت وظیفهٔ ما این است که تکالیف خود را بطوری انجام داده که برائت ذمه حاصل نمائیم پیش از آنکه گفتگوئی راجع به نبوّت و رسالت پیغمبری مانند زردشت نمائیم باید بنظر دقیق و بر وجه تحقیق آنرا ملاحظه نمائیم خواجه کمال الدین که یکی از فقهای مسلمین عصر حاضر است میگوید بـ زردشت یکی از پیغمبران خدا است [29] خداوند کراراً بما امر فرموده است که در قضایای مجهوله با اشخاص دانا

---

۲۸ قرآن مجید سوره سیزدهم و آیه ۳۸ :— وما کان لرسول ان یأتي بآیةٍ الا باذن الله لکل اجل کتاب

۲۹ رجوع کنید بکتاب اسلام و دین زردشت صفحه ۳۵

را باید امروز بت پرست نامید بیت المقدس
و کعبه در زمان ظهور پیغمبر بزرگ اسلام پر
اصنام بوده و به ارادهٔ خدای تعالی این امکنهٔ
مقدّسه از دست مبارك محمد از این خدایان صامت
و ساکت پاك شده اند

زردشت در چنان وقتی شروع به تبلیغ نموده که
مردم مواجه با تمدن و دارای تربیت نبوده اند[۲۷] از
اصلاحات او معلوم میشود که دعاویش نتیجهٔ الهاماتی
بوده است که از تامل و تفکّر و غور و تدّبر و
دلایل فلسفیه و براهین حکمیّه و حجج عقلیه بآن
نایل شده است باین منوال هیچ یك از پیغمبران به
خواهش خود مردم را دعوت ننموده بلکه بفرمان
خدای تعالی انها را براه راست دلالت کرده اند هرچند
هرمصلحی مانند همه افراد نوع بشر دارای همان جوارح
و اعضا و سر و صورت خواب و بیداري و سکون و

---

۲۷ رجوع کنید بکتاب تاریخ قدیم کمبریج جلد
چهارم و صفحه ۲۷ و همچنین بکتاب میدیای راگزین
و بکتاب اشعار دینی قدیم ایران و به مقاله هاي هاگ
وغیره وغیره

که هر دینی رشتهٔ از قوانین علمی و اخلاقی و پرهیزگاری و نوع پرستی را که باید پیروانش بآن عمل نمایند وضع نموده هر پیغمبر و یا هر مصلح به پیروان خود پرستش آن وجود برتر و توانا که خدای یکتای بیهمتای همهٔ ماها است آموخته است در حقیقة موافق احکام توراة و تعالیم قرآن و احادیث اسلام کسیرا که پرستنده خدای واحد و از صدق نیّت معتقد با و است نمیتوان کافر و یا بیدین شمرد بلکه هر کسیرا که به یك خدا و به یك صد و بیست نو چهار هزار پیغمبر اعتقاد داشته و دارد باید "مسلم" نامید محمد مصطفیٰ نیامده است که دین تازهٔ بمردم تعلیم بدهد و یا پیغامیکهٔ تا آنوقت کسی نشنیده از خدای تازهٔ بیآورد بلکه از برای تجدید و تشیید همان دین سابق آمده است که در اوقات مختلفه نوح و داود و ابراهیم و موسی و عیسی و بسیاري از پیغمبران دیگر یکه بعضی از آنها بسبب اینکه خدا از برای او ذکر فرموده معلوم و دیگران بکلی ذکر نشده آورده اند [32] خداوند

---

۳۲ قرآن مجید سوره حهارم و آیه ۱۵۸ - ۱۵۹:—انا اوحینا الیك کما اوحینا الی نوح و النبیین من بعده و اوحینا الی

مشورت نمائیم خداوند در قرآن میفرماید و نفرستادیم پیش از تو مگر مردمانیرا که وحی فرستادیم بسوی ایشان پس بپرسید از اهل کتاب اگر نمیدانید [۳۰] و در جای دیگر میفرماید :ـ هر آینه آنان که ایمان آوردند و آنانکه یهود شدند و ستاره پرستان و ترسایان و گبران و کسانیکه مشرك شدند خدا فیصله خواهد میان ایشان در روز قیامت هرآئینه خدا بر هر چیز مطلع است [۳۱]

اگر با نظر انصاف و عاری از تعصب و با قلب صاف و خالي از لجاج عقاید دینی ملتهای مختلفه و متمدن را ملاحظه نمائیم و کارهای اوقات حیات و تعلیمات مصلحین و یا مؤسسین گوناگون ادیان عدیده را تفحص و تحقیق کنیم فوراً خواهیم فهمید

۳۰ قرآن مجید سوره شانزدهم و آیه ٤۳ :ـــ و ما ارسلنا من قبلك الا رجالاً نوحی الیهم فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون

۳۱ قرآن مجید سوره بیست و دو و آیه ۱۷:ـــ ان الذین آمنو والذین هادوا والنصاري والصابئين والمجوس والذين اشرکوا ان الله یفصل بینهم یوم القیمة ان الله علی کل شیئی شهید

از این مطالب برما معلوم میشود که رسالت الهی
اگرچه بحسب اوقات و اشکال اختلاف داشته لیکن در
اصل و حقیقت همیشه یکی بوده است در این موضوع
مناسب است که کلمات سر سید احمد رئیس معروف
مسلمانان هند را که در یکی از نطقهای معروفش
در خصوص اسلام و اصول عمدهٔ آن است نقل
نمائیم :—

چیزیکه از اعتقاد به آن میتوان کسیرا مسلمان
نامید وحدت خداست هر که خدا را درست
شناخت و به یگانگی او اعتقاد کرد او مسلمان
است این است أس اساس دین مبین و رکن
رکین آئین متین اسلام و باقی فروع این دین
و این اصل با فروع آن مانند ترکیبی است
از دوای مخصوص و خالصی که با اجزای دیگر
آمیخته و در آنها حل شده باشد اعتقاد ثابت
جازم بخدا و به خلاقیت و به یگانگی او و
معرفت او عین اسلام و معتقد باین عقاید
مسلمان است خداوند تعالی در قرآن مجید

خطاب به پیغمبر نموده میفرماید:. فرود نفرستادیم بر تو کتاب را مگر بسبب آنکه بیان کنی از برای ایشان آنچه را در آن اختلاف کرده اند و از برای راهنمائی و بخشایش قومي که میگروند[۳۳] در جای دیگر هم چنین فرمود: هر آئینه فرستادیم تو را با دین راست مژده و بیم دهنده و نیست هیچ امتي مگر آنکه درمیان آنها پیغمبری مبعوث شده است[۳٤]

ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب والاسباط و عیسي و ایوب و یونس و هرون و سلیمن و آتینا داود زبورا و رسلا قد قصصناهم علیك من قبل و رسلا لم نقصصهم علیك

۳۳ قرآن مجید سوره شانزده و آیه شصت و سه.— وما انزلنا علیك الکتاب الا لتبین لهم الذي اختلفوا فیه و هدی و رحمة لقوم یؤمنون

۳٤ سوره سي پنجم و آیه ٤٤:— انا ارسلناك بالحق بشیراً و نذیراً و ان من امة الا خلافیها نذیر بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون

در این باب بکتاب معروف «النبوّه والخلافه» تألیف شمش العلما نجم الحسن صاحب ترجمهٔ مستر ال. اِ. حیدری متعلق به مدرسة الواعظین لکهنؤ چاپ ناول کشور ۱۹۲٤ صفحه ۵-۷ رجوع نموده در آنجا نبوت و معنی نبیّ ولازمهٔ نبوّت وغیره را که واضحاً شرح داده شده است خواهید فهمید

معرفت و اعتقاد بخدای تعالی است و اعتقاد بخدا
و به وحدت او در صورتی متحقق میشود که
بطور قطع اعتقاد بصفاتش که عین ذات او ست
داشته و او را سراوار پرستش که فریضهٔ
ذمّهٔ هر بنده است دانسته باشیم و اعتقاد
به وجود او باید با اعتقاد به ازلیّت و ابدیّت
و وحدانیّت و شریك نداشتن او توأم باشد
و اعتقاد به صفات او عبارت از این است
که جز او کسی صفاتی مانند صفات او
ندارد [۳۸] . . . . . و اعتقاد او
شایستگی او از برای عبادت باید چنین باشد
که کسیرا جز خدا مستحق عبادت ندانیم
هر کس که چنین عقاید را در بارهٔ خدا دارد
او مسلمان است این سخنانیکه میگویم سخنان
من نیست بلکه کلمات الهی است هرچند بعقیدهٔ
من کسیکه معتقد به یك خدا باشد و بس و اعتقاد
به پیغمبری محمد نداشته باشد پیرو محمد نیست
این مطالب من ترجمه عبارات قرآن است

---

۳۸ نطقهای سر سید احمد خان صفحه

در حکایت نزاع میان یهودیها و مسیحیان میفرماید "بلی کسانیکه خود را بخدا واگذاشتند و نیکوکار شدند پس مزد ایشان پیش خدای ایشان است و نیست ترسی مر ایشانرا و نه ایشان اندوهناك شوند [۳۵] خدای تعالی چیزی از اهل کتاب جز اعتقاد بوحدانیّت او و عبادت او نخواسته است در قرآن مجید میفرماید ای اهل کتاب بیائید بسوی سخنیکه مسلّم میان ما و شما است که نپرستیم جز خدا را و انباز نسازیم چیزیرا با او [۳٦] و در جای دیگر میفرماید ابرهیم یهودی و ترسا نبود بلکه درستکار و مسلمان بود و نبود ار شرك آورندگان [۳۷] از این جهت حقیقت اسلام موافق مضامین قرآن

---

۳۵ سورهٔ دویم و آیه ۱۱۲ :— بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون

۳٦ قرآن مجید سورهٔ سویم و آیه ٦۳ :— قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئاً

۳۷ قرآن سوره سویم و آیهٔ شصت و ششم .— ما کان ابراهیم یهودیاً ولا نصرانیاً ولکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین ۸۸ - ۲۸۹

مفهوم شمرده میشوند هرکس از آفریده پی به آفریننده برده و از هستی یافته هستی بخش را باور نموده است آئین زردشت را آیین آتش پرستی دانستن و از این روی آنرا در شمار آیین های گوناگون بت پرستی عالم شمردن ناشایسته و بیجا و غلط محض و خطای فاحش است [۳۹ - ۴۰] کلمات ذیل را که مربوط باین مطلب است از یکی از تألیفات داکتر جیمز هوب معروف که در موضوع آیین زردشت نوشته شده است در اینجا نقل مینمائیم [۴۱]:

"به هر حال اشتباهکاری بزرگ است که خضوع و خشوع فارسیان را نسبت آتش مقدسشان پرستش بخوانند اگر مقصود این است که آنها آتش را خدا میدانند چنین سخنی غلط و چنین عقیده خلاف واقع است هرچند ممکن است که بعضی از نادانان این ملت تواضع و فروتني و احترام بان را بد تعبیر نموده باشند

۳۹ - ۴۰ «میدیای» راگزین «مقاله های» داکتر هاك واشمار دیني قدیم ایران تألیف مولن
۴۱ «گنجینهٔ مغها» صفحه ۱٤٦

اما در این عصر ما قاطبهٔ مسلمانان معنی کلمهٔ "پیرو محمد" و کلمه "مسلمان" را یك چیز تصور کرده و گمان میکنند که این دو کلمه مترادفند باین لحاظ مناسب است که در این موضوع دامنهٔ سخن را قدری وسیعتر نمائیم بر هر مسلمانی لازم است که بکسیکه فضیلت توحید را باو فهمانیده و یگانگی خدا را و با آموخته و بتوسّط او ذات و صفات خدا را دانسته و شناخته اعتقاد داشته باشد . . . . ."

در هر حال پس از ملاحظهٔ دقیق و مطالعهٔ عمیق برما معلوم میشود که هر دینی همان یك حقیقت بحت بسیط را موضوع تمجید و تقدیس و ستایش و پرستش ساخته فرق و تفاوت فقط در شکل و وضع عبادت و برخی از جهاتی است که با پارهٔ از خصوصیات هر محوطهٔ خالی از مناسبت نبوده است علاوه بر این فرقه های مختلف یك دین هم در چنین شکل و صورت اختلاف داشته و با این حال همگی آنها تا کنون پیروان یك دین خوانده شده و مصداق یك

پارسیان آتش را که درحقیقت احترام است نه پرستش اصلا چیز تازهٔ نیست[۴۲] آتش همیشه درمیان عناصر طبیعی عالم بالا ترین قوه بوده و روشنائی نخستین و بهترین تمام موجودات و عنصر تولید کننده حرارت و منشأ تمام موالید روی زمین است چون زردشتیان آتش را اشرف همهٔ عناصر طبیعی دانسته ز این جهت آن و یا نور را قبلهٔ خود ساخته و بتوسط آن خدای تعالي را بخاطر آورده از معلول بعلّت منتقل میشوند خیالات ایشانرا موافق تعالیم توراة و انجیل و قرآن هم نتوان خطا دانست "نور نخستین آفریده خدا است" (سفر پیدایش باب اول و آیهٔ سویم) منشأ اصیلش" بر هرکس جز خدا پوشیده است (کتاب ایوب باب سی و هشتم و آیه نوزدهم) "خدا نور است" (کتاب اشعیا باب یاردهم و آیهٔ هفدهم و در کتاب میکاه نبیّ باب هفتم و آیهٔ هشتم و

---

۴۲ رجوع کنید بکتاب معرف جیمز گاردنر «عقاید عالم» جلد اول تفصیل را در اینجا خواهید فهمید مطابق کتب مقدّسهٔ یهودیان و مسیحیان آتش فقط عنصری بود که میتوانست آیت الهی خوانده شود

پارسیان تعلیم و تربیت یافته همیشه بر این عقیده اعتراض داشته خود شان را موحد و پرستش کنندهٔ یك خدا خوانده و احترام به فرشتگان را فقط وسیلهٔ تقرب بخدای دانا و توانا میدانند"

من امیدوارم که همکیشان من مرا از جسارتیکه در ذیل مینمایم خواهند بخشید :- ما به رأی العین می بینیم که نظیر این واقعه درمیان ما مسلمانان هم وجود داشته و باین سبب کسانیکه خارج از دائرهٔ اسلامند چنین اسنادی بما هم داده و چون می بینند که حجاج بیت الله در زمان زیارت کعبهٔ مقدسه حجر الاسود " سنگ سیاه " را از روی شوق و شعف بوسیده و قبلهٔ خود ساخته و مواقف آداب مخصوصهٔ زیارت پارهٔ آیات و ادعیهٔ عربی تلاوت نموده ما را هم سنگ پرست گان مینمایند لیکن شبههٔ نیست که ما این سنگ را پرستش ننموده بلکه در موقع زیارت مکه آنرا مقدس شمرده و بان فقط احترام مینمائیم

پارسیان را حال بدین منوال است آنها هم هرگز آتش را پرستش نمینمایند تعظیم و تکریم

حال مناسب است که چیزی از بابت آتش که
پس از آفتاب منبع نور این عالم است ذکر نمائیم
دیرگاهی است که آتش را بنظر اعزاز و احترام
مینگرند در توراه در مواضع بسیار ذکری از آتش شده
(در سفر پیدایش باب پانزدهم وآیه هفدهم و همچنین
در سفر خروج باب سویم و آیه دویم) قربانی برای
خدا را بتوسط آتش امر شده است (توراة سفر
پیدایش باب هشتم و آیه بیستم و در باب بیستم
و آیه ششم) و از برای آن در قانون موسی قواعد
سختی وضع گردیده و این جهت آتش را همیشه
در محراب میسوزانیدند (سفر لاویان باب ششم
و آیه دوازدهم و سیزدهم) آتش در اصل از روی
اعجاز پیدا شده است (سفر لاویان باب نهم و آیه
بیست و چهارم) و همین قسم در معبد سلیمان دو مرتبه
افروخته شده است (کتاب دویم تواریخ ایام
باب هفتم آیهٔ یکم تا سویم) آنرا از برای سوزاندن
بخورات در مواقع بجا آوردن آداب و رسومات بکار
میبردند (سفر لاویان باب شانزدهم آیه دوازدهم
و سیزدهم و سفر خروج باب سی ام آیه هفتم و هشتم)

در کتاب مزامیر باب بیست و هفتم و آیهٔ یکم
و بیست ششم و نهم "خدا نور آسمان و زمین است"
قرآن مجید سورهٔ بیست و چهارم و آیه سی و پنجم
"خدا بآنور خویشتن را مانند ردا پوشانیده است"
(کتاب مرامیر باب یکصد و چهارم و آیهٔ دوم)
نور خدا خشکی و دریای تمام عالم را میپوشاند
(کتاب ایوب باب سی و پنجم و آیه سی ام
و باب سی و هفتم و آیه سویم) مثل نور خدا
مصباحیست که در آن چراغ است (قرآن مجید سوره
بیست و چهارم و آیهٔ سی و پنجم) نور آیت خداست
(کتاب مزامیر باب هیجدهم و ۲۸) "نور خدا
موسی را در وادی مقدسه رهنمائی کرد" (قرآن مجید
سورهٔ بیستم و آیه دهم) نور خدا مردمانیرا که در
تاریکی میرفتند راه نمائی نمود (کتاب اشعیا باب نهم
و آیه دویم) خدا "نور پاینده" است (کتاب اشعیا
باب نهم و آیهٔ نوزدهم و بیستم) "خداوند خدا
آفتاب است" ۴۳

---

۴۳ مزامیر باب هشتاد و چهارم آیه دویم

(کتاب زکریا باب هشتم و آیه نهم) و عذاب بدکاران است [٤٦] (مزامیر داود باب شصت و هشتم و آیه دویم و کتاب اشعیا باب چهل و هفتم و آیه چهاردهم و انجیل متّی باب سیزدهم و آیه چهل و دویم و پنجاهم) خدا در آتش در کوه سینا نزول نموده [٤٧] و دوران مانند دود کوره بالا رفت (سفر خروج باب نوزدهم و آیه هیجدهم و سفر تثنیه باب چهارم و آیه سی‌ششم) خدا بنی اسرائیل را در شب در ستونی از آتش از برای روشنائی بخشیدن بایشان دلالت مینمود (سفر خروج باب هشتم آیه بیست یکم و بیست دویم و باب چهلم آیه سی و هشتم) در زیر جلالش سوختنی مثل سوختن آتش افروخته خواهد شد (کتاب اشعیا باب دهم آیه شانزدهم) و نور اسرائیل نار و قدوس وی شعله خواهد شد (کتاب اشعیا باب دهم آیه هفدهم) خدا جاه و جلالش را در آتش بابراهیم نموده و او از ستم نمرود نجات یافته و آتش ابراهیم را نسوزانده است [٤٨]

---

٤٦ آتش جهنم را در قرآن بخوانید

٤٧ در قران سورهٔ هفتم داستان موسي را به بینند

٤٨ در قران سوره بیست و یکم آیه شصت و نهم

استعمال آتش در روز شنبه از برای کارهاي خانگی موافق قوانین موسی ممنوع بود (سفر خروج باب سی و پنجم آیه سیم) و نشانه خشم خدا از برای گناه است (کتاب اشعیا باب شصت و ششم آیه پانزدهم و شانزدهم و کتاب ارمیا باب چهارم و آیه چهارم و باب بیست و یکم و آیه دوازدهم و کتاب حز قیال باب بیست و یکم و آیه سی و یکم و باب بیست و دویم و آیه بیست و یکم) آتش بعنوان جلال و آیت و حضور حافظ و قدس خدا استعمال شده است (کتاب حز قیل باب اول آیه چهارم و سیزدهم و باب دهم آیه ششم و هفتم و کتاب زکریا باب دویم و پنجم وغیره) و همچنین از هیجان دینی و الهام نبوی کنایه شده است (کتاب ارمیا باب پنجم آیه چهاردهم و باب بیستم و آیه نهم و باب بیست سویم آیه بیست و نهم) در وادی طوی حضرت موسی آتش را دیده و آن باو چنین خطاب نمود [٤٤] بدرستیکه من خدای تو هستم آتش آیت حکم عادلانه خدا [٤٥] و محك کارهای انسان

---

٤٤ قرآن سورهٔ بیستم آیهٔ یازدهم و دوازدهم

٤٥ در قران هم گرماي سخت روز حساب ذکر شده است

از فواید علمیه و صحیه آتش تا درجهٔ زیادی اهمیت روحانی را هم دارا است شبههٔ در این نیست که زردشتیان آتش یا نوررا بحدّ افراط احترام مینمایند بدرجهٔ که ایشانرا امروزه آتش پرست مینامند احتمال کلی این است که پارسیان خود بواسطه احترام بیرون از اندازهٔ بآتش و آداب و رسوم روزانه چنین عاقبت وخیم را از برای خود فراهم نموده اند مستر نریمان میگوید٭:— اعمالیکه ظاهراً مورد اعتراض زردشتیان متجدد است منشأش دین عامیانه ایستکه بیشتر از سخنان اساسي و عالی زردشت اظهار حیات و دوام نموده است قوهٔ موهومات که هیچ قوهٔ تاب مقاومت انرا نداشته و با حفظ نزاکت در تعبیر دین عامیانه نامیده شده است بدرجهٔ رسیده که پارسیان امروزه فدیه و نیازها از برای خدایانی هدیه میکنند که اصلا مقبول و مطلوب زردشت نخواهد بود در ایران هم بت پرستیهای جاهلانه و ناهنجار با قربانیهای حیوانی که در دین بت پرستي رایج است در مرقد شاه بهرام

٭ کتاب «ایران و پارسیان» قسمت اول دیباچه

زردشتیان هم همین عقیده را در باب آتش و نور دارند:— اهورا مزدا در روز نخست عالم بالا را از نور پر نموده (یسنا باب سی و یکم و آیه هفتم) روشنی آیت خدای توانا است (یسنا باب سی ام آیه یکم) نور بی پایان خدا در آسمان است (وندیداد باب دویم و یشت بیستم) از آتش سرخ مزدا جزای الهی از برای انسان در مرحله آخر داده خواهد شد (یسنا باب سی آیه بیست و نهم و باب چهل و هفتم و آیه ششم) آفریننده جهان بدرست کاران سود و به بدکاران بواسطه آتش زیان خواهد رسانید (یسنا باب پنجاه و یکم و آیه نهم) زردشت هنگامیکه فدیهٔ فروتنی از برای آتش آورده اندیشهٔ راستی مینمود (یسنا باب چهل و سویم و آیه نهم) مؤلف عالم کتاب «حکمت الهی زردشتیان» میگوید[49]:— در اینجا عمل این پیغمبر هر زردشتی مؤمنیرا که بسمت آتشکده میرود یاد آور میکند که سبب حقیقی فدیه دادن به آیت زمینی اشا این استکه فضیلت معنوی اشا را بواسطهٔ این عمل در خیال خود بیاورد از این روی می بینم که گذشته

---

٤۹ صفحهٔ سی و پنج و سی و شش

او قایل شده و مقر حقیقی او را عرش او داسته[۵۱] لیکن فرق این است که دست و روی او را مانند دست و روی ما ها نمیدانند»

اهورا مزدای ایرانیان با یهوّهٔ یهودیان و گاد مسیحیان و الله مسلمان که یکتا آفرینندهٔ این جهان و آن جهان و نصیب خیر و شر بسته بفضل و عنایت او است یکی است او است انکه هیچکس را در هیچ وقت نیروی مخالفت با قدرت مطلقه او نیست او است یکتائیکه هیچ کس در سلطنت کامله اش شرکت نداشته است[۵۲]

موافق آئین زردشت تمام مردم به دو قسم یکی

---

۵۱ یکی از مطالب عمده که محل اختلاف میان دو فرقهٔ اوایل اسلام معتزلین و اشعرین بود این است که ایا خدا در روز قیامت بچشم انسان دیده میشود یا نه فرقهٔ آخری معتقد و اولی منکران بود (از برای شرح مختصر عقاید این دو فرقه «تاریخ ادبیات ایران» تالیف پرفسر براون جلد اول صفحه ۲۸۱ - ۲۹۱ را مطالعه نمائید)

۵۲ رجوع کنید به «تاریخ پارسیان» تالیف کاراکا و به «قوانین بردباری زردشت» تالیف کوپر و به «دور ایران قدیم» تالیف پیتا والا و به «حکمت الهی زردشت» تالیف داکتر دالا

(آتش کده ایست) معمول ست که خوشبختانه در این ایام روی بزوال است ٥٠ب

باری چنین معایب در هنگامیکه پارهٔ از عقاید سخیفه و اعمال رکیکهٔ رایج درمیان طبقه بی‌علم و تربیت اهمیت داخلی دین را به تفسیر و معنی خلاف مقصود تبدیل داده درمیان تمام ملل عالم بی استثنا یافت میشود شمش‌العلما شبلی نعمانی فقید که یکی از فضلاء معروف مسلمانان است نظیر این امر را در بارهٔ اهل اسلام بعبارات ذیل ذکر مینماید:- ٥٠ت

« اعتقاد مسلمین درباره آسمان و عرش (خدا) و یا احترام بی اندازه به کعبه خالی از شایبهٔ بت پرستی نیست این عقیده باندازهٔ رسیده که فرقهٔ مخصوصی که خدا را جسم میدانند تولید نموده حتیٰ اخباریین دست و روی از برای

٥٠ب وجه تسمیه اش گویا این است که ان اولین معبد بزرگی بود که بهرام پسر شاپور ساخت روضته الصفای میر خوند جلد دویم قسمت اول صفحه ۳۲۲ ترجمه انگلسی را مطالعه نمائید

٥٠ت کتاب « شعرالعجم » جلد پنجم صفحه ۱۷۹

میدهد (قران مجید سوره چهارم آیه یکصد و بیست)
بدی شیطان بر دروغ گو و گناهکار فرود میآید (قران
مجید سوره بیست و ششم و آیه دویست و بیست
و یکم) شیطان بسبب مخالفت با پیغبران خدا خود را
دشمن بزرگ خدا ساخته است (قران مجید سوره بیست
و آیه چهل و دویم) شیطان همیشه بمومنین اذیت
میرساند (قران مجید سوره چهل و یك و آیه سی وشش)
شیطان در مرحله آخر زندگانی شکست خورده و از کارباز
داشته خواهد شد (سوره چهارم آیه هفتادو ششم)

حال رجوع کنیم بعقایدیکه در اوستا مذکور
است: اهریمن دیو دیوها است (وندیداد باب
نوزدهم آیه یکم و چهل و سویم) او از آفریدگان
بد هست (یسنا باب شصت یکم و آیه دویم و وندیداد
باب نوزدهم و آیه ششم) آئینش و علمش بد است
(یشت باب هفدهم و آیه نوزدهم و وندیداد باب یازدهم
و آیه دهم و باب نوزدهم و آیه یکم و پنجم و نهم و
پانزدهم) و او مرتکب کارهای بد میشود (یشت باب
نوزدهم و آیه نود و هفتم) او بی اندازه شریر است

مزدیسنان یا خداپرستان و دیگری دیو ایسنان یا کسانیکه پرستش دیوها را مینمایند منقسم شده اند[۵۳] هر کس موافق عقیده خود راهی را اختیار نموده است اما کسیکه خدا را قبول نموده باید با شیطان جنگیده و فقط در این صورت به نجات نایل تواند شد

از بدبختی است که بسبب سوء تفاهم و سوء تعبیر عقیدهٔ فارسیانرا بخدا و شیطان و یا بخوبی و بدی انها را در دایرهٔ مشرکین گذاشته اند آئین زردشت را بواسطهٔ ثنوّیتی که بان اسناد داده اند ناحق و ناروا مذّمت نموده اند با اینکه همین اصول ثنوّیت در توراة و قران مجید هم یافت میشود "شیطان" پیشوای کفار و دشمن مومنین است (سوره بیست و سه و آیهٔ نود و هفت) شیطان اغوا میکند و مرد را بسوی بدی میکشاند (قران مجید سوره هفتم آیه ۱۲۰) شیطان فریب

---

۵۳ به «میدیای» راگزین و به «دین قدیم زردشت» تالیف مولتن و به «کتاب ایران» تالیف جانسن رجوع کنید همین عقاید را در قرآن در سورهٔ چهارم و هفتم و بیستم و بیست سویم و بیست و ششم و چهل و یکم و مخصوصاً در سورهٔ شانزدهم آیه سي و ششم و سوره نودم و آیه دهم ملاحظه کنید

" در هر صورت دلیلی اقامه نتوان نمود که هیچ مزدیسنای خوب اهریمن را که دشمن کشندهٔ خود میداند پرستش می نماید" در کتاب معروف " تعلیم زردشت"[۵۵] شخصیت و حقیقت شیطان را و اضحاً بیان نموده میگوید که شیطان کنایه است از نفس امارهٔ انسانی و اصلاً وجود خارجی ندارد میتوان گفت که این سخن کاملاً با عقیدهٔ اسلامی در موضوع ملایکه و شیاطین موافق است[۵۶]

حقیقتاً جای تعجب و تاسف است که مسیحیان با اینکه معتقد به اقانیم ثلاثه اند از اهل کتاب بشمار آمده اما آئین زردشت با اینکه بر روی پایه محکم توحید قرار داده شده دین کفار خوانده شده مورد توجه واقع نشده بلکه قران مجید مسیحیان را باوجود چنین اعتمادی که دارند موافق آیات ذیل

---

۵۵ صفحه ۶۲ ـ ۶٤ چنانکه از قول داکتر د الا نقل شد و حکمت الهی زردشت صفحه ۲٤۰

۵۶ رجوع کنید بکتاب اسلام و دین زردشت تالیف خواجه کمال‌الدین صفحه ۸۸ و همچنین بکتاب « مواعظ اسلام » صفحه ۲۰۸ تالیف ار نالد

(یشت باب بیست و هفتم و آیه یکم و یشت باب دهم و آیه یکصد و هیجدهم) شر شیطان در آخر نیست و او خود بفرمان خدا در آخر هلاك خواهد گردید (یشت باب نوزدهم و آیه نود و ششم و وندیداد باب یازدهم آیه ششم) خدای تعالی پیغامبران مخصوص خود را در زمانهای مختلف هرج در بحبوحهٔ و مرج و انقلاب از برای نجات مردم از چنگالهای اهرمن میفرستد[۵۳ب]

شبههٔ نیست که تعالیم زردشت را تا کنون بسیاری از فضلای ممالك غرب با نظر دقیق و فکر عمیق تنقیح و تحقیق نموده و صریحاً اظهار داشته اند که این پیغمبر عقاید بدع و جدیدی تبلیغ ننموده است خداوند قادر همیشه با قدرت کاملهٔ خود باقی و شیطان یا نفس شریر در عالم آئین زردشت رقیب خدا در خدائي نبوده است[۵۳ت] پروفسر فارنل[۵۴] میگوید

---

۵۳ ب رجوع کنید به دینکرد جلد اول آیه بیست و ششم ترجمهٔ پشوتن سنجانا

۵۳ ت رجوع کنید به تاریخ قدیم کمبریج جلد اول صفحه ۲۰۸

۵۴ رجوع کنید بکتاب «نعوت الهی» صفحه ۱۶۳

باقی مانده اند اعتقاد به تثلیثی که مسیحیان دارند مدت مدیدی قبل از ظهور پیغمبر اسلام در دین ایشان راه یافته بود مؤلف عالم «کتاب اسلام و وحدت الهی» بکمك کتاب معروف مسیحیان مسمّی به "منشأ تثلیث" (که بتوسط کمپانی انتشارات وقایع حیات مسیحیان چاپ لندن ۱۸۸۳ منتشر شده است) تحقیق مشعشعی در این مطلب نموده[۵۶ب] و میگوید که حتی در انجیل (چونکه در توراة جز از وحدت الهي ذکری و از چنین عقیده اثری نیست) تا قرن پنجم مسیحی از تثلیث عنوانی نبوده است[۵۷]

حال به مبحث عمدهٔ خود رجوع نموده میگوئیم که عقیدهٔ به خیر و شر و صواب و خطا و قهر وغلبهٔ خوبی بر بدي در پایان جهان در دل زردشتیانیکه

۵۶ب صفحه ۶۸-۷۶

۵۷ این مطلب را خواجه غلام حسین پرفسر مدرسه‌الواعظین لکهنو در کتاب خود «اسلام و وحدت خدا» که بتازگی انتشار یافته است روشن بیان نموده است مولف عدالت مطلقه خدا را چنانکه در قران مجید در سوره سوم و آیه هفدهم بیان شرح و تفسیر صلحین نموده است

در زمرهٔ اهل کتاب شمرده است :ـ « ای اهل کتاب در دین خود از حد مگذرید و مگوئید دربارهٔ خدا جز سخن راست جز این نیست که عیسیٰ پسر مریم پیغامبرخدا است و کلمهٔ او است که انداخت انرا به مریم و روحی است از جانب او پس بگروید بخدا و به پیغامبرانش و مگوئید که سه خدا هست از این گونه سخن باز مانید که از برای شما خوب است جز این نیست که خدا خدای یگانه است پاکست از اینکه او را فرزندی باشد مر او را است انچه که در آسمانها و انچه که در زمین است و خدا کارساز است و بس » ـ سوره چهارم و آیه یکصد و شصت و ۹م

باید این نکته را دانست که قرآن در هرجا ملتهائیرا که پیرو محمد نیستند باسمیکه موافق دین و اعتقاد مخصوص ایشان است مخاطب نموده مشرکین در هرجا بنام مشرک و اهل کتاب از قبیل یهود و نصاری و مجوس هم مانند پیروان محمد اهل کتاب نام برده شده اند لیکن یهود و نصاری با اینکه از راه راست خود انحراف کلی ورزیده باز باسم اهل کتاب

خدایند[۵۷ب] مانند همهٔ ملتهاي خدا پرست و پیروان کتابهای آسمانی معتقدند یکی از محررین بزرگ المانی دکتر الکسندر کهت در تالیف خود بنام "معرفت ملائکه و شیاطین یهود" (ترجمهٔ ك. آر. کاما) در این مطلب داد سخن داده و شرح مبسوطی ذکر نموده است شبههٔ نیست که مبالغه زردشتیان در اعتقاد بفرشتگان به نهایت درجه افراط رسیده[۵۷ت] و بعضی اوقات رتبهٔ خود اهورامزدا را در عرض رتبهٔ فرشتگانش گذاشته وگاهي آنها را بنام بخشنده بلا واسطه مواهب و عطایا و حیثیات و کیفیات میخوانند با این حال کلمات داکتر مولتن از برای دفاع از این مطلب در ذیل ذکر میشود[۵۸] :ـ

از برای دفاع از این مطلب میتوان وجه دیگری ذکر نمود: نظر باینکه پس از یرش اسکندر بایران

۵۷ب یسنا باب سی‌ام و آیه سهم و باب سی ویکم و آیه چهارم
۵۷ت «تاریخ قدیم کمبریج» جلد چهارم صفحه ۲۱۰–۲۱۱ و «پنج پادشاهي بزرگ» تالیف راولینسن جلد سویم صفحه ۱۲۳–۱۳۰

۵۸ کتاب «گنجینه معنیها» صفحه ۱۰۰

اعتقاد راسخ به عدالت مطلقهٔ خداي دارند ریشهٔ محکم دوانیده بود زیرا که تا خدا را عادل تصور ننموده صفات کالیه را نتوان با و نسبت داده وظفر را در انجام قرین و توأم راستی نتوان دانست این پیغمبر بر امت خود ثابت و مبرهن نموده که عالم بعد دار جلال وأبهت و مقرّ نعمت و راحت و خداوند عالمیان در سرای دیگر قضاوت اعمال بندگان خود را بنفسه نموده نیکو کاران این جهانرا پاداش نیکو داده و بد کارانرا بسزای خویش خواهد رسانید چون این آئین مبین باساد کیش بر اساس متین نهاده شده پس امور زندگاني پیروان آن روی بنظم و ترتیب گذاشته نتیجه کاملي از تبلیغ و رسالت زردشت از برای امتش حاصل شده است

پس از اعتقاد بخدای یکتای بیهمتای ازلي و ابدی آفرینندهٔ همه باشندگان و داور کردار جهانیان زردشتیان بفرشتگان و امشاسپندان و سایر عقول مجرده و نفوس سماویه که از پاکان و اخیار بندگان و ید عامله و قوه مجریه و نگهبان شعب مختلفه مخلوقات

احوال صرف نظر از پارهٔ چیزه
بآتش و برگرداندن روی را بطرف آ
بعض از نمازها که مقصود اصلی این ن
عمدهٔ که زردشت راجع به وحدت آ
برحم او دربارهٔ نیکوکاران و غضب او بر بدکاران
در روز رستاخیز و اهمیت پرهیزگاری و پاکدامنی که
در این دین وضع نموده بود بحالت خود باقی مانده
هیچکس در هیچوقت آنها را تغییر نداده است پرفسر
مولتن میگوید[۶۰] سلسله اوستا از اول تا آخر مشعر
براین است که هرکس که ثوابش در میزان اعمال
سنگین تر از گناهش باشد به بهشت و هرکس که برعکس
گناهش سنگین تر از ثوابش باشد بدوزخ خواهد رفت

وظایف دینی زردشتیان که پیغمبر ایشان
در سه کلمهٔ هومتا و هوختا و هورشتا- پندار نیک
و گفتار نیك و کردار نیك- از برای ایشان فرموده است
از آغاز تا انجام بی تغییر باقی مانده است[۶۱] پرهیزگاری

۶۰ به «گنجینه معنها» صفحه ۱۷۹ رجوع نمائید
۶۱ رجوع نمائید بکتاب داکتر دالا و جکسن و مولتن

و تاراج استخر هرج و مرجی در ایران راه یافته
و ادبیات مقدسه زردشتیان نابود گردیده و بسبب
طول مدت تسلط یونانیان در ایران خود دین
در معرض خطر واقع شده و بسبب فقدان کتابهای
دینی مردم ناچار عقاید و مسایل دینی خود را
از زبان موبدها شنیده و آنچه که آنها در حفظ داشته
بودند اخذ مینمودند[۵۸ب] میتوان گفت که بر فرض
وقوع تغییر و تبدیلی در تعالیم اصلی پیغمبر چنانکه
از مضامین گاتاها در تطبیق با یشتها و کتابهای
اوستای اخیر میتوان فهمید این امور احتمال وقوع را
تقویت مینماید این یشتها و کتاب اخیر اوستا
اصول آداب و اعمال روزانهٔ پارسیان را دارا است
اما بیشتر از اعضای تعلیم و تربیت یافته این ملت
انها را هم بی معنی میدانند[۵۹] لیکن با این

۵۸ب از برای تفصیل بکتاب راولینسن رجوع نمائید « هفتم سلطنت بزرگ » صفحه ۵۵–۵۸ چطور خستاری بعد از زوال دولت پارت در ایران موبدها را از برای تالیف کتابهای مختلف زند اوستا جمع نموده و تمام چیزهائیکه در حفظ علما و فقهای ان عصر بود ثبت دفاتر نمود

۵۹ رجوع کنید بکتاب « گنجینه مفها » تالیف مولتن و « حکمت الهی زردشتیان » تالیف داکتر دالا

منشی و غرور نیاگان خود را از دست نداده و باین سبب دنبال کار و شغل پست نرفته اند عجب در این است که تاکنون هیچ زن فارسی گاهی ناموس خود را نفروخته و شرف خود را بباد نداده است

یکی از مؤلفین عالم دایرة المعارف دین و اخلاق[۶۳] میگوید: پارسیان میتوانند افتخار کنند که تا کنون بسیار کمی از زنان ایشان در جائی درمیان قربانیان فسق و فجور دیده شده اند

درستکاری پارسیان در معامله و سخاوت و مردم دوستی ایشان و خدمت به نوع بشر حقایقی است بدیهی و محتاج بدلیل نیست نمونه های بیشماری از بناهای وقف و مؤسسه های خیریه در هندوستان و در خارج موجود که همهٔ اینها نتایج حمیّت و غیرت دینی انها است پارسیان همیشه پای بند به دین خود بوده و اطاعت احکام پیغمبر خود نموده و عادات سلف و احادیث قدیم خود را تا این زمان نگاه داشته و فرایض دینی خود را با اینکه عالم باندازهٔ ترقی نموده که جامهٔ

---

۶۳ جلد نهم صفحه ٦٤٤

و پاکدامنی و راستی و درستکاری و خیرات در هر
زمانی شیوه و شیمهٔ پارسیان بوده و هست مطابق
انچه که در وندیداد ذکر شده است پاك و منزّه کسی
است که در معاملات و کارهای خود راست کردار
و درست رفتار بوده و زر و سیم خود را در دستگیری
و صدقات صرف نموده و جا و مسکن از برای خود
فراهم ساخته و زن و فرزند و آتش و چهار پایان
آماده نماید پرهیزکاری و فرمانبرداری شوهر بهترین
فضایل زن شمرده شده است برابری و مساوات
درمیان مرد و زن کاملاً رعایت شده است و زردشتیان
بسبب اینکه از روی صدق مطیع احکام هادی دین
مبین خود هستند حتی درچنین حالت ترقی و پیشرفت
عالم از برکت دین خود زندگانی خوشی بسر میبرند
بد رفتاری با زنان و طلاق درمیان این ملت تقریباً
وجود ندارد لارد امپتی حاکم سابق مدراس وقتی چنین
اظهار داشت[۶۲] که تا امروز پارسیان حس بزرگ

---

۶۲ در نطقش در لندن در ماه مارچ ۱۹۰۸ چنانکه
در کتاب مانکجی کوپر در « قوانین ملائمت زردشت »
ذکر شده است

و دراز او به مملکتهای مشرق و مغرب و نقاط بعیدهٔ
شمالي و نجات مردمان بیگناه از چنگال اذیت طوایف
غدار و ظالم است شرح حال او است آورده اند که
از جمله جاهائیرا که او رفته بود نزدیک دریای سیاه
در میان دو کوهی بوده است میگویند که داریوش
سدّی که اشتباهاً سد سکندر نامیده شده نزدیك این
دو کوه او برای حفظ نمودن ساکنین ان از حمله و
اذیت یأجوج و مأجوج دو طایفه ظالمی که درجاهای
مقابل این مملکت سکنی داشته اند بنیاد نموده است
راجع باین امر در توراة در کتاب دانیال در واقعهٔ
خواب دیدن دانیال قوچ دو شاخ[۶۵] و تعبیر ان
قوچ را به پادشاه میدیا و ایران در توراة ذکری
شده است[۶۶] این پادشاه میدیا و ایران همان
داریوش اول است که از سنه ۵۲۱ تا سنه ۴۸۵
پیش از مسیح سلطنت نموده و مطابق انچه که در
دایرة المعارف یهود (جلد چهارم صفحه چهار صد و
چهل و یکم) نوشته شده بسبب تشکیل دولت شاهنشاهی

۶۵ کتاب دانیال باب هشتم و آیه سویم
۶۶ کتاب دانیال باب هشتم و آیه بیست و سویم

روحاني تقريباً به آرايش مادی تبديل يافته هنوز بجاميآورند خواجه كمال الدين ميگويد[٦٤] ملت پارسی هميشه يک طبقهٔ از مردم بنظر من ميآيند كه خيالات خوبی در مدت زندگانی در مدّ نظر دارند همين نكته كه تعاليم عمدهٔ پيغمبر ايشان پس از چندين قرن و پس از اينهمه انقلابات تا كنون در اعتقاد و در عمل محفوظ مانده دليل بر مقاصد عاليه زردشت است

در اينجا مناسب است كه مطلب عجيبی را گوشزد خوانندگان نمائيم داريوش پادشاه بزرگ ايران از برای خدمات شايانيكه بآئين اين پيغمبر بعد از مدت مديدی از رحلتش نموده گوي فخر و مباهات را از همكنان ربوده است اين داريوس يا داريوش اول (كه اسم صحيح اوست) در توراة و قرآن مجيد هم ذكر شده است آيهٔ هشتاد و سه تا نود و هشتم از سورهٔ هيجدهم كه حكايت «دو شاخدار» (ذوالقرنين) و اينكه خداوند «هرگونه وسيلهٔ از برای رسيدن بمقصود از برای او فراهم آورده» و سفرهای دور

---

٦٤ «اسلام و دين زردشت» صفحهٔ يازده

پرست را داده[۷۳] و حقیقتاً یهوّه را میپرستید[۷٤] داکتر هاک میگوید: از این عناوین بزرگی که داریوش بادشاه ایران که اقرار و اذعان به دین مغها دارد بآنها خوانده شده است میتوان استنباط کرد که این دین مانند سایر ادیان قدیم اختلاف کلی با دین موسی نداشته است و اینکه سیروس در هیچ وقت بت پرست نبوده عقیده ایست که مؤیدان قول هرودوتس و کتب مقدّسهٔ خود پارسیان است[۷٥]

حال بقصهٔ داریوش پسر هیستاشپس که در دایرة المعارف بریتانیا[۷٥ب] (جلد ششم و صفحه هشتصد و بیست و پنجم چاپ نهم) تفصیل مطیع گردانش ملتهای وحشی کوه پات و اورمنستان را و وسعت دادنش

---

۷۳ کتاب اشعیا باب چهل و سم و آیه یکم

۷٤ دایرة المعارف توراة جلد اول

۷٥ مقاله ها صفحه ٤ - ٥

۷٥ب بدایرة المعارف بریتانیا جلد ششم و صفحهٔ ۸۲٥ و به دایره المعارف یهود جلد چهارم صفحهٔ ٤۰٤ و صفحهٔ ٤٤۱ رجوع نمائید

ایران و وسعت دادن دامنه این مملکت و تصرف ارمنستان و قفقازیه و آسیای مرکزی معروف است و کسی جز او نتوان بود[۶۶ب] این داریوش بواسطهٔ جود و سخاوتش دربارهٔ یهود[۶۷] در کتاب عهد عتیق تعریف و توصیف شده است این داریوش کسی است که در اثر اقتداء و پیروی بجدش معبد یهود را از کیسهٔ فتوت خود ساخته[۶۸] و جدش کورش یا کورس بزرگ (۵۲۹ — ۵٤۹ پیش از مسیح) کسی است که لطف و عنایت خود را دربارهٔ هم یهودیان دریغ ننموده[۶۹] و شبان خدا[۷۰] و مسیح خدا[۷۱] و نجات دهنده بني اسرئیل[۷۲] نامیده شده و کسی است که خدا باو قدرت مغلوب کردن امتهای بت

۶۶ب زنفن « سیر پیدیا »

۶۷ کتاب عزرا باب چهارم آیه پنجم و باب پنجم آیه پنجم و ششم و کتاب زکریا باب اول

۶۸ دایرة المعارف یهود جلد چهارم صفحه چهار صد و چهل یك

۶۹ کتاب قاموس توراة جلد اول صفحه ۵٤۱ - ۵٤۲

۸۰ کتاب اشعیا باب پنجاه و چهارم صفحه ۲۸

۷۱ کتاب اشعیا باب چهل و پنجم آیه یکم

۷۲ دایرة المعارف توراة جلد اول

پیغمبر سوال کردند که ذوالقرنین کیست فرمود که کسی بود که مورد عنایت خداوند بوده و اسمش عیاش بود[۷۷ت] و درجای دیگر (در صفحه ۱۰۲ این کتاب) این فقیه عالم از امام جعفر صادق نقل میکند که ان حضرت فرمود که "خداوند ذوالقرنین را از برای ملتش فرستاده .... وبا و سلطنت تمام عالم ار مشرق تا مغرب عطا فرموده و چون به یأجوج و ماجوج نزدیك شده سدّی میان انها و مردم بنا نمود" از برای اینکه از حقیقت یاجوج و ماجوج و دریای سیاه و سدّی که در قران ذکر شده مطلع شویم بهتر این است که دامنهٔ سخن را وسیع تر نمائیم در توراة[۷۸] مذکور است که یاجوج و ماجوج دوطایفه وحشی بودند که در مملکتهای منتهای شمال و شمال شرقی میماندند دایرة المعارف یهود (جلد ششم صفحه نوزدهم)

۷۷ت شباهت میان "داریوش" و "عیاش" بسهولت معلوم میشود

۷۸ رجوع کنید بکتاب حزقیل نبی باب سی و هشتم و آیه دوم و سویم و شانزدهم و هیجدهم و بمکاشفه یوحنا باب بیستم و آیه هشتم و بسفر پیدایش باب دهم و آیه دوم و بکتاب تواریخ ایام باب اول و ایه پنجم

مملکت ایران را تا قفقازیه ذکر شده است برگردیم چنانچه در تواریخ معتبره نوشته شده است داریوش بواسطهٔ تقویت دین زردشت و اطاعت خدای اسرائیل مشهور است[٧٦] و از این جهت میتوانیم بنا به قول مولوی محمد علي مترجم و مفسر مشهور قرآن مجید[٧٧] بدون تردید بگوئیم که « از چیزهائیکه درباره داریوش راجع به ایمان خالص او به دین حق زردشت و تسخیر طوایف وحشی سرحدات را و بدست آوردن سرحدات مستحکم طبیعی از براي مملکت و جنگ باساگا میگویند واضح میشود که او همان ذوالقرنینی است که در قرآن مذکور است »

ملاّ محمد باقر مجلسی یکی از فقهای بزرگ شیعه در حیوة القلوب در سوانح عمری پیغمبران و پاتریارکها[٧٧ب] مینویسد که از حضرت علي خلیفهٔ

---

٧٦ به دایره المعارف کتاب مقدس جلد اول رجوع کنید

٧٧ در قرآن مجید سورهٔ هیجدهم و آیه یازدهم به پاورقي رجوع نمائید

٧٧ب به جلد اول خطی و صفحه اول از ورق ٩٧ که در کتابخانهٔ بانکیپور است رجوع نمائید

پیغمبر سوال کردند که ذوالقرنین کیست فرمود که کسی بود که مورد عنایت خداوند بوده و اسمش عیاش بود[۷۷ت] و درجای دیگر (در صفحه ۱۰۲ این کتاب) این فقیه عالم از امام جعفر صادق نقل میکنند که ان حضرت فرمود که "خداوند ذوالقرنین را از برای ملتش فرستاده . . . . . وبا و سلطنت تمام عالم ار مشرق تا مغرب عطا فرموده و چون به یأجوج و ماجوج نزدیك شده سدّی میان انها و مردم بنا نمود" ار برای اینکه از حقیقت یاجوج و ماجوج و دریای سیاه و سدّی که درقران ذکر شده مطلع شویم بهتر این است که دامنهٔ سخن را وسیع تر نمائیم در توراة[۷۸] مذکور است که یاجوج و ماجوج دوطایفه وحشی بودند که در مملکتهای منتهای شمال و شمال شرقی میماندند دایرة المعارف یهود (جلد ششم صفحه نوردهم)

۷۷ت شباهت میان "داریوش" و "عیاش" بسهولت معلوم میشود

۷۸ رجوع کنید بکتاب حزقیل نبی باب سی و هشتم و آیه دوم و سویم و شانزدهم و هیجدهم و بمکاشفه یوحنا باب بیستم و آیه هشتم و سفر پیدایش باب دهم و آیه دوم و بکتاب تواریخ ایام باب اول و ایه پنجم

موحّد را مساعدت میکرد[۸۳]

اگر ما فقط احکامیرا که خدا در قرآن فرموده پیروی و موافق کتاب الهی رفتار نمائیم فوراً اعتراف خواهیم نمود که تخطئهٔ و تنفید ما تعالیم پیغمبر ایران را که در هر مرحله بیشك دین یگانه پرستی و اخلاقی و پرهیزگاری است بیجا و بی مأخذ است خداوند مهربان میفرماید[۸٤] در دین جبری نیست هر آینه راه راستی از راه گمراهی آشکار است پس کسیکه منکر بت شود و ایمان بخدا آورد هرآینه بدست آویز محکمی که نمیگسلد چنگ زده است و خدا شنوای دانا است هویدا و آشکار است که این آئین ان قدر تاکید و اصرار در انکار شیطان و اقرار بخدا نموده که باسم ثنویة یا اصول دوگانهٔ که بان نسبت داده اند معروف شده است داکترهاگ میگوید[۸۵] "آئین

---

۸۳ به کتاب فوق رجوع کنید و همچنین به دایرہ‌المعارف یهود جلد چهارم و به دایرة‌المعارف کتاب مقدس جلد اول و کتاب لغت کتاب مقدس جلد اول صفحه ۵۵۸ رجوع نمائید

۸٤ بقرآن مجید سورهٔ دوبم و آیهٔ ۲۵٦ رجوع نمائید

۸۵ رجوع کنید به مقاله ها صفحهٔ پنجم

زردشت حتی به بسیاری از عقاید مهمه دین موسی و دین عیسی مانند ذات و صفات شیطان و بعثت اموات که هم در اصل دین مغها بوده و هم درکتابهای موجوده فارسیان مذکور است شباهت تامی را دارا بلکه عین انها است" همین قسم تعالیم دین زردشت شباهت تامی باصول عقاید اسلام دارد درمرحلهٔ عمل هم پارسیان همیشه متمسك به تعالیم اخلاقي پیغمبر شان شده که دلیل بران تقوی و دیانت و انسانیت است که در مدت زندگانی از ایشان دیده شده و یقیناً سبب نجات ایشان خواهد شد زیرا که هر آینه خدا کسانیرا که ایمان باو دارند و کار نیك میکنند به باغهائی خواهد برد که از زیر انها رود خانه ها روان است [۸۶]
اعتقاد فارسیان بخدای آفریننده چنانکه سابقاً ذکر شده با اعتقاد ما و با ساير اديان الهي عالم فرقی ندارد اعتقاد پارسیان بروز قیامت یعني حیات بعد از ممات و داوری خدا در اعمال خوب و بد انسان درآخرت و مجازات و مکافات خوب و بد بکلی مطابق اعتقاد

---

۸۶ بقرآن مجید سوره بیست و دو و آیهٔ بیست و سه و همچنین بسورهٔ نوزده و آیهٔ شصتم رجوع نمائید

موحّد را مساعدت میکرد[۸۳]

اگر ما فقط احکامیرا که خدا در قرآن فرموده پیروی و موافق کتاب الهی رفتار نمائیم فوراً اعتراف خواهیم نمود که تخطئهٔ و تنقید ما تعالیم پیغمبر ایران را که در هر مرحله بیشك دین یگانه پرستی و اخلاقی و پرهیزگاری است بیجا و بی مأخذ است خداوند مهربان میفرماید[۸٤] در دین جبری نیست هر آینه راه راستی از راه گمراهی آشکار است پس کسیکه منکر بت شود و ایمان بخدا آورد هرآینه بدستآویز محکمی که نمیگسلد چنگ زده است و خدا شنوای دانا است هویدا و آشکار است که این آئین ان قدر تاکید و اصرار در انکار شیطان و اقرار بخدا نموده که باسم ثنویهٔ یا اصول دوگانهٔ که بان نسبت داده اند معروف شده است داکترهاگ میگوید[۸۵] "آئین

---

۸۳ به کتاب ووق رجوع کنید و همچنین به دایرهالمعارف یهود جلد چهارم و به دایرةالمعارف کتاب مقدس جلد اول و کتاب لغت کتاب مقدس جلد اول صفحه ۸ ۵ ۵ رجوع نمائید

۸٤ بقرآن مجید سورهٔ دویم و آیهٔ ۲۵٦ رجوع نمائید

۸۵ رجوع کنید به مقاله ها صفحهٔ پنجم

و اضلال شیطان پیغمبری میفرستد[۸۷] همین مطلب در قرآن مجید هم مذکور است [۸۸] آخرین پیغمبر مخصوصیکه خدا از برای نجات نوع بشر از شر شیطان میفرستد و پس از ظهور او قیامت قیام مینماید سوشیانس خواهد بود[۸۹] این عقیده با عقیدهٔ مسلمانان در ظهور مهدی موعود موافق است

درگاتا ها از دو عالم یکی این جهان فانی که فعلاً دران میمانیم و دیگری عالم بعد از مرگ موافق تفصیل ذیل خبر میدهد:— [۹۰] "مجازات درمقابل حسنات و مکافات از برای سیئات اعمال داده خواهد شد[۹۱] روح هر نیکوکار و بدکاری را پس مرگ دو ملك نویسندهٔ اعمالش بجای مخصوص خود میبرند" این عقیده

۸۷ رجوع کنید به دینکرد جلد اول صفحه ۲۹ ترجمهٔ پشوتن سنجانا

۸۸ سورهٔ شانزدهم و آیه سي و ششم

۸۹ رجوع به دینکرد جلد چهارم و صفحهٔ ۲٤۷ و جلد ششم صفحه ۳۷۹ و باقوال رورند هنربل سید امیر علی در کتاب «روح اسلام» صفحه ۲۳۰ که نظیر این است تطبیق نمائید

۹۰ یسنا ۲،۲۸ و ۳،٤۳

مسلمین و نصاری[۱] و یهودیان است

بی مناسبت نیست که در اینجا قدری در خصوص زندگی بعد از مرگ که در ادبیات مقدسه زردشتیان یافت میشود گفتگو نمائیم ریت انربل سید امیر علی (کتاب «روح اسلام» صفحه ۲۲۹ تا صفحهٔ ۲۳۶) از روی استناد به اقوال علمای مشهور شرق و غرب مدلّل ساخته که عقیدهٔ بمعاد و عالم بعد که در دین یهود موجود است مأخذ و منشأش دین زردشت است و شمس العلماء ج. ج. مدی[۸۶ب] تألیفات بسیاری از مؤلفین غرب را مستند خود ساخته میگوید که عقیده به ملایکه و شیاطین که در ادبیات دینی یهود و نصارا یافت میشود اساس و مأخذش همانست که در کتابهاي اوستای اوایل و اواخر بیان شده است در هر صورت زردشتیان معتقدند باینکه اهورا مزدا در هر عصر و زمانیکه فساد اخلاق و هرج و مرج درمیان مردم پیدا میشود از برای هدایت و دلالت و برگشتن براه راست و نجات از اغوا

۸۶ب رجوع کنید به مقالهٔ معرفة الانسان صفحهٔ ۱۷۳ - ۱۹۰

و جهنم‌ی جای عذاب ابدی و مقر بدکاران است[۹۷]

شخص بی اعتقاد اگر اعمال حسنه اش از اعمال سیئه اش چندین برابر بیشتر باشد نجات خواهد یافت»[۹۸] احادیث مسلمیان هم در نجات حاتم که یکنفر مرد سخی از قبیله طیّ بود چنین است" و اشخاصیکه خوبی و بدی ایشان برابر است درجائی میروند که میان بهشت و دوزخ واقع است»[۹۹] عقیده مسلمین در اعراف هم همین است

بالأخره عذابی که از برای اشرار معین شده است بعقیدهٔ عموم ابدی نیست و هر کس پس از آنکه بجزای اعمال خود رسیده و مدتیکه از برای عذابش معین شده منقضی گردید مستخلص خواهد بود[۱۰۰] مسلمین را هم همین عقیده است و از برای کسب اطلاع

---

۹۷ یسنا ۴،۳۰ و ۱۱،٤٦ و ۱۱،٤۹ و ۱٤،٥۱ و بند هش ٤۷،۲۸ و دادستان دانك ۲۷،۲-۵ و ارداي ویراف ۱،٥٤

۹۸ به شایست-لا-شایست ٦،٦

۹۹ یسنا ٤،٤۸

۱۰۰ دادیستان دانك ٤۱،۸ و ۳۰،۵-۱٦-۱ و دینکارد جلد ۷ و صفحه ٤٥۸

ایست که اقوال مسلمین را راجع به دو ملکی که کرام الکاتبین نامیده شده اند خوب روشن مینماید[۹۲]

"هر روحی بعد از محاسبهٔ خوب و بد اعمال از پل چینوداد[۹۳] عبور نموده نصیب و قسمتش درانجا معلوم خواهد شد" این عقیده مخصوص مطابق همان عقیدهٔ مسلمین به پل صراط است "ثواب کاران را زردشت درعبور کردن از پل کمك نموده[۹۴] بآسانی از پل خواهند گذشت و از برای گناه‌کار این پل مانند شمشیر برّان خواهد بود[۹۵]

بهشت جای سعادت کامله و آرامگاه پرهیزگاران[۹۶]

---

۹۱ یسنا ۳۰٬۱۰-۱۱ و ۳۱٬۲۰-۴۴٬۲۰ و ۴۵٬۷ و ۵۱٬۶-۹-۷ و مینوخرد ۲۱٬۱۰

۹۲ قرآن مجید سوره ۸۲٬۱۰-۱۲

۹۳ یسنا ۳۱٬۱۴ و بندهش ۱۲٬۷

۹۴ یسنا ۴۶٬۱۰

۹۵ یسنا ۵۱٬۱۳ و دادستان دانك ۲۱٬۳-۵ و مینو خرد ۲٬۱۲۳ و اردای ویراف ۵٬۱ در این موضوع تفصیلاتیکه امیرعلی درکتاب روح اسلام صفحهٔ ۲۳۰ تا ۲۳۱ نوشته است مطالعه نمائید

۹۶ یسنا ۱۱٬۱۰ و ۳۲٬۱۵ و ویسپاراد ۷٬۱ و یشت ۲ ۱٬۳۹ و دادستان دانك ۲۶٬۲ و اردا ویراف ۱۵٬۲۱ و مینو خرد ۷٬۱۵

در باب سابق راجع بحادثه بزرگ طوفان نوح ذکر نمودیم که این واقعه در اوستا هم نوشته شده و اینکه مطابق تقریر اوستا این حادثه در عهد سلطنت جمشید معروف واقع شده است این پادشاه را هم بسیاری همان سلیمان پیغمبر دانسته و سببش را چنین ذکر نموده اند که جمشید هم مانند سلیمان جنها را تسخیر کرده و انها را بساختن قصرها و باغهای بزرگ بکار گرفته و از برای ساختن کاخ و پای تخت خود استخر یا تخت جمشید از انها استمداد جسته است[۱]ت اما طبری سلیمان را معاصر کیقباد سلسلهٔ ساسانیان دانسته و میگوید که این دو پادشاه با یکدیگر انس و الفت تمام داشته اند و سلیمان پیغمبر کیقباد و کیکاوس جانشین او را در قلع و قمع افراسیاب کمك نموده است[۲] خود زردشت غالباً با بعضی پیغمبران دیگر اشتباه شده بعضی او و ابراهیم را یك شخص

۱ت به تاریخ ادبیات ایران تالیف برون جلد اول و بکتاب المعارف این کتیبه صفحه ۳۲۰ رجوع نمائید
۲ جلد دویم صفحهٔ ۱۸۹ (ترجمه فارسی)

بکتابیکه خواجه کمال الدین بتازکی انتشار داده رجوع نمائید (اسلام و دین زردشت صفحهٔ ۹۸)

مناسب است که در اینجا چند سطر دیگر در تفصیل این مطلب بنویسیم داستان خلقت آبا و اجداد و نسل و ذریه انسان وغیره در قصص زردشت از هر جهت مطابق است با انچه که در اخبار و روایات یهود و اسلام وارد است کیومرس پادشاه یا کیومرث از نژاد پادشاهان پیشدادی ایران مطابق انچه که در اوستا مذکور است اولین مخلوق از نوع بشر است[۱] بعضی دیگر بر آنند که کیومرس برادر شیث پیغمبر یکی از جانشینان بلا فصل آدم بوده است در هرصورت ما همان حکایت وسوسه کردن اهریمن (شیطان) جدّ ما را به خوردن میوه از درخت نهی شده که در روایات خود داریم در روایات زردشتیان هم مذکور است[۱ب]

---

۱ .معجم البلدان تالیف یاقوت جلد اول صفحه ۲۹۷ رجوع کنید

۱ب رجوع کنید به تاریخ ملل قدیمه تالیف البیرونی صفحه ۱۰۸ و ۱۱۵ و ۱۱٦ و به مروج الذهب مسعودی صفحه ۱۰۵ و ۱۰٦

و ایرانیها منشعب گردیده است کوشش بلیغ نموده
و در اثبات این مدعا کامیاب هم شده است[۳ب]

داکتر محمد اقبال یکنفر از مسلمانان عالم فاضل عصر جاری در ابتدای کتاب معروف خود "ترقی الهیات در ایران" در ضمن چند سطر مطلب شیرین ذیل را که مناسب این مقام است مینویسد:— همیشه در تاریخ روحانی اریائیهای ایرانی که پس از خستگی از آوارگی دائمی زندگانی چادر نشینی را در وقتیکه هنوز سرودهای ودا در جلگه های آسیای مرکزی ساخته میشد به کشتکاری تبدیل نمودند باید اولین مقام را به لبیب عهد قدیم ایران تفویض نمود . . . . حقیقتاً این اول مرحله زندگانی جداگانهٔ طویلی بود که شعبه ایرانی را از طایفه آریائی جدا نموده و در آخر بصورت دین زردشت پیغمبر بزرگ ایران که در عصر سلن و تالس در آن دشت مروج آیین خود بود جلوه نموده است

افسوس که تاریخ معینی از برای حیات این پیغمبر

۳ب بکتاب تاریخ ادبیات ایران جلد اول و صفحه سی و چهار et seq. از برای اطلاع بتفاصیل رجوع نمائید

میدانند[۲ب] اگرچه یقیناً نتوان دانست که زردشت همان ابراهیم است ولی این قدر محقق است که زردشت را بعنوان پیغمبر خدا میشناسند یکی از محررین و فیلسوف بزرگ مسلمین شیخ‌الاشراق (۵۵۰ هجری) در کتاب مشهور خود «حکمت الاشراق» زرتشت را در شمار پیغمبر خدا میگذ ارد[۲ت] زردشت است که باتفاق آراء یکتا حامی و مروج خدا پرستی روزگار باستان بوده و با پرستش طبیعت که درمیان طایفه آریای قدیم رواج داشت ضدیت تمام داشته است[۳] پروفسر مکسمولر در اثبات اینکه ظهور مصلح بزرگ (زردشت) و تعلیم او یگانگی خدا را سبب شده است که طایفه آریای قدیم بدو شعبهٔ هندی اریائیها

۲ب بروضة الصفاي میر خوند جلد اول جزو اول صفحه هفتاد و پنج و به شهرستانی صفحه ۱۷-۱۰۰ (Ed. Cureton) رجوع نمائید

۲ت رجوع کنید به «الحکم» جلد اول صفحه ۱۴۹

۳ در این باب رجوع کنید به تحقیقات دلچسپ سید امیرعلی در کتاب روح اسلام (دیباچه) و به کتاب راولینسن «پنج دولت بزرگ» صفحه نود و چهار تا نود و پنج از جلد سویم رجوع نمائید

را از قلم انداخته اند چنین ذکر نمود:ـ خانداندیکه گشتاسب یا کاوی ویستاسپا حامی زردشت یکی از اعضاء ان بود حقیقتاً در تمام ایران سلطنت نداشته بلکه فقط اطراف شمال شرقی این مملکت که باختریا پای تخت ان بود در منقطهٔ نفوذ او واقع بوده است چون ایرانیانیکه در تحت فرمان سیروس یا کوروش هخامنشی بودند پس از درهم شکستن قوهٔ[٤ت] مادها غلبه و تفوق یافتند از سلسله جدید هخامنشیان که از نژاد پاك ایرانی بودند سلطنتی از خود در سر تا سر ایران تشکیل دادند هخامنشیان زردشتیان متدین بوده [٥] و آئین زردشت را آئین ملّی خود قرار داده و از این جهت در ترتیب سلسلهٔ سلاطین ایران پس از پیشدادیان که سلسلهٔ اول بودند هخامنشیان سلسلهٔ دویم بشمار میآیند این مطلب هم سبب شده است که

٤ت بکتاب فوق صفحه ۲۳۰—۲۳۲ و بکتاب «تاریخ ایران» جلد اول و باب سیزدهم تالیف سیکس رجوع نمائید

٥ بکتاب «پنج دولت بزرک» تالیف راولینسن جلد سویم صفحه ۲۲۵ سیروس از استیاجس پادشاه میدیا فقط بسبب این باغی شده که دین رسمی این مملکت در تحت نفوذ علماء عمدهٔ مغها فاسد و پرستش اهورا مزدا بینهایت مخالف فطرت و ذوق سلیم و مورد نفرت واقع شده بود

بر که سبب تشخیص او از دیگران باشد هیچکس
از علماء شرق یا غرب ذکر ننموده است بعقیدهٔ من
این شك و تردید بسبب اشتباهي است در تاریخ
اوایل ایران راه یافته است محققین غرب در پیروی
مورخین یونانی و بابلی دو خاندان سلطنتي کیانیان
و هخامنشیانرا درهم آمیخته و یکی دانسته و مورخین
عرب هم پیروی مؤلفین یونانیانرا نموده اند اما بر
عکس روایات ایرانیان انها رادو سلسلهٔ جداگانه میشمارد[٤]

سلسلهٔ هخامنشیان از سلطنت سیروس که در
۵۴۹ پیش از مسیح تمام مملکت ماد و ایران و بابل
را فتح نمود آغاز شده و به ۳۳۰ پیش از مسیح
انجام می پذیرد ظهور زردشت قبل از این سلسله
درعهد سلطنت گشتاسپ از سلسلهٔ کیانیان درهنگامیکه
تمام ایران در تصرف مادها بود بوقوع پیوست[٤ب]

حال میتوان سبب اینکه یکی از دو سلسلهٔ فوق

---

٤ بکتاب تربیت زردشتیان تالیف داکتر دالا و بکتاب « نور ایران قدیم ایران » تالیف پیبا والا و بکتاب « مطالعه تاریخ قدیم ایران » تالیف کرشاسپ رجوع نمائید

٤ب « بکتاب پنج دولت بزرك » جلد سویم صفحه ۲۲۴-۲۲۵

حمزهٔ اصفهاني هم در تاریخ معروفش (باب اول صفحه ۶۱۰) راجع به این اشتباه بزرگ در تاریخ قدیم ایران تنقیدات دقیقه و تحقیقات عمیقه نموده است

مناسب است که عقیدهٔ فاضل بزرگ عصر جاری داکتر ا. بی. کیث را که سخنش راجع به تاریخ و تربیت آریائیها و ایرانیهای قدیم سندیت دارد در این مقام نقل نمایم داکتر کیث یکی از ان محققینی است که مانند هاگ و وست و سایرین معتقد است بر این که زردشت از یك زمان بسیار قدیم است این داکتر عالم برسبیل تنقید بر کتاب پرفسر جانس‌ون هرتل که بتازگي انتشار یافته[۵ب] مفصلاً در مجلّه ایندین هستریکل کوارترلی مارچ ۱۹۲۵ میگوید « تصور اینکه زردشت در عهد سلطنت داریوش هخامنشی پسر هیستاسپس ظهور نموده اشتباهي است که ناشی از این شده است که ویستاسپا یا گشتاسپ را که حامي زردشت بود هیستاسپس پدر داریوش دانسته

---

۵ ب رجوع کنید بکتاب دی زنت زر آستر (۱۹۲٤) در انجائیکه مولف در اثبات حیات پیغمبر درحدود پانصدو پنجاه پیش از مسیح کوشش مینماید

بیشتر از محققین غرب گشتاسپ را که از سلسلهٔ کیان است همان داریوش هیستاسپس هخامنشی که حامی زردشت خوانده شده است میدانند تمام این اشتباهات عموماً بواسطهٔ این است که در تاریخ پادشاهانیکه پیش از سیروش هخامنشی در ایران سلطنت داشتند اشتباه شده است البیرونی در "تاریخ ملل قدیمه" خود (صفحهٔ ۱۱٤ ترجمهٔ ساشو) به طریق ذیل نظریات صحیحی ذکر نموده است

در کتابهای سیر و تواریخ که از کتابهای مؤلفین غرب ترجمه شده شرحی راجع به پادشاهان ایران و بابل که از داریوش شروع . . . . . و به دارا آخرین پادشاهان ایران ختم میشود نوشته شده است لیکن چیزهائیکه در کتب انها ثبت شده با انچه که شرقیین در شمارهٔ پادشاهان و اسامي و مدت سلطنت و تاریخ و تفاصیل حالات انها نوشته اند اختلاف کلی دارد عقیدهٔ من در این خصوص این است که انها پادشاهان ایران را باحکام بابل درهم آمیخته و در ردیف همدیگر گذاشته اند

باب ششم

اسلام و زردشتیان

گذشته از احکام مقدسهٔ کتاب دینی ما قرآن مجید که از انها میتوان خدا پرست را از کافر و موحد را از مشرك به آسانی تمیز داد اگر به احادیثی که از پیغمبر اکرم محمدؐ و از اصحاب و جانشینان او نقل شده نظری بیاندازیم یا کتابهای تاریخی نویسندگان مشهور اوایل عالم اسلامیت را مطالعه نمائیم فوراً پی به کنه حقیقت برده و این نکته را خواهیم دریافت که در اوایل اسلام با زردشتیها یا کسانیکه آتش پرست خوانده شده اند مانند یهود و نصاری[1] به عنوان اهل کتاب سلوك مینمودند

شرح مبسوطی از آئین زردشتیان در تألیف علامهٔ شهرستانی معروف به « کتاب الملل » ذکر گردیده و چون مؤلف آن زردشتیانرا اهل کتاب

اند لیکن ویستاسپا مطابق سنّت ایرانیان حقیقتاً از خاندان کیانیان که مؤسس ان کاواتا است بوده و پیش از سلسله هخامنشیان سلطنت نموده اند °ت

این داکتر عالم با قوال بسیاری از نویسندگان معروف یونانی مانند اریستوتل و هرمودو روس و دیگران که تاریخ حیات این پیغمبر را بسیار قدیم دانسته اندهم رجوع نموده است بعلاوه گفته شد که داریوش خود در کتیبه مشهورخود در کوه بیستون و نقش رستم چیزی از بابت احداث آئین تازۀ ننوشته است بلکه برعکس معلوم شده است که دین زردشت مدّتي پیش از داریوش بزرگ دین رسمی مملکت بوده است

درهرصورت گفتگو راجع بمطالب فوق بطول انجامیده وچون این کتاب گنجایش بیش از این را ندارد ناچار بذکر مطلبی که مهم تر ونافع تراست در باب بعد مفصلاً میپردازیم

°ت تاریخ ایران جلداول صفحه ۱٤٤-۱٤۹ تالیف سیکس هم رجوع نمائید این مولف عالم در اشتباه دیگر مورخین که سیروس بزرك را همان کیخسرو از سلسلۀ کیان که پیش اهک گشتاسپ یا ویستاسپا حامی زردشت میدانید تحقیق عمیق نموده است

(که به او ایمان آورده) ظهور نمود زردشت بر آن
است که روشنی و تاریکی ضدّ یکدیگر و اصل تمام
موجودات عالم و از ترکیب این دو اصل که دارای
طبیعت متضادّه اند حوادث گوناگون بوجود آمده است
خداوند بزرگ آفریننده و مظهر نور و ظلمت است
او است یکتا و بیهمتا و انباز و دمسازي ندارد
از ترکیب نور و ظلمت خوبی و بدی و آسایش
و آشوب و پاکی و نا پاکی پیدا گردید عالم بدون این
ترکیب پیدایش نمی یافت درمیان نور و ظلمت
ضدّیت و مخالفت است گاهی نور غالب و گاهي غلبه
با ظلمت است

زردشت صاحب کتابیست که انرا زند اوستا
مینامند پیروانش معتقدند که این کتاب وحی
آسمانیست که بر او نازل شده و دران کارهای عالم
به دو قسمت منقسم گردیده یکی سرنوشت و تقدیر
ازلي دیگری عمل و تدبیر انسانی است که هر دو
باهم مربوطند

برخی از عقایدش این است که عمل انسان

میدانست از این جهت شرح حالات ایشانرا با تفصیل احوال یهودیان و عیسویان در یك مبحث نوشته است

این مؤلف در ضمن تفصیل جامعی در خصوص این دین که پیغمبر ایران زردشت انرا انتشار داده چنین مینویسد[٦] :ـ تعالیم زردشت مشتمل بر بندگی خدا و پیروی ننمودن از شیطان و امر بمعروف و نهی از منکر است

مناسب است که نظریات یکنفر مسلمان عالم جناب مولانا عبدالحق حقانی را که از متکلمین است راجع به آئین زردشتیان در ذیل ذکر نمائیم[۷] :—

زردشتیان معتقدند بزردشت پسر پراسپ که در عهد گشتاسپ پسر لهراسپ پادشاه ایران

---

٦ بکتاب توضیح الملل صفحهٔ ۲۰۳ ترجمه فارسي کتاب اصلی کتاب الملل نسخه خطی کتابخانه امپیریل لیبرري کلکته رجوع نمائید و همچنین به مسعودي و بکتاب التنبیه والا شراف (Ed. de Soeje) صفحه ۹۳ رجوع نمائید

۷ بکتاب "البیان" صفحه ۳۵۱ ترجمه انگلیسی ام. اس. صدیقی در دگان تکرو اسپینك کلکته چاپ ۱۹۱۰) و همچنین بکتاب الملل والنحل شهرستانی (E Curlean) صفحه ۱۸۵ – ۱۹۲ مطابقه نمائید

که انها هم نتیجهٔ زحمات گرانبهای فضلای اروپا میباشد با این حال تصانیف بعضی از مسلمین اوایل اسلام که در تاریخ و تمدن اسلامی قولشان معتبر است در امتحان صفات باطنی پیروان زردشت و اکثر تعالیم اخلاقی این پیغمبر عجالتاً از برای ما خالي از فایده نخواهد بود

شرح جامعی از سوانح عمری بعضی از رؤسای زردشتی مخصوصاً رؤسای قرون وسطیٰ و خیالات دینی و اطوار و عادات انها در کتاب فارسی معروف به دبستان المذاهب تألیف ملا محسن فانی[۹] که تا اندازهٔ علم و تقویٰ و دینداری این ملت را واضح میسازد نوشته شده است این مؤلف سوانح عمری آذر کیوان یکی از رؤسای روحانی معروف (۹٤۲ ـ ۱۰۲۷ هجری) را که بسبب کثرت علم و تحصیلات زیاد به ذوالفنون ملقب شده بود مفصلاً مینویسد

---

۹ این کتابرا شیوترای بانگلیسي ترجمه نموده است و من متن فارسی آنرا ملاحظه نموده ام

سبب تمام زحمتهای او است و آن عبارت از اعتقاد بجنان و عمل به ارکان و اقرار به لسان است و این سه چیز سبب تمام سعادات و برکات انسانی است و بدون جمع شدن هر سهٔ از انها دین انسان ناقص و ناتمام است و کسیکه این سه صفت را ترقي داده مطابق این دین سعید و موفق خواهد بود پارسیان را بسیاری از بزرگان دین اسلام که سخنشان سندیت دارد خدا پرست و اهل کتاب میدانند[۸]

در حقیقت اخلاق نفیسه و ترقی و تربیت زردشتیان قدری بسبب تعصّب ما و قدری بسبب انتشار نیافتن قسمت بزرگی از تصنیفات و تألیفات اشخاص مشهور از نظر ما پوشیده و پنهان مانده و فقط چند شمارهٔ از انها اکنون در دست است

---

۸ در این باب ملاحظات داکتر آر. اِ. نیکلسن را در کتابش موسوم به مطالعات در اشعار اسلامي باب دویم و صفحه ۱۹۷ و همچنین پاورقی ان را بخوانید و بمقالات ءٔ‌اي پرفسر ارنالد در دایرة‌المعارف دین و اخلاق جلد نهم و صفحه ۷۶۵ تا ۷۶۹ و جلد دو و از دهم صفحهٔ ۳۶۶ تا ۳۶۷ هم رجوع نمائید

معروف و تقریباً در نهصد و پنجاه هجری میزیست
در کتاب مروج الذهب تالیف خود مینویسد که
خلفاء اوایل اسلام همان رفتاری که با اهل کتاب
مینمودند با زردشتیان هم نموده و در دین انها مداخله
نکرده و آتشکده را حتک احترام و یا حراب
نمینمودند چنانکه مسعودی مینویسد تغییری در آتشکدهٔ
ایشان در عراق و کرمان و خراسان و سایر مرکزهای
دینی راه نیافته و مسلمانان متعرّض انها نشده اند

زردشتیان مدتی پس از غلبهٔ مسلمین بر ایران
در امن و امان میزیستند [۱۱] و تکالیف دینی خود را
آزادانه بجا میآوردند مملکت ساسانیان فقط از نقطه نظر
سیاسی فتح گردید [۱۲]

---

۱۱ از برای اطلاع باین تفصیلات بتاریخ ادبیات ایران
تالیف پرفسر برون جلد اول صفحه ۲۰۶ در این باب رجوع
نمائید

۱۲ به کتاب روح اسلام تالیف ریت هنربل امیرعلی صفحه
۱۷۷ تا ۱۷۸ رجوع نموده و همچنین از برای سایر تفصیلات
بکتاب روضته الاحباب تالیف عطاءالله بن فضل‌الله و به کتاب
تاریخ الفخری رجوع نمائید

شمس العلما شبلی هم چنین مینویسد[۱۰] که بسیاری از مسلمانان عالم در نزد آذر کیوان که موحد و صوفی و سالك طریقت بود تحصیل علم مینمودند

بهرام بن فرهاد یکنفر دیگر ار فضلای فارسیان است که در دبستان نام او مذکور است این شخص تقریباً در تمام شعبه های فلسفه مهارت تامه داشته و کتابهای عربی و سانسکریت و پهلوی و فارسی را که در این علم نوشته اند تماماً مطالعه نموده است

نام موبد سروش هم که از اعقاب زردشت پیغمبر است در کتاب فوق ذکر شده است مؤلف مینویسد که من خود از سروش دویست و شصت دلیل در اثبات وجود خدا آموخته ام

در این صورت چگونه میتوانیم ملتی را که چنین اشخاص خدا شناس در محوّطه خود دارند بیدین و مشرك بدانیم

مسعودی مورخ و سیاح که یکی از مسلمانان

---

۱۰ رجوع کنید به «مقالات» صفحه ۳۸

میگوید[۱۴] «عقل و تدبیر خلفا بود که مجوسیها یا گبرها را در ردیف ملتهائیکه قوانین مدوّنه داشته بودند گذاشته است» و در این زمینه سخن ریت هنریل سید امیر علي[۱۵] را هم در اینجا ذکر مینمائیم "معلّم (پیغمبر) خود نکاح زن یهودیه و نصرانیه و زردشتی را از برای مسلم تجویز نمود" بدیهی است که این حکم در صورتی صادر میشد که زردشتیان هم مانند یهود و نصاري اهل کتاب شمرده میشدند[۱۶]

در این مقام شایسته است که از صحیح بخاري[۱۷]

---

۱۴ رجوع کنید به کتاب ایران و پارسیان جزو اول صفحه ۸۲ تا ۸۳ و همچنین از کتاب سالنامهٔ خلافت خلفاء اوایل تالیف سر ویلیم موئیر پاورقی صفحه ۷۲ را بخوانید

۱۵ بصفحه ۱۸۱ کتاب روح اسلام (Popular edition) رجوع نمائید

۱۶ قرآن مجید سورهٔ پنجم وآیه پنجم — بمناسبت مقام چند کلمهٔ ذکر مینمائیم نکاح زردشتی با غیر زردشتی موافق شریعت مغها ممنوع است لیکن این سد را چنانکه داکتر دالا میگوید معلوم نیست که پادشاهان و طبقات عالیه نشکانده و از این حد تجاوز نکرده باشند («به تربیت زردشتیان» صفحه ۳۰۴ چاپ آکسفرد ۱۹۲۲ رجوع نمائید)

۱۷ رجوع کنید به بابیکه در موضوع گرفتن جزیه از یهود و نصاری و مغها بحث میکند

امّا تاچه درجه میتوان این غلبه را صواب دانست مسئله دیگری است با این حال این فتوحات ربطی به انتشارات اسلامي و تبلیغات دینی نداشته است

پس ازانکه ایران فتح گردید خلیفهٔ دویم عمر موافق ترتیب انوشیروان پادشاه معروف سلسلهٔ ساسانیان مالیات بر این مملکت بسته و در تنظیم سایر ادارات دولتی هم قوانین اورا پیروی نموده[۱۲ب] و چنانچه شمس العلما شبلی نعمانی مینویسد «این موافقت و تبعیت از روی تأمّل و بصیرت نه برحسب اتفاق و بی اطلاعی واقع گردید و ابن اثیر و طبری هم در تاریخ خود همین مطلب را صریحاً ذکر مینمایند»[۱۳] و میتوان این رفتار را دلیل بزرگی دانست براینکه سیاست و مسلك خلفاء صدر اسلام نسبت بملتهای مغلوب و تابع خود تحمل و بردباری و صلح و سازش بوده است مستر ج. ك. تریمان

۱۲ب بکتاب الفخري (Ed. Ahlwardt) صفحه ۱۰۱ تا ۱۰۲ رجوع نمائید

۱۳ به سیرة النعمان صفحه ۱۲۸ رجوع نمائید

جزیه دران اوقات فقط از کسانی قبول میشد که موحد و پیرو یکي از پیغمبران معروف بودند[۱۹] امّا کفار و یا کسانیکه دینشان با یکی از ادیان الهامی اختلاف کلی داشته بایست یا از بلاد اسلامي خارج شده و یا در صورت ماندن و قبول ننمودن دین سخت ترین جریمهٔ که در قانون اسلام مقرر شده بود تحمّل نمایند و چون اسلام در مرحلهٔ اول از هرطرف مورد تهدید و تخویف اعراب بت پرست بود از این جهت این حکم در انوقت مقرر گردید از کتاب مشهور فتوح البدان عربي تالیف علامهٔ بلادری هم معلوم میشود که پیغمبر ما از مجوسها پیروان پیغمبر ایران حقیقتاً جزیه قبول نموده و رفتاری که نسبت باهل کتاب مینمود با انها هم مینمود[۲۰] با جماعت زردشتیان یمن و عمّان و بحرین موافق حکم صریح پیغمبر بعنوان اهل

---

۱۹ رجوع کنید به کتاب خلافت تالیف مؤیر صفحه ۳۵۵ چاپیکه مبسوط و تجدید نظر دران شده است

۲۰ باهتمام د. گنتر بطبع رسید ازصفحه ٦٨ تا ٦٩ و ۷۸ تا ۷۹ و ۸۰ تا ۸۲

که یکی از کتب مشهورهٔ احادیث و روایات است استشهاد نموده روایتي را که از خود پیغمبر راجع باهل کتاب بودن مجوس (زردشتیان) نقل شده است[۱۸] ذکر نمائیم مؤلف "توسل القاری فی شرح صحیح بخاری" نیز میگوید که امام شافعي و عبدالرزاق هم که دو نفر محدّث مشهورند پارسیان را اهل کتاب دانسته اند در صحیح بخاري منقول است که وقتی بعضی از مؤمنین بگمان اینکه زردشتیان خارج از دایرهٔ اهل کتابند جزیه گرفتن از ایشان را مخالف دین اسلام دانسته ولی احنف یکي از صحابهٔ معروف پیغمبر بآنها اعتراض نموده و عملي نمودن پیغمبر جزیه را دربارهٔ ایشان سند خود ساخته است و چون این قضیه را از برای حکمیّت بحضور علي داماد پیغمبر بردند آنحضرت رأي مبارك را چنین اظهار داشته که موافق احکام پیغمبر اکرم باید با پارسیان مانند سایر اهل کتاب رفتار نمود

در اینجا باید این نکته را در نظر داشت که

۱۸ رجوع کنید بکتاب جامع الترّمذي جلد اول صفحه ۳۰۵ (چاپ مطبعه ناول کشور ۱۸۹۱)

برای انها نازل فرموده و پیغمبری از میان ایشان از
برای انها آمده است »

یکنفر دیگر از محققین شیعه از اهل هند مولانا
محمد هارون قمید هم در کتاب مشهور خود در
وحدت الهی؛ تفصیلی از باب دین زردشتیان نوشته
و اظهار داشته که فقط دین زردشتیان است که بر تمام
دینهای عالم بجز اسلام در اعتقاد بتوحید ترجیح و
برتری دارد [۲۱]

قاضی ابو یوسف (در کتاب خراج در صفحه
۷۵) چند حدیث نقل نموده که مضمون انها این
است که پیغمبر اسلام از مجوسیان بسبب اینکه اهل
کتاب شمرده شدند جزیه قبول نموده لیکن از
برای اینکه انها را مشرك دانسته مسلمین را از
وصلت با آنها (با اینکه با سایر اهل کتاب مانند
یهود و نصاری حلال فرموده بود) منع نمود

حال میتوان در این مقام گفت که اگر چنین
حکمی از پیغمبر شنیده شده بایست دربارهٔ مردکیان

---

۲۱ رجوع کنید به توحیدالائمه چاپ دهلی

کتاب سلوك میکردند ضمانت جان و مال و کلیسیا
و کنشت و آتشکدهٔ یهود و نصاری و زردشتیان
شهر دابل ارمنستان موافق دستورالعمل پیغمبر
اسلام درعهدهٔ حبیب بن مسلمه حاکم ان مکان
بود ۲۰ب

در این موضوع قول ملا محمد باقر مجلسی یکی از
فقها و اخبار بین مشهور شیعه در واقعهٔ خلیفه علی
که در ذیل مذکور است از برای ما سند دیگری
است ۲۰ت "در روایت است که روزی امیرالمومنین
علي به منبربالا رفته و فرمود که (سلونی قبل ان
تفقدوني) پیش از آنکه من از میان شما بروم انچه
میخواهید ار من به پرسید ناگاه اشعث بن قیس که
یکی از منافقین بود بر خواست و گفت یا امیرالمؤمنین
چرا از مجوسیان که نه کتابی دارند و نه پیغمبری
از برای انها فرستاده شد جزیه قبول نموده اید علی
در جواب فرمود که چنین نیست بلکه خدا کتابی از

۲۰ ب رجوع کنید بصفحهٔ ۲۲۰ همین کتاب

۲۰ ت. رجوع کنید به کتاب حیات القلوب ورق ۲۷۸
صفحه اول، نسخهٔ خطي کتابخانه شرق ضلعهٔ بانکیپور

کلمات ذیل را در تمجید ایرانیان از قول پیغمبر اکرم نقل نموده است: در حقیقت خداوند در میان قبائل عرب قبیله قریش را بهتر از همه خلق نموده و در سایر طوایف غیر از عرب ایرانیها را بهتر از سایرین آفریده است

سلمان فارسی یکی از صحابهٔ معروف پیغمبر که بسبب فرط اخلاص و محبت به پیغمبر و اقربایش از اهل بیت شمرده شده[۲٤] در مواقع مهمّه طرف مشورت پیغمبر بوده و مسلمانان در موقع مخصوصی (در جنگ خندق) بدستور العمل او در اطراف اردوی پیغمبر خندق کندند (زیرا این کار در میان ایرانیان از برای محفوظ ماندن از دشمنان در زمان جنگ معمول بود[۲۵]

در کتاب فتوح البلدان تألیف بلادري چنین

---

۲٤ مجالس المؤمنین تالیف قاضی نورالله شوشتري را ملاحظه نمائید (در شرح حال سلمان فارسي

۲۵ رجوع کنید به مدارج النبوة شاه عبد الحق محدث صفحه اول از ورق ۳۸۵ (نسخهٔ خطی کتابخانه بانکیپور و همچنین به جلد دویم صفحه ۳۷ تاریخ ایران تالیف سیکس رجوع نمائید

که تماماً مشرك بوده و مانند مور و ملخ در عربستان ریخته بودند صادر شده باشد نه از برای زردشتیان[۲۱ب] وگر نه اگر مجوسیان مشرك شمرده میشدند بایست یهود که عزرا را پسر خدا خوانده و نصاری که عقیدهٔ بخدائی مسیح داشته اند بطریق اولی مشرك خوانده شوند با اینکه قرآن مجید وصلت با آنها را جایز شمرده است پیغمبر اکرم مسلمین دربارهٔ ایرانیان احترام زیادی منظور میفرمود در حدیث است که آن حضرت فخر مینمود که در عهد سلطنت پادشاه بزرگ ساسانیان انوشیروان عادل متولد شده است (ولدت فی زمن الملك العادل)[۲۲] مؤلف عالم کتاب نزهة القلوب[۲۳]

۲۱ب رجوع به «الفهرست» تالیف ابن الندیم صفحه ۳۲۷ تا ۳٤٥ که در این صفحه ها فقط عقاید دینی این فرقه ها مفصلاً شرح داده شده است عقیدهٔ عموم بر این بود که ایشان پیرو دین معها بوده اند

۲۲ رجوع کنید بتاریخ ادبیات ایران تالیف پرفسر برون جلد اول صفحه ۱٦٦ همچنین به ناسخ التواریخ کتاب اول جلد دویم صفحه ٦۳٥

۲۳ نسخه خطی کتابخانه بانکیپور صفحهٔ دوم از ورق دویستم

با کفار در زمان پیغمبر مینمودند همیشه مدافع بوده
و گاهی مهاجم واقع نشده بلکه مسلمانان فقط
در هنگام اضطرار و ناچاری بآلات جنگ متشبّث
میشدند و هرگاه هئیت مأموریتی از جانب پیغمبر
اسلام بجائی گسیل میشد همیشه بان هئیت سفارش
میشد که با طرف مقابل خوش رفتاری و حسن سلوك
نماید مورد مخصوص ذیل مصدّق و مصداق این
دعویست مؤلف مدارج النّبوة که یکی از محدّثین
و موثّق معروف است حکایت ذیل را راجع به حسن
فطرت و طریقهٔ صلح و مسالمت محمد در نشر احکام
و تبلیغ رسالت نقل مینماید [۲۶]

خالد بن ولید[۲۷] وقتی از جانب پیغمبر از برای
تبلیغ طایفهٔ جزیمهٔ فرستاده شده و بعوض اینکه

---

۲۶ صفحه اول از ورق ٤٦٠ نسخه خطی کتابخانه
بانکیپور را بخوانید

۲۷ در عهد خلافت خلیفه اول سپهسالار قشون اسلام شده
و یورش اعراب شام و فتح ان به عهدهٔ اوست پس ازان در
زمان خلافت خلیفه دوم بسبب سوء تدبیر و یا جهات دیگر از
خدمت منفصل گردید

نوشته شده است که چون رسول اکرم از مجوسیان جزیه قبول نموده و ایشان را در ردیف اهل کتاب گذاشته بعضی از منافقین عرب بر پیغمبر اعتراض نموده که عقیدهٔ محمّدؐ در شمردن مجوسیان از اهل کتاب خطا است اما چنانکه این مؤلف عالم مینویسد در همان زمان از برای رفع این سوء ظنّ در بارهٔ پیغمبر آیهٔ ذیل نازل گردید: — ای کسانیکه ایمان آوردید ملتفت خود باشید کسیکه گمراه شد بشما گزندی نمیرساند چونکه شما راه یافته اید بار گشت همهٔ شما بخدا است پس او شما را از انچه که میکردید آگاه خواهد نمود (سورهٔ پنجم و آیه یکصد و چهارم)

در هر صورت دلایل قویّهٔ موجود است که اسلام در روزهای اوایل نسبت به ملّتهای شکست خورده و مغلوب خود خواه یهود خواه نصاری و خواه زردشتی همیشه شکیبائی و بردباری نموده و تبلیغات پیغمبر همیشه با صلح و صلاح بود و مؤیّد این مطلب این است که مسلمین در جنگهائیکه

دینی خود را آزادانه انجام دهند و عدالت و انصاف بهمان نهجیکه در حق مسلمانان ملحوظ بود دربارهٔ آنها هم منظور میشد وقتی مسلمانی یکنفر مسیحی را کشته و پس از آنکه از جانب خلیفه عمر تحقیقات لازمه بعمل آمده شخص جنایتکار را به خویشان مقتول تسلیم نموده قاتل را به انتقام خون او بقتل رسانیدند[30] امام ابو حنیفه مؤسس یکی از مذاهب چهارگانه اسلام فتوایش این بود که مطابق قانون اسلام باید با مسلمان وغیر مسلمان یکسان رفتار نمود[31] وقتی یهودئی دعوی ناحقی بر علی اقامه کرده و خلیفه بی تردید خاطر از برای مدافعهٔ از خود بمحکمهٔ قاضی القضاة حاضر شده و پس ازانکه از محکمه حکم بحقانیّت یهود صادر گردیده علی فوراً یهود را متقاعد فرمود لیکن ان یهود پس از ان اعتراف بدروغ خود نمود[32]

---

۳۰ رجوع کنید بکتاب اسوای صحابه تالیف عبدالسلام ندوی جلد دویم صفحه ۱۲۱

۳۱ رجوع کنید بکتاب صراط النعمان شبلی صفحه ۱٤٥

۳۲ رجوع بکتاب البیان تألیف مولانا عبد الحق حقانی (ترجمه انکلیسی) صفحه ۲۹٦

بمدارا او ملایمت آنها را بدین اسلام دعوت و
هدایت نماید بیباکانه یکصد نفر از آن طایفه را
بقتل رسانید پیغمبر اکرم از شنیدن این واقعه باندازهٔ
غضبناك گردیده که از جای خود برخاسته و فریاد
برآورد که ای خدای من مرا مسئول کارهای خالد
مفرما من برضد کرده های اویم سپس علی را از برای
دیهٔ خون و تألیف قلوب آنان فرستاده و مدت مدیدی
با خالد خشمناك بوده و فقط پس از آنکه سایر صحابه
پیغمبر دربارهٔ او شفاعت نموده و قبیلهٔ جزیمه هم از
تقصیر او در گذشته بودند با او از در صلح و آشتی
بر آمدند ۲۸

در هرصورت هر عهد و پیمانیکه در زمان پیغمبر
با یهود و نصاری و زردشتیان بسته شده بود در تمام
مدت خلافت خلفاء دورهٔ اول بمقتضای آن عمل
میشد ۲۹ و آنان مجاز بودند که اعمال و تکالیف

۲۸ همچنین به صراط النبی جلد دویم صفحه هفدهم تالیف
شبلی رجوع نمائید

۲۹ رجوع کنید بکتاب الخراج قاضی ابو یوسف صفحه ۷۰
تا ۷۲

دختر یزدگرد آخرین پادشاهان ایران را[۳۳ب] با سایر محبوسین باسیری به دربار خلیفه اورده بودند او را با زیورها و جواهراتش با وجود حرص و طمع عربهای وحشی آزاد نمود[۳۴]

شهر بانو پس از چندی بوضع شایستهٔ زوجهٔ فرزند دویم علی حسین[۳۵] معروف شهید در کربلا شده و از این جهت مادر نژاد امامهای شیعه که پس از حسین امامت نموده اند گردید[۳۶] پرفسر ادوود

۳۳ب رجوع کنید به الفخری (Ed. ahwadi) صفحه ۹۹ الواقدي این واقعه را مربوط بجنك مداین که پیش از جنك نهاوند واقع شد میداند رجوع کنید به فتح العجم (طبع اول کشور) صفحه ۱۶۰

۳۴ رجوع کنید به تاریخ الاسلام تالیف ابوالفضل العباسی صفحه ۱۹۴

۳۵ به فتح العجم تالیف الواقدي صفحه ۱۶۸ و به تاریخ اسلام تالیف عباسی صفحه ۱۹۴ و به صفحه سویم از دیباچهٔ کتاب مستر نریمان در ترجمهٔ کتاب «دین مردم ایران قدیم» تالیف گیل رجوع نمائید

۳۶ به کتاب روح اسلام تالیف امیرعلی صفحه ۲۷۵ تا ۲۸۰ و بکتاب ایران و پارسیان تالیف نریمان جزء اول صفحه بیست رجوع نمائید

مؤلف کتاب "روح اسلام" (صفحه ۱۸۱) کلمات ذیل را از یکی از نویسندگان مسیحی[۳۳] راجع به مداراتیکه خلفاي دورهٔ اول با ملتهای مغلوب مینمودند نقل مینماید:—

پس از انکه خلیفه عمر بیت المقدس را در سنهٔ ۳۷ هجری فتح کرده با حالت سواری پهلو به پهلوی بطریق سفر نیس داخل شهر شده و با او از بابت کهنگی انشهر گفتگو مینمود در هنگام نماز عصر خلیفه مضایقه نموده از انیکه در کلیسیای زررکشن که اتفاقاً در انجا رفته بود نمار خود را درانجا بجا بیاورد بلکه در روی پلکان کلیسیای کنستنتین نمار را اداء نموده و به بطریق اظهار داشته که اگر من نماز خود را در این کلیسیا بخوانم شاید مسلمانان عصرهای آینده به بهانهٔ تقلید از رفتار من نقض معاهده نمایند

پس از جنگ نهروان وقتیکه شاهزاده شهر بانو

---

۳۳ از کتاب « تاریخ ترقي معنوی اهالي اروپا » تألیف دریپر جلد دوم و صفحه بیست و دویم

عمدهٔ بود که بآن سبب ایرانیان از دوستان و طرفداران علي و خانواده اش گردیدند[۳۸]

عجیبتر آنکه فرقهٔ سنّت و جماعت از مسلمین هم بسبب اینکه ابو حنیفه (که از خاندان اصیل ایرانی ملقب بمرزبان و زبان مادریش فارسی بوده[۳۹]) پیشوای این فرقه و مؤسس این طریقه است مانند فرقه شیعه به نژاد ایرانی بستگی پیدا نموده اند جدّ ابو حنیفه چنانکه مرحوم شمس العلماء شبلي مینویسد[٤۰] در مدت خلافت علي در کوفه اقامت داشته و اکثر اوقات سر تعظیم در آستان خلافت خم مینمود در روزهای نو روز ایرانیان چنانکه این مؤلف مینویسد[٤۱] علي ارمغان این شخص محترم را که بالطبع و بی اختیار رسومات ملّی

---

۳۸ بکتاب ایران و پارسیان تالیف نریمان صفحه ۲۰ رجوع شود

۳۹ بکتاب سراج النعمان صفحه ۱۳ و ٤۱ تالیف شبلی نعماني رجوع شود

٤۰ بکتاب فوق صفحه ۱۵ رجوع نمائید

٤۱ بکتاب فوق صفحه ۱۵ رجوع شود

برون فقید در این خصوص چنین میگوید[۳۷].ـ بواسطهٔ امام سویم امام حسین پسر کوچك علی از فاطمه دختر پیغمبر عامل جدیدی در کار آمده است

زیرا که موافق اقوال مورخین بسیار قدیم و معتبر مانند الیاقوتی[۳۷ب] و دیگران دختری از آخرین پادشاه ساسانی ایران یزدگرد سویم بعنوان ردواج بآن حضرت داده شده و از او فرزندی به نام علي و به لقب زین العابدین متولد گردیده که امام چهارم و از نسل بلا فصل پیغمبر از طرف دخترش فاطمه و از خاندان قدیم سلطنتی ایران هم بوده است

این ازدواج را علي بنفس نفیس خود انجام داده و چنانکه مورخین نوشته اند یکی از اسباب

---

۳۷ بکتاب تاریخ ادبیات ایران جلد چهارم صفحه ۱۷ و ۱۸ رجوع نمائید و در این خصوص بکتاب سوانح عمری مشهور ابن خلکان (راجع به تفصیل حالات امام زین العابدین ملاحظه نمائید و به ربیع الابرار زمخشری و بشواهد النبوه ملا جامی رجوع نمائید

۳۷ب کتاب او را هوتسما در دو جلد بطبع رسانیده (لئیدن ۱۸۸۳)

از زردشتیان در خدمت آن حضرت شکایت نمودند آنحضرت به شنیدن آن حکمی از برای آن حاکم، صادر نموده که حکم ظالمانه اشرا موقوف نموده و با زردشتیان و سایر ذمّی ها از روی مهربانی رفتار نماید علی صریحاً به صاحبمنصبان قشون خود میفرمود که اگر سر بازهای شما به ذمي ها ظلم نمایند البته شما مسئول اعمال آنان خواهید بود[٤٦] و چنین رفتاریرا قاضی ابو یوسف دربارهٔ پیغمبر اسلام ذکر مینماید[٤٧] ابو یوسف روایت میکند «وقتیکه پیغمبر اکرم عبدالله بن ارقم را از برای جمع آوری جزیه معین نموده صریحاً باو اظهار داشته که هرکسیکه بذمیها اذیتی برساند و یا کار سختی بآنها رجوع کند و یا بي احترامی بآنها نماید و یا بی رضایت آنها چیزی ازانها بگیرد پس من در روز قیامت دشمن او خواهم بود» بعضی از روات دیگریکه قولشان سند

---

٤٦ به نهج البلاغه که مجموعه از نطقهای بسیار خوبي است که علی در موارد مختلفه فرموده مکاتیبی است که به یاران و حکام ایالات فرستاده است از برای تفصیل رجوع نمائید (چاپ اولرّاضی مصری در چهار مجلد)

٤۷ رجوع کنید بکتاب الخراج صفحه ۷۱-۷۲

خود را در مملکت بیگانه هم نگاه میداشت قبول مینمود

امام ابو حنیفه زبان ایرانی و ایرانیان را احترام نموده و در نمازهای روزانه تکبیر و تلاوت سایر آیات قرآني را بفارسي بعوض عربی جایز میدانست[٤٢] خون ذمی به رأی امام ابو حنیفه مانند خون یکنفر مسلمان محترم شمرده میشد[٤٣] و اگر مسلمانی یکنفر ذمي را میکشت آن مسلمانرا در عوض خون او قصاص مینمودند[٤٤] مناسب است که نظریات علي را از بابت بردباری با اهل کتاب مخصوصاً در بارهٔ زردشتیان در اینجا ذکر نمائیم در کتاب «الکرّار» در سوانح عمری علي[٤٥] تالیف یکی از محققین شیعه واقعهٔ ذیل حکایت شده است:ـ وقتی از درشتی یکی از حکام علي نسبت به یکی

٤٢ بکتاب فوق صفحه ١٣٥ رجوع شود

٤٣ عقیدهٔ حنیفه علی را که نظیر این است با این عقیده تطبیق نمائید (در کتاب فوق صفحه ١٤٥) و همچنین رجوع کنید به کتاب روح اسلام تالیف امیر علی صفحه ٢٤٨

٤٤ کتاب صراط النعمان صفحه ١٤٥ را مطالعه نمائید

٤٥ صفحه ٤١٩ و همچنین بکتاب سراج المبین تالیف «فوق بالگرامي» جلد دویم صفحه ٥٠ و ٥١ رجوع نمائید

شده و انتشار یافته موجود است که دران امتیازاتیکه دربارهٔ بعضی مسیحیان ارمنی که در همسایگی عربها میماندند منظور شده بود مذکور است بسیاری از چنین سندها که علي او برای اجداد فارسیان راجع بکمك و اعتماد طرفین بیکدیگر صادر نموده در نزد پارسیان امروزه یافت میشود که بعضی از انها را ایران لیگ بمبئی انتشار داده[۵۱] و هرچند که مسلمانان عصر جاری آنها را بی اصل میپندارند لیکن بسیاری از انها عین صدق و حقیقت است هیچ مسلماني نمیتواند بردباریهای دیني پیغمبر و خلفای دورهٔ اوّل را که دربارهٔ ملّتهای مختلفهٔ غیر مسلمان نشان داده اند انکار نماید معاهدات مختلفهٔ که پیغمبر اکرم بتوسط صحابه های محترم و حکام ایالات با یهودیان و مسیحیان و زردشتیان بسته و امتیازات گوناگونیکه درباره آنها منظور فرموده درفتوح البلدان بلا دری ذکر شده است همچنین در کتاب معروف نهج البلاغه که از تراوش خامهٔ مبارك خلیفه علي است

۵۱ مستر نریمان به اسم عهد نامه تالیف نموده است

و معتبر است بر آنند که این فرمان مخصوص پیغمبر از برای مساعدت و رعایت حال ملت زردشتی صادر گردیده و داماد پیغمبر علي بحکم پیغمبر در حضور بسیاری از اصحاب کبار این حکم را مرقوم فرمود[٤۸]

وقتی یکی از مسلمانان یکنفر ذمّی را کشته علي در پاداش عمل قاتل حکم بقتلش فرموده و با اینکه کسان مقتول مجرم را بخشیده باز علي او را رها ننموده تا اینکه بر او محقق گردیده که بستگان مقتول را کسی مجبور بعفو ننموده بلکه بمیل خاطر خود از تقصیر او در گذشتند[٤۹]

بسیاری از اسناد اصلي هنوز در دست است که مخصوصاً دلیل بر بردباریهای علي دربارهٔ یهودیان و مسیحیان و زردشتیان ایام خود میباشد[۵۰]
اکنون یك سند مشهوری که بزبان روسی ترجمه

---

٤۸ از برای اطلاع به تفصیل بکتاب نور ایران قدیم تالیف مانك پیتا والا صفحه ۱۹۵ رجوع نمائید

٤۹ به کتاب رسایل شمس‌العلما شبلی صفحه ٤۸ رجوع نمائید

۵۰ به کتاب الکرار تالیف سید ریاض علی ریاض صفحه ٤۱۹ و ٤۲۰ از برای سایر تفاصیل رجوع نمائید

باین تاخت و تاز وادار نموده شروع کردید[٥٤] این رؤسا در اثر قوانین "جهاد" اسلامی که حقیقتاً بر مسلمین صدر اسلام از برای دفاع آنان از جان خود فرض شده بود با ملل دیگر میجنگیدند قرآن مجید همیشه تعرّض و مهاجمه را حرام نموده بلکه "اجازهٔ جهاد بانهائی داده شده که کفار با ایشان جنگ و ستم بر آنها مینمایند و خدا بر یاری کردن بآنان تواناست آنانکه از خانهای خود ناروا بیرون کرده شدند"[٥٥] و در جای دیگر میفرماید:ـ "و در راه خدا جنگ کنید با آنانیکه با شما جنگ میکنند و از اندازه مگذرید"[٥٦] و از برای تعیین حدّ جنگ خداوند صریحاً قوانین ذیل را مقرر فرمود:ـ "و اگر مایل بصلح باشند تو هم مایل به صلح باش و بخدا توکل کن" سورهٔ هشتم و آیهٔ شصت و یکم

---

٥٤ بتاریخ ادبیات ایران تالیف برون جلد اول و صفحه ۲۳۲ و ۲۳۳ رجوع نمائید و همچنین به تاریخ هند تالیف الیات جلد اول و به صراط النعمان تالیف شبلی صفحه ۱۸ رجوع نمائید

٥٥ سوره ۲۲ و آیه ۳۹ و ٤۰

٥٦ سوره دویم و آیه ۱۹۰

نامه های گوناگونیکه آنحضرت بصاحبمنصبهای زیردست خود درمدت خلافت خود نوشته و آنهارا حکم بعدالت و مدارا دربارهٔ ملتهای فوق نموده مذکور است امروزه اسلام فقط بسبب ظلمهای رؤسای اواخر مورد طعن و ملامت منتقدین و نکته گیرانیکه اشتباهاً اساسش را اجحاف و تعدی می پندارند واقع شده است این رؤسا موافق قول سید سلیمان ندوی مؤلف کتاب "معارف"[۵۲] یاتازه مسلمانانی بودند که بواسطه قبول دین جدید "شوق ننگینی" در مسلمان نمودن برادران خود بضرب شمشیر داشته و یا حرص تصرف ممالك بیشتری در هند و افریقا و استانبول وجاهای دورتر آنها را بدین حرکات کشایندند[۵۳] تمام این مظالم بیشبهه از زمان سلطنت بنی امیه که "تعصب سخت نژادی و تسلط جابرانه" مسلمین ازمان را

---

۵۲ در طی نطقیکه در مؤسسهٔ اسلامی کلکته در ۱٤ ماه مارچ ۱۹۲٦ نموده چنین اظهار داشته است

۵۳ و همچنین تاریخ اسلام تالیف عباس صفحه ۳۸۱ تا ٤۳۰ رجوع نماید

به هر حال در ایران هم تا مدتیکه خلفاء عالم اسلامی پیروی پیغمبر خود را مینمودند مملکت و ملّت در حالت ترقی بودند حتی زبان فارسی در زمان خلافت بنی عباس باز زبان درباری مملکت شده و ادارهٔ مخصوصی از برای جمع و ترجمه ادبیات قدیم تأسیس گردید[۵۸] علاّمه ابن ندیم در کتاب معروفش "کتاب الفهرست"[۵۸ب] فهرست طولانی از اسامی اشخاصیکه مشغول باین کار بودند مینویسد منصور خلیفه در دربار خود بسیاری از زردشتیانیکه کتابهای گرانبها از برایش تألیف میکردند در کار داشت مسعودی مینویسد[۵۹] که بسیاری از فضلاء عالیقدار مسلم مانند ابن ابی العرجا و حامد و یحیی بن زیاد و مطیع بن ایاس و دیگران کتابهای بکر از بابت ادبیات دینی ایرانیان تصنیف نموده اند .

حقیقتاً در عهد خلافت عباسیان چیزهائیرا که

---

۵۸ رجوع کنید به حکمت الهی زرتشت تالیف داکتر دالا صفحه ۲۹۹ و به کتب رسایل شبلی صفحه ۲۳

۵۸ب رجوع کنید بصفحه ۲۴٤ تا ۲۴۵ (چاپ فلوگل)

۵۹ بمروج الذهب رجوع نمائید (سلطنت القاهر بالله)

چنانکه گفته شد پیغمبر اکرم رسالت صلح جویانهٔ خود را از روی صدق مطابق فرمان خداوند مهربان تبلیغ نموده و از این جهت در مدت حیاتش در هیچ یك از جنگها مهاجم نبود چون در مرحلهٔ اول رسالت پیغمبر ما بعضی از مبلّغین او را دشمنان اسلام وحشیانه کشته بودند باین سبب رسول اکرم در ماموریّتهای دیگر همیشه چند نفر از لشکریان بهمراه مبلغین از برای حفظ جان ایشان فرستاده و بایشان از جنگ کردن در هنگام تبلیغ[۵۷] نهی شدید و منع اکید فرموده و باین سبب چنانکه سابقاً گفته شد پیغمبر اکرم با خالد بن ولید که در یکی از ماموریتهای مخصوص خود قوه جبریه بکار برده و با قبیلهٔ جزیمه بکمك سپاهیان بد رفتاری نموده بود خشمناك گردیده و تا مدتی با او آشتی نفرمود امّا افسوس که مسلمانان احکام متین راهنمای روحانی خود را چنان زود فراموش نموده که امروزه اسلام از روّیه ظالمانهٔ مسلمین دورهٔ بعد شرمنده است

۵۷ رجوع کنید بقول طبری که در کتاب صراط النبی جلد دویم و صفحه ۱۷ شبلی نقل نموده است

دران زمان به پیروان زردشت نشان داده شده که
حقیقت آنرا ار واقعهٔ ذیل که بهترین مصداق و مصدّق
آن است میتوان دریافت "وقتی خلیفه مأمون الرشید
بعزم بهبودی و ترقی حوزهٔ حکومت خود جلسهٔ مخصوصی
معین ساخته که در تشکیل آن جماعت زردشتیان هم مانند
دیگران در فرستادن نمایندگان خود بعنوان عضویت
مأذون و مجاز بودند"

پوشیده نماند که سبب مهاجرت پارسیانرا از وطن
خود بهندوستان که درضمن اجحاف و تعدی مسلمین
بملتهای مغلوب و مقهور خود اشاره بآن گردیده
باید تا یك اندازه تدین قحّ و تشرّع قشر و تعصّب
وحمیّت جاهلانهٔ دانست که در هرجای عربستان و ایران
شایع بوده [٦٤] و از این جهت عموم خارجین از
دایرهٔ اسلام "با داشتن دین و کتاب" بیدین و "کافر"
خوانده شده و تا اندازهٔ هم رضای خاطر و خوشی
خود شان پنداشت که بواسطه پیشهٔ سوداگری میل
مفرط درماندن در یك مملکت پر ثروت و امن مانند

---

٦٤ رجوع کنید به وعظ اسلام تالیف تی - و - ارنالد
صفحه ۱۷۹

ایرانیان در قادسیه یا در نهاوند از دست داده بودند باز بدست آوردند[٦٠] تقریباً همهٔ وزراء مأمون ایرانی و بیشترمغها بوده اند[٦١] شمس العلما شبلی نقل میکند[٦٢] که مأمون احترامات لایقه دربارهٔ فقهاء زردشتیان منظور میداشت وقتی یکی از رؤسای روحانی زردشتیان یزدان بخت نام از برای حضور در یك جلسه دینی که در دربار خلیفه منعقد میشد دعوت گردیده خلیفه پس از ورودش احترام زیادی در بارهٔ او مرعی داشته و منزل مخصوصی در پهلوی قصر خود از برای او معین نمود

یکی از علماء اسلام مینویسد[٦٣] "در دورهٔ خلافت بنی عباس آتشکدهٔ بسیاری حقیقةً در هرجای ایران وجود داشته و مساهله و بردباری مخصوصی

---

٦٠ رجوع کنید به کتاب عصر متوسط هند تالیف لین پول صفحه ۱۰

٦١ رجوع کنید بکتاب الفخری (Ed. Ahlwardt) صفحه ۲٦٥ تا ۲۷۳

٦۲ رجوع کنید به الکلام جلد اول و صفحه ٤۳

٦۳ رجوع کنید به «همایون» تاریخ ماه می ۱۹۲٦ (مقاله مولوی حمید احمد خان) جریده ماهیانه اردو

شبهۀ نیست که ماندن عدّه زیادی از پارسیان (زردشتیان) ایران در اطراف امکنۀ مقدسۀ خود در مدت مهاجرت برادران دینی ایشان بمملکت هندوستان[٦٦] و پیوستگی و اتصال روایاتیکه آشکارا از برای پارسیان هند از ایران از همکیشان ایشان میرسید دلیل بر این است که اگر پارسیان ایران با این احوال نتوانستند دین خود را بطور مناسب و دلخواه نگاه دارند اقلاً اجازه داشتند که بطریق معمول بر وفق ان رفتار نمایند مستر نریمان مینویسد[٦٧] «دورۀ روایت زردشتیان چندین قرن امتداد داشته و اطلاعات مهمی راجع به حالات پارسیان ایران از برای ما گذاشته و در ظرف این مدت نوشتجات پهلوی استنساخ یا مرتب گردیده بعضی از نو تدوین و بعضی تحریف و بر بعضی افزوده و از بعضی کاسته شده است لیکن با این تفصیلات این نوشتجات مشتمل بر

---

٦٦ در این باب از برای سایر تفاصیل تاریخ ادبیات ایران تالیف برون جلد اول صفحه ۲۰۵ رجوع نمائید

٦٧ به کتاب ایران و پارسیان جزء اول صفحه ۸۳ رجوع نمائید

هندوستان ان زمان داشته از این جهت در این مملکت اقامت گزیدند در این خصوص بکتاب معروف "گنجینهٔ مغها" تألیف دکتر مولتن صفحهٔ ۱۲۲ـ ۱۲۳ رجوع نموده نظریات یکنفر محقق جلیل القدر فارسی مستر ج. ك. نریمان را که با آراء ما مشابهت و با عقیدهٔ مستشرق مشهور دانمارکی و سترگارد (که بجهت تصنیفات عدیدهٔ گرانبهایش راجع بأدبیات قدیم ایران مشهور است) موافقت دارد در انجا ملاحظه نمائید شمس العلما داکتر ج. ج. مدی[۶۵] مینویسد "از مطالعهٔ کتب هندی بر ما معلوم میشود که هندوستان از زمان قدیم معرفت بحال ایران داشته و از کتابهای ایران مخصوصاً اوستا مطلع میشویم که برعکس ایران هندوستان را از زمان قدیم میشناخت همه کس میدانند که ایرانیان قدیم از زمان داریوش بزرگ روابط تامي با هندوستان داشتند"« و از این جهت آمدن ایشان را در هندو اقامت گزیدن در این کشور را گاهی واقعه تازه نباید شمرد

---

۶۵ رجوع کنید به خطابهٔ صدر انجمن در چهارمین جلسهٔ مذاکره شرقی در الله آباد نومبر ۱۹۲۶

خلفاء اوایل و مخصوصاً در عهد خلفاء عباسی با ملّت
مغلوب و مقهور ایران بمدا را رفتار مینمودند

سر پی. ام. جنرل سیکس مینویسد[۷۰] "شرح
حالات فارسیانیکه بکوهستان دور از دست و بقسمت
مرکزی خراسان گریخته و حتی انهائیکه ازراه هرمزد
بهند مهاجرت نموده اند بنظر ما رسیده اما این
مهاجرین عدّهٔ قلیلي بوده و از شواهد بسیاریکه
در تواریخ اعراب مسطور است معلوم میشود که
آتشکده ها و جماعات بسیاری از زردشتیان در بسیاری
از جا های ایران تا این اواخر وجود داشته و
میزیستند"

شکی نیست که پارسیان در سر زمین قدیم خود
ایران در سالهای اواخر متحمل صدمات فراوان
گردیده اما باید فراموش ننمود که پیروان اسلام
در سنوات اخیره به جماعات همکیش خود هم بخشونت
و بیرحمی رفتار مینمودند در صورتیکه امروزه
با چنین وضع ترقی عالم مرقد های مطهر اصحاب

۷۰ بتاریخ ایران جلد دویم صفحه ۳۸ رجوع نمائید

برخی مطالب مفیدهٔ ازمنهٔ قدیمه میباشند اگر متون این نوشتجات پهلوی تماماً منتشر و ترجمه میگردید البته صفحات تاریخ ایام زندگانی زردشتیان ایران پس از مهاجرت عدهٔ (چند صد نفر) از ایشان بهندوستان زینت یافته برافتخار ایشان میافزود زیرا که نفوذ ساسانیان تا چند قرن تأثیر تامی در سیاست عرب داشته وگاهی روی بفنا و زوال نگذاشته بود" در ایام خلافت خلفای اوایل عباسی هرون الرشید و مأمون الرشید و جای نشینان بلا فصل ایشان اوضاع و وضعیات ایران و ایرانیان باندازهٔ ترقی و بهبودی حاصل نموده که آداب و رسوم دربار این خلفا تماماً از روی سرمشق تمدن ایران بوده[68] واین قضیه شهادت میدهد که حالت ایران مدت مدیدی پس از فتح اعراب هنوز بهتر از پیشتر میبود

سر ویلیم موئیر میگوید[69] که در زمان خلافت

---

۶۸ بمقالهٔ ادیبانه ابوالمحاسن محمود علی در « نگار » مجله ماهیانه تاریخ مارچ ۱۹۲۷ و به کتاب خلافت موئیر صفحه ٤٦٥ رجوع نمائید

۶۹ به « سالنامهٔ خلافت اوایل » صفحه ۲۶۰ رجوع نمائید

اول در فشار و مضیقه نبوده و چنانچه سابقاً ذکر نموده
یم اسلام ایشانرا اهل کتاب میدانست جنرال سیکس
میگوید[۷۲] زردشتیان چنانچه عقیدهٔ عموم برآنست
فقط مخیر میان پذیرفتن دین اسلام و کشته شدن
نگردیده بلکه با دادن جزیه مجاز بودند که در دین
خود باقی مانده مطابق احکام ان رفتار نمائید حتّی
ادارهٔ مالیه که سلسلهٔ ساسانیان تأسیس نموده بودند
بحالت سابقه برقرار و زبان فارسی در عهد خلافت
خلفاء اوایل مانند سابق زبان درباری مملکت بوده
دفاتر و اسناد وغیره را باین زبان نگاه میداشتند[۷۳]
اما پس از جلوس بنی امیه (۶۶۱-۷٤۹ هجری)
دورهٔ اقتدار سلطنتی و تعصب نژادی شروع گردیده
و در سال هفتصد هجری در عهد سلطنت عبد الملك

---

۷۲ به تاریخ ایران جلد دویم و صفحه ۳۷ و همچنین به
تاریخ ادبیات ایران تالیف برون جلد اول و صفحه ۲۰۱
رجوع نمائید Etseg

۷۳ به مقدمهٔ تالیف ابن خلدون صفحه ۲۱۲ (بیروت
۱۸۷۹) و به فتوح البلدان بلادری صفحه ۳۰۰ و
۳۰۱ (دوکوئز و حزف هل) و بکتاب تمدن عرب صفحه
٤٥ (ترجمه مستر خدا بخش) رجوع نمائید

و بستگان پیغمبر خود را خراب نموده و زوار این مکانهای متبرکه در تحت فشار و اذیت حکام مسلم عربستان باشند پس بهیچوجه از جانشینان خلفای دوره اوایل نسبت باقوام و نژادهای بیگانه و معابد مقدسهٔ ایشان رفتار و سلوك بهتری نباید متوقع بود

صفحات تواریخ عالم مخصوصاً تاریخ ایران پر از چنین جنایاتیستکه در اوقاتی صورت وقوع پذیرفته که هر روزه جانشین و نایب مناب جدیدی زمام امور سلطنت در دست گرفته بخواهش نفسانی بی رعایت تعالیم قرآنی و احکام راهنمای روحانی و وظیفهٔ وجدانی در مملکت حکمرانی مینمود ذکر شرح مختصری از حالات عمومی ایران پس از فتح اعراب در این مقام خالی از مناسبت نیست

مقاومت ایرانیان با مالکین و فرمانروایان جدید مملکت پس از غلبهٔ کامل اعراب هم بپایان نرسیده بلکه همیشه درجریان بود[71] لیکن این ملت درمراحل

---

۷۱ بتاریخ ادبیات ایران جلد اول صفحه ۲۰۰ و به کتاب سیکس تاریخ ایران جلد دویم و صفحه ۳۷ تا ۳۸ رجوع نمائید

وارد گردیده است شمس العلماء شبلی نعمانی میگوید "چون بنی امیه شروع بسلطنت جابرانه نمودند[۷۷] اعراب علم سرکشی و طغیان برافراشته و از برای خاموش کردن نایرهٔ این تمرّد و سر کشی و جلو گیری از خود سری و آزادی مردم ستمکرانی چون حجاج ومانند او رادولت مرجع امورانام ساخته و در ضمن بفقهاء عصر رشوه داده تا مسئلهٔ قضا و قدر (یعنی وقوع امری بدون ارادهٔ الهی محال و تسلیم نشدن بمشیّت الهی عین مخالفت با ارادهٔ او است) را درمیان مسلمین منتشر نمایند اما در همان زمان طایفهٔ معتزله (که متعلق بدستهٔ مخالف بودند) مسئلهٔ عدالت خدا را پیش کشیده انرا در اذهان مردم داخل نموده و از این روی این دو عقیدهٔ متضاده مدت مدیدی با هم مطرح مذاکره و موضوع مناظره و مشاجره بود لیکن ما دامیکه حکومت تقویت و معاضدت از یکطرف مینمود طرف مخالف بسبب انحطاط محسوس اسلام

---

۷۷ به « شعرالعجم » جلد چهارم و صفحه ۱۵۳ رجوع نمائید

خلیفه بحکم حجاج بن یوسف حاکم بد نام بین النهرین تمام مباشرین ایرانی از خدمت مملکتی اخراج و زبان عربی بجای زبان فارسی زبان درباری ایران گردید[۷٤] علاوه بر این در زمان سلطنت ولید جانشین عبدالملك در سال ۷۱۲ آتشکده های ایرانرا ویران نموده و زردشتیانرا بقتل رسانیدند[۷٥] لیکن در زمان سلطنت یکی از خلفاء دیگر بنی امیه عمر بن عبدالعزیز (۷۱۷-۷۲۰ هجری) تمام این تعدیات جبران شده و بحکم این خلیفه با بقیهٔ زرد شتیان بعدالت رفتار نموده و هرچند کسی اجازهٔ ساختن آتشکده تازه نداشته اما خراب کردن باقیمانده‌ها هم ممنوع گردید[۷٦]

باری بر ما پوشیده نیست که بر متدینین بدین اسلام هم اذیت زیادی از این امرای مؤمنین

---

۷٤ بتاریخ ایران تالیف سیکس جلد دویم صفحه ٥۹ بتاریخ ادبیات ایران تألیف برون جلد اول صفحه ۲۰٥ تا ۲۰٦ رجوع نمائید

۷٥ به تاریخ ایران تألیف سیکس جلد دویم صفحه ٥۳

۷٦ بکتاب فوق صفحه ٥٥ رجوع نمایند

آنها غلبه نمودند[۷۹ب] بنی عباس هم چندی سلطنت داشته تا اینکه در آخر در سال ۱۲۵۸ مسیحی خانهٔ سلطنتی ایشان بدست هلاکو خان مغول خراب گردید در اوایل عهد خلافت بنی عباس حالات ایرانیان رضایت بخش بوده و چندان مخالف دلخواه ایشان با ایشان رفتار نمی نمودند از تواریخ معلوم میشود که خلفا طالب ترقی ادبیات ایرانیان بوده و در عهد خلافت ایشان کتابهائی از بابت دین و تهذیب اخلاق زردشتی نوشته شده و بعربی ترجمه گردید زردشتیان در دربار مأمون و جانشینان بلافصل او آمد و رفت داشته و در نظر آنها بسیار محترم بودند مولانا شبلي احیاء زبان فارسی را پس از انکه مدتی از میان رفته بود واقعهٔ مهم خلافت مأمون ذکرمینماید[۷۹ت]

در این برههٔ از زمان دورهٔ جدیدی نیز در تاریخ ایران شروع گردید زیرا که در مدت خلافت

۷۹ب رجوع کنید به کتاب المأمون صفحه ۱۰۹

۷۹ت رجوع کنید به کتاب « بنی امیه و بنی عباس » تالیف جرجی زیدان (سلسله یادگاری گیب)

زحيث اخلاق و علم در قرن چهارم تحمل مصايب بسيار و شدايد بيشمار نموده نتيجه اين شد که عقايد پيروان اشعری در سرتا سرعالم رواج يافته عدالت را در باره خدا لازم ندانسته و جزء اصول دين اسلام نشمردند[۷۸]

در حقيقت بنی اميّه هيجگاه از روي قلب اعتقاد به آئين اسلام نداشته بلکه در باطن پيرو عقايد و روايات بت پرستی اعراب قديم بوده[۷۹] و بسبب حکومت ظالمانه خود در ايران ايرانيانرا ازخود بيزار و دشمن خود ساخته و ايرانيان هم در اين موقع به خاندان عباسی که حريف و رقيب ايشان بودند کمك نموده تا قوت و قدرت يافته بر

---

۷۸ راجع به تفصيل اعتقاد اين دو فرقه الكلام تاليف شبلی جلد اول را بخوانيد وهمچنين رجوع کنيد به کتاب «ترقی الهيات» در ايران تأليف دکتر اقبال و بکتاب المعتزله تاليف دکتر ارنالد و بکتاب کرته تاريخ شرق صفحه ۹۲ تا ۹٥ (ترجمه انگليسي)

۷۹ به کتاب خدا بخش «سياست در اسلام» صفحه ۱٦۲ و همچنين به کتاب خلافت تاليف ارنالد صفحه ٥٦ تا۵۷ رجوع نمائيد

بویه و دیالمه و دیگران که از نژاد پاك ایران
بوده فرمانروائی کردند پس از انها سلسلهٔ غزنویه
که در تحت فرمان سلطان محمود به اوج اقتدار
رسیده صاحب تاج و تخت شدند در زمان سلطان
محمود بود که شاعر وطن پرست معروف فردوسی
کتاب شاهنامه را که مشهور آفاقست برشته نظم در
اورد سلجوقیان ترك غزنویان را از ایران رانده
و تا نیمهٔ آخر قرن دوازدهم مسیحي در این
مملکت اقتدار کامل داشتند پس ازان خوارزم
شاهیان انها را شکست داده و لیکن چندی بعد مغولها
ایشان را از مملکت رانده و قریب به یك قرن ونیم
مملکترا کاملاً درتحت تصرف خود داشتند درتاخت
و تاز مغول ایرانیان دچار آفات و بلیات سخت شده
و چندی ملیون از انها بقتل رسیدند لیکن رؤسای
اواخر مغول قدری صلح جو و نسبت به بومیان
بردبار بوده اما این حالت هم چندان دوامی ننمود

در سرنوشت ایرانیان هنوز یك بلا و مصیبت
دیگری بوده که باید درایام اقتدار و سلطنت

مأمون حکومت ایران در تحت انتظام یکنفر رئیس نظامی ایرانی نژاد طاهر ذوالیمینین که مأمون را در استقرار سلطنتش در بغداد در مقابل رقیب خلافتش امین برادرش کمك کرده بود در آمد [۸۰]

خانواده طاهر در این مملکت از هشتصدو بیست تا هشتصد و هفتاد و دو هجری با استقلال تمام فرمانروائی نموده بهیچوجه بحکومت مرکزی خلفا مربوط نبودند سلسلهٔ طاهریه که سلطنت خاندان ایشان بواسطه صفاریه که یعقوب بن لیث بانی این خاندان و تا ۹۰۳ مسیحی فرمانروا بودند انقراض یافته و پس ازان خانواده سامانیه که نسب ایشان بسلسلهٔ پادشاهان قدیم ایران پیوسته است بجای انها فرمانروا شدند سلاطین سامانیه در تمشیت امور ملت نهایت مواظبت و مراقبت را داشته و در مملکت بآسایش و رفاهیّت سلطنت نمودند در ردیف ایشان رؤسای کوچکی مانند آل

۸۰ بکتاب گرته تاریخ شرق باب چهارم تألیف نالدکی رجوع کنید

رؤسای افغان دلیرانه جنگیده در مملکت بآسایش و رفاه حکومت نموده و پیروان سایر ادیان هم عموماً و زردشتیان خصوصاً در عهد شاه عباس بزرگ لایقترین پادشاه سلسلهٔ صفویه[۸۱] در راحت و امان بسر میبردند لیکن اعقاب و اخلاف او راه ظلم و تعدی پیش گرفته از این جهت خلل در بنیان مملکت افتاده و نتیجه این شد که در سال ۱۷۳۶ یکی از رؤسای افغان نادر قلی که در جور و بیداد ثانی تیمور و بغایت مشهور بود بر سریر سلطنت جلوس نمود لیکن طولی نکشیده که دست اجل گریبان حیاتش را گرفته چند نفر از امرای معتبر او بخیمه او تاخته نخل وجودش را از پای برانداخته وکشور ایران یکبار دیگر مورد تاخت و تاز و نهب و غارت و محاصره قبایل و عشایر گردید تا در سال ۱۷۶۰ مسیحی یکنفر از صاحب منصبان معتبر قشون کریمخان زند کفالت امورسلطنت را در کف کفایت خودگرفت کریم خان از طایفه ایست موسوم

۸۱ رجوع کنید به دایره المعارف دین و اخلاق جلد نهم و صفحه ۷۶۹

تیمور بی باك سفّاك در ایران مواجهه نمایند
از این روی چندین ملیون از ایرانیها بواسطه
مقاومت با او موافق رسم امراء مغول چنکیز و
هلاکوخان دوباره بقتل رسیدند

حال در چنین اوقات انقلاب و فساد که مسلمانان
با برادران اسلامي خود در جنک و جدال و نزاع
و قتال بودند از این رؤسای بیمروت سلوکی بهتر
از این نسبت به کسانیکه خارج ازدایرهٔ اسلام
بودند نتوان متوقع بود خانوادهٔ تیمور در این
مملکت تا سال ۱۵۰۰ مسیحی سلطنت نموده و پس
از فوت آخرین پادشاه تیموریه ایران از هر طرف
معرض تاخت و تاز ازبکیان و ترکمانان و سایر قبایل
صحرا نشین بوده تا اینکه قوهٔ کامل دیکری
بدست سلاطین صفویه تأسیس یافته و این پادشاهان
از سال ۱۵۰۰ تا ۱۷۳۶ مسیحی در این مملکت
سلطنت نمودند این سلسله بواسطهٔ اصلاحات و
تشکیلات کوناکونیکه از برای حفظ مقام حکومت
ملي خود نمودند معروف و با ترکهای عثماني و

سلسلهٔ قاجاریه در ایران با کمال زبردستی و ظلم تا سال پر از حوادث و مخاطرات ۱۹۲۵ فرمانروائی نمودند در خاتمهٔ این سال اخرین پادشاه جوان این خاندان از زحمات و صدمات سلطنت این مملکت رهائی یافت و قایع جگر سوز سلطنت جابرانهٔ قاجاریه هرگز از صفحه خاطر اخلاف و اعقاب ایرانیان محو نخواهد شد

تعدیاتیکه در بارهٔ زردشتیان[۸۴] و طایفهٔ بابیه و بهائیه و دیگران حتی نسبت بعدّهٔ زیادی از فقهاء شیعه (که در تحت نفوذ روسها در مدت انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ کشته شدند) روا داشته اند هیچگاه فراموش شدني نیست[۸۵] صدمهٔ بزرگی مخصوصاً در سلطنت این سلسله به جمعیت پارسیان ایران وارد آمده که اگر مدد برادران دینی ایشان یعنی فارسیان هندوستان که گاهگاهی بایشان

---

۸۴ به دایره المعارف دین و اخلاق جلد نهم مقالهٔ تی. و. ارنالد در «اجحاف» رجوع شود

۸۵ از برای اطلاع بتفصیل در این باب به انقلاب ایران تالیف پرفسر برون رجوع نمائید

به زند و از خانوادهٔ بسیار قدیمی است که شت زردشت بنفس نفیس محافظت کتاب زند اوستا را به نیاکان این طایفه محول نمود[۸۲] سلسله زندیه دارای کرامت ذات و محامد صفات بوده و در مدت قلیلي که این خاندان ایرانی نژاد حقیقی اقتدار کامل در ایران یافته ایرانیان بدون تفاوت متنعم به نعمت امن و امان بوده لیکن طولي نکشید که بخت نامساعد رشتهٔ آرامش و آسایش ایشان را از هم گسیخت ایام سلطنت زندیه از همان اوایل بواسطهٔ ایل قاجار پر از تشویش و اضطراب بود وچون چنین مقدر بود که ایل قاجار مدت مدیدی درآیندهٔ نزدیکی در ایران دارای تاج و تخت باشند از این روی این طایفه در زیر فرمان آقا محمد خان ظالم و وحشي[۸۳] آخرین پادشاه زندیه لطف علیخان را در سال ۱۷۹٤ شکست داده مالك علی الا طلاق این مملکت گردیدند

---

۸۲ بتاریخ ایران تالیف مارخام صفحه ۳۲۱ رجوع نمائید

۸۳ بتاریخ ادبیات فارسی جلد اول صفحه ۲۰۷ رجوع نمائید

مملکت را متزلزل ساخته و دست تعدی و پای تجاوز
بیگانگان را از هرطرف بسمت این مملکت درار نمود

آزار و اذیت به فرقه های مختلف ملت اسلام
کشور که همه متعلق به یك و پرستندهٔ یك خدا
و پیرو یك پیغمبر بوده اند بیشتر سبب انحطاط
و زوال چنین مملکت بزرگی گردید

میرسید نبود حال انها تباه تر و روزگار انها سیاه تر میشد[۸۶]

در شرح اوضاع ایران تا درجهٔ که ملّت پارسي مستقیماً بتاریخ این مملکت علاقمند است دقت نموده ایم و در این صورت خوانندگان کاملاً تصدیق خواهند داشت که ایران مرارت گاه مسلمان و غیر مسلمان علي السویه بوده و در این مملکت حکومت استبدادی کسانیکه اسماً پیروان محمد خوانده شده و اصلا در صدد پیروی احکام پیغمبر اکرم خود نبوده همیشه سلب راحت و آسایش ملت مینمود اسلام که معنی لفظش صلح و سازش است[۸۷] باذیت و آزار ملت مطیع هرچند بیگانه از دین باشد هرگز حکم نداده بلکه فخر میکند که بانی آن رحمة للعالمین است

نفاق و شقاق که درمیان عموم ایرانیان بسبب امور مزبور حکمروا بود واقعاً ارکان دولت و بنیان

---

۸۶ به کتاب «ایران گذشته و اکنون» تألیف پرفسر جکسن از برای تفصیل رجوع نمائید

۸۷ رجوع کنید به روح اسلام تألیف امیرعلی صفحهٔ ۱۱۷

بصورت اصلیه اش آزمایش و محسنات معنوی و مزایای روحانی انرا تقدیر و تحسین نماید شبهه نیست که بسیاری از مورخین بزرگ اعراب اوایل ایام اسلام هم در این باب قلم فرسائی نموده اند از برای تحصیل اطلاع در این خصوص میتوان بکتاب گرانبهای فاضل معروف روسی م. اینستراتزو که در همین خصوص نوشته شده و بتوسط مستر ح. ك. ربمان در دست رس انگلیسي خوانان گذاشته شده است رجوع نمود[۸۹]

تأسف در این است که مورخین اسلام غالباً گرفتار لجاج و عناد دینی و عرض و تعصّب نژادی بوده و گاهی باندازهٔ از نزاکت خارج گردیده که برخی از صور عقاید و وجوه قواعد دینی زردشت را بکلی برخلاف مراد و مضمون موادّان تعبیر و تفسیر نموده اند ما در چنین صورت و با چنین معایب خود را مرهون زحمات و ممنون خدمات مستشرقین

---

۸۹ در تحت عنوان تأثیر ایران در ادبیات مسلمین بمبئی ۱۹۱۸

باب هفتم

خاتمه کتاب

باید در مقام انصاف پا از دایرهٔ انصاف بیرون نگذاشته و امید که مندرجات صفحات پیش اقلاًقدری از اشتباهات عمدهٔ راجع باین دین بزرگ را رفع نموده باشد در ذکر سرگذشت و صُحُف پیغمبر ایران شاید چیز تازه و ناگفتهٔ نگفته باشیم البته در این دورهٔ تجسّس و تفحص و تدقیق و تحقیق باید تعصّب نژادی و حمیّت دینی را بکنار گذاشته و در این عصر ترقی معارف و علوم و تبدّل موهوم به معلوم نباید با نظر سطحی در موضوعی حکم و قضاوت نمود روزهائیکه مصلح بزرگ ایران را طرّار و پیروانش را کفّار میخواندند سپری گردید و باید از فضلاء غرب متشکر بود که از جد و جهد وافي ایشان ادبیات "گبر" بی پرده در پیش چشم اهل عالم گذارده شده و هر کس میتواند که تعالیم زردشت را

همین مؤلف اشاره مینماید با اینکه اروپائیان پدر تاریخ مینامند تاریخش مشتمل بر هزاران خارق عادت و مملوّ از اساطیر است فردوسی وظیفهٔ خود را چنین میدانست که انچه از روایات قدیمه که در دست رس او بود بی کم و زیاد بنویسد فضلا بزرگ اروپا مانند مهل و برون و دیگران بر آنند که گویندهٔ چکامه پارسی بر وفق روایات ملّی نامه خود را برشتهٔ نظم در آورده است

در مقایسه و موازنهٔ داستانها و حکایات فردوسی با قصص و روایات ادبیات اوستا و پهلوي حقیقت این قول به ثبوت نزدیکتر میشود در حقیقت چنانکه مورّخ معروف عرب ابن اثیر میگوید[۹۱] شاهنامه قرآن مجید ایرانیان و بعقیدهٔ او زبان عربی با اینهمه بسط و وسعت لغاتش چنین کتابی بوجود نیاورده است[۹۲] نکته دیگر انکه فردوسی بجهت استعمال ننمودن کلمات عربی در کتاب خود مورد

۹۱ رجوع کنید به مثال السیر که شبلی در کتاب شعرالعجم خود جلد اول و صفحه ۱٤۱ نقل کرده است

۹۲ رجوع کنید بکتاب فوق

مزبور دانسته و مخصوصاً پس از ملاحظهٔ اینکه سند
و مأخذی بصورت یادداشت و دفتر ملّی که تاریخ
و تمدّن قدیم ایران دران ثبت و ضبط شده باشد
جز کتاب بی نظیر شاعر بزرگ وطن پرست ایران
شاهنامه فردوسي در دست نداریم بر قدردانی ما
خواهد افزود اهمیت تاریخی شاهنامه فقط از این
جهت مورد تنقید فضلاء امروزهٔ اروپا است که
داستانهایش برشالودهٔ روایات ملّی بنیاد نهاده شده
است لیکن پس از مقایسهٔ و موازنهٔ شاهنامه با تألیفات
و تصنیفات مورخین بزرگ اسلام مانند طبری
و یعقوبی و دیناواری و همزه و مسعودی و دیگران
برما معلوم میشود که فردوسی برخلاف سایرین
بندرت از طریق تاریخ انحراف ورزیده است
شمس العلما، شبلي میگوید[۹۰] سبب بی اعتباری شاهنامه
فقط حکایاتی است که خارج از امکان و افسانه هائی
است مملوّ از اغراق که میتوان اهمّیّتی بانها نداده
و از آنها صرف نظر نمود هر و دوتس را چنانکه

---

۹۰ رجوع کنید به شعرالعجم جلد اول صفحه ۱۲۷
یا ۲۱۸

که اوضاع و حالات ایران باستان و وقایع و حوادث این کشور و افکار و مقاصد اهالي را از روی صدق و حقیقت تشریح و توضیح نماید و انجام چنین وظیفه از برای او ممکن نبود جز اینکه احساسات ایرانیانرا در مدّتیکه غرور و افتخار ملّی ایشان از بیگانگانیکه وقتی در تحت تبعیّت ایشان بودند روی بزوال و در شرف اضمحلال بود ارائه و ابراز نماید فردوسی در موافقت با احادیث و روایات وطن خود همیشه سعی بلیغ داشته و از این جهت محبوب القلوب هموطنان و دیگر کسان بوده و مسلمانان و زردشتیان تا امروز نامش را به نکوئی یاد نموده و بر روانش درود میفرستند

حال عطف سخن به جنبش جدید زردشتیان که در این سنوات اخیره روی بفزونی و پیشرفت است مینمائیم پس ازانکه شیرازهٔ اوراق مملکت شاهنشاهی ایران در سال ۶۳۵ مسیحی از هم پاشیده شده بسیاری از زردشتیان جلاءِ وطن نموده از راه دریا

انتقاد واقع گردیده است لیکن این نکته را باید در نظر داشت که شاهنامه تالیف کسی است که در حقیقت ملتخواه و مقصودش ثبت و ضبط وقایعی است که کاشف اُبهّت و عظمت ملّی ملّت بزرگی میباشد روش و سبك شاهنامه از این جهت اساساً گفتگو از مطالب ملّي بوده و به تعصبات دینی مربوط نیست و چنانکه قائد بزرگ اسلام ابو حنیفه بانی یکی از فرق چهارگانهٔ اسلامی چون از نسل ایرانی بود قرائت سوره های قرآنیرا در نماز های روزانه برخلاف آرای بسیاری از فقهاء بزبان فارسی تجویز نموده[۹۳] فردوسی هم در اتخاذ این مسلك ناچار و بی اختیار بود ملامت دیگری که متوجه او گردیده این است که او تازیان (مسلمان) را قدح و ایرانیان (مغهای زردشتی) را مدح نموده با اینکه خود داخل در زمرهٔ مسلمین است لکن باید دانست که فردوسی از راه اضطرار برخلاف دلخواه خویش این طریقه را اختیار نمود وظیفه فردوسی این بود

---

۹۳ رجوع به کتاب صراط النعمان تألیف شبلی صفحه ۱۳۵ نمائید

دشمنی و نفاق اهالیرا بدوستی و وفاق مبدّل نماید
در صدد این است که طوایف مختلفهٔ ایرانیان یعنی
زردشتیان و مسلمانان راکه در ایام گذشته بسبب وقایع
اتفاقیه از همدیگر جدا شده بودند بهم پیوند داده تفرقه
و شتات را بجمع و اتحاد مبدّل سازد زردشتیان پس از
کوشش فراوان حقوق و امتیازات بسیاری در ایران
از برای خود بدست آورده حال برخی مشاغل کشوری و
لشگري دولت را درعهده گرفته و بامسلمانان این مملکت
مانند دورهٔ اوایل اسلام در یك رتبه و مقام واقعند[۹۵]

کشور شیر و خورشید از فرمانروایان پیشین
خود مدت مدیدی گرفتار صدمات و زحمات بسیار بوده
و میتوان گفت که اکنون دورهٔ تازهٔ در تاریخ ایران
عموماً و در تاریخ پارسیان خصوصاً آغاز گردید
اکنون ایران جانشین حقیقي سیروس و داریوش را
یافته و تخت با شکوه جمشید و نوشیروان را امروزه
کسی دارا است که آسایش و راحت خود را فدای
نفع و سعادت ملت خود مینماید

۹۵ برسایل شبلی صفحه ۷۳ تا ۷۵ و به کتاب روح اسلام
تألیف امیرعلی صفحه ۲٤۹ رجوع نمائید

وارد مملکت تازهٔ شدند[۹۴] نسل پارسیان امروزهٔ هند
که خود را از اولاد و اعقاب زردشتیان اصلی میدانند
در صدد اینند که رابطهٔ کهن را با رشتهٔ نیم گسیختهٔ
بیش پیوند و مستحکم نمایند هر چند این پارسیان
پس از مهاجرت از ایران هندوستان را وطن خود
اختیار نموده و در شمار با وفاترین رعایای دولت
انگلیس محسوب و از نعمت امنیت و برکت سعادت
برخوردارند امّا هنوز مهر کشورنیاگان بر لوح
ضمیر و صفحهٔ خاطر ایشان ثبت و ضبط و تاکنون
کاهش و فرسودگی دران راه نیافته است اعلیحضرت
رضا شاه پهلوي فرمانروای امروزه ایران با این
جنبش جدید پارسیان هند همراه و مساعداست و
چون بنفس نفیس همّت بر آبادی مملکت و تربیت
رعیت گماشته و مساعی جمیله در ترقی علم و صنعت
مبذول داشته و عزم آهنین را جزم نموده که این
مملکت را در ردیف ممالك متمدّنه گذاشته و

---

۹۴ رجوع کنید به تفصیلی که در این باب شمس العلما
ج. ج. مدی در کتاب خود موسوم به تاریخ قدیم پارسیان
صفحه پنج تا نه ذکر نموده و بکتاب تأثیر ایران در ادبیات
مسلمین صفحه ۱۲ یا ۱۴ تألیف نریمان

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۵	از سال هزار پیش از مسیح	از هزار سال پیش از مسیح تاکنون
۲	۲و۴	آن	ان
۲	۱۳	است	بوده
٦	۳	نصفحه	صفحه
٦	۱٤	صلای عام داده	نفحهٔ صور دمیده
٦	۱۵	صور دمیده	صلای عام داده
۸	۱٤	خدا	خدای
۱۲	۹	محصوص	مخصوص
۱۳	۱۱	ارادهٔ	اراده
۱٤	۱۹	اهسن	احسن
۱۷	۱۸	هفتم	هشتم
۱۷	۱۹	زردشت	زردشت تألیف کایادیا
۱۷	۲۰	الهی	حکمت الهی
۲۰	۸	بسیاو	بسیار
۲۰	۱٤	خلقا	خلفا
۲۳		(سه سطر اول را پس از سه سطر دوم باید خواند	
۲۳	٦	اسپنیتا	اسپیتاما
۲۵	٤	یونا	یونان
۲۵	۲۰	برون	برون نمائید
۲٦	۵	هندی اریانی	هندی ایرانی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦٨	١٧	٧٦ ت	٧٦ح [درجاهای بعد هم (ت) را به (ح) بدل نمائید]
٦٩	٥	زبان	بزبان
٦٩	١١	گونه	گوشه
٧٢	٥	پس	زردشت پس
٧٢	٩	زردشت میگوید	و میگوید
٨٠	١٧	یا	تا
٨٥	١٧	و آتوالزکوة	و آتوا الزکواة
٨٦	١	ایرانها	ایرانیها
٩٨	٥	ایک	این
١٠٣	١٦	تثبت	تشبث
١٠٧	٩	الهامی	مکاشفه و الهامی
١٠٨	٧	و از جهت	و از این جهت
١٢٩	١	شبیع	شنیع
١٣١	١٨	لادم	لازم
١٣٢	١٩	ایرانها	ایرانیها
١٣٥	١١	گریده‌اند ازبرای	گزیده اند از برای
١٣٧	١١	تصبعه	تصفیه
١٥٣	١٥	والملکة	والملائکة
١٥٤	٨	نطق کننده	مدرس
١٥٤	١٦	والطاغوت	الطاغوت
١٥٧	١٦	ربوبیت ر	ربوبیت را
١٦١	١٨	یهوة	یهوه
١٦٢	٢٤	عادت	عبادت منها
١٦٨	٧	ار	از

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲٦	۱۲	روحانی	روحانی قطعی
۳۳	۹	هست	است
۳۳	۱۹	عرسی	عروسی
۵۱	۳	خواهم	خواهیم
۵٤	٤	موجودند	فعلاً موجود اند
۵٦	۳	بصورت	بصوب
۵۷	۱۱	با	یا
۵۹	۱۳	دینیهٔ	دینیه
٦۰	۱٦	تجدای	تجدائی
٦۱	۱۱	عالم	عام
٦۱	۱۲	مراد اختلاف	اختلاف مراد
٦۱	۱۷	یایهٔ	پایهٔ
٦۲	۹	گلد زیر	گلد زیهر
٦۲	۱۲	نصاری	و نصاری
٦۷	۱۲	اختلالی	اختلالی را
٦۸	۳	۷٦ت	۷٦ج بعلاوهٔ این کتابهای مقدس نوشتجات دیگری بزبان زند و تصنیفات دیگری بزبان فارسی موجود است «روایات فارسی» مهمترین آثار ایام اخیر و پس از مهاجرت فارسیان بهند فراهم گردید
٦۸	۱۳	.ما شبههٔ	بی شبهه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۱۳	٤	مسلمیان	مسلمین
۲۱۳	۱٦	٦۰٦	٦۰٦ رجوع نمائید
۲۱۷	۱۹	ctsoq	و صفحهٔ بعد
۲۱۸	۱	ار که	که
۲۱۸	۳	در	که در
۲۱۹	۱۸	صفحهٔ ۲۲۵	صفحهٔ ۲۲۵ رجوع نمائید
۲۱۹	۹	باعی	یاغی
۲۲۳	۱	باب پنجم	باب ششم
۲۲۳	۷	بیاندازیم	بیندازیم
۲۲٤	۱۵	مسعودی وبکتاب	به تألیف مسعودی کتاب
۲۲٦	۳	و این سه	و وجود این سه
۲۲۷	٤	ضفات	صفات
۲۲۸	٦	نامه	تامّه
۲۳۱	۱۸	نشگانده	نشکانده
۲۳۳	۱۰	الدان	البلدان
۲۳٦	۱۳	رجوع	رجوع کنید
۲۳۹	۱۳	حزامهٔ	جزیه
۲۳۹	۱۷	اوست	او بوده
۲۳۹	۱۸	و با	و
۲٤۷	۱۷	مکاتیبی	و مکاتیبی
۲٤۹	۹	میندارند	می پندارند
۲۵۰	۱۲	پیشتری	بیشتری
۲٦۰	۲	متبرکه	متبرکا
۲٦٤	۱	زحیث	از حیث

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱٦۸	۱٥	جواب	و جواب
۱٦۹	٦	ایشان	ایشانرا
۱٦۹	۷	فضای	قضای
۱۷۱	۹	نوچهار	و چهار
۱۷۱	۱۲	پیغامیکهٔ	پیغامی که
۱۷۲	۲۰	لکنهؤ	لکهنو
۱۷٦	۷	خدا را وبا	خدا را باو
۱۷۷	۱۱	آتش	بآتش
۱۷۹	۷	آن	ان
۱۷۹	۱۷	مطایق	مطابق
۱۷۹	۱۸	آبت	آیت
۱۸٦	۱٦	ساخت	انرا ساخت
۱۸۸	۷	فارسیانرا	فارسیان راجع
۱۹۰	٦	هرج در بحبوحهٔ	در بحبوحهٔ هرج
۱۹۲	۸	ین	این
۱۹۳	۱۸	بیان	ذکر شده
۱۹۳	۱۹	صلعین	صحیحی
۲۰۲	۹	هم یهویان	یهودیان هم
۲۰۲	۱۹	۸۰	۷۰
۲۰٦	۱۷	تبسیر	به تیسر
۲۱۲	٥	عقیده	عقیدهٔ
۲۱۲	۱۲	۷	۸
۲۱۲	۱۹	پشت ۲	پشت ۱۲
۲۱۲	۲۰	۳۹ ،۱	۳۹
۲۱۳	۱	جهنمّ ی	جهنم

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۶۷	۱۴	و چندی	چندین
۲۶۹	۱۳	و کشور	کشور
۲۶۹	۱۴	گردید	گردیده
۲۷۱	۱۶	تی. و	تی. دبلیو
۲۷۳	۴	متعلق به یک	آفریده
۲۷۷	۵	قصلا	فصلاً

PRINTED BY ANTHONY F. DE SOUSA AT THE FORT PRINTING PRESS, NO. 1, PARSI BAZAR STREET, FORT, BOMBAY, AND PUBLISHED BY KAIKHOSROW A. FITTER, SECRETARY, THE IRAN LEAGUE, NAVSARI BUILDINGS, HORNBY ROAD, FORT, BOMBAY.

1000 1-4-1936